

# مجله بین الملل

نحوه حل اختلافات ایران و آمریکا  
بعد از توافق



گفتگو با رابرت هانتر سفیر سابق آمریکا در ناتو

آسیای میانه؛ حوزه جدید فعالیت داعش

هدف از سفر طالبان به تهران

بازی ژئوپولیتیک آمریکا و انگلیس در زمین فیفا



فهرست مطالب

ایران در جهان



۳

- ۳ گفتگو با سلطان السامعی نماینده پارلمان یمن
- ۵ گفتگو با فرهنگ جهانپور استاد دانشگاه آکسفورد
- ۸ گفتگو با پل پیلار رئیس سابق تحلیل عملیات سیا
- ۱۵ واکنش اسرائیل بعد از توافق هسته ای چه خواهد بود

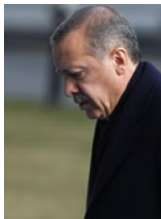
خاورمیانه و شمال آفریقا



۱۹

- ۲۰ گفتگو با اسماعیل ولد شیخ نماینده سازمان ملل در امور یمن
- ۲۴ فرزا و فرود روابط عراق و عربستان
- ۲۷ گفتگو با عبدالهادی الصالح وزیر مشاور اسبق کویت
- ۳۰ سلب تابعیت شیعیان؛ روش آل خلیفه برای تغییر بافت جمعیتی بحرین

اروپا



۳۲

- ۳۳ گفتگو با فاروق اوغلو سفیر سابق ترکیه در آمریکا
- ۳۵ گفتگو با رابرت هانتز سفیر سابق آمریکا در ناتو
- ۳۸ همه پرسى جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا
- ۴۰ علل شکست حزب حاکم ترکیه

آسیا



۴۲

- ۴۳ سفر خطیر مسلمانان روهینگیا در اقیانوس هند
- ۴۴ گفتگو با سید نادر شاه بحر نماینده پارلمان افغانستان
- ۴۶ سیای میانه؛ حوزه جدید فعالیت داعش
- ۴۷ گفتگو با ناهید فرید نماینده پارلمان افغانستان

آمریکا



۴۸

- ۴۹ ایران و ۵+۱ بعد از توافق چگونه اختلافات را حل می کنند
- ۵۰ بازی ژئوپلیتیک آمریکا و انگلیس در زمین فیفا
- ۵۲ هیلاری کلینتون؛ نامزد دمکرات با روحیه جمهوری خواهی
- ۵۳ گفتگو با نیکلاس اوف بنیانگذار مکتب سازه انگاری روابط بین الملل



شناسنامه مجله

- مدیر مسئول: علی عسگری
- شورای سردبیری: سید امیرحسن دهقانی، محمد قادری، جواد حیران نیا
- دبیر تحریریه: جواد حیران نیا
- همکاران این شماره: حنیف غفاری، امید شمیزی، عبدالکریم پهلوانی
- مدیر هنری: محبوبه عزیزی

□ شماره تماس: ۸۸۰۹۵۰۰  
پست الکترونیک: [world@mehrnews.com](mailto:world@mehrnews.com)

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



- هدف از سفر ولد شیخ به تهران
- آیاتالبان به تهران سفر کرد
- گفتگو با پروفیسور جهانپور استاد دانشگاه آکسفورد

ایران در جهان

دبیر: پیمان یزدانی



نماینده پارلمان یمن مطرح کرد:

## هدف از سفر ولد شیخ به تهران کسب کمک بود/ اعراب فریبکاری می کنند

گفتگو از فاطمه درخشان

«سلطان السامعی» ضمن بیان چرایی تجاوز عربستان به یمن به بررسی ابعاد مختلف این تهاجم نظامی پرداخت. تجاوز عربستان به یمن از ششم فروردین ماه سال جاری تحت عنوان طوفان کوبنده آغاز و با مشارکت ۱۲ کشور با تغییر عنوان فوق به عنوان «بازگشت امید» همچنان ادامه دارد. حملات ائتلاف ضد یمن به مناطق مختلف این کشور تاکنون بیش از چهار هزار شهید و زخمی برجا گذاشته و منجر به آواره شدن صدها هزار شهروند یمنی شده است. زیرساختهای شهری یمن نیز در جریان حملات همه جانبه ائتلاف ضد یمن به کلی ویران شده است. این در حالی است که غرب و کشورهای داعیه حقوق بشر از این حملات حمایت می کنند. در همین راستا خبرنگار مهر گفتگویی را با «سلطان السامعی» عضو مجلس نمایندگان یمن و رئیس جبهه انقاذ الثورة و رئیس جنبش ضد فساد یمن ترتیب داده است که مشروح آن به شرح زیر است.

**|| با توجه به اینکه «خالد بحاح» نخست وزیر مستعفی یمن اخیرا اعلام کرد که استقلال یمن جنوبی به عنوان یکی از راهکارهای حل بحران یمن مطرح است موضع عربستان در قبال این طرح چیست؟**

عربستان از سالهای پیش تا کنون در تلاش برای تجزیه، فروپاشی و تضعیف یمن است. این طرح در راستای طرح صهیونیستی انگلیسی برای نابودی امت عربی است که با حمایت و نظارت آمریکا انجام می پذیرد.

**|| «اسماعیل ولد الشیخ» نماینده سازمان ملل در امور یمن پس از بازگشت از عربستان به ایران آمد، به نظر شما توالی این دو سفر چه پیامی را در بر دارد و هدف از سفر وی به ایران چیست؟**

با توجه به این که ایران یک قدرت منطقه ای تاثیر گذار است یکی از اهداف این سفر درخواست کمک از ایران بود. ولد الشیخ با این اعتقاد که ایران کشوری مهم و تاثیر گذار در منطقه محسوب می شود برای چاره جویی و استمداد از ایران به تهران سفر کرد.



**|| نظر به اینکه «کالین پاول» وزیر خارجه اسبق آمریکا، از تجاوز عربستان به یمن انتقاد کرد آیا این امر می تواند به منزله اختلاف میان عربستان و آمریکا در خصوص یمن محسوب شود؟**

این امر نمی تواند نشان گر وجود اختلاف میان عربستان و آمریکا باشد، نه تنها اختلافی میان ریاض و واشنگتن در این زمینه وجود ندارد بلکه تجاوز عربستان به یمن با موافقت آمریکا صورت می گیرد. چنانکه اعلام آغاز تجاوز به یمن از طریق سفیر عربستان در آمریکا صورت گرفت، با این حال اگر هم اختلافی باشد بسیار جزئی است.

**|| چرا عربستان بر تجاوز خود به یمن مصر است و پافشاری می کند؟**

عربستان بر تجاوز خود به یمن همچنان پافشاری می کند چرا که می داند اگر یمن آزاد باشد و از سیطره عربستان خارج شود خطری برای عربستان محسوب می شود و به همین دلیل ریاض تلاش می

کند تا یمن را به یوغ اسارت خود بکشد تا به یمن اجازه استقلال نداده باشد.

**|| چرا شورای همکاری خلیج فارس در این برهه از زمان از پیوستن دولت عبدربه منصورهادی به شورای همکاری خلیج فارس حمایت می کند؟**

طرح پیوستن یمن به شورای همکاری خلیج فارس دروغی بیش نیست، این اتفاق هرگز محقق نمی شود و بیان اظهاراتی در این خصوص تنها با هدف فریب مردم یمن و بستن چشم آنها به روی حقیقت موجود و گمراه کردن آنها انجام می شود.

**|| چشم انداز جنگ علیه یمن را چگونه پیش بینی می کنید؟**

عربستان در تلاش است تا رنجهای مردم یمن را افزایش دهد، تداوم این جنگ موجب تعمیق اختلافات میان عربستان و یمن خواهد شد و همچنین افزایش تنفر نسلهای آتی یمنی از عربستان را در پی دارد. عربستان با اعلام جنگ علیه یمن در واقع قدم در راه نابودی امت عربی همانطور که در عراق و سوریه و لیبی مرتکب شده، گذاشته است.

تجاوز به یمن به عنوان ابزاری از ابزارهای مطرح رژیم صهیونیستی و انگلیس برای تغییر ساختار منطقه و امت عربی محسوب می شود و این جنگ هیچ دستاوردی جز افزایش تنفر از عربستان نخواهد داشت، چه بسا در آینده این جنگ به داخل اراضی عربستان منتقل شود.

## یک سفر نائید نشده و تحلیل های آن؛ چرا طالبان به تهران سفر کرد

شده است.

داعش از چند ماه قبل فعالیت خود را در افغانستان آغاز کرده و با عضو گیری در حال گسترش دامنه فعالیت و نفوذ خود است که البته در این رابطه با مخالفت طالبان مواجه شده و از همین رو در ماه های اخیر اخبار متعددی درباره درگیری های شدید میان نیروهای طالبان و داعش در افغانستان منتشر شده است.

گاردین در ادامه با اشاره به اینکه در شرایط فعلی داعش یک تهدید مشترک برای ایران و طالبان محسوب می شود یکی از دلایل سفر هیئت طالبان به ایران را تلاش مشترک این دو برای مقابله با داعش عنوان کرده است.

به گزارش مهر، دلیل دومی که از نگاه روزنامه گاردین موجب سفر هیئتی از طالبان به ایران شده، خروج نظامیان خارجی از افغانستان است. به اعتقاد گاردین ایران و طالبان خواستار تسریع خروج نظامیان خارجی از افغانستان هستند. در این میان هر چند ایران خواهان به قدرت رسیدن دوباره طالبان در افغانستان نیست اما از حضور این گروه در قدرت و اینکه طالبان بخشی از قدرت سیاسی حاکم در افغانستان باشد حمایت می کند زیرا در این صورت دلیل اصلی نزدیکی ایران و طالبان به هم یعنی مقابله با داعش، شکل جدی تری به خود می گیرد.

گاردین در ادامه می نویسد: اتحاد تهران و داعش نه تنها می تواند منافع مشترک آنها در مبارزه با داعش را فراهم کند بلکه می تواند عاملی باشد تا ایران اهرمی برای کنترل رفتار دولت جدید افغانستان در دست داشته باشد. دولت جدید افغانستان از حملات عربستان به یمن حمایت کرده و این موضوعی نیست که ایران آن را نادیده بگیرد.



انتشار خبر سفر هیئتی از طالبان افغانستان به ایران هر چند تکذیب شده اما بازتاب هایی در رسانه های جهان داشته که در همین رابطه یک روزنامه انگلیسی به تحلیل چرایی آن پرداخته است.

گاردین گزارش خود را با اشاره به تحولات سال های نه چندان دور یعنی سال های ابتدایی به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان و اینکه در آن سال ها ایران و حکومت وقت افغانستان با یکدیگر دشمن بودند آغاز کرده و در ادامه به حمایت ایران از سقوط حکومت طالبان در حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا به افغانستان می پردازد.

در ادامه این گزارش اما به تحلیل اینکه چرا هیئتی از طالبان به ایران سفر کرده پرداخته شده و در بیان دلایل آن ابتدا به موضوع فعالیت گروه تروریستی داعش در افغانستان اشاره

اکبر صالحی» رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و «ارنست مونیز» وزیر انرژی آمریکا صورت گرفت، طرفین مذاکره در تاریخ دوم آوریل سال ۲۰۱۵ بر روی چارچوب توافق جامع - که باید تا آخر ژوئن ۲۰۱۵ حاصل شود - با یکدیگر به تفاهم رسیدند. ناگفته نماند که برنامه اقدام مشترک ژنو و تفاهم نامه لوزان با مخالفت شدید «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی و بسیاری از حامیانش در آمریکا - به ویژه اعضای کنگره - مواجه شد در همین رابطه، «جان بینر» سخنگوی مجلس نمایندگان آمریکا از نتانیاهو دعوت کرد تا در نشست مشترک کنگره علیه «باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا به ایراد سخنرانی بپردازد و مخالفت خود را با توافق احتمالی هسته ای اعلام کند در این میان، بسیاری از اعضای برجسته کنگره از جمله سناتورهای جمهوری خواه وعده ممانعت از تصویب توافقی را سر دادند که قرار است بین ایران و غرب حاصل شود. آنها شماری قطعنامه دست و پاگیر ارائه دادند که در صورت تصویب می توانست آینده هر گونه توافق احتمالی با ایران را به نابودی بکشاند، به همین دلیل بود که اوباما در ابتدای کار تهدید کرد که اگر مجلس سنای آمریکا قطعنامه ای را مبنی بر ممانعت از حصول توافق هسته ای با ایران به تصویب برساند، وی آن را وتو خواهد کرد.

## || چرا اوباما نظر خود را تغییر داد و با امضای لایحه بازنگری توافق هسته ای ایران موافقت کرد؟

اگر چه اوباما در ابتدا با قطعنامه ضد ایرانی سنای آمریکا مخالفت کرد، کار با وساطت برخی از دموکرات ها به مصالحه و سازش کشید و لحن قطعنامه سنا به طور قابل ملاحظه ای نرم تر شد. قانون بازنگری توافق هسته ای ایران که با اکثریت آراء در هر دو مجلس نمایندگان و سنای آمریکا به تصویب رسید در جهت مخالفت با توافق هسته ای ایران نیست. این لایحه اقدامی برای حفظ آبروی مجالس قانونگذاری آمریکا بود و از شکمش احتمالی بین آنها جلوگیری کرد. این لایحه فقط به کنگره آمریکا بی آنکه حق وتو داشته باشد توان بازنگری توافق احتمالی با ایران را می دهد. به موجب این لایحه باید توافق نهایی با ایران برای اعمال نظر به سنای آمریکا بفرستد و سنا هم ۳۰ روز فرصت دارد که آن را بازنگری کند. در پایان این دوره، سنا می تواند توافق را مطابق میل اوباما تایید کند و یا اینکه آن را رد کند. در مود دوم، اوباما دو هفته فرصت خواهد داشت که از حق وتوی خود برای لغو تصمیم سنا استفاده کند. از آنجا که تعداد مخالفان حق وتوی اوباما به دو سوم نمی رسد، ظاهراً مخالفت با تصمیم رئیس جمهور غیر ممکن است. بنابراین، سازشی که بین سنا و کاخ سفید صورت گرفته منفعتمند است چرا که به این ترتیب هم کنگره در توافق نهایی ایران (برجام) مشارکت می کند و هم اوباما از عدم توانایی کنگره به وتوی توافق امضا شده از سوی او مطمئن می شود.



گفتگو از جواد حیران نیا - مریم خرمایی

استاد دانشگاه آکسفورد:

## آینده برجام روشن است / کنگره توانایی وتوی توافق هسته ای را ندارد

استاد دانشگاه آکسفورد مصوبه «بازنگری توافق هسته ای ایران» را اقدامی برای حفظ آبروی کنگره آمریکا و تضمینی محکم برای عدم لغو توافق جامع هسته ای می داند.

اصرار کنگره آمریکا به اعمال نظر درباره توافق احتمالی با ایران و در نهایت مهر تایید «باراک اوباما» رئیس جمهوری آمریکا در پای لایحه ضد ایرانی بازنگری توافق هسته ای این دغدغه رایج وجود آورد که مبارزای خصمانه کنگره همه نتایج حاصل از مذاکره بین ایران و کشورهای ۵+۱ را بر باد دهد. تغییر ناگهانی موضع کاخ سفید که تا چندی پیش دم از وتوی قطعنامه ضد ایرانی می زد و کاوش پیرامون حد و مرز توانایی کنگره به تحقق خواسته های نامعقول، ما را بر آن داشت تا سوالات خود را با پیر و فسور «فرهنگ جهان پور» در میان بگذاریم و همراه با وی به ارزیابی تاثیرات مثبت و منفی لایحه کنگره ه آمریکا بر روند مذاکات هسته ای ایران بپردازیم. جهان پور استاد پیشین و رئیس دانشکده زبان های دانشگاه اصفهان بوده که در حال حاضر به تدریس در دانشگاه های کمبریج و آکسفورد مشغول است. وی استاد دوره های آنلاین دانشگاه های آکسفورد، بیل و استنفورد است. جهانپور بوریس یک ساله فرصت مطالعاتی در دانشگاه هاروارد را داشته و طی ۲۸ سال گذشته به تدریس در رشته سیاست های خاورمیانه در بخش تحصیلات تکمیلی دانشگاه آکسفورد مشغول بوده است. این مصاحبه به شرح زیر است:

غرب و آزادی بخشی از سرمایه بلوکه شده ایرانی ها در بانک های غربی شد. لازم به یادآوری است که اصلی ترین مورد اختلاف بین ایران و غرب که منجر به شکست مذاکرات قبلی شد عدم آمادگی غرب برای پذیرش حق غنی سازی اورانیوم در داخل خاک ایران بود. بعد از یک سلسله گفتگوهای فشرده بین وزرای خارجه ایران و کشورهای غربی و همچنین صحبت درباره مسائل تکنیکی که بین کارشناسان ایرانی به سرپرستی «علی

آمریکا- وجود داشت. برنامه اقدام مشترک بسیار مهم بود چرا که برای نخستین بار طی یک دهه گفتگو ها و مذاکرات فشرده غرب پذیرفته بود که ایران می تواند غنی سازی محدود در خاک خود داشته باشد و در مقابل ایران هم وعده داده بود که ابعاد غنی سازی خود را محدود کند تا صلح آمیز بودن برنامه هسته ای خود را به اثبات برساند. موافقت نامه ژنو همچنین موجب کاهش برخی از تحریم های اعمال شده از سوی

|| همانطور که می دانید کنگره آمریکا لایحه ای را با موضوع بازنگری توافق هسته ای ایران به تصویب رساند. در روند مذاکرات هدف از این لایحه چیست؟  
توافق ایران و کشورهای ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، انگلستان، فرانسه و آلمان) بر سر برنامه اقدام مشترک ژنو که در نوامبر سال ۲۰۱۳ حاصل شد، به برخی از نامهربانی ها و خصومت های ۳۴ ساله ای پایان داد که بین ایران و غرب به ویژه با



## تأثیر این لایحه بر روی مذاکرات جاری بین ایران و کشورهای ۵+۱ چیست؟ آیا این لایحه می تواند از یک سو تأثیر منفی بر روی ایران و از سوی دیگر بر روی استقلال و یکپارچگی کشورهای ۵+۱ داشته باشد؟

به عقیده من، این لایحه تأثیر مثبتی بر روند مذاکره خواهد داشت. اگرچه مداخله کنگره حصول توافق نهایی را چند هفته به تأخیر می اندازد، تضمین محکم تری را برای ایران به همراه خواهد داشت مبنی بر اینکه توافق از حمایت کنگره آمریکا هم برخوردار شده و قانونگذاران آمریکایی در آینده آن را لغو نخواهند کرد. هر توافقی که فقط بین ایران و رئیس جمهور آمریکا حاصل شود بر مبنای توانایی اوامرا به کاهش تحریم ها برای یک مدت محدود منعقد خواهد شد حال آنکه اگر ضمانت کنگره پشت آن باشد، از وضعیت قانونی محکمتری برخوردار خواهد بود. علاوه بر این لایحه مذکور به این معنا است که اگر کاخ سفید و بقیه اعضای ۵+۱ توافق نهایی با ایران را بپذیرند، کنگره به

سختی می تواند آن را رد کند چراکه در صورت اتخاذ چنین تصمیمی مسؤول به شکست کشاندن مذاکرات شناخته خواهد شد. لذا در مجموع، تأثیر لایحه کنگره بر مذاکرات ایران مثبت ارزیابی می شود و این تضمین را هم به دیگر مذاکره کنندگان غربی می دهد که توافق از حمایت کنگره برخوردار است.

در هر صورت، یک تأخیر چند هفته ای در اجرای توافق نهایی هسته ای چندان مهم نیست و به نوعی مفید هم می تواند باشد. ایران خواهان لغو یکجای تحریم ها همزمان با اجرای توافق است حال آنکه غرب بر لغو مرحله ای تحریم ها پافشاری می کند. ایران برای از کار انداختن تعدادی از سانسورهای مورد توافق و یا تغییر عملکرد برخی از تاسیسات هسته ای خود به چند ماه (شاید دو تا سه ماه) زمان نیاز داد. بنابراین، چنانچه طرفین مذاکره در پایان ماه میلادی ژوئن به توافق برسند می توانند بگویند اجرای آن به سه ماه بعد موکول خواهد شد. چنین برنامه ریزی برای اجرای توافق های بین المللی امر کاملاً معمولی

است و درباره برنامه اتمام مشترک ژنو هم صدق می کرد.

این برنامه ریزی به کنگره فرصت بازنگری و تأیید توافق هسته ای ایران را می دهد و برای ایران هم این امکان را فراهم می کند که تغییرات مورد تفاهم را در ساختار تاسیسات هسته ای خود اعمال کند. در پایان این دوره نیز، توافق به اجرا در می آید و همه تحریم ها برچیده خواهد شد.

لذا به نظر می آید که در نهایت همه چیز در مسیر درست حرکت می کند. این حقیقت که اوامرا سران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را برای تضمین حمایت آمریکا از اعراب به واشنگتن دعوت کرد حاکی از جدیت و در عین حال خوش بینی وی به حصول توافق جامع هسته ای است.

به همین دلیل هم هست که اوامرا می خواست جزئیات قرارداد احتمالی را برای ایشان شرح دهد و بگوید علیرغم حصول توافق با ایران قصد رها کردن کشورهای عرب خلیج فارس را ندارد. نتیجه نشست کمپ دیوید هم بسیار مثبت

بود چرا که بیانیه پایانی بر حمایت همه اعضای حاضر در نشست از توافق هسته ای تأکید داشت. توافق هسته ای ایران در راس مسائل مورد بحث در کمپ دیوید قرار داشت. در این بیانیه آمده است: «آنها وضعیت مذاکرات جاری بین ایران و ۵+۱ را مورد ارزیابی قرار داده و بر لزوم حصول توافق جامع (برجام) و قابل راستی آزمایشی که پاسخگوی همه دغدغه های بین المللی و منطقه ای باشد به نفع امنیت اعضای شورای همکاری خلیج فارس و همچنین آمریکا و جامعه بین الملل است.» صدور این بیانیه پیشرفت مهمی است و نشان می دهد که علیرغم همه مخالفت های اولیه اعراب با توافق هسته ای ایران، همه آنها به طور رسمی بر لزوم حصول آن در جهت تأمین منافع امنیتی خود تأکید می ورزند. در نتیجه، فی الحال اسرائیل تنها رژیم است که همچنان با توافق هسته ای ایران مخالف است و این امر به انزوای آن می انجامد. در نهایت، آینده موفقیت آمیزی برای توافق جامع هسته ای پیش بینی می شود.

## تحلیل بین الملل /

# «دبه مرگ» برای رضایت به «تب لوزان»

محمد قادری (کارشناس حوزه سیاست خارجی و روابط بین الملل)

آمریکا با علم به اینکه بیانیه لوزان با مختصات کنونی زمینه حصول یک توافق خوب را برای آنان فراهم خواهد آورد، خواسته هایی فراتر از لوزان را مطرح ساخته اند. این روزها به واسطه نزدیک شدن به ضرب الاجل مقرر برای تنظیم و امضای توافق نهایی هسته ای میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای ۵+۱، علاوه بر تلاش بی وقفه تیم مذاکره کننده در پشت میز مذاکره، در داخل کشورهای دو سوی میز هم تکاپوی فراوانی مشاهده می شود.

از سوی؛ کشورهای ۵+۱ به ویژه آمریکا در تلاش اند تا با بهره گیری از تمام توان بهترین شرایط را برای خود رقم بزنند، چنانچه کنگره ایالات متحده مستقیماً به مسئله ورود کرده و تصویب یک قانون مهم، تأیید نهایی توافق احتمالی را منوط به تأیید و تصویب نمایندگان کنگره نمود. از سوی دیگر هم در داخل کشورمان موافقین و مخالفین با اظهار نظرات خود در مجامع رسمی، غیر رسمی و رسانه های عمومی همین رویکرد را دنبال کرده و نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز با کسب اطلاع از روند تدوین سند نهایی، تأیید و لازم الاجرا شدن هرگونه توافقی را مطابق قانون، منوط به تصویب مجلس دانسته اند.

از همان روزهای ابتدایی انتشار بیانیه لوزان در رابطه با راهکارهای عملیاتی حصول توافق نهایی اما، بحث های زیادی پیرامون چیستی و چرایی بیانیه مذکور در داخل کشورمان شکل گرفت و از سوی نیروهای سیاسی و صاحب نظران، سه رویکرد کلی در مواجهه با آن اتخاذ شد. گروهی به طور کلی بیانیه لوزان را تأیید کرده و آن را گامی جهت نیل به یک توافق خوب ارزیابی کردند. در مقابل گروهی به طور کلی این بیانیه را نه یک بیانیه که مرحله اول توافق نهایی ارزیابی کرده و با وارد دانستن ایرادات بسیار بر آن، خواستار تغییر مشی تیم مذاکره کننده در این رابطه



شدند. در این میان اما، گروهی هم ضمن بر شمردن نکات مثبت بیانیه مذکور، ایرادات و ابهامات آن را برشمرده و خواستار رفع ایرادات و شفاف سازی ابهامات آن شدند. از سوی؛ مجموعه دولت و تیم مذاکره کننده آنچنان که باید و شاید در مقام توضیح و تبیین شفاف آنچه در لوزان بسته شده بر نیامده و عملاً با گاردی بسته با منتقدین برخورد کردند. این مسئله تا آنجا پیش رفت که نهایتاً و در جریان نشست های کارشناسی طرفین در وین، علی اکبر صالحی رییس سازمان انرژی اتمی و عضو فنی تیم مذاکره کننده کشورمان بدون اشاره به جزئیات، سخن از دبه در آوردن غربی ها در رابطه با بیانیه لوزان به میان آورد. جزئیاتی که پس از آن از گوشه و کنار شنیده شد و معلوم شد که آمریکایی ها در مورد چهار مقوله ظرفیت فردو، بحث تحقیق و توسعه، رژیم بازرسی ها و چگونگی رفع تحریم ها حرف های تازه ای زده و پا را از بیانیه لوزان فراتر گذاشته اند.

رسانه ای شدن این اتفاق با جزئیات مذکور به اضافه تصمیم کنگره آمریکا، عملاً نیروهای سیاسی داخلی را در دو موضع کاملاً متفاوت قرار داد. اول موضعی که از سوی حامیان روند کنونی مذاکرات اتخاذ و با سخنان اعضای تیم بر آن تصریح شد. این موضع بر آن است که اساساً به دلیل دست برتر بودن جمهوری اسلامی ایران در بیانیه لوزان، نیروهای داخلی کشورهای غربی و به ویژه آمریکا دست به کار شده و کاخ سفید را برای تغییر ریل گذاری

لوزان زیر فشار قرار داده اند. در مقابل اما، منتقدین لوزان معتقدند که آمریکا از همین جای کار دست فریب کار خود را از آستین مذاکرات بیرون آورده و با بهره گیری از عقب نشینی دولت ایران، تلاش دارد تا حداکثر فشار خود را برای تضمین یک توافق بهتر به کار گیرد. بر اساس آنچه ذکر شد، یک تحلیل فراتر از این دو نگاه نیز وجود دارد که به نظر می رسد دولت جمهوری اسلامی ایران و تیم مذاکره کننده باید بیش از پیش بدان توجه داشته باشند و آن اینکه؛ ایالات متحده آمریکا اتفاقاً با علم به اینکه بیانیه لوزان با مختصات کنونی زمینه حصول یک توافق خوب را برای آنان فراهم خواهد آورد، خواسته هایی فراتر از لوزان را مطرح ساخته تا با بهره گیری از فشار کنگره و لابی قدرتمند جمهوری خواهان و صهیونیست ها، بتوانند ایران را به پذیرش و تمکین به هر آنچه در لوزان رخ داده مجاب کنند. به بیان بهتر؛ به نظر می رسد که طرف مقابل با اتخاذ یک تاکتیک هوشمندانه و پیچیده در فاصله انتشار بیانیه لوزان تا ضرب الاجل پایان ژوئن، می خواهد اصطلاحاً به مرگ بگیرد تا ایران را به تب لوزان راضی کند و از این رهگذر توافق نهایی بدی را به ما تحمیل کند به گونه ای که هم در مقابل منتقدین داخلی اش سربلند باشد و هم با ایجاد یک فضای دوقطبی در داخل ایران بهره برداری های بعدی خود را از آن داشته باشد.

یادداشت میهمان؛

# تسلیم بازی ۱+۵ در اتاق آینه‌ها نشویم / تأکید بر خطوط قرمز توسط ایران

حنیف غفاری در تحلیلی به بررسی مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ می‌پردازد و تأکید می‌کند اصرار تیم هسته‌ای ایران بر خطوط قرمز می‌تواند راهکاری برای مقابله با نیرنگهای طرف مقابل باشد.



چنین کمپلکس و ترکیبی مرهون تحقق دو عامل است:

۱- اینکه بازی آمریکا و دیگر اعضای ۱+۵ به همین روال در اتاق آینه‌ها حفظ شود.

۲- اینکه جمهوری اسلامی ایران در نهایت تسلیم این بازی پیچیده و یا پرداخت هزینه ترک یک‌جانبه‌ای مذاکرات نشود. یعنی ایران در این دوراهی قرار گرفته و ناچار به انتخاب گزینه نخست شود.

بدیهی است که تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان می‌تواند در هر دوی این موارد خلل ایجاد کند، با این تفسیر که ابتدا باید از مورد دوم آغاز کرد! آنچه مسلم است اینکه باید ضمن اجتناب از ترک اتاق مذاکرات، به جای قرار گرفتن در میان آینه‌های متعدد و تصاویر مجازی منبعث از آنها، خودمان حکم «تصویر واقعی مذاکرات» را داشته و هزاران تصویر مجازی و تو در تو را به متغیری وابسته به تصویر واقعی خودمان تبدیل کنیم. این تصویر واقعی و منبایی، همان خطوط قرمز نظام در مذاکرات هسته‌ای است که باید با صدایی گویا و محکم در اتاق مذاکرات فریاد زده شود. در این صورت، نه تنها تصاویر متعدد و پراکنده و هزارلایه، ما را سردرگم نمی‌سازد، بلکه در نهایت این تصاویر مجازی ناچارند در مقابل تصویر واقعی ترسیم شده از سوی ما سر تعظیم فرود آورند. هر اندازه اصرار ما بر روی خطوط قرمز محکم‌تر و بیشتر باشد، در هم شکستن آینه‌ها و تصاویر مجازی متعلق به آنها نیز آسان‌تر خواهد بود.

بدیهی است که در این صورت، غرب ناچار است «اتاق آینه‌ها» را با هزینه‌ای سنگین از بین ببرد و آینه‌هایی که در استقرار و استخراج تصاویر غیر واقعی از هر یک از آنها منتهی زمان و هزینه صرف کرده‌اند را در هم شکند. در این صورت اعضای ۱+۵ چاره‌ای جز تبدیل اتاق آینه‌ها به اتاق واقعی مذاکرات نخواهند داشت. تنها در چنین شرایطی است که توافق واقعی و نهایی با اعضای ۱+۵، با حفظ منافع ملی ایران حاصل خواهد شد. بدیهی است که اگر اعضای ۱+۵ و مخصوصاً دو کشور آمریکا و فرانسه بخواهند همچنان در اتاق آینه‌ها به بازی خود ادامه دهند، باید مسئولیت سنگین شکست مذاکرات و عواقب و تبعات ناشی از آن را بپذیرند. از این رو بهتر است اعضای ۱+۵ قبل از رسیدن به این نقطه بازی فعلی خود را تغییر داده و در نهایت، به توافق تغییر و عقلائی ترسیم شده از سوی ایران را پذیرا باشند.

مذاکرات هسته‌ای بر راهبردها و اهداف تفرقه افکنانه خود در جهان اسلام شونند. بخش اعظمی از تشدید منازعات مذهبی و قومی در خاورمیانه طی یکسال و نیم اخیر مرهون همین رویکرد انگلیسی‌هاست. آلمانی‌ها نیز از یک سو به فکر ایجاد توازن در بازی اروپایی و خاورمیانه‌ای خود و از سوی دیگر به فکر تقویت نقش رهبری خود در منطقه یورو و اتحادیه اروپا از طریق و مجرای مذاکرات هستند. برخی ژستهای اشتاین مایر وزیر امور خارجه آلمان که بعضاً سعی دارد خود را در کسوت سخنگوی اعضای ۱+۵ نشان دهد، ناشی از همین رویکرد است. بنابراین این ما با ۶ بازیگری طرف هستیم که با نیت واقعی حل و فصل یک بحران ساختگی که خود نیز نسبت به دروغین بودن آن آگاهند، به میدان نیامده‌اند. بدیهی است که از دل این ۶ نگاه و رویکرد کلان، هزاران تصویر بزرگ و کوچک متفاوت ایجاد می‌شود و ترکیب چنین تصاویری، اتاق مذاکرات را به چمنی ظاهراً آرام تبدیل می‌کند! از این رو واقعاً باید برای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان آرزوی صبر و استقامت کرد.

اعضای ۱+۵ در اتاق آینه‌ها به گونه‌ای باز می‌کنند که تصاویر آنها ابعاد و اندازه‌های متفاوتی داشته و هر یک از آنها برای بر هم زدن تمرکز تیم مذاکره‌کننده کافی باشد. در چنین شرایطی باید پیچیدگی و سختی کار دیپلماتهای زحمتکش کشورمان را درک کرد و در اطاعت از فرمایش مقام معظم رهبری در خصوص حمایت از تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای که در مقابل مجموعه‌ای غیر قابل اعتماد قرار گرفته، حتی ذره‌ای تامل و تردید نکرد. علت اصرار اعضای ۱+۵ نسبت به استمرار مذاکرات در اتاق آینه‌ها این است که آنها به هیچ عنوان در حالت عادی و طبیعی قصد لغو یا تعلیق تحریمها (به عنوان ابزارهای فشار خود علیه ایران) را در حالت طبیعی ندارند. در چنین شرایطی اعضای ۱+۵ در فاصله یک‌ماه مانده به ضرب الاجل تیرماه قصد دارند ما را به جای محیط واقعی مذاکرات، وارد اتاق آینه‌ها نموده و به صورت همزمان محیط و محتوای مذاکرات را تحت نظارت و مدیریت خود قرار دهند. ایالات متحده آمریکا از یک سو در صدد است «تحریمها» را به عنوان یک ابزار فشار راهبردی علیه کشورمان حفظ کند و از سوی دیگر، ایران را وادار به پذیرش بازرسی‌های غیر متعارف نموده و در نهایت، به توافق

نهایی با ایران نیز دست یابند. رسیدن به

موردی مانند مذاکرات مسقط (مذاکراتی که سال گذشته صورت گرفت) و مذاکرات آرمه ۱۳۹۳ (مذاکراتی که به تمدید هفت ماهه دوباره توافق ژنو منجر شد) تبلوری تام و کامل پیدا کرد. بی دلیل نیست که همه اعضای ۱+۵ و در رأس آنها ایالات متحده و فرانسه باید دست به دعا بردارند تا ریز مذاکرات و محتوای آنها طی بازه زمانی ۱۲ سال گذشته و خصوصاً یکسال و نیم اخیر منتشر نشود! در صورتی که این اقدام صورت گیرد، هیچ یک از اعضای ۱+۵ کمترین آبرویی در نزد ملت ایران و افکار عمومی دنیا نخواهند داشت.

ایالات متحده آمریکا، فرانسه و هر یک از اعضای ۱+۵ در این اتاق آینه‌ها مولد چندین تصویر هستند. آنها در عین اینکه بر سر موضوع حساس و تعیین‌کننده بازرسی‌های نظامی، اساساً مرزبندی و تفکیکی میان مفاهیم حقوقی مانند بازرسی، دسترسی و نظارت و... و، قائل نمی‌شوند و همه را در ذیل گزاره «خطرناک» بازرسی بدون قید و شرط مکانی و زمانی از تاسیسات نظامی و هسته‌ای ایران تعریف می‌کنند، بر سر فرود و تعداد سانتریفیوژهای آن و همچنین حوزه تحقیق و توسعه و برداشته شدن فوری تحریمها نیز دبه آورده و با خلط تصاویر کاذب در صدد تحمیل هزینه‌های غیر قابل جبران به کشورمان هستند. در چنین شرایطی چهره شیطان بیش از هر زمان دیگری شفافه گویا و البته متفرد به نظر می‌رسد.

ایالات متحده آمریکا در ماورای مذاکرات هسته‌ای به دنبال حفظ هندسه تحریمها علیه ایران، گریز از شکستهای خاورمیانه‌ای و تحقق راهبردهای بلند مدت خود در منطقه است. روسها در حالی که ظاهراً خود را بازیگری فعال در مذاکرات هسته‌ای نشان می‌دهند، به فکر چگونگی برون رفت از بحران اوکراین و ارسال غیر مستقیم و مستقیم سیگنالهای مربوط به ممنوعیت رقابت گازی تهران و مسکو پس از رفع احتمالی تحریمها هستند. فرانسوی‌ها در ساعاتی که پشت میز مذاکره می‌نشینند، به فکر شمارش دلارهای نفتی اعراب پس از معاملات تسلیحاتی کلان و همچنین تولید بحرانهای تروریستی تازه در خاورمیانه جهت پر رونق تر کردن بازار سلاح خود هستند.

چینی‌ها به شدت از شیفت راهبردی آمریکا از خاورمیانه به خاور دور نگران هستند و از همین جهت در ماورای مذاکرات ظاهری هسته‌ای به دنبال جلوگیری از تمرکززدایی واشنگتن از خاورمیانه هستند.

انگلیسی‌ها بنا به توصیه تاریخی چرچیل، تابعی از متغیر سیاست خارجی آمریکا هستند و فراتر از آن، در صددند تا مانع از تأثیرگذاری

«جسم»، «تصویر» و «آینه» سه گانه‌ای هستند که محاسبه ارتباط میان آنها از اصلی ترین غنچه‌های علاقه مندان و صاحب نظران علم فیزیک است. در حالتی که یک جسم صاف در مقابل آینه‌ای صاف قرار گیرد، فاصله جسم و تصویر از آینه یکسان خواهد بود و محاسبه این فاصله نیز در نهایت دشوار و سخت نیست! با این حال کافی است این آینه یا همان سطح صاف به آینه محدب یا مقعر تبدیل شود و در نهایت پای تصویر مجازی نیز در کنار تصویر حقیقی به ماجرا کشیده شود! در آن صورت فرمولهای محاسباتی ما نیز به طور طبیعی پیچیده تر خواهد شد. در برخی موارد مرز تشخیص و محاسبه تصاویر حقیقی و مجازی به گونه‌ای مخدوش می‌شود که ذهن به طور ناخودآگاه معادله را رها کرده و به کناری می‌گذارد.

حال تصور کنید در اتاقی قرار داریم که در آن دهها، صدها و یا هزاران آینه وجود دارد و هزاران تصویر مجازی به گونه‌ای با یکدیگر اندام می‌شوند که مخاطب اصلی را در وضعیت سکون و بلا تکلیفی و سردرگمی نگاه می‌دارد. در آن صورت تکلیف چیست؟ بی دلیل نیست که «اتاق آینه‌ها» برای کودکان یک سرگرمی و برای بزرگسالان یک «مصیبت» محسوب می‌شود! در اتاق آینه‌ها اساساً مرز، مبنای قانون و قاعده‌ای وجود ندارد که بتوان با استناد به آن عالم ذهن را آماده تمرکز بر یک کانون و نقطه محوری کرد. در این اتاق حتی قدم زدن و نفس کشیدن نیز دشوار است. چه رسد به آنکه بخواهیم دانه دانه تصویری که در ظاهر می‌بینیم را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم...

اتاق مذاکرات هسته‌ای ایران و اعضای ۱+۵ همان اتاق آینه‌هاست! این اتاق پر از تصاویر مجازی و کاذبی است که تک تک اعضای ۱+۵ در ایجاد و بازی با آنها نقش مستقیمی ایفا می‌کنند. در کنار تکثیر تصاویر که همان تکثیر غنچه‌های منطقه‌ای و فرمان منطقه‌ای و غیر حقوقی هر یک از اعضای ۱+۵ در منطقه و نظام بین الملل محسوب می‌شود، با تنوع تصاویر نیز مواجه هستیم! تلفیق این «تکثیر و تنوع» همواره برای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان و هر تیمی که در مقابل اعضای ۱+۵ و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا قرار گیرد آزاردهنده است. اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از ۱۲ سال پیش تا کنون با هزاران تصویر سیال و متحرک مواجه بوده‌اند که حتی لحظه‌ای در جای خود ثابت نبوده‌اند. رویکرد هر یک از بازیگران و اعضای ۱+۵ در یک دور از مذاکرات با دور بعدی یا قبلی آن متفاوت بوده و همین بازی غیر قابل پیش بینی در



## رئیس پیشین تحلیل عملیات سیا؛ نکات مثبت و منفی طرح بازبینی توافق هسته‌ای / مصوبه کنگره کشنده نیست

گفتگو: عبدالحمید بیاتی



سعی داشتند تبصره موافقت دو سوم اعضای سنا برای تأیید توافق احتمالی با ایران را در طرح بازبینی بگنجانند را نقش بر آب کرده و در طرح تعدیل شده، کلخ سفید برای آنکه توافق احتمالی را از گزند هر آسیبی از جانب کنگره در امان نگه دارد فقط نیازمند کسب نظر موافق یک سوم اعضای کپیتال هیل است.

**|| تأثیرات تصویب طرح بازبینی توافق هسته‌ای بر مذاکرات در حال انجام میان ایران و گروه ۵+۱ چیست؟**

هر چند این طرح تأثیر مستقیمی بر مذاکرات ندارد اما می‌تواند اختیارات رئیس جمهور برای ارائه هر گونه لغو تحریم در چندماه ابتدایی حصول توافق را کاهش دهد. علاوه بر آن ممکن است این طرح آنچه را که طرفین مذاکرات می‌خواهند بر روی آن توافق کنند از بین ببرد.

**|| آیا این طرح می‌تواند از یک سو موجب کاهش اختیارات ۵+۱ و از سوی دیگر موجب کاهش قدرت مانور ایران شود؟**

احتمال بالقوه آن است که این طرح می‌تواند موجب افزایش تردیدهای ایران در مورد حسن نیت آمریکا برای رسیدن به توافق شود. طرح بازبینی موجب به یاد آوردن این نکته می‌شود که اصلاً مهم نیست که دولت اواما با چه چیزی موافقت می‌کند زیرا این احتمال وجود دارد که ممکن است کنگره توافق حاصل شده را از بین ببرد.

«پل پیلار» تحلیلگر پیشین سیا گفت: طرح بازنگری توافق هسته‌ای ایران تأثیر مستقیمی بر مذاکرات ندارد اما می‌تواند اختیارات رئیس جمهور برای ارائه هر گونه لغو تحریم در چندماه ابتدایی حصول توافق را کاهش دهد. مذاکرات ایران و ۵+۱ برای رسیدن به توافق جامع هسته‌ای در جریان است اما به نظر می‌رسد در فاصله باقی مانده تا مهلت تعیین شده، طرح بازبینی توافق در کنگره آمریکا یکی از چالش‌های اصلی رسیدن به نتیجه باشد. دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا از آغاز هفته جاری در وین شروع شده است. هر چند طرفین مذاکرات در تلاش هستند که تا مهلت تعیین شده یعنی پایان ماه ژوئن به توافق هسته‌ای برسند اما رویکرد برخی از مقامات امریکایی و سرسپردگی آنها به رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای عربی که مخالف حصول این توافق هستند موجب شده تا طرف امریکایی اقداماتی را انجام بدهد که این عملکرد از طرف مذاکره کننده ایران با تعبیر «دبه در آوردن» توصیف شود. یکی از این اقدامات که می‌تواند مسیر رسیدن به توافق جامع و اجرایی شدن آن را با مشکل مواجه کند تصویب طرح بازبینی توافق هسته‌ای در کنگره امریکاست. در همین رابطه با «پل پیلار» کارشناس مبارزه با تروریسم و پژوهشگر پیشین سازمان سیا، در مورد طرح بازبینی توافق هسته‌ای و تأثیرات احتمالی آن بر مذاکرات هسته‌ای به گفتگو نشستیم. پروفیسور پل پیلار در سال ۲۰۰۵ میلادی پس از ۲۸ سال حضور در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) بازنشسته شد. آخرین پست وی در سازمان سیا افسر اطلاعات ملی در امور شرق نزدیک و جنوب آسیا بود. البته پیلار پیش از این پست مسئولیت‌های متعددی را در اختیار داشت که از جمله آنها می‌توان بر ریاست واحدهای تحلیل عملیات‌های سیا در شرق نزدیک، خلیج فارس و جنوب آسیا اشاره کرد. پیلار سابقه حضور در شورای امنیت ملی امریکاه عنوان یکی از اعضای اصلی آن را نیز دارد. پیلار از جمله متخصصان بنام موضوع هسته‌ای ایران است که آثار او مورد توجه است. متن این گفتگو به شرح زیر است:

می‌دانستند. این اختلافات با مذاکراتی که میان اعضای کنگره انجام گرفت تا حدی از بین رفت و موجب شد تا طرح پیشنهاد شده به کنگره نرمتر شود بطوریکه طرح تغییر یافته در مقایسه با طرح اصلی به هیچ وجه «ویرانگر» نیست و برخی «سوار» سومی که می‌توانستند موجب مرگ توافق شوند از طرح بازبینی حذف شده‌اند. برخی کارشناسان معتقدند که در حقیقت نمونه تعدیل شده طرح بازبینی توافق هسته‌ای بر اساس رویکرد رئیس جمهور اواما تنظیم شده است.

یکی دیگر از تفاوت‌های طرح تعدیل شده با طرح اصلی آن است که طرح تعدیل شده تلاش برخی از مخالفان توافق را که

ای برای کنگره بوجود می‌آورد تا بتواند چنین نقشی را ایفا کند. این طرح همچنین به نمایندگان کنگره امریکاه اجازه می‌دهد تا ظرف ۳۰ روز بعد از حصول توافق جامع این توافق را تأیید و یا رد کنند.

**|| باراک اواما در ابتدا با این طرح مخالف بود اما چرا به یکباره موضع خود را تغییر داده و با طرح کنگره موافقت کرد؟**

رئیس جمهور اواما ترجیح می‌داد که چنین طرحی وجود نمی‌داشت چون آن را غیر لازم می‌دانست. اما برخی از مخالفان توافق با ایران این طرح را به عنوان یک راه ممکن برای به شکست کشاندن توافق

**|| همانطور که مطلع هستید کنگره امریکاه طرح بازبینی توافق هسته‌ای ایران را تصویب کرده و این مصوبه به امضای «باراک اواما» رئیس جمهور امریکاه نیز رسید. هدف از تصویب این طرح در شرایطی که ایران و کشورهای ۵+۱ در حال مذاکره برای رسیدن به توافق جامع هسته‌ای هستند چیست؟**

رویکردی قوی در امریکاه وجود دارد مبنی بر اینکه به محض اینکه مذاکرات هسته‌ای به پایان رسید و توافق حاصل شد کنگره ایالات متحده باید در تأیید و یا عدم تأیید توافق هسته‌ای ایران نقش ایفا کند. و طرح تصویب شده در کنگره برنامه و رویه



## گزارش سالانه پنتاگون/ اذعان به دفاعی بودن برنامه نظامی ایران



وزارت دفاع آمریکا در گزارش خود درباره قدرت نظامی ایران مدعی شد که ایران همچنان به ساخت موشک های قادر به حمل کلاهک های هسته ای، علی‌رغم پایبندی به تعهدات خود در برنامه اقدام جامع مشترک ادامه می‌دهد.

وزارت دفاع آمریکا در گزارش سالانه خود درباره قدرت نظامی ایران مدعی شد که ایران همچنان به ساخت موشک های قادر به حمل کلاهک های هسته ای، علی‌رغم پایبندی به تعهدات خود در برنامه اقدام جامع مشترک ادامه می‌دهد. در این گزارش آمده است که اگرچه ایران برخی پیشرفت ها در برنامه هسته ای خود را متوقف کرده و به تعهدات خود در برنامه اقدام جامع مشترک عمل کرده است، کم‌اکنون به دنبال توانمندی های فنی است که می‌توانند در ساخت سلاح های هسته ای نیز به کار روند.

این نشریه آمریکایی در خلاصه یک صفحه ای از این گزارش، شاهد ادعای خود را «رسیدن برد موشک‌های ایران به خاک آمریکا تا سال ۲۰۱۵» و «آزمایش موفقیت آمیز موشک ماهواره‌بر سفیر» و مایه نگرانی پنتاگون ابراز نموده است.

به گزارش این نشریه، گزارش پنتاگون که بر اساس قوانین آمریکا قرار بود در ماه ژانویه به کمیته نیروهای مسلح کنگره ارائه شود، به دلیل آنچه تأثیرگذاری احتمالی بر مذاکرات در جریان ۵+۱ با

در زمینه سلاح‌هایی از قبیل مین‌هایی پیشرفته ضدناو، زیردریایی‌های کوچک و لوی توانمند، پهپادهای مسلح، آتش‌بار موشکی پدافند ساحلی کروز، شناورهای تهاجمی و موشک‌های ضدکشتی ادامه داده است.

تا در صورت بروز تنش در این منطقه از آن به عنوان قدرت انتخاب راهبردی در تصمیم‌گیری‌های خود استفاده نماید. این گزارش با اذعان به دفاعی بودن برنامه نظامی ایران گفت: تهران به افزایش قابلیت سیستم‌های دفاعی خود

ایران گفته شده است به تأخیر افتاده بود. پنتاگون در ادامه گزارش خود در خصوص آب‌های سرزمینی ایران، به تلاش برای تسلط این کشور به تنگه هرمز اشاره کرد و ادامه داد: ایران تلاش می‌کند توانمندی خود در کنترل تنگه هرمز را افزایش دهد

### روحانی پاکستانی مطرح کرد:

## «ایران هراسی» موجب پیشبرد سیاست‌های جنگ افروزانه غرب در منطقه



|| تحولات کنونی منطقه ضرورت اتحاد امت اسلام را بیشتر کرده است. به نظر شما چرا غرب مانع ایجاد اتحاد میان امت اسلام شده است؟

یکی از مهمترین موانع اتحاد در میان امت اسلام در زمان حاضر عنصری به نام جاهلیت است. جهل برخی افراد موجب می‌شود امت اسلام از این موهبت الهی که همان اتحاد است محروم شوند.

عامل دوم در این خصوص، سرمایه‌گذاری دشمنان اسلام در ابعاد مختلف است. آنها قانونی به نام «تفرقه بینداز و حکومت کن» را در دستور کار خود قرار داده‌اند و در این راستا نه تنها نمی‌گذارند ما مسلمانان به هم نزدیک شویم، بلکه برای دور نگه داشتن ما از یکدیگر نیز تلاش همه جانبه‌ای را آغاز و دنبال می‌کنند.

یکی از ابزارهای دشمنان اسلام برای عملی کردن این نقشه، افترا به مذاهب اسلامی در برابر مذاهب دیگر است، مثلاً این تهمت را به اهل تشیع می‌زنند که قرآن شیعیان دارای ۴۰ جزء است.

از دیگر ابزارها در این راه، پیشنهادهایی است که

به افراد ذی نفوذ داده تا از آنها به عنوان حربه ای در اجرای اهداف خود استفاده کند؛ پرداخت مبالغ هنگفت به بزرگان مذاهب مختلف در میان امت اسلام به بهانه‌های مختلف را نیز می‌توان نمونه ای در این مورد دانست. بر اساس احادیث ائمه، حب دنیا در رأس همه خطاها است، لذا پیشنهادات معاندان برای

«عابد حسین شاکر» استاد علوم دینی پاکستانی پافشاری غرب بر پروژه «ایران هراسی» را عامل پیشبرد سیاست غربی‌ها در منطقه و جهان اسلام دانست.

یکی از مؤثرترین راهکارهای مقابله با دسیسه‌های غرب علیه اسلام تلاش منسجم برای ایجاد امت واحد اسلامی به دور از اختلافات مذهبی است، چرا که سیر تاریخی تفرقه افکنی در میان مسلمانان به وضوح مؤید این نکته بوده است که دشمنان اسلام از راه‌های گوناگون برای تسلط به منابع و ذخایر عظیم مادی و معنوی جهان اسلام، حربه «تفرقه افکنی» را به صورت دائمی مستمسک خود قرار داده و برای تحقق نیت شوم خود از ابزارهای متنوعی از قبیل شایعه افکنی، صرف هزینه‌های گزاف در ایجاد انحرافات مختلف، آموزش عوامل خود، جلوگیری از گفت‌وگو در میان علماء فراق مختلف اسلامی و ... دامن می‌زنند. آنها آشکارا از اتحاد بیش از ۷/۱ میلیارد مسلمان در هراس بوده و تمامی همت خود را مصروف تفرقه بینداز میان مسلمانان می‌کنند. به گواهی تاریخ، تنها برخی از منافذ جبهه استکبار برای ورود و برهم زدن یکپارچگی ملت‌های مسلمان را می‌توان عواملی از قبیل جذب عوامل نفوذی از میان مسلمانان، تلاش برای عدم گفتگو و تعامل میان علماء دینی اسلام از مذاهب گوناگون، ساخت مذاهب و گروه‌های جعلی اسلامی مانند وهابیت، ایجاد پروژه‌هایی مانند ایران هراسی و هلال شیعی، اغفال افکار عمومی با روش‌هایی مانند ائتلاف ضد داعش و ... دانست.

در همین راستا گفتگویی با «عابد حسین شاکری»، مدرس علوم اسلامی، امام جمعه و جماعت مدرسه جامعه الشهداء عارف حسینی پیشاور کشور پاکستان انجام شده است که مشروح آن به قرار زیر است:

گفتگو: مهدی ذوالفقاری

پرداخت مبالغ هنگفت پول به بهانه های مختلف، در همین راستا قلمداد می شود.

دشمنان برای رسیدن به مقاصد شوم خود در اختلاف افکنی تلاش زیادی را مصروف «عدم گفتگو» میان فرق اسلام می کنند، چرا که تامل و گفتمان میان آنها از گسترش دامنه تفرقه جلوگیری خواهد نمود.

کسانی که وحدت امت اسلام را مانع رسیدن به نیات شوم خود می دانند، در تبلیغات خود هرگونه قرابت و همبستگی میان فرق اسلامی را با منافع خد در تعارض دیده و با آن مبارزه می کنند. نمونه ای در این مورد، افکار منحط وهابیت است که تنها یک نمونه آن، عدم اجازه ازدواج میان اهل تسنن و تشیع است.

مسلمانان ممکن است حتی ندانسته در دام دشمنان بیفتند و به دلیل نداشتن دانش کافی از اسلام، سخنانی را علیه دیگر مسلمانان بیان کنند. همه مسلمانان باید بدانند که در این صورت آب در آسیاب دشمنان خواهند ریخت.

### || نقش علماء دین برای جلوگیری از اختلاف افکنی میان امت اسلام چیست؟

نبی مکرم اسلام(ص) می فرمایند: اگر دو گروه اصلاح شدند همه اصلاح خواهند شد؛ علماء و حکام.

حکام نیز متأثر از علماء خواهند بود اگر عالمان بایکدیگر متحد باشند؛ زیرا تاریخ نشان داده است که علماء به دلیل نفوذ در قلوب مردم از قدرت اثرگذاری بیشتری برخوردار هستند. مسأله تحریم تنباکو و

نقش آیت الله میرزای شیرازی در صدور فتوای تاریخ ساز خود و نابودی توطئه انگلیسی ها را می توان مشتی از خروار در این راه دانست.

### || نقش جمهوری اسلامی ایران در مدیریت تحولات کنونی منطقه را چگونه ارزیابی می کنید؟

جمهوری اسلامی ایران به دلیل اینکه هیچگاه سابقه تهاجمی نداشته و همواره در پی دفاع از مسلمانان بوده است، از نفوذ زیادی در منطقه برخوردار است و لذا بیشترین تأثیرگذاری را نیز در منطقه دارد. جمهوری اسلامی ایران نه تنها از حقوق و منافع خود بلکه از حقوق مظلومین در سراسر جهان نیز دفاع کرده است.

مثالی برجسته از دیدگاه بلند و جامع نگری این کشور اسلامی در مدیریت تحولات منطقه را می توان از دفاع جمهوری اسلامی ایران از جنبش مقاومت اسلامی حماس که

آلود ماهی تفرقه صید نماید پروژه ایران هراسی موجب جنگ افروزی و فروش تسلیحات کشورهای غربی شده است. چون این امر منافع کشورهای غربی را از لحاظ گوناگون تأمین می کند، لذا غرب همواره در تلاش است تا ابعاد مختلفی از این پروژه را طراحی و اجرایی سازد.

### || ائتلاف به اصطلاح ضد داعش به رهبری آمریکا چندی است تشکیل شده است. به نظر شما آیا آمریکا واقعاً در پی نابودی داعش است؟

سوابق تاریخی بیشمار دولت آمریکا در اتخاذ سیاست های دوگانه در مسائل جهانی به ویژه در امور خاور میانه باعث شده است که همگان درمقابل ادعا های این کشور در امور بین الملل موضع عقلایی را در پیش گیرند.



جزء برادران تسنن هستند درکنار حمایت های معنوی از حزب الله لبنان که دارای مذهب تشیع هستند دانست.

مدیریت این کشور اسلامی در مدیریت تحولات منطقه به گونه ای است که به عنوان یک پاکستانی ادعان می کنم ایران علماء سنی پاکستان را همانند عالمان شیعه در این کشور دانسته و در تعاملات با آنها تساوی رفتاری را رعایت کرده است.

از دیگر نقاط قوت مدیریت ایران در تحولات، کنفرانس ها و گردهمایی های مختلف است که با هدف تلاش برای «تقریب مذاهب اسلامی» انجام می شود.

### || چرا غرب دائماً به پروژه ایران هراسی دامن می زند؟

این مسأله نیز به همان اصل از اصول اساسی تفرقه بینداز و حکومت کن برمی گردد که در بالا به آن اشاره شد. ایران کشوری اسلامی است که دارای اکثریت جمعیت شیعه است. غرب در تبلیغات خود همواره بر طیل دروغین «تسلط شیعه بر سنی» یا «تفوق فارس بر عرب» می کوبد تا هراس کاذبی را درست کرده از این آب گل

**حضرت امام (ره) فرمودند که آمریکا شیطان بزرگ است. اکنون همه ملت ها به نقشه های آمریکا در این خصوص پی برده و مفهوم فوق را درک کرده اند. آمریکا از سویی ادعای قدرت بزرگ بودن را مطرح و از سوی دیگر مبارزه برای محو داعش را مستلزم صرف چند سال زمان می داند. آیا این دو نکته «نقیضه» نیست؟**

ادعای آمریکا در تلاش برای تشکیل «دولت مردمی» در سوریه را چطور می توان با ابزار قرار دادن یک گروه تروریستی به نام داعش توجیه نمود؟

مطلب دیگر در این خصوص این است که مگر در عربستان سعودی، خوکامگی و نقض حقوق بشر وجود ندارد؟ پس چرا آمریکا نه تنها تلاش را برای مبارزه با دولت عربستان در برنامه خود ندارد، بلکه برای حفظ منافع خود و کسب دلار های نفتی عربستان همواره در راستای تحکیم روابط با آن کشور قدم گذاشته است؟ گر آمریکا واقعاً تمایل به حذف داعش داشت، طی چند روز این گروه تروریستی را حذف می نمود؛ لیکن تأمین منافع آمریکا مستلزم نگه داشتن داعش در منطقه است و ادعا در مبارزه علیه آن حتی در پوشش ائتلاف سراسری بیش نیست.

### || با توجه به بحران کنونی در یمن پس از تهاجم عربستان به این کشور، چرا نهاد های بین المللی مانند سازمان ملل از محکومیت صریح تجاوز عربستان خودداری کرده و هیچ اقدام عملی را برای توقف این تجاوزها انجام نمی دهند؟

سازمان ملل متحد و منشورهای نگاشته آن به گونه ای تنظیم شده است که در اکثر موارد پوشش خوبی برای جرائم ارتكابی آمریکا محسوب می شود. آیا اگر مثلاً یمنی ها به عربستان حمله می کردند، سازمان ملل همین طور سکوت اختیار می کرد؟ آمریکا مایل است ملت یمن در مذبذقه باشد، سازمان ملل هم با صدور برخی بیانه ها که غیر الزام آور نیز هستند، تنها نام اعلامیه را بر اقدامات خود که غالباً دوپهلوی نیز هستند قرار می دهد.

طبیعی است که سازمان ملل چون در سیطره آمریکا است، مجری اوامر خواهد بود.





کیهان برزگر:

## نیازمند تعریف جدید امنیت در خاورمیانه هستیم/گذار به امنیت انسانی

رئیس گروه روابط بین الملل دانشگاه علوم و تحقیقات گفت: روند بحران های موجود در منطقه خاورمیانه نیاز به ارائه تعریف جدیدی از فرهنگ امنیت مبتنی بر تقویت همکاری های منطقه ای را اجتناب ناپذیر کرده است. دکتر کیهان برزگر در کنفرانس بین المللی «مبارزه با تروریسم و ضرورت ایجاد فرهنگ امنیت» رومانی به بررسی ابعاد مختلف بحرانهای منطقه خاورمیانه پرداخت و رفع این بحرانها را در سایه ارائه تعریف جدید از امنیت در منطقه دانست.

این کنفرانس با مشارکت موسسه سیاسی و اقتصادی خاورمیانه (میپی) و موسسه اروپایی برای ریسک، امنیت و مدیریت ارتباطات (یوریسک) بخارست و سفارت جمهوری اسلامی ایران در بخارست رومانی برگزار شد. آنچه در ادامه می آید متن کامل سخنرانی دکتر کیهان برزگر مدیر گروه روابط بین الملل واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد تهران در این همایش است.

منطقه ای افزوده اند. یک راه حل هم توسل به نهادهای بین المللی و جهانی شدن است. این هم البته در شرایط فعلی، فرصت ها و چالش های خود را دارد. مسئله مهم چگونگی تعادل بین دو مفهوم امنیت انسانی (human security) و امنیت کشور (state security) است. یعنی توجه همزمان به مسئله دموکراسی سازی و امنیت ملی. این تجربه در مصر و عراق و سوریه و یمن و بحرین نتیجه متفاوتی داده است. یعنی نهادهای بین المللی با نگاه ویژه خود به این وضعیت نگرسته اند. مثلا شورای امنیت در بحران های بحرین و یمن به خواسته های دموکراتیک مردم توجه زیادی نکرد.

در اینجا راه حل منطقی تر و واقع گرایانه تر افزایش همکاری های منطقه ای بر مبنای نیاز به فرهنگ جدید امنیت است که با حمایت جامعه بین المللی و بازیگران خارجی همراه باشد. دولت های بزرگ منطقه به تدریج قدرتمند تر و مستقل تر از لحاظ پیروی از جریان های سیاسی و امنیتی و حتی اقتصادی خود می شوند. حتی می توان گفت که نقش قدرت های خارجی را هم تحت تاثیر خواسته های منطقه ای خود قرار می دهند. ملت ها نیز بر اساس ضرورت و تحولات سیاسی-اجتماعی جدید در کشورها خواهان مسئولیت و استقلال بیشتر دولت های خود در مواجهه با بحران ها می شوند. در واقع، پویایی های مسائل منطقه ای حرکت به این سمت را اجتناب ناپذیر کرده است.

اما تقویت همکاری های منطقه ای هم چالش های خود را دارد و اینگونه نیست که به سادگی و به سرعت انجام شود. مثلا همه خواهان نزدیکی ایران و عربستان در حل مسائل منطقه ای مثل بحران های سوریه و یمن و به تبع مبارزه با تروریسم و بی ثباتی منطقه ای هستند اما عملا این مسئله همچنان اتفاق نیفتاده است. البته دولت های دو کشور منطق ای همکاری را می پذیرند اما شرایط سیاسی داخلی و منطقه ای و چشم انداز نقش بازیگر خارجی مثلا آینده نفوذ آمریکا در منطقه شاید به آنها اجازه همکاری در شرایط فعلی را نمی دهد. یک چالش عدم برگشت از مسیر تاریخ و تصمیم گیری قدرت های بزرگ منطقه ای (ایران، ترکیه، عربستان و مصر) در مواجهه با مسائل منطقه ای است. فرهنگ امنیت موجود که عمدتا با نقش بازیگر خارجی و به اصطلاح ضرورت توازن بین قدرت های منطقه ای پیچیده تر شده خود به یک مانع همکاری های منطقه ای تبدیل شده است. مثلا جنگ اتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا بر شکاف میان ایران و عربستان افزوده است. چالش دیگر اینکه مسئله ای به نام «تهدید مشترک منطقه ای» هنوز شکل نگرفته است. مثلا همه به تهدید مشترک داعش برای منطقه اذعان دارند اما این مسئله انگیزه کافی برای همکاری بین دولت های منطقه برای

حکومت اسد، خواهان یکپارچگی کشور در هر شرایطی است. از یک نگاه واقع گرایانه، حکومت ها بهترین راه حفظ خود و قدرتمند باقی ماندن را در یکپارچگی سرزمینی و در چارچوب امنیت ملی می دانند.

جامعه بین المللی و قدرت های بزرگ اعم از آمریکا، کشورهای اروپایی و روسیه و چین نیز همگی خواهان یک سرزمین و یک سیاست واحد هستند. البته یک استثنا وجود دارد و آن دولت منطقه ای کردستان عراق است که به صراحت خواهان استقلال است و این با یک تمایل عمومی در این منطقه کردنشین حمایت می شود. اما همین مسئله نیز به نوعی بستگی به سیاست داخلی منطقه اقلیم کردستان، توقعات مختلف نیروهای سیاسی و ریسک های متصوره در رابطه اربیل و بغداد و بطور کلی چگونگی و زمان ورود به این بحث و به خصوص واکنش ها و سیاست های دو دولت ایران و ترکیه دارد. تجربه نشان داده که این دو دولت خواهان شکل گیری دولت های کوچکتر در اطراف مرزهای خود نیستند چون خوب می دانند که آسیب پذیری

در مورد ریشه های شکل گیری و تداوم بحران های جاری در خاورمیانه بحث های متفاوتی وجود دارد. یک بحث مربوط به وجود مرزهای سیاسی شکننده است که زمینه های آن در قرارداد مخفی سایکس-پیکو بین انگلیس و فرانسه در طی سالهای ۱۹۱۵-۱۹۱۶ فراهم شد. در این بحث عنصر جغرافیا و رقابت های ژئوپلیتیکی بین کشورها عامل اصلی بحران در نظر گرفته می شود که گاه جمعیت یک ملت در سرزمین کشور دیگر ادامه می یابد.

بحث دیگر رقابت های ایدئولوژیک و مذهبی بین دولت ها و ملت ها مثلا بین شیعه و سنی، یا بین کردها و اعراب و ترک ها و فارس ها را مینای شکل گیری و تداوم بحران ها می داند. مثلا بحران های عراق، سوریه و یمن را به این مسئله ربط می دهد. یک بحث دیگر نقش بازیگر خارجی را مهم می داند که عمدتا برای تامین منافع خود اعم از امنیت انرژی، مبارزه با تروریسم و تثبیت منافع اقتصادی سیستم جنگ و الگوی تغییر رژیم را به منطقه وارد کرده و همین مسئله شرایط مدیریت نازعه را در منطقه پیچیده کرده است. نهایتا یک بحث کلاسیک هم ریشه های بحران را به عدم توسعه سیاسی و اقتصادی در منطقه و یا به عبارتی عدم ورود به مسیر جهانی شدن ارتباط می دهد که به دنبال خود حکمرانی ناکارآمد، ضعف دموکراسی سازی، طبقه متوسط ضعیف، نقض حقوق بشر، رساناهای غیرمؤثر و غیره به همراه داشته و بعضا در اثر طرح یک تقاضای سیاسی یا اقتصادی تبدیل به بحران می شود.

مسائل سیاسی-امنیتی بعد از تحولات بهار عربی از جمله رشد تقاضاهای سیاسی-اجتماعی توده ها، تضعیف حاکمیت سنتی حکومت ها و مهمتر از همه بروز افراط گرایی و تروریسم در منطقه نوعی بهم پیوستگی در هر چهار زمینه فوق بوجود آورده که این خود بر پیچیدگی و به همان اندازه پیداکردن راه حل برای بحران های خاورمیانه می افزاید.

واقعیت این است که ریشه اصلی بحران های جاری در منطقه به شکل جدیدی در تغییر ماهیت «دولت» و ضرورت شکل گیری فرهنگ سیاسی و امنیتی جدید مربوط می شود. این مسئله البته از یک کشور به کشور دیگر (مثلا در مورد عراق، سوریه و یمن) بر مبنای شرایط جغرافیایی، تاریخ، هویت و بطور کلی زمینه ای اقتصادی و اجتماعی و نقش بازیگران خارجی فرق می کند.

این تغییر در ماهیت دولت بیشتر درونی است و الزاما به معنای فروپاشی کشورها نخواهد بود، چون کشورها در منطقه به دلایل متعدد سیاسی و اجتماعی به سادگی از بین نمی روند. تقریبا هیچ کشور و ملتی خواهان تغییر وضعیت در مرزهای سیاسی فعلی در منطقه نیست. حتی ملت سوریه، علی رغم چالش های جدی

استاد دانشگاه آلاباما:

## مزایای اقتصادی عضویت ایران در سازمان شانگهای چشمگیر است

پرفسور «نادر انتصار» معتقد است سازمان همکاری شانگهای به یکی از قدرتمندترین بلوک های جهانی تبدیل شده و مزایای عضویت دائم ایران در آن حالت تصاعدی به خود خواهد گرفت.

گفتگو: مریم خرمائی



پیدا کند. در این بین، در صورت بهبود همکاری در زمینه مسائل امنیتی، عضویت ایران از این بعد نیز بسیار حائز اهمیت تلقی می شود.

**|| روسیه قبلاً تمایل چندانی به حضور ایران در این سازمان نشان نمی داد و با حداقل حمایت جدی هم از حضور ایران نمی کرد. چرا در حال حاضر از عضویت دائم می ایران در این سازمان حمایت می کند؟**

یکی از بزرگترین دلایل روسیه برای عدم تمایل به پذیرفتن عضویت دائم ایران شرایط بین المللی بود که از تحریم های گوناگون علیه این کشور ناشی می شد. اما چنانچه این تحریم ها رفع شده یا به حال تعلیق دربیایند، یکی از بزرگترین موانع بر سر راه عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای برداشته خواهد شد.

**|| آیا اعضای این سازمان قادر خواهند بود روند همگرایی میان خود را گسترش داده و سایر حوزه ها چون مسائل امنیتی را ذیل همکاری های فیما بین و در قالب یک همکاری جمعی تعریف کنند؟**  
به طور قطع برخی از دغدغه های امنیتی در ابعاد گسترده وجود دارد که بین همه اعضای سازمان همکاری شانگهای مشترک است. با این حال، با توجه به تنوع اعضای احتمالی سازمان، مدتی طول خواهد کشید که تدابیر امنیتی مشابه آنچه که بین کشورهای عضو ناتو وجود دارد، در اینجا هم قابل اجرا باشد. در هر حال پیشبرد همکاری های اقتصادی و فرهنگی بین اعضای سازمان همکاری شانگهای از پرداختن به مسائل بحث برانگیز نظیر همکاری های امنیتی و نظامی آسانتر است.

**|| اجلاس سازمان همکاری شانگهای در مسکو روسیه برگزار شد. سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در حاشیه این اجلاس عنوان داشته که همه اعضای سازمان شانگهای با عضویت دائم ایران در این سازمان پس از حصول توافق هسته ای موافق هستند. اهمیت این سازمان برای ایران چیست؟**

سازمان همکاری شانگهای (SCO) قابلیت تبدیل شدن به یکی از مهمترین سازمان های بین المللی قرن ۲۱ ام را دارد. علاوه بر ۶ عضو دائم که چین و روسیه را هم شامل می شود، شماری از کشورهای دیگر نظیر ایران و هند هم هستند که عضو ناظر در این سازمان به شمار می روند. در مجموع، ۱۲ کشور برای عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای تمایل از خود نشان داده اند. با افزایش اعضا، این سازمان به یکی از توانمندترین بلوک های جهان به لحاظ قدرت اقتصادی و اهمیت راهبردی تبدیل خواهد شد و در این بعد است که باید به احتمال عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای نگاه کرد.

**|| ایران در حال حاضر عضو ناظر این سازمان است، عضویت دائم ایران در این سازمان چه مزایایی می تواند برای تهران داشته باشد؟**

تا به این جای کار، دو طرح بزرگی که سازمان همکاری شانگهای در دست اجرا دارد پروژه های «راه ابریشم» و «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» است. هردوی این پروژه ها می تواند در صورت عضویت دائم ایران تاثیر عظیمی بر روی اقتصاد کشور داشته باشد. علاوه بر این، با توجه به رشد سازمان همکاری شانگهای، مزایای عضویت در آن می تواند به صورت تصاعدی افزایش

سازمان همکاری شانگهای یکی از ساختارهایی است که با محوریت روسیه و چین در سال ۱۹۹۶ میلادی شکل گرفت و هدف ابتدایی آن خاتمه دادن به درگیری های بین این دو کشور با همسایگان شان در آسیای مرکزی بود. اما، بعدها این سازمان با پذیرش اعضای ناظر در جهت تبدیل شدن به یک اتحادیه منطقه ای قدرتمند پیش رفت. سازمان همکاری شانگهای ترکیبی از اهداف سیاسی، امنیتی و اقتصادی را به صورت همزمان دنبال کرده و مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و همچنین افراط گرایی را از اهداف اصلی خود می داند. در این میان، مبارزه با نفوذ غرب و ناتو در منطقه آسیای مرکزی نیز از جمله مسائل راهبردی است که کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به آن توجه ویژه ای دارند.

در حال حاضر ایران به عنوان عضو ناظر در این سازمان حضور دارد اما انتظار می رود که این وضعیت، حالت دائم به خود بگیرد زیرا با فاصله گرفتن روسیه از اتحادیه اروپا و آمریکا، این کشور در تلاش است تا خود را به عنوان یک قدرت غیر غربی نشان دهد که مشتاق یافتن راه های جدید و طبعاً یک نظم جهانی جدید است. از این روی، انتظار می رود که با برداشته شدن تحریم های سازمان ملل متحد علیه ایران، مسکو نقش پررنگ تری را به ایران در سازمان همکاری شانگهای بدهد.

این در حالی است که عضویت ایران می تواند دایره توانمندی های این کشور را در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی افزایش دهد که این موضوع را در گفتگو با پروفیسور نادر انتصار مورد بررسی قرار گرفته است. انتصار استاد علوم سیاسی و رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما جنوبی در آمریکا و نویسنده کتاب «سیاست کردها در خاورمیانه» است.

سرکوب این تهدید بشری ایجاد نکرده است.

یک راه حل تاکید بر «فرهنگ امنیت منطقه ای» است که بر اساس آن بر ضرورت همکاری منطقه ای بین ملت ها، نهادهای غیر حکومتی، فضای مجازی و غیره تاکید شود تا منطق این نوع همکاری از سوی ملت ها به دولت ها تحمیل گردد. اگرچه این تحول زمان بر است اما بر یک مبنای درست است که در تصمیم گیری دولت های بزرگ تاثیر گذاری پایدار خواهد داشت. باید توجه داشت که در پرتو تحولات منطقه ای، مسئله امنیت یک مسئله جمعی شده و تنها در حوزه مسئولیت دولت ها تعریف نمی شود بلکه وارد حوزه عمومی شده و بر جنبه های مختلف بشری یک جامعه تاثیر می گذارد.

راه حل دیگر اینکه بازیگران خارجی و نهادهای بین المللی سیاست های اتخاذ کنند که در چارچوب دستیابی به «امنیت جامع» باشد، یعنی همزمان بر جنبه های امنیت انسانی و امنیت دولت ها توجه می کند. تاکید بر تعریف امنیت به شکل سنتی بر شکاف بین دولت ها می افزاید چون حس دستیابی به منافع جمعی منطقه ای را به بهای دسترسی به منافع فردی دولت ها تضعیف می کند.

در فرهنگ امنیت جدید، تاکید بر شکل گیری «دولت فراگیر» در کشورهای بحران خیز، «تلاش جمعی» با مشارکت همه برای حل بحران ها و عدم ورود به «اتلاف های نظامی» (مثل ائتلاف به رهبری عربستان در بمباران یمن یا ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا) که بین دولت ها و ملت ها قرار می گیرند ضروری است. همچنین یک توافق هسته ای بین ایران و قدرت های بزرگ به خصوص آمریکا تاثیرات مثبتی بر شکل گیری فرهنگ جدید امنیت منطقه ای خواهد داشت. این تحول حس ناامنی ناشی از سیاست های آمریکا را در نگاه ایران نسبت به مسائل منطقه ای تا حدود زیادی تغییر می دهد و همزمان توجه کشورهای مثل عربستان سعودی برای پیروی از سیاست توازن قوای خود در مواجهه با ایران در مسائل منطقه ای را از بین می برد. این خود همزمان نقش پررنگ قدرت های بزرگ مثل آمریکا در حل مسائل منطقه ای را کم رنگ کرده و بتدریج ائتلاف سازی با آن را غیرضروری می کند.

نکته آخر اینکه مبارزه با افراط گرایی و تروریسم بر مبنای توسعه یک استراتژی ضد تروریسم منطقه ای با حمایت بین المللی باید نقطه آغازین برای تعریف و تثبیت فرهنگ امنیت منطقه ای باشد، چون این مسئله همزمان امنیت دولت ها و ملت ها را به چالش می کشد و مشکل مشترک منطقه و جهان است.





گزارش: عبدالحمید بیاتی

### تحلیل بین الملل؛

## همه ادعاهای بی بی؛ از بدترین توافق قرن تا تهدید ۵ لایه

کنونی و توافق احتمالی آن برطرف نخواهد شد. نتایج توافق تصریح کرد که هرگونه توافق احتمالی منجر به رفع تحریم ها شده و حداقل ۱۵۰ میلیارد دلار از اموال بلوکه شده را در اختیار تهران قرار خواهد داد.

### بازی دو سر برد اوپاما با اعراب و صهیونیست ها

در این میان نگرانی مشترک اعراب و اسرائیل از توافق هسته ای موجب شد تا آمریکا فرصت جدیدی را برای نیازمندتر ساختن آنها به خود بباید از همین رو اعلام کرد که حاضر است در صورت موافقت اعراب و صهیونیست ها با توافق جامع هسته ای، تسلیحات جدیدی را به آنها فروخته و پیمان های امنیتی بیشتری را نیز با آنها به امضا برساند.

فروش تجهیزات نظامی جدید از سوی آمریکا به اعراب و صهیونیست ها علاوه بر آنکه میلیاردها دلار را نصیب ایالات متحده کرده و این کشور را همچنان به عنوان بزرگترین فروشنده سلاح در جهان نگاه می دارد موجب می شود تا اوپاما در صورت حصول توافق جامع یک موفقیت بزرگ را در پرونده سیاست خارجی خود ثبت کند.

مذاکرات هسته ای ایران و توافق احتمالی تهران با کشورهای غربی فرصتی شده تا از یک سو آمریکا بهانه جدیدی برای وابسته تر کردن اعراب و اسرائیل به خود پیدا کند و از سوی دیگر موجب شده تا نتایج توافق با کوفتن بر طبل مخالفت امتیازات بیشتری را برای خود و رژیم صهیونیستی کسب کند.

در همین رابطه سران کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به کمپ دیوید دعوت شدند. البته هر چند برخی از سران از جمله پادشاه عربستان از سفر به واشنگتن خودداری کردند اما نشست اوپاما با اعراب در کمپ دیوید موجب شد تا مواضع آنها در خصوص توافق هسته ای ایران با وعده هایی که از اوپاما دریافت کرده بودند تعدیل شود.

در همین رابطه دیدارهایی نیز میان مقامات امکا با سران رژیم صهیونیستی انجام شد که

مقامات غربی اذعان می کنند که اکنون از هر زمان دیگری به توافق هسته ای با ایران نزدیکترند و در این میان نتایج و همچنان با مطرح کردن موارد عجیب هدف دوگانه ای را در این خصوص دنبال می کنند.

پس از آنکه در نوامبر ۲۰۱۳ ایران و کشورهای ۵+۱ پس از چند ماه گفتگو «برجام» (برنامه اقدام مشترک) را امضا کردند «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی، با حملاتی تند به این توافق آن را بدترین معامله قرن نامید و عنوان داشت که با این توافق ایران هر آنچه را که از برنامه هسته ای خود می خواست بدست آورده است.

بعد از آن توافق مذاکرات طرف ایرانی و گروه ۵+۱ برای رسیدن به توافق جامع آغاز شد و اکنون تنها ۲۰ روز تا به نتیجه رسیدن و یا نرسیدن این گفتگوها فرصت باقی مانده است.

در این مدت نتایج و دیگر مقامات رژیم صهیونیستی بطور مرتب با بیان صحبت های عجیب و غریب و مطرح کردن ادعاهای بی اساس سعی داشتند تا به هر نحو ممکن از حصول توافق میان ایران و کشورهای ۵+۱ جلوگیری کنند و البته در این راه صهیونیست ها با کشورهای برخوردار کردند که آنها نیز نگرانی مشترکی را در خصوص توافق جامع هسته ای داشتند و این کشورها کسی نبودند جز اعراب حاشیه خلیج فارس.

در همین رابطه نتایج و شب گذشته در اظهاراتی مدعی شد که تهدید ایران علیه این رژیم تنها تهدید هسته ای نیست بلکه شامل ۵ لایه مختلف می شود. نتایج و که شامگاه سه شنبه در کنفرانس امنیتی هرترلیبا سخنرانی می کرد، مدعی شد: تهدید هسته ای تنها تهدیدی نیست که تهران با آن ما را تهدید می کند بلکه این کشور متحدان خود را علیه اسرائیل مسلح کرده، تسلیحات پیشرفته تولید می کند حملات سایبری انجام می دهد و از حزب الله که عواملش در سرتاسر جهان پراکنده اند، حمایت می کند.

وی در ادامه مدعی شد که تهدید اصلی ایران، تهدید هسته ای است و این تهدید با مذاکرات

### سفیر نروژ در ایران:

## به توافق هسته ای خوشبینم/ تمایل شرکتهای نروژی برای حضور در ایران



سفیر نروژ در تهران اظهار داشت که کاملاً به امکان رسیدن به توافق جامع و نهایی هسته ای بین ایران و گروه ۵+۱ خوش بین است.

خانم «اود لیزه نورهایم» (Aud Lise Norheim) سفیر نروژ در تهران در پاسخ به سؤالی در خصوص پیش بینی وی از نتیجه مذاکرات هسته ای بین ایران و گروه ۵+۱ گفت: امیدوارم دو طرف به ضرب الاجل تعیین شده پایبند بمانند اما امکان تأخیر در رسیدن به توافق نیز وجود دارد.

وی افزود: با این حال خوش بین هستم که دو طرف پیش از رسیدن به ضرب الاجل تعیین شده در روز ۱۱ تیرماه به توافق نهایی برسند.

ایران و گروه ۵+۱ متشکل از آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه، چین و آلمان توافق کرده اند که تا روز ۱۱ تیرماه گزارش متن توافق جامع هسته ای را براساس راه حل های بدست آمده در روز ۱۳ فروردین در لوزان سوئیس به پایان برسانند. این در حالی است که دو طرف امکان تمدید زمان مذاکرات را نیز رد نکرده اند.

این دیپلمات نروژی با بیان اینکه رسیدن به توافق برای ایران و گروه ۵+۱ از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، تصریح کرد: تمام کسانی که درگیر این مذاکرات هستند باید سخت کار کنند تا این توافق حاصل شود زیرا هم برای ایران و هم برای دنیا تأثیرات بسیار مثبتی به همراه خواهد داشت. سفیر نروژ در پاسخ به این سؤال که اگر تحریم های اقتصادی علیه ایران برداشته شوند، چه تأثیری بر روابط دو کشور خواهد داشت، گفت: اگر تحریم های اقتصادی اعمال شده علیه ایران برچیده شوند، کار، تجارت و همکاری اقتصادی آسان تر خواهد شد و این موضوع به افزایش سطح روابط تجاری و اقتصادی بین کشورهای دیگر با ایران از جمله روابط ایران با نروژ کمک می کند. خانم نورهایم گفت که شرکت های نروژی علاقمند به حضور در بازار ایران هستند.

### قیمت نفت پایین است

سفیر نروژ در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار مهر درباره بهای کنونی نفت در بازارهای جهانی گفت: البته قیمت نفت پایین است و این موضوع بر اقتصاد ایران و ما تأثیر می گذارد.

وی با بیان اینکه کشورش اقتصاد قوی دارد، تصریح کرد: اگرچه اقتصاد ما قوی است اما با این حال دولت نروژ در حال بازطراحی اقتصادی (برای مواجهه با کاهش قیمت های جهانی نفت) است.

این دیپلمات نروژی در عین حال از هرگونه اظهار نظر درباره قیمت مناسب نفت در بازارهای جهانی خودداری کرد.

نورهایم گفت: نروژ تجربه بیشتری نسبت به ایران در زمینه انرژی دارد و تصور می کنم علاقمندی بالایی برای همکاری بین شرکت های ایرانی و نروژی در زمینه تکنولوژی نفت و گاز و پالایشگاه ها وجود داشته باشد.



## سفير اندونزی: ایران و اندونزی اقتصاد مکملی دارند/ زمینه های همگرایی میان دو کشور

گفتگو: پیمان یزدانی

فرصت زیادی ایجاد می کند. ما دو کشور بزرگ اسلامی هستیم و اقتصادمان مکمل هم هستند. ما قبل از اینکه تحریم ها برداشته شوند باید کاری بکنیم در غیر اینصورت ایران و اندونزی نخواهند توانست کاری بکنند و اندونزی بطور خودکار پشت سر گذاشته خواهد شد. من معتقد هستم ایران به خاطر پتانسیل هایی که دارد مورد علاقه و توجه بسیاری از کشورها است.

**این روزها خبرهایی از تلاش این گروه تروریستی برای جذب نیرو در کشورهای آسیای جنوب شرقی و اندونزی به گوش می رسد. دولت اندونزی برای ممانعت از این تلاش داعش چه اقداماتی انجام داده است؟**

اندونزی بزرگترین کشور اسلامی جهان است و بطور کلی یک کشور میانه روی اسلامی است. اما مشکل اینجا است که ما شماری عناصر رادیکال داریم. جمعیت زیادی از این افراد داریم که بیشتر آنها بی سواد هستند و در مناطق دورافتاده روستایی زندگی می کنند و چیزی در برنامه تحولات جدید جهان نمی دانند و وقتی آموزه ای رادیکال به آنها می رسد و آنها را تحت آموزش قرار می دهد آنها باور می کنند که این یک آموزه واقعی است و کور کورانه به آن آموزه ها عمل می کنند زیرا آنها چیزی از اسلام واقعی نمی دانند. بله داعش در تلاش است اما خوشبختانه دولت اندونزی برخورد محکمی در این خصوص داشته است زیرا داعش یک گروه تروریستی است و ما باید با آن مبارزه کنیم و اجازه ورود داعش به اندونزی را نخواهیم داد. اما با اینحال برخی اتباع اندونزی برای جنگیدن برای این گروه به سوریه، ترکیه و عراق رفته اند.

**در روزهای آتی شاهد اولین کنفرانس گفتگوهای صلح یمن خواهیم بود. آیا فکر می کنید این کنفرانس منجر به حل و فصل بحران یمن خواهد شد؟**

مشکل یمن و دیگر کشورهای منطقه مداخله قدرت های خارجی در این کشورها است و این مداخلات خیلی عمیق است. راه حل بحران یمن باید بر اساس عزم یمنی ها باشد یعنی یمنی ها باید خودشان در میان خودشان و برادرانشان به گفتگو بپردازند و نباید تحت تاثیر کشورهای دیگر باشند. تحت نفوذ دیگران بودن موجب موفقیت نخواهد شد. به شمال آفریقا نگاه کنید از زمان آغاز انقلاب های عربی هیچ یک از این کشورها به ثبات دست نیافته اند و علت آن مداخله کشورهای خارجی است.

**در هفته های گذشته «اسماعیل ولد الشیخ» نماینده سازمان ملل در امور یمن صحبت هایی درباره نقض حقوق بشر توسط ائتلاف سعودی در یمن کرده است. آیا فکر می کنید سازمان ملل بتواند گزارشی درباره نقض حقوق بشر در یمن توسط سعودی ها تهیه کند یا توجه به اینکه سعودی ها حامی قوی مثل آمریکا در سازمان ملل دارند؟**

سازمان ملل در بسیاری از موارد استانداردهای دوگانه دارد به ویژه در خصوص مسائل حقوق بشر. پشت گرم بودن به حل مسئله یمن توسط سازمان ملل جوابی برای این بحران نیست. جواب در میان خود مردم یمن است. نقض حقوق بشر معانی مختلفی برای مردم مناطق مختلف دارد. اکثر وقت ها آمریکا و سازمان ملل در این خصوص استانداردهای دوگانه بکار گرفته اند. تعریف آنها از حقوق بشر بر اساس هنجارها و منافع خودشان است.

«دیپان ویرنجوریت» ایران را کشوری با ثبات و متفاوت از کشورهای دیگر منطقه دانسته و تصریح کرد ایران و اندونزی دارای اقتصادهای مکملی هستند.

در همین راستا گفتگویی با «دیپان ویرنجوریت» سفير اندونزی در ایران درباره تحولات منطقه در حوزه یمن و مذاکرات هسته ای ایران و قدرت های جهانی و همچنین روابط دو کشور ایران و اندونزی داشته ایم که مشروح آن در زیر آمده است.

**در طول زمان حضور شما در ایران به عنوان سفير اندونزی چه گام هایی را در راستای توسعه روابط دو کشور ایران و اندونزی برداشتید؟**

من سالهاست که در ایران هستم اما باید صادقانه بگویم که توسعه روابط ایران و اندونزی کار بسیار سختی است. چراکه ذهنیت های متفاوتی بین ما وجود دارد. مردم در اندونزی خیلی درباره ایران چیزی نمی دانند و هر آنچه که می دانند را از رسانه های غربی گرفته اند. اطلاعاتی که آنها از ایران دریافت کرده اند بسیار غلط و اشتباه است. آنها فکر نمی کنند ایران مانند بقیه کشورهای منطقه است. آنها فکر می کنند ایران خیلی بی ثبات است و با خطر جنگ داخلی مواجه است. اینها چیزی است که در ذهن مردم اندونزی نقش بسته است. من در سالهای گذشته خیلی سعی کردم که به مردم اندونزی بگویم که ذهنیتشان کاملا غلط است و ایران یک کشور بسیار با ثبات است. در ۳ سال گذشته برای متقاعد کردن مردم اندونزی و مقامات دولتی اندونزی تلاش های زیادی کردم تا در ایران کارهایی بکنند زیرا ما ظرفیت های زیادی داریم امکانات و دارایی های ما مکمل همدیگر هستند. ما نیاز به نفت و گاز و محصولات پتروشیمی شما داریم و شما هم به کاغنه، روغن پالم و لاستیک ما نیاز دارید. ایرانی ها هم ذهنیت مناسبی از اندونزی ندارند آنها فکر می کنند که اندونزی یک کشور دور افتاده است اما امروزه فاصله دیگر مسئله و مشکل محسوب نمی شود. امروز خوشحالم که بگویم بعد از سال ها توجهات دو طرف نسبت به هم در حال افزایش است تا همکاری ها و تعاملات رادر تمامی عرصه ها بیشتر کنند. اخیرا وزیر اقتصاد اندونزی دیداری از ایران داشت و گفتگوهایی با مقامات عالیتره ایرانی درباره چگونگی غلبه بر تحریم ها داشت.

**همانطور که می دانید مذاکرات هسته ای بین ایران و گروه ۵+۱ در جریان است. با توجه به اختلافات و شکاف های موجود بین دو طرف بر سر نحوه بازرسی ها و لغو تحریم ها، آینده این مذاکرات را چگونه می بینید آیا فکر می کنید بتوانیم به توافق دست یابیم یا خیر؟**

به سوال شما از دو جنبه جواب می دهم. اول به عنوان یک دیپلمات من باید خوش بین باشم زیرا در دیپلماسی همه چیز امکان پذیر است. اما به عنوان یک شهروند عادی من باید واقع گرا باشم. بله شما درست می گوید شکاف بین ایران و گروه ۵+۱ بسیار زیاد است و حل و فصل این اختلافات کار آسانی نیست. همینطور در کنار این اختلافات افرادی تند رو در آمریکا و اروپا هستند که نمی خواهند شاهد دستیابی به این توافق باشند. به اعتقاد من با وجود تحریم ها زندگی باید ادامه داشته باشد و اندونزی در این خصوص باید کاری بکند تا بتواند روابط متقابلی با ایران داشته باشد. بله تحریم ها یک مانع هستند اما ما برای خروج از آنها باید راهی پیدا کنیم. من نمی خواهم بگویم که مذاکرات هسته ای در آینده نزدیک به نتیجه خواهند رسید و ما باید برای توسعه روابط دو جانبه راه پیدا کنیم.

**اگر توافقی بین ایران و غرب به دست آید تاثیر آن بر روابط ایران و اندونزی چه خواهد بود؟**

این مسئله ای است که من را نگران می کند. تحریم برای ما

آخرین موارد آن مربوط به سفر «جان برنان» رئیس سازمان سیا، و ژنرال «هارتین دمپسی» رئیس ستاد مشترک آمریکا، به سرزمین های اشغالی است.

محور اصلی گفتگوهای برنان و دمپسی در تل آویو مذاکرات هسته ای ایران بود و در همین رابطه نیویورک تایمز در گزارشی نوشت: رئیس جمهور آمریکا بار دیگر سعی کرد تا در جهت کاهش مخالفت رژیم صهیونیستی با توافق هسته ای ایران گام بردارد. در همین رابطه، ژنرال «هارتین دمپسی» که در سمت ریاست ستاد مشترک ارتش رهبری نظامی آمریکا را بر عهده دارد، اطمینان خاطر داد که واشنگتن زرادخانه ها، ناوگان هواپیماهای جنگی و توان سایبری تل آویو را بیش از پیش تقویت خواهد کرد.

سفر دمپسی به سرزمین های اشغالی که تحت عنوان گفتگو درباره همکاری های مشترک نظامی و دفاعی بین واشنگتن - تل آویو صورت گرفته است تضمین کننده حفظ برتری نظامی رژیم صهیونیستی نسبت به رقبای منطقه ای است و نه تنها شامل تجهیز ارتش این کشور به سلاح های بهتر می شود بلکه بر افزایش شمار تسلیحات و نحوه آموزش به نظامیان صهیونیست نیز تاکید دارد. در واقع، اصرار صهیونیست ها به افزایش شمار تسلیحات نظامی بیش از آنکه از بابت توافق هسته ای ایران باشد از ترس آنها درباره فروش هرچه بیشتر سلاح های آمریکایی به کشورهای عرب منطقه ناشی می شود. چراکه علیرغم رقابت اعراب با ایران و باج خواهی از واشنگتن برای کنار آمدن با توان هسته ای تهران، آنها به نوعی رقیب دیرینه رژیم صهیونیستی نیز محسوب می شوند.

به عبارت دیگر آمریکا با فروش تجهیزات نظامی پیشرفته به اعراب موجب تحریک صهیونیست ها برای عقد قراردادهای نظامی جدید با واشنگتن می شود.

**اهداف دوگانه نتانیاهو از مخالفت با توافق هسته ای**

اما چرا نتانیاهو تا این حد با توافق هسته ای ایران مخالفت می کند آنهم در شرایطی که مقامات آمریکایی به صراحت اعلام کرده اند متعهد به تامین امنیت رژیم صهیونیستی در هر شرایطی هستند؟

یکی از دلایل مخالفت سرسختانه نتانیاهو با توافق هسته ای ایران آن است که می دانند در صورت حصول این توافق بخشی از تنش های میان ایران با کشورهای اروپایی و آمریکا از بین می رود و با از بین رفتن این اختلافات تهران از قدرت دیپلماتیک بیشتری در برابر اسرائیل بهره مند می شود از همین رو نزدیکی ایران با غرب به هیچ وجه به نفع رژیم صهیونیستی نیست.

هدف دوم آنکه، نتانیاهو با مخالفت خود قدرت چانه زنی تل آویو با کشورهای غربی و کسب امتیاز از آنها را بالا می برد. این بدان معناست که نتانیاهو در صورت کنار آمدن با توافق هسته ای ایران امتیازات زیادی از کشورهای غربی از جمله آمریکا خواهد گرفت که عقد قراردادهای جدید نظامی فقط یک مورد از آنهاست.

خلاصه سخن آنکه مذاکرات هسته ای ایران و توافق احتمالی تهران با کشورهای غربی فرصتی شده تا از یک سو آمریکا پهانه جدیدی برای وابسته تر کردن اعراب و اسرائیل به خود پیدا کند و از سوی دیگر موجب شده تا نتانیاهو با کوفتن بر طبل مخالفت امتیازات بیشتری را برای خود و رژیم صهیونیستی کسب کند.



جروزالم پست گزارش داد

## واکنش اسرائیل بعد از توافق هسته‌ای ایران چه خواهد بود؟



یکی از مسئولان پیشین وزارت جنگ رژیم صهیونیستی از جزئیات مخالفت های خصمانه این رژیم علیه برنامه صلح آمیز هسته ای ایران پرده برداشت.

یکی از مسئولان پیشین وزارت جنگ رژیم صهیونیستی با انتشار مقاله ای از جزئیات مخالفت های خصمانه این رژیم علیه برنامه صلح آمیز هسته ای ایران پرده برداشت.

«یوسی کوپرواسر» رییس سابق تحقیقات اطلاعات نظامی وزارت جنگ و دبیر کل سابق وزارت امور راهبردی رژیم صهیونیستی گفت: در صورت حصول توافق هسته ای با ایران، این رژیم تلاش های اطلاعاتی خود را به منظور مانیورینگ تحولات ایران بیشتر کرده تا در صورت لزوم بتواند هشدارهای لازم را در این خصوص اطلاع رسانی نماید.

این ژنرال رژیم صهیونیستی با انتقاد از عملکرد دولت آمریکا در مذاکرات هسته ای با ایران گفت: یکی از دلایل ناخشنودی از جریان مذاکرات هسته ای، نگرش بدبینانه ما به این مذاکرات است. هر قدر هم که این مذاکرات ادامه یابد، اسرائیل باید با تلاش های همه جانبه خود، مانع از رسیدن به یک توافق بد با ایران شود.

وی در ادامه با تکرار ادعاهای تکراری مسئولین این رژیم در مورد مذاکرات هسته ای کشورهای ۵+۱ با ایران افزود: اگر علیرغم تلاش های مضاعف ما، توافق هسته ای با ایران محقق شود، اسرائیل باید به تقویت جمع آوری اطلاعات از ایران، تسریع تلاش ها با هدف تقویت بنیه نظامی خود برای مقابله احتمالی با ایران و بالاخره ایجاد ائتلاف منطقه ای (ائتلاف در منطقه خلیج فارس) برای جلوگیری از تبدیل دستاوردهای هسته ای این کشور به عنوان یک عامل تأثیرگذار در منطقه مبادرت نماید.

کوپرواسر در آستانه موعد ۳۰ ژوئن به مقاصد این رژیم در مخالفت با برنامه صلح آمیز هسته ای اشاره کرد و افزود: بطور خلاصه بگویم در حالیکه واشنگتن به دنبال جلوگیری از توان تسلیحات هسته ای ایران است، ما تلاش می کنیم تا رسیدن ایران به توانمندی و دانش بومی برنامه هسته ای را از بین ببریم.

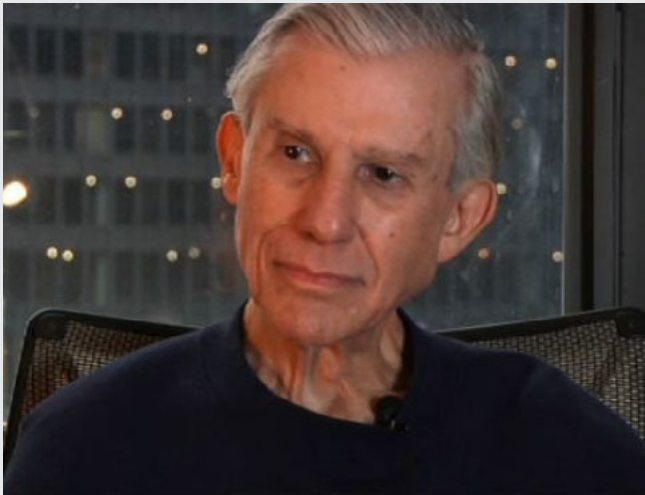
او در ادامه ادعای کرد: اسرائیل معتقد است که توافق هسته ای برای ایران چنان پیروزی را به دنبال خواهد داشت که بسترهای لازم برای تبدیل این کشور به قطب قدرت منطقه ای را مهیا خواهد نمود و این دلیل دیگری برای مقابله با ایران توسط اسرائیل محسوب می شود.

روز گذشته، روزنامه صهیونیستی هآرتس گفته بود نتانیاو در جلسه کابینه رژیم صهیونیستی اعلام کرده که با نزدیک شدن به پایان موعد مقرر مذاکرات هسته ای میان ۵+۱ و ایران در ۳۰ ژوئن، کشورهای مذکور «در حال تسریع امتیازدهی» به ایران هستند.

نتانیاو که همواره برای تحریک کشورهای غربی جهت اتخاذ موضعی تندتر در قبال ایران تلاش می کند، در جلسه دیروز کابینه رژیم صهیونیستی گفته بود: گزارش هایی که از طرف کشورهای مذاکره کننده با ایران به من رسیده نشان می دهد که با نزدیک شدن به تاریخ ۳۰ ژوئن برای اتمام توافق هسته ای با ایران، این کشورها با شتاب بیشتری به ایران امتیاز می دهند هر روز این توافق شکل بدتری به خود می گیرد هنوز دیر نشده است، بهتر است با کمک یکدیگر این توافق را رها کنید و به توافق بهتری با ایران بپردازید.

وی در ادامه با تکرار سخنان همیشگی خود افزوده بود: ما روند مذاکرات را به دقت دنبال می کنیم و خود را برای توافق احتمالی کشورهای ۵+۱ با ایران آماده خواهیم کرد.

این روزنامه صهیونیستی سخنان دیروز نتانیاو را در ادامه سخنان ۲ روز گذشته «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا در اولین مصاحبه خود پس از ترخیص از بیمارستان دانست. کری در سخنان خود گفته بود: برخی مسائل پیچیده تر شده و در برخی از مسائل هم پیشرفت داشته ایم. من هرگز نگفته ام که خوشبین هستم؛ بلکه همیشه دم از امید زده ام. من امیدوار هستم از من می پرسید که امکان توافق با ایران وجود دارد؟ بله قطعاً. این مذاکره خیلی دشوار است. ایران و آمریکا بیش از ۳۵ سال است که با یکدیگر گفتگو نکرده اند.



نظریه پرداز آمریکایی:

## بازرسی از سایت های نظامی ایران با ملزومات پروتکل الحاقی سازگار نیست

گفتگو: پیمان یزدانی

«استفن لندمن» درخواست آمریکا برای بازرسی از تأسیسات نظامی ایران را فراتر از تعهدات پروتکل الحاقی دانسته و هدف از طرح آن را تخریب مذاکرات هسته ای از سوی آمریکا عنوان کرد.

این روزها با نزدیک شدن به ضرب الاجل ۳۰ ژوئن برای دستیابی به توافق هسته ای بین ایران و گروه ۵+۱ مذاکرات هسته ای به مراحل حساسی رسیده است. در این دور از مذاکرات نیز طبق روال گذشته با زیاده طلبی جدیدی از سوی آمریکا روبرو شده ایم که هدف از طرح این زیاده خواهی ها فشار به تیم مذاکره کننده هسته ای ایران برای دستیابی به خواسته های غیرمنطقی آمریکا و طرف های غربی است.

یکی از چالش های موجود در این دور از مذاکرات که طرف آمریکایی اصرار زیادی بر آن می کند بازرسی از مراکز نظامی ایران توسط بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی است که جمهوری اسلامی ایران بطور جدی با آن مخالف است.

استفن لندمن نظریه پرداز آمریکایی در گفتگو با خبرنگار مهر در پاسخ به این سوال که آیا دیگر کشورهای جهان مثل آمریکا و انگلیس هم که پروتکل الحاقی NPT را به مانند ایران اجرا می کنند اجازه بازرسی از تأسیسات نظامی خود را به بازرسان آژانس می دهند گفت: هیچ کشوری اجازه بازرسی های نامحدود از اماکن نظامی خودش را نمی دهد و به اعتقاد من چنین درخواستی ربطی به ملزومات پروتکل الحاقی آن پی تی ندارد.

وی در ادامه با زیر سوال بردن نیت طرف آمریکایی از طرح چنین موضوعی گفت: اصرار بر چنین درخواستی از سوی آمریکا به مفهوم مانع تراشی با هدف تخریب مذاکرات است. همچنین مسائل اضافی مطرح شده در تفسیر واشنگتن از پروتکل الحاقی فراتر از توافق اولیه لوزان است و بیانگر این است که آمریکا درباره عادی سازی روابط با ایران جدی نیست و دقیقاً برعکس عمل می کند.

این تحلیلگر آمریکایی با ابراز بدبینی نسبت به مثبت بودن نتایج مذاکرات هسته ای گفت: من درباره اینکه مذاکرات نتایج مثبتی داشته باشد خوش بین نیستم حتی اگر تا ضرب الاجل اعلام شده ۳۰ ژوئن توافقی هم حاصل شود.

وی در ادامه با اشاره به پایبند نبودن آمریکا به تعهداتش حتی در صورت دستیابی به توافق هسته ای گفت: واشنگتن سابقه ای طولانی در نقض تعهداتش دارد. با توجه به فشارهای زیاد و سنگین اسرائیل و لابی های آن در داخل آمریکا، خصومت های واشنگتن علیه ایران ادامه خواهد داشت.

وی همچنین تصریح کرد: آمریکا برای پیشبرد برنامه های امپریالیستی خود نیاز به دشمن دارد. در خاورمیانه این دشمن ایران، سوریه، حزب الله و حماس است. در سطح جهانی هم روسیه و چین دو رقیب اصلی آمریکا و کشورهای مستقل به ویژه ونزوئلا هستند. آمریکا به خاطر منابع عظیم نفت ونزوئلا خواستار تملک این کشور است.



از استاکس نت تا شود مذاکرات؛

## افشای جزئیات تازه از جاسوسی سایبری از محل مذاکرات هسته‌ای ایران

ای برای آسیب به مذاکرات در جریان هسته‌ای متهم کرده بود، لذا تکذیب استفاده از این بدافزار توسط اسرائیل فاقد صحت می باشد.

هر دو شرکت فعال روسی و آمریکایی (کسپراسکی و سیمنتک کراپ) در زمینه امنیت سایبری با اطمینان اعلام کرده اند که میان ویروس های دوکو و «استاکس نت» همپوشانی وجود دارد. این گزارش ادامه داد: ویروس استاکس نت در یک پروژه مشترک آمریکایی-اسرائیلی در سال ۲۰۰۹ در تلاش بود تا به ۱۰۰۰ یا حتی تعداد بیشتری از سانتریفیوژهای مورد استفاده در غنی سازی اورانیوم در سایت هسته ای نطنز آسیب رسانده و آن ها را نابود کند.

کسپراسکی در پایان گزارش خود اعلام کرد: مهاجمان ویروس سایبری دوکو تنها بدافزاری هستند که به این کدها دسترسی دارند و بنابراین این فرضیه را که مهاجمان مذکور سخت افزارها را با هدف رسیدن به این سانتریفیوژها هک کرده اند را قطعی کرده است.

کسپراسکی پس از یافته های اخیر خود سرقت کدهای دیجیتالی فاکسکان را به اطلاع این شرکت رسانده است تا از ادامه این روند جلوگیری شود.

مبادلات خودکار در شبکه گسترده جهانی (وب) محسوب و مورد بهره برداری قرار می گیرند.

این کارشناسان در تشریح نحوه این جاسوسی در فضای مجازی گفتند: جاسوسان سایبری با بهره گرفتن از کدهای مسروقه و فریب دادن سیستم های کامپیوتری در واقع مبادرت به انجام عملی می کنند که این سیستم ها، مسروقه بودن کدهای مذکور را متوجه نشده و اینگونه تلقی کنند که کدهای مذکور از جانب سیستم های کامپیوتری معتبر می باشند. لذا کارشناسان امنیت سایبری این موضوع را تهدید بزرگی در تبادل اطلاعات اینترنتی می دانند.

کسپراسکی روسی و شرکت آمریکایی «سیمنتک کراپ» که در زمینه مسائل امنیت سایبری فعالیت می کنند اعلام کردند که این ویروس برنامه های نرم افزاری مشتری را با نرم افزار جاسوسی پیشین دوکو دارد که سابقاً برای اهداف جاسوسی توسط رژیم صهیونیستی ساخته و مورد استفاده قرار گرفته بود.

در ادامه این گزارش آمده است: از آنجاییکه در ماه فوریه سال جاری، آمریکا این رژیم را به بهره برداری گزینشی از بخش هایی از مذاکرات هسته

از سه هتل محل مذاکرات با نسخه پیشرفته ای از بدافزار «دوکو» منتشر کرد، امروز نیز جزئیات بیشتری را در ادامه تحقیقات خود اعلام و منتشر نموده است. ادامه تحقیقات این شرکت درباره این ویروس پیچیده اینترنتی نشان می دهد که بدافزار دوکو با استفاده از کدهای دیجیتال معتبر مسروقه از شرکت بزرگ سازنده قطعات الکترونیکی «فاکسکان» به جاسوسی از مذاکرات هسته ای پرداخته است.

کسپراسکی امروز اعلام کرد که کارشناسان این شرکت متوجه شده اند که ویروس دوکو ۰/۲ با استفاده از کدهای معتبر نرم افزاری از شرکت تایوانی «هان های» معروف به فاکسکان مسیر ترافیک رایانه ای را تغییر داده و توانسته است به اهداف جاسوسی سایبری اقدام نماید.

بسیاری از شرکت های بزرگ سازنده قطعات الکترونیک در جهان مانند «اپل»، «گوگل»، «هواوی»، «مایکروسافت» و «بلک بری» از جمله مشتریان شرکت پیمانکاری فاکسکان تایوان به حساب می آیند.

گذرواژه های دیجیتالی کدهایی هستند که برای شناسایی رایانه های مجاز در یک شبکه استفاده می شوند و به عنوان مبنای تجارت الکترونیک و سایر

تحقیقات بیشتر در خصوص جاسوسی اسرائیل از هتل های محل مذاکرات، نشان می دهد که این ویروس از کدهای دیجیتالی سرقت شده استفاده کرده است. همچنین میان ویروس های دوکو و «استاکس نت» همپوشانی وجود دارد.

تحقیقات بیشتر در خصوص ویروس رایانه ای مورد استفاده در جاسوسی اسرائیل از هتل های محل مذاکرات هسته ای، نشان می دهد که این ویروس از کدهای دیجیتالی سرقت شده از شرکت «فاکسکان» به عنوان بزرگترین پیمانکار تولید قطعات الکترونیک جهان استفاده کرده است. همچنین میان ویروس های سایبری «دوکو» و «استاکس نت» هم پوشانی وجود دارد.

ابتدای هفته جاری بود که گزارش اولیه شرکت «کسپراسکی» درباره جاسوسی اسرائیل از مذاکرات هسته ای در بجنوبه دور ششم مذاکرات هسته ای کشورهای ۵+۱ با ایران، واکنش های بسیاری را در محافل سیاسی در سراسر جهان به همراه داشت.

شرکت روسی کسپراسکی که در حوزه امنیت سایبری فعالیت می کند پس از آنکه گزارش کوتاه و فوری خود را درباره جاسوسی دستگاه امنیتی رژیم صهیونیستی





گزارش: عبدالحمید بیاتی

دور جدید مذاکرات هسته ای ایران از امروز چهارشنبه آغاز می شود و در این میان مقامات آمریکایی سیگنال های مثبت و منفی زیادی را مخابره می کنند.

## سیگنال های مثبت و منفی همزمان با آغاز دور جدید مذاکرات هسته ای

برای مثال هر چند پیشتر اعلام شده بود که به محض حصول توافق جامع تحریم های سازمان ملل نیز علیه ایران لغو می شوند اما یک مقام غربی مدعی شده که شورای امنیت تصمیم دارد تا رفع تحریم های سازمان ملل در قبال ایران را به بعد از اعلام نظر قطعی کنگره آمریکا موکول کند.

بر همین اساس چنانچه ایران و کشورهای ۵+۱ موفق به حصول توافق هسته ای شوند، شورای امنیت سازمان ملل متحد به احتمال زیاد وقفه ای یک ماهه را برای رفع تحریم های ایران لحاظ خواهد کرد تا به این ترتیب کنگره آمریکا بتواند قرارداد به دست آمده را مورد بررسی قرار دهد.

به گفته این مقام رسمی غرب که درخواست نامش فاش شود، این تصمیم چندان خوشایند نیست اما به لحاظ سیاسی از اهمیت برخوردار است چرا که کنگره جمهوری خواه آمریکا تمایلی به پیش قدمی اعضای شورای امنیت به اعمال نظر در خصوص توافق هسته ای ایران ندارد. ماه گذشته، «باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا لایحه ای را به امضا رساند که پیش از تعلیق تحریم های کنگره به این نهاد فرصتی ۳۰ روزه را برای بازنگری توافق هسته ای می دهد. کل روند بازنگری با احتساب دوره ای که به حق وتوی اوباما و اعمال نظر مجدد کنگره اختصاص داده می شود در مجموع ۶۰ روز را شامل می شود.

البته به ادعای این مقام غربی، اعضای ۱۵ نفره شورای امنیت برای رفع تحریم های سازمان ملل متحد به رای کنگره آمریکا نیازی ندارند اما با توجه به کارشکنی های جمهوری خواهان پیش دستی کردن نسبت به آنها کار عاقلانه ای به نظر نمی آید.

دهد تا از این طریق نگرانی ها در خصوص ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته ای را برطرف کند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس می گوید، بیشتر فعالیت های مربوط به «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته ای ایران به پیش از سال ۲۰۰۳ بر می گردد، زمانی که برنامه هسته ای ایران افشا شد.

اینکه آمریکا در این مرحله از مذاکرات اعلام می کند ۵+۱ با فعالیت های قبلی ایران کاری ندارد می تواند به نوعی موجب پیشرفت مذاکرات شود چون تا کنون فشارهای بی دلیل زیادی در این رابطه به تهران وارد می شود و «طرح سوال های ادعایی» نیز بر همین اساس از سوی اژانس شکل گرفته بود.

جان کری گفته است: «ابعاد نظامی احتمالی (برنامه هسته ای ایران) در برخی از مذاکرات مطرح شد، ما روی این فعالیت ها متمرکز نشده ایم که به طور دقیق بررسی کنیم و آنها توضیح بدهند که در یک نقطه زمانی مشخص چه کاری را انجام داده اند. خیلی روشن است دستیابی به توافقی مشروع مستلزم پیگیری چنین مسئله ای است.»

وزیر امور خارجه آمریکا با این حال تاکید کرده است که به مذاکرات هسته ای با ایران در وین ملحق خواهد شد.

پس از آن که ایران و گروه ۵+۱ در سال ۲۰۱۳ در ژنو به توافق موقت دست یافتند، یک مقام دولت باراک اوباما گفت که روشن کردن مسائل باقیمانده در خصوص ابعاد «نظامی» احتمالی فعالیت های هسته ای ایران یکی از پیش شرط های دستیابی به توافق نهایی با تهران است.

این در حالی است که خبرگزاری آسوشیتدپرس هفته گذشته به نقل از منابع مطلع خبر داده بود که در توافق ۳۰ ژوئن (۱۰ تیرماه) ایران به این پرسش ها در این زمینه پاسخ نمی دهد. آمریکا و اعضای گروه ۵+۱ در حال تهیه فهرستی از اقداماتی هستند که ایران باید در آینده انجام

دهد تا از این طریق نگرانی ها در خصوص ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته ای را برطرف کند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس می گوید، بیشتر فعالیت های مربوط به «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته ای ایران به پیش از سال ۲۰۰۳ بر می گردد، زمانی که برنامه هسته ای ایران افشا شد.

اینکه آمریکا در این مرحله از مذاکرات اعلام می کند ۵+۱ با فعالیت های قبلی ایران کاری ندارد می تواند به نوعی موجب پیشرفت مذاکرات شود چون تا کنون فشارهای بی دلیل زیادی در این رابطه به تهران وارد می شود و «طرح سوال های ادعایی» نیز بر همین اساس از سوی اژانس شکل گرفته بود.

جان کری گفته است: «ابعاد نظامی احتمالی (برنامه هسته ای ایران) در برخی از مذاکرات مطرح شد، ما روی این فعالیت ها متمرکز نشده ایم که به طور دقیق بررسی کنیم و آنها توضیح بدهند که در یک نقطه زمانی مشخص چه کاری را انجام داده اند. خیلی روشن است دستیابی به توافقی مشروع مستلزم پیگیری چنین مسئله ای است.»

وزیر امور خارجه آمریکا با این حال تاکید کرده است که به مذاکرات هسته ای با ایران در وین ملحق خواهد شد.

پس از آن که ایران و گروه ۵+۱ در سال ۲۰۱۳ در ژنو به توافق موقت دست یافتند، یک مقام دولت باراک اوباما گفت که روشن کردن مسائل باقیمانده در خصوص ابعاد «نظامی» احتمالی فعالیت های هسته ای ایران یکی از پیش شرط های دستیابی به توافق نهایی با تهران است.

این در حالی است که خبرگزاری آسوشیتدپرس هفته گذشته به نقل از منابع مطلع خبر داده بود که در توافق ۳۰ ژوئن (۱۰ تیرماه) ایران به این پرسش ها در این زمینه پاسخ نمی دهد. آمریکا و اعضای گروه ۵+۱ در حال تهیه فهرستی از اقداماتی هستند که ایران باید در آینده انجام

دهد تا از این طریق نگرانی ها در خصوص ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته ای را برطرف کند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس می گوید، بیشتر فعالیت های مربوط به «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته ای ایران به پیش از سال ۲۰۰۳ بر می گردد، زمانی که برنامه هسته ای ایران افشا شد.

اینکه آمریکا در این مرحله از مذاکرات اعلام می کند ۵+۱ با فعالیت های قبلی ایران کاری ندارد می تواند به نوعی موجب پیشرفت مذاکرات شود چون تا کنون فشارهای بی دلیل زیادی در این رابطه به تهران وارد می شود و «طرح سوال های ادعایی» نیز بر همین اساس از سوی اژانس شکل گرفته بود.

جان کری گفته است: «ابعاد نظامی احتمالی (برنامه هسته ای ایران) در برخی از مذاکرات مطرح شد، ما روی این فعالیت ها متمرکز نشده ایم که به طور دقیق بررسی کنیم و آنها توضیح بدهند که در یک نقطه زمانی مشخص چه کاری را انجام داده اند. خیلی روشن است دستیابی به توافقی مشروع مستلزم پیگیری چنین مسئله ای است.»

وزیر امور خارجه آمریکا با این حال تاکید کرده است که به مذاکرات هسته ای با ایران در وین ملحق خواهد شد.

پس از آن که ایران و گروه ۵+۱ در سال ۲۰۱۳ در ژنو به توافق موقت دست یافتند، یک مقام دولت باراک اوباما گفت که روشن کردن مسائل باقیمانده در خصوص ابعاد «نظامی» احتمالی فعالیت های هسته ای ایران یکی از پیش شرط های دستیابی به توافق نهایی با تهران است.

این در حالی است که خبرگزاری آسوشیتدپرس هفته گذشته به نقل از منابع مطلع خبر داده بود که در توافق ۳۰ ژوئن (۱۰ تیرماه) ایران به این پرسش ها در این زمینه پاسخ نمی دهد. آمریکا و اعضای گروه ۵+۱ در حال تهیه فهرستی از اقداماتی هستند که ایران باید در آینده انجام

دهد تا از این طریق نگرانی ها در خصوص ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته ای را برطرف کند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس می گوید، بیشتر فعالیت های مربوط به «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته ای ایران به پیش از سال ۲۰۰۳ بر می گردد، زمانی که برنامه هسته ای ایران افشا شد.

تنها چند روز به فرصت از پیش تعیین شده برای رسیدن ایران و کشورهای ۵+۱ به توافق جامع فرصت باقی مانده و در این میان هم شاهد اظهارات امیدوار کننده برای حصول این توافق هستیم و هم اظهارات ناامید کننده در خصوص آن منتشر می شود.

این وضعیت در حالی است که قرار است از امروز چهارشنبه دور جدید مذاکرات هسته ای ایران و کشورهای ۵+۱ در وین با حضور معاونان وزیر امور خارجه کشورهای حاضر در مذاکرات و همچنین نماینده اتحادیه اروپا آغاز شود.

در همین رابطه «سید عباس عراقچی» معاون وزیر امور خارجه ایران، پیش از آغاز مذاکرات امروز به خبرنگاران اعلام کرد که در این دور از مذاکرات کوشش می شود اختلاف ها را در متن توافق نهایی کاهش دهند و اضافه کرده است که احتمالاً تعدادی از اختلافات که مقداری کلیدی و اساسی تر است برای روزهای آخر می ماند تا با حضور وزیران خارجه در مورد آن ها تصمیم گرفته شود.

عراقچی در باره مهلت ۳۰ ژوئن (۱۰ تیر) هم گفته است که اگرچه این تاریخ را برای پایان مذاکرات در نظر گرفته اند اما به تاریخ مشخصی پایبند نیستند و اگر لازم باشد برای یک توافق مطلوب بیشتر می مانند.

### کاری با گذشته ایران نداریم

اما شب گذشته «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا، در یک کنفرانس خبری که البته بصورت ویدئو کنفرانس برگزار شد گفت: اعضای گروه ۵+۱ مذاکرات هسته ای با ایران برای دستیابی به توافق جامع و نهایی بر مسئله ابعاد نظامی احتمالی (PMD) فعالیت های هسته ای تهران در گذشته «متمرکز» نیستند.

## نشال اینترست بورسی کرد:

# مذاکره به سبک آمریکایی لمنطق زور به جای معامله

آمریکایی‌ها مذاکره را راهی برای طرح خواسته‌های خود و اعمال فشار بر طرف مقابل تلقی می‌کنند حال آنکه در مواجهه با ایران برای نخستین بار الگوی رفتاری خود را تغییر داده و از در مصالحه و مدارا وارد شده‌اند.

مذاکرات هسته ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ در حالی به ضرب الاجل ۳۰ ژوئن (۱۱ تیرماه) نزدیک می‌شود که بسیاری از تندرهای آمریکایی تیم مذاکره کننده این کشور را به خلف وعده و عقب نشینی از مواضع اولیه خود متهم می‌کنند. این مسئله وقتی نمود بیشتری پیدا کرد که هفته گذشته «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا شفاف سازی «بعاد احتمالی نظامی» فعالیت های هسته ای تهران را که در گذشته انجام گرفته است برای حصول توافق با ایران غیر ضروری دانست. اینگونه بود که نه تنها دولتمردان بلکه حتی برخی از رسانه های آمریکایی نیز دولت «باراک اوباما» را به نادیده گرفتن خطوط قرمزی متهم کردند که خود ترسیم کرده بود. شاید بتوان گفت مذاکرات هسته ای ایران اولین موردی است که واشنگتن را در مقام چانه زنی قرار داده است. ایالات متحده آمریکا با توجه به نقش تثبیت شده ای که در عرصه قدرت جهانی دارد در حالت معمول لزومی برای کوتاه آمدن از مواضع خود نمی بیند و کمتر پیش می آید که به جای ارباب و اعمال فشار بر طرف مقابل از در صلح و مدارا وارد شود. در مقابل این سنگ اندازی هاست که «پل پیلار» تحلیلگر پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) سعی به اصلاح مفهوم غلطی دارد که جامعه سیاسی آمریکا از واژه مذاکره تعبیر می کند. به عقیده وی امتیازدهی می تواند رویکرد محتاطانه ای باشد برای درک بهتر از اهداف، تمایلات و حتی ترس های طرف مقابل.

پیلار در یادداشتی که پایگاه تحلیلی «نشال اینترست» منتشر کرد، می نویسد: مذاکره در همه جا به غیر از آمریکا به منزله یک معامله تلقی می شود که در پی واگذاری برخی امتیازات متقابل، نیازمندی های هر دو گروه را به حد کفایت رفع می کند. به این ترتیب، آنها در نهایت می توانند مدعی شوند که به توافق رسیدن بهتر از هرگز به توافق نرسیدن است. یکی از تبعات ناخوشایند استثنائاتی آمریکایی برداشت پیچیده و بسیار ناموزونی است که آنها از واژه مذاکره دارند. این مفهوم گنگ مانع بزرگی بر سر راه



مصلحه تلقی شود. برعکس، دولتمردان ایرانی خواهان آن هستند تا در پیامی واضح به همتایان آمریکایی خود بفهمانند که هر دو می توانند یک بازی مشابه را ارایه دهند و اینکه هیچکس به ایالات متحده آمریکا مجوز ویژه برای ترسیم خطوط قرمز نداده است.

از همین روی است که اعضای مجلس ایران این هفته لایحه ای را ارایه دادند که هدف از آن حمایت از تیم مذاکره کننده ایران و حفاظت از خطوط قرمزی است که از سوی رهبر عالی انقلاب مشخص شده است. در ادامه این لایحه، به موضوعاتی از قبیل بازرسی های بین المللی، تحقیق و توسعه هسته ای و زمانبندی رفع تحریم ها پرداخته شده است.

آنچه که مسلم است دولتمردان ایرانی هم به خوبی دولتمردان سایر کشورها از قوانین معامله باخبرند و بعید به نظر می رسد که اقدامشان به معنای عدم درک آنها از لزوم تعامل و مصالحه تلقی شود. برعکس، دولتمردان ایرانی خواهان آن هستند تا در پیامی واضح به همتایان آمریکایی خود بفهمانند که هر دو می توانند یک بازی مشابه را ارایه دهند و اینکه هیچکس به ایالات متحده آمریکا مجوز ویژه برای ترسیم خطوط قرمز نداده است.

ماهیت معامله گونه مذاکرات حداقل در یکی دو مورد کاربرد دارد که هر دو طرف باید از آن به نحو احسن استفاده کنند. در واقع، این جنبه از مذاکرات برای جمع آوری اطلاعاتی به کار می رود که بر اساس آن هر یک از گروه های ذینفع به آنچه که طرف مقابل به آن بیشتر و یا حتی کمتر بها می دهد پی خواهد برد و تنها به این وسیله است که پای میز مذاکره بهترین توافقی که خواسته های هر دو طرف را برآورده کند، حاصل می شود.

البته که امتیازدهی ویژه کار معقولانه ای به نظر نمی آید، اما در عوض می تواند رویکرد محتاطانه ای باشد برای درک بهتر از اهداف، تمایلات و حتی ترس های طرف مقابل.

همواره آثار مخرب خود را بر روی سیاست های خارجی کشور باقی گذاشته است. یکی از نتایج این نوع تفکر استثنائاتیانه که مصالحه را در روند مذاکره غیر ضروری دانسته و آن را نشانه ای از شرم و ضعف تلقی می کند می توان در جبهه گیری نسبت به عملکرد «باراک اوباما» رئیس جمهوری آمریکا، در مذاکره با ایران مشاهده کرد. یکی از ایراداتی که مخالفین و عمدتاً جمهوری خواهان درباره رویکرد اوباما مطرح می کنند عقب نشینی وی از موضعی است که در مراحل ابتدایی مذاکره با ایران داشته است. در این میان می توان به نامه «باب کروکر» رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا به اوباما اشاره کرد. در این نامه وی شکایت می کند که چرا مسیر مذاکرات هسته ای از اهداف و اظهارات اولیه آمریکا دور شده است. کروکر در این نامه حتی درباره گزارش هایی هشدار می دهد که احتمال واگذاری امتیازات بیشتر به ایران را پیش بینی کرده اند.

بهترین پاسخی که می توان به این گونه ادعاها داد این است که بگوییم: بله ایالات متحده آمریکا امتیازاتی را به ایران واگذار کرده و می کند و در مقام مقایسه امتیازاتی که ایران واگذار کرده از این هم بیشتر است. اصولاً مذاکره کردن یعنی همین. شاید آمریکایی ها دوست نداشته باشند که خود را در جایگاه چانه زدن ببینند. انعطاف ناپذیری رویکردی است که می توان برای ظفره رفتن از چانه زنی انتخاب کرد اما لزوماً رویکرد خوب و مؤثری نیست و اصولاً نباید این قضیه چانه زنی را سرسری گرفت.

سفسطه ناموزون بودن نگاه آمریکایی وقتی لو می رود که بقیه گروه های دخیل با اتخاذ اقداماتی سعی به یادآوری این نکته داشته باشند که اصولاً مذاکره در ذات خود یک مجاهدت دو جانبه را می طلبد.

دولتمردان ایرانی هم به خوبی دولتمردان سایر کشورها از قوانین تجارت باخبرند و بعید به نظر می رسد که اقدامشان به معنای عدم درک آنها از لزوم تعامل و

دیپلماسی مؤثر تلقی می شود. اگرچه برداشت چنین مفهومی از واژه مذاکره تنها خاص آمریکا نیست، این نوع نگرش با تفکر استثنائاتیانه ایالات متحده گره خورده است - کشوری که در جایگاه ابرقدرت نشسته و به هر نحو ممکن حرف خود را به کرسی می نشاند. وقتی پای مذاکره به میان می آید استثنائاتی آمریکایی در ساده ترین مفهومی که از واژه مذکور ارایه می دهد، آن را صرفاً یک رویارویی دیپلماتیک توصیف می کند که به آمریکا فرصت طرح خواسته ها و خطوط قرمز خود را می دهد. در این توصیف، طرف مقابل ملزم به پذیرش خواست آمریکا بوده و دیپلمات ها هم باید بر روی جزئیاتی کار کنند که اجرای طرح های واشنگتن را تضمین می کند. در این صورت، چنانچه طرف مقابل زیر بار خواسته های آمریکا نرود، واشنگتن مجبور است برای مجاب کردن آنها فشار بیشتری را اعمال کند.

به این ترتیب تعریفی که ایالات متحده آمریکا از مذاکره ارایه می دهد کاملاً متفاوت از آن چیزی است که در دیگر کشورهای جهان رواج دارد. در مذاکره با دیگر کشورها، هیچ یک از طرفین انتظار ندارد که همه خواسته هایش جزء به جزء عملی شود. مذاکره در همه جا به غیر از آمریکا به منزله یک معامله تلقی می شود که در پی واگذاری برخی امتیازات متقابل، نیازمندی های هر دو گروه را به حد کفایت رفع می کند. به این ترتیب، آنها در نهایت می توانند مدعی شوند که به توافق رسیدن بهتر از هرگز به توافق نرسیدن است.

سیاست داخلی آمریکا هم از الگویی مشابه پیروی می کند به این معنی که با تشدید حزب گرایبی در محافل سیاسی کشور واگذاری امتیازات به طرف مقابل نوعی کثر شأن تلقی می شود. در عوض، آنچه که فی الحال عرف تلقی می شود، تعیین خطوط قرمز و تمرکز بر روی نحوه فشارهایی است که در نهایت موجب تسلیم طرف مقابل می گردد.

جالب آنکه سیاست های داخلی آمریکایی



- گفتگو با نماینده سازمان ملل در امور یمن
- یمن؛ سرابی که جوان سعودی را فریفت
- علل انتشار خبر درگذشت رییس اقلیم کردستان عراق

## خاورمیانه و شمال آفریقا

دبیران: سمیه خماریقی  
رامین حسین آبادیان



نماینده سازمان ملل در امور یمن؛

## نقض حقوق بشر در یمن رصدمی شود/ کنفرانس ژنو یمنی-یمنی نخواهد بود

نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد برای حل بحران یمن با اعلام اینکه نقض حقوق بشر در یمن رصدمی شود اعلام کرد: کنفرانس ژنو یمنی-یمنی نخواهد بود.

«اسماعیل ولد الشیخ» نماینده ویژه بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد برای حل بحران یمن در راستای پایان بخشیدن به به ریاض رفت و با مقامات سعودی دیدار و گفتگو کرد.

وی بلافاصله پس از پایان رایزنی های خود در عربستان سعودی به تهران سفر کرد و با محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران و حسین امیر عبداللہیان معاون عربی آفریقایی وزارت امور خارجه کشورمان دیدار کرد.

اسماعیل ولد الشیخ در جریان حضور خود در تهران ۲۸ می را زمان برگزاری کنفرانس بین المللی ژنو برای حل بحران یمن اعلام کرده بود اما پس از گذشت چند روز از اعلام این تاریخ، سازمان ملل متحد از تعویق برگزاری این نشست خبر داد.

در جریان سفر اسماعیل ولد الشیخ به تهران با وی گفتگویی شده است که در ادامه از نظر می گذرد:



وجود دارد، این دفا تر همواره نقض حقوق بشر در این کشور را از سوی هر گروهی که صورت گیرد رصدمی کند. این موارد به صورت گزارش هایی در اختیار سازمان ملل متحد قرار می گیرد. علاوه بر این وزارت حقوق بشر یمن نیز در این زمینه فعال است و گزارش هایی را تهیه می کند.

|| چه کشورهایی در کنفرانس ژنو حضور خواهند داشت؟ آیا ایران جزء شرکت کنندگان خواهد بود؟

تاکنون سطح مشارکت در کنفرانس ژنو مشخص نشده است، هیچ کشوری تاکنون دعوت نشده است. قطعاً ما نمی خواهیم گفتگوهای ژنو تنها یمنی - یمنی باشد و به دنبال حضور نمایندگان سازمان های منطقه ای و بین المللی در این کنفرانس هستیم سازمان هایی که در موضوع یمن ایفاگر نقش هستند.

|| به طور کلی موارد نقض حقوق بشر دوستانه (حقوق بشر در زمان جنگ) توسط عربستان سعودی در یمن چگونه و به چه صورتی توسط سازمان ملل متحد پیگیری می شود؟ همانطور که می دانید دفا تر مربوط به حقوق بشر وابسته به سازمان ملل متحد در یمن

رئیس حزب تجمع همبستگی لبنان:

## آل سعود مسئول انفجار مساجد شیعیان است/ عربستان خاستگاه تفکر تکفیری

عضو شورای عالی شرعی اسلامی لبنان با تاکید بر اینکه نظام عربستان مسئول جنایات اخیر علیه شیعیان در این کشور است اعلام کرد که چنین جنایاتی باعث تشدید درگیری های طایفه ای در عربستان خواهد شد. حمله تروریستی به مسجد امام علی (ع) در القدیح و مسجد امام حسین (ع) در الدمام عربستان طی دو هفته اخیر منجر به شهادت و زخمی شدن دهها شیعیان عربستانی شد.

گروه تروریستی داعش مسئولیت هر دو انفجار را بر عهده گرفته و مقامات سعودی در اقدامی نمایشی این اقدامات را محکوم کردند.

این در حالی است که آل سعود پیوسته سیاست تبعیض را علیه شیعیان عربستان در پیش گرفته است. در همین راستا گفتگویی با «شیخ مصطفی ملص» عضو شورای عالی شرعی اسلامی و رئیس حزب تجمع همبستگی لبنان انجام شده است که مشروح آن از نظر می گذرد



در این زمینه رخ داده است.

|| آیا این موضوع باعث تشدید درگیری های طایفه ای و مذهبی در عربستان نمی شود؟

قطعاً خطر چنین جنایاتی منجر به افزایش تنشها میان گروه های مختلف در جامعه عربستان شده و گرفتار شدن کشورهای منطقه در منجلاب تفکر تکفیری را در پی خواهد داشت.

|| تبعات این اقدامات نسنجیده برای رژیم آل سعود چیست؟

نتایج و تبعات این جنایات که خاستگاه آن دامن زدن به اختلافات طایفه ای و مذهبی است قطعاً آثار بسیار بدی را بر جهان اسلام خواهد گذاشت و خنجر تجزیه و تقسیم را بر روی گوی ملت و دولتهای منطقه قرار می دهد که در این فتنه کور گرفتار شده اند.

|| گروه تروریستی داعش مسئولیت انفجارهای اخیر را در مساجد مناطق تسبیح نشین عربستان بر عهده گرفته است. عربستان هم وعده پیگیری این حملات را داده است. به اعتقاد شما چرا عربستان با ابزار داعش دست به چنین اقداماتی می زند؟

این که گروهی مسئولیت این امر را بر عهده بگیرد عوامل محرک پشت پرده آن را از مسئولیت خود در این زمینه توجیه و تبرئه نمی کند. عربستان و هر کشور دیگری که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از جریانهای تروریستی عامل به چنین جنایاتی حمایت می کنند قطعاً مسئولیت این جنایات را بر عهده دارند که در نتیجه سیاستهای آنان

|| نقش عربستان در انفجارهای تروریستی اخیر در دو مسجد امام علی (ع) و امام حسین (ع) در القدیح و الدمام عربستان چیست؟

به تاکید می توان گفت که منشاء جنایات تروریستی و کشتار غیر نظامیان که مشابه آن در القدیح و الدمام عربستان رخ داد سیاستهای تحریک و تفرقه برانگیز مذهبی است که از سوی برخی کشورها و گروه های سیاسی و اطلاعاتی عربی اعمال شده است که با تلاش برای اجرایی کردن طرح های تفرقه برانگیز، ایجاد فتنه و تجزیه امت اسلامی دنبال می شود و زمینه را برای اشاعه تفکر تکفیری القائی که جزیره العرب امروزه تبدیل به خاستگاه آن شده، فراهم می کند.



«المستقبل» وارد عمل می شود چرا که توان این کار را ندارد. این در حالی است که حزب الله علناً به انتقاد از عربستان می پردازد و انتقاداتش را در لافها نمی گوید و مستقیماً به آل سعود حمله می کند. سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان یک بار هنگام انتقاد از عربستان گفت که سخنانش را می گوید هر چند این سخنان پیامدهایی داشته باشد. این گفته نصرالله نشان می دهد که درخصوص عربستان تعارف را کنار گذاشته و از پادشاهان این کشور خصوصاً ملک عبدالعزیز بنیانگذار نظام آل سعود به طور مستقیم و علنی انتقاد می کند.

در واقع حزب الله در قبال نظام آل سعود، هوشمندانه و البته مقتدرانه سیاست «شکستن هیبت و عظمت» را در پیش گرفته زیرا در چند سال گذشته تلاش هایی برای تضعیف محورهای مقاومت منطقه یعنی لبنان، سوریه و ایران خصوصاً حزب الله انجام گرفته است. گویا حزب الله می خواهد این پیام مستقیم را به عربستان برساند که زمان سکوت طولانی در قبال اقدامات خصمانه آل سعود در لبنان و همچنین ضد لبنانی های مقیم کشورهای حاشیه خلیج فارس پایان یافته است. سید حسن نصرالله در سخنرانی های اخیر خود علل و عوامل انتقاد صریحش از آل سعود را بیان کرده و گویا وارد جنگی تمام عیار با عربستان شده است؛ جنگی که فقط اسلحه کم دارد.

### سقوط و حذف حاکمیت وهابی ها از سرزمین وحی

بر اساس آنچه گفته شد؛ پیش بینی ها و ارزیابی عموم صاحب نظران مسائل سیاسی و نظامی منطقه نشان از آن دارد که عربستان سعودی به تدریج در حال غرق شدن در شن های روان و داغ یمن است و این روزها گرچه به ظاهر با یمن می جنگد اما سخنگوی نیروهای نظامی عربستان هر روز از تلفات ارتش این کشور در جنگ یمن سخن می گوید و تازه این در حالی است که گروه انصارالله برای پاسخگویی به حملات سعودی هنوز از موشک ها و توپ های دوربرد خود استفاده نکرده است! و رهبر انقلابیون یعنی در سخنرانی های خود نیز به هیچ عنوان بحث یا طرحی برای سازش به میان نیآورده و به هیچ وجه نه امتیازی داده و نه از مواضع خود عقب نشینی کرده است و البته هیچ نشانه ای هم از ترس در او به دلیل حملات شدید وهابی ضد یمن قابل مشاهده نبوده است. او در تمام این سخنرانی ها به آیات قرآنی استشهاد کرده و تنها از خداوند درخواست یاری کرده و از ستم و تجاوزها در حق مردم یمن سخن گفته و خواستار پایداری مردم شده و تأکید کرده است که تکیه گاهش تنها خداوند است اما دشمنان یمن بر آمریکایی ها تکیه می کنند. این ها همه نشانه هایی است از آنچه رهبر معظم انقلاب نیز در سخنرانی چندی پیش خود بدان اشاره کرده و فرمودند: «در این ماجرا بینی عربستان به خاک مالیده خواهد شد».



## تحلیلی بر چرایی و نتیجه تجاوز عربستان به همسایه جنوبی

# یمن؛ سرابی که جوان خام سعودی را فریفت

محمد قادری (کارشناس حوزه سیاست خارجی و روابط بین الملل)

اقتدار جمهوری اسلامی ایران و هزیمت ذلت بار عربستان رونمایی کرد.

### نقش ویژه رهبری معنوی جنبش انصارالله در انسجام انقلابیون

از سویی رفتار هوشمندانه «سید عبدالملک الحوثی» رهبر جنبش انصارالله یمن، چنانچه از ابتدای حرکت انقلابی علیه علی عبدالله صالح دیکتاتور سرنگون شده یمنی ها مشهود بوده در این برهه و در جریان تجاوز سعودی به خاک یمن نیز تا حدود زیادی معادلات نیروهای ائتلاف و به ویژه عربستان را به هم زده است. وی در قامت رهبر انقلابیون یمنی بارها در اظهارات خود بهانه دفاع از امنیت قومی - عربی برای تجاوز به یمن را ادعایی باطل و عاری از صحت و تمسخر آمیز دانسته و گفته است: «آمریکا و اسرائیل در رأس تجاوز به یمن قرار دارند و نظام سعودی سرباز و خادم آمریکایی ها است و هر منطقه ای که در یمن هدف قرار می گیرد، از سوی آمریکایی ها تعیین شده و با نظارت آنان بمباران می شود و لذا آنان هم در ریختن خون مردم یمن شریک هستند».

### تبلور ذلت سعودی در برابر حزب الله و محور مقاومت

نکته مهم دیگری که در خلال این تجاوز آشکار و وحشیانه علیه مردم مظلوم یمن قبال ارزیابی است، تجمیم نیروهای ضد صهیونیستی، ضد آمریکایی و ضد سعودی در منطقه زیر لوای جمهوری اسلامی ایران و بازوان قدرتمند آن از جمله حزب الله لبنان است که بیش از پیش حاکمیت عربستان و دیگر دیکتاتورهای منطقه را نزد ملت ها زیبون و ذلیل ساخته است. در همین باره روزنامه «السیفر» چاپ لبنان چندی پیش در مطلبی تأکید کرد: «عربستان مستقیماً با حزب الله درگیر نمی شود، بلکه از طریق متحدان خود خصوصاً شکل سیاسی

از همان ابتدای شروع تجاوز سعودی و دیگر نیروهای ائتلاف به یمن، این جمهوری اسلامی ایران بود که با توجه به مشغولیت در بحث مذاکرات هسته ای تمام توان دیپلماتیک و مستشاری خود را به کار بست تا از گسترش ماجرا جلوگیری کرده و در کوتاه ترین مدت ممکن قضیه را فیصله دهد. در همین راستا مرضی سرمدی قائم مقام وزارت خارجه به عنوان نماینده ویژه ریاست جمهوری بلافاصله به منطقه اعزام شد و در مذاکرات دو جانبه با برخی کشورها موضوع را به بحث گذاشت.

در همین حال حسین امیر عبدالهیان معاون عربی - آفریقایی وزارت خارجه تحرکات دیپلماتیک خود را در منطقه آغاز و زمینه را برای انصراف برخی کشورهای حاضر در ائتلاف مهیا ساخت. سپس محمدجواد ظریف بلافاصله پس از بازگشت از لوزان به مسقط و اسلام آباد سفر کرد و طرح چهار ماده ای کشورمان برای اتمام این ماجرا را با همتایان خود در این کشورها میان گذاشت. از سویی رویکرد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اقتدار توأم با صلح طلبی در سفر اردوغان به تهران فضا را به گونه ای دیگر رقم زد و در پایان این تلاش گسترده دیپلماتیک و موثر کشورمان، پاکستان و تا حدود زیادی ترکیه عملاً از ائتلاف مذکور کنار کشیده و عرصه را بر عربستان و امارات تنگ تر کردند. در همین راستا البته سخنان مهم و کوبنده رهبر معظم انقلاب مبنی بر خطای فاحش و از پیش شکست خورده سعودی هم موجب تقویت انقلابیون و هم موجب وا همه حکام سعودی شد تا جایی که بلافاصله سعودالفیصل - که هنوز در منصب وزارت خارجه حضور داشت - در سخنانی سعی کرد خود را از دایره تصمیم گیرندگان این نابخردی سعودی ها کنار بکشد. در واقع می توان گفت «توفان قاطعیت» سعودی ها علیه یمن عملاً از واقعیت منطقه یعنی

دلایل حمله آل سعود به یمن را می توان از یک سونامی از تغییرات در ساختار داخلی قدرت سعودی و از سوی دیگر عدم نتایج مطلوب آل سعود در منطقه دانست.

این روزها یکی از بزرگترین جنایات انسانی در منطقه خاورمیانه در حال وقوع است. حکومت وهابی و تروریست پرور عربستان سعودی با ائتلافی صوری بیش از دو ماه است که حملات وحشیانه خود را به یمن آغاز کرده و با تجاوزی آشکار، هزاران تن از مردم مظلوم این کشور اعم از کودکان و زنان را به جرم استقلال طلبی و نفی ظلم و جور بیگانه، قتل عام کرده است.

این رفتار وحشیانه که مطابق مفاد منشور بین المللی حقوق بشر هیچگونه توجیهی ندارد، نه تنها احساسات نهادهای بین المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد را بر نیانگیخت، که حتی پا را فراتر نهاده و به تشویق سعودی و ائتلاف خودساخته اش همت گماردند.

این رخداد ضد بشری چنانچه از ظواهر امر پیداست و البته از قبل هم پیش بینی می شد با زبونی و شکست مفتضحانه ائتلاف متخاصم به پایان خود نزدیک شده و شکست سنگین دیگری را بر دستگاه حکومتی سعودی تحمیل خواهد کرد. برای بررسی و فهم عمیق و دقیق تر آنچه در این دو ماه اتفاق افتاد هم از جهت چرایی ماجرا و انگیزه سعودی برای این حماقت بزرگ، هم از جهت نقش تحریک کننده یا بازدارنده دیگر بازیگران موثر در فضای بیرونی، توجه به نکات زیر ضروری به نظر می رسد:

### مهمترین دلایل ورود عربستان به این بازی خطرناک

الف) حکومت سعودی به دلیل شکست های پی در پی در سالیان اخیر و پس از آغاز دومینوی انقلاب های عربی متناثر از بیداری اسلامی منطقه، برای رهایی از تحقیر این شکست ها به ویژه در سوریه، عراق و بحرین، بر اساس یک اشتباه محاسباتی ناشی از خامی و ناپختگی شاهزادگان جوان تلاش کرد با حمله به یمن از زیر بار این فشار روانی خلاصی پیدا کند، غافل از اینکه بدترین شیوه را برای رسیدن به این هدف انتخاب کرده است.

ب) تحریک گسترده حکام سعودی توسط رژیم صهیونیستی و آمریکا با هدف گرم نگاه داشتن اوضاع بحرانی منطقه و جلوگیری از تثبیت موقعیت انقلابیون یمنی که خواه ناخواه اثرات روانی خود را بر انقلابیون بحرینی و محور مقاومت در سوریه و عراق گذاشته است.

ج) ایفای نقش تحریبی در مذاکرات هسته ای علیه کشورمان از طریق ایجاد فشار بر جمهوری اسلامی.

د) جلوگیری از کامل شدن حلقه محور مقاومت در منطقه و انهدام انقلابیونی که به صراحت از الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران سخن بر زبان می رانند.

### نقش موثر اقتدار جمهوری اسلامی ایران در مدیریت منطقه



## نبرد «جرود عرسال»؛ چالش‌ها و گزینه‌ها

منطقه «جرود عرسال» لبنان از زمان آغاز بحران سوریه به یکی از پناهگاه‌های اصلی تروریست‌های تکفیری تبدیل شد و هم‌اکنون نیروهای مقاومت برای پاکسازی آن از لوث تکفیرها تلاش می‌کنند.

روستای «عرسال» در لبنان و دامنه‌های اطراف آن از جمله مناطقی است که تعداد بیشماری از اعضای گروه‌های تروریستی و تکفیری در آنجا مستقر هستند. با این وجود، دستاوردها و پیروزی‌های اخیر ارتش لبنان علیه گروه‌های تکفیری در منطقه مرزی «القلمون» موجب شد تا تروریست‌های مستقر در «عرسال» به منطقه «البقاع» و مناطق اطراف آن بگریزند. وجود گروه‌های تروریستی در روستای «عرسال» و مناطق اطراف آن به وقوع درگیری‌های شدید در شهر «القصیر» و یا منطقه «القلمون» باز نمی‌گردد، بلکه گروه‌های تکفیری از زمان آغاز بحران سوریه و تشدید جنگ در این کشور به تدریج وارد عرسال شده و در آنجا مستقر شدند. این روستا در اوایل سال ۲۰۱۲ به یک گذرگاه امن برای عبور تروریست‌های تکفیری از آن به منظور ورود به سوریه و انجام اقدامات تروریستی تبدیل شد.

در حال حاضر، اوضاع امنیتی روستای عرسال پس از عقب نشینی جبهه النصره از آن و پناه بردن به دامنه‌های آن بیش از پیش ملتهب شده است. البته هم‌اکنون نیز تعدادی از اعضای جبهه النصره در اردوگاه‌های واقع در عرسال مستقر هستند. از همین سو، پاکسازی کامل این روستا از لوث تروریست‌های جبهه النصره از اهمیت بالایی برخوردار است. در همین ارتباط، سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان اخیراً در سخنرانی خود به صراحت بر لزوم پاکسازی این روستا تأکید کرده و گفت: «وزیر کشور لبنان و جریان المستقبل (که

وزیر کشور هم عضو آن است) می‌گویند که «جرود عرسال» توسط تکفیرها اشغال شده است. با این حال سؤال این است که چرا دولت از طرح مسأله پاکسازی عرسال در جلسات خود شانه خالی می‌کند؟ دولت باید به مسئولیت خود در قبال این موضوع پایبند باشد». این موضوع واضح است که روستای «عرسال» و دامنه‌های اطراف آن به دلیل بافت جمعیتی موجود در آنجا با دیگر مناطق لبنان تفاوت دارند. همین تفاوت موجب شده تا گروه‌های تروریستی و تکفیری روز به روز در این منطقه ریشه دوانند و گسترش یابند. در واقع ورود گروه‌های تروریستی به عرسال و به دست گرفتن زمام امور در آنجا به دلیل برخی همکاری‌های صورت گرفته با آنها توسط ساکنان این منطقه مدت زیادی طول نکشید.

### انفجار از داخل؛

«انفجار از داخل»؛ واقعیتی است که اوضاع کنونی «عرسال» در سایه وجود گروه‌های تروریستی و تکفیری در آنجا را تشریح می‌کند. داعش نیز در کنار جبهه النصره فعالیت کوچکی در عرسال دارد. این دو گروه تروریستی اقدامات جنایتکارانه‌ای علیه ساکنان این منطقه انجام می‌دهند. داعش در عرسال به خود اجازه می‌دهد تا درست مانند جنایت‌هایی که در سوریه و عراق مرتکب می‌شود، علیه مردم ساکن «عرسال» حکم اعدام، زندان و یا شلاق صادر کند. این جنایت‌ها موجب شده تا مردم عرسال از ترس مجازات حتی جرأت بیان عقیده خود را هم نداشته باشند چه برسد به ایستادن در برابر تکفیرها و همکاری با محور مقاومت.

### چالش‌ها و گزینه‌ها؛

منطقه «جرود عرسال» هم‌اکنون با چالش‌های فراوان اقتصادی و امنیتی

مواجه بوده که از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها به شرح ذیل است:

۱- موقعیت جغرافیایی منطقه «جرود عرسال» به گونه‌ای است که در دورترین نقطه از مرزهای مشترک سوریه و لبنان واقع شده است. برخی گروه‌های لبنانی همواره اعلام می‌کنند که جرود عرسال توسط تکفیرها اشغال شده است. آنها تلاش می‌کنند تا این منطقه را به صورت یک «بمب ساعتی» که هر لحظه احتمال انفجار آن وجود دارد، جلوه دهند. این اقدام با هدف تحقق اهداف سیاسی آنها صورت می‌گیرد. سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان در جریان سخنرانی خود با خطاب قرار دادن وزیر کشور لبنان به عنوان یکی از اعضای جریان المستقبل از وی به دلیل اعلام مکرر اشغال عرسال به شدت انتقاد کرد.

۲- همکاری برخی ساکنان «جرود عرسال» با گروه‌های تروریستی - تکفیری مستقر در این منطقه. برخی از ساکنان عرسال که سابقه انجام اقدامات جنایتکارانه را در پرونده خود می‌بینند و هم‌اکنون نیز توسط نیروهای امنیتی لبنان تحت تعقیب هستند، به دلیل روابط تنگاتنگ خود با بعضی از جریان‌های لبنانی و تروریست‌های تکفیری با آنها همکاری کامل دارند.

۳- ارتش لبنان خود را از مقابله با تروریست‌های تکفیری مستقر در «جرود عرسال» عاجز می‌بیند، به همین دلیل هیچ‌گاه به انجام عملیات علیه آنها مبادرت نمی‌کند. از سوی دیگر، جریان المستقبل لبنان با سر دادن شعارهای فرقه‌ای، با دخالت حزب الله در این منطقه و تلاش برای آزادسازی آن مخالفت می‌کند.

۴- نفوذ گسترده تروریست‌های تکفیری در اردوگاه‌های پناهندگان سوریه در عرسال. منابع امنیتی آگاه در لبنان از نفوذ تعداد بیشماری از اعضای

جبهه النصره و داعش در اردوگاه‌های پناهندگان سوریه در عرسال خبر می‌دهند و از آن به عنوان یک «بمب خاموش» یاد می‌کنند.

علی‌رغم وجود چالش‌های سنگین کنونی در «جرود عرسال» به دلیل جنایت‌های وحشیانه و بی‌رحمانه اعضای داعش و جبهه النصره در این منطقه، گزینه‌های زیادی در مقابل مردم عرسال به منظور مقابله با این گروه‌های تروریستی وجود دارد. تمامی گزینه‌ها در همکاری ساکنان عرسال با ارتش لبنان و محور مقاومت و ورود به میدان نبرد حقیقی با تروریست‌های تکفیری خلاصه می‌شوند.

سید حسن نصرالله اخیراً خطاب به مردم عرسال به صراحت اعلام کرد: «ما از آمادگی کامل برای حمایت همه جانبه از شما برخوردار هستیم و در کنار شما خواهیم ماند، اما دولت نیز باید به مسئولیت خود در قبال شما پایبند باشد. در صورتی که دولت از انجام مسئولیت خود شانه خالی کند، مردم البقاع، بعلبک و هرمل اجازه نخواهند داد حتی یک تروریست هم در عرسال بماند». در همین حال بسیاری از مردم عرسال ضمن تأیید سخنان دبیر کل حزب الله لبنان بر لزوم پاکسازی کامل این منطقه از لوث تروریست‌ها تأکید دارند.

تحولات میدانی اخیر در «جرود عرسال» نشان می‌دهند که مردم این منطقه تنها در سایه معادله «ارتش، ملت و مقاومت» می‌توانند از جنگ تروریست‌های تکفیری رهایی یابند. در این زمینه نه جریان المستقبل و نه حتی ساکنان عرسال حق جلوگیری از نیروهای ارتش و محور مقاومت به این منطقه برای آزادسازی آن را ندارند، زیرا خطر تروریست‌های مستقر در عرسال تنها به این منطقه محدود نبوده و تمامی خاک لبنان را تهدید می‌کند.



## علل انتشار خبر درگذشت رییس اقلیم کردستان عراق



یک کارشناس مسائل عراق گفت: دوره قانونی ریاست مسعود بارزانی بر اقلیم کردستان عراق تا یک ماه دیگر به پایان می رسد.

برخی پایگاه های خبری عراق از درگذشت مسعود بارزانی رئیس منطقه کردستان عراق خبر دادند که این خبر توسط نماینده اقلیم کردستان عراق در ایران تکذیب شد.

پایگاه خبری «عراق القانون» در خبری اعلام کرده بود که برخی خبرها حاکی است که مسعود بارزانی، رئیس منطقه کردستان عراق، در یکی از بیمارستان های اربیل به علت سکتة مغزی جان باخته است.

این پایگاه خبری افزوده بود که برخی از رسانه های محلی خبر مرگ مسعود بارزانی را اعلام کردند.

خبرهایی که در این خصوص در شبکه های اجتماعی منتشر شده است حاکی است که مسعود بارزانی رئیس منطقه کردستان به علت سکتة مغزی در یکی از بیمارستانی های اربیل جان باخته است.

البته این خبر توسط رسانه های اصلی و مهم عراقی و رسانه های بین المللی منتشر نشده است.

ناظم دبلاغ نماینده اقلیم کردستان عراق نیز در گفتگویی اخبار برخی رسانه های عراقی مبنی بر اینکه مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق فوت شده است را تکذیب کرد.

محمد بختیار کارشناس مسائل عراق در خصوص علل انتشار این خبر گفت: در روزهای اخیر هیچ خبری مبنی بر کسالت مسعود بارزانی مخابره نشده است. تنها خبر مرتبط با کسالت حال ایشان به حدود یک ماه و نیم قبل باز می گردد.

وی افزود: در آن زمان ایشان قرار بود در مراسم افتتاحیه نمایشگاه بین المللی کتاب اربیل سخنرانی کند ولی به علت کسالت نتوانست سخنرانی کند و از حضور در ادامه مراسم باز ماند. بختیار تصریح کرد: متعاقب این موضوع خود دفتر ریاست اقلیم کردستان عراق بیانیه ای رسمی منتشر کرد و از کسالت ایشان خبر داد.

وی در ادامه یادآور شد: مدت ریاست آقای بارزانی بر اقلیم کردستان عراق تا یک ماه دیگر به پایان می رسد. مطابق قانون ایشان بعد از این مدت رییس اقلیم نیستند.

بختیار افزود: در حال حاضر نیز یک بحران در خصوص جانشینی ایشان به وجود آمده است. هر چند برخی در اقلیم معتقد هستند با توجه به مرز مشترک منطقه کردستان عراق با داعش در شرایط فعلی آقای بارزانی نباید تغییر کند و باید ایشان باقی بماند.

وی یادآور شد: در مقابل برخی نیز معتقد هستند که موضوع داعش نباید دستاویزی برای باقی ماندن مسعود بارزانی شود چرا که ایشان بیش از ۱۰ سال است که در این سمت بوده است.

## گزارش خبری /

## دستاوردهای میدانی ارتش سوریه در نبرد با تکفیری ها

ارتش سوریه در نبرد با تروریست های تکفیری در مناطق مختلف این کشور دستاوردهایی را کسب کرد.

نیروهای ارتش سوریه در ادامه نبرد با تروریست های تکفیری در مناطق مختلف این کشور موفقیت هایی را در عرصه میدانی کسب کردند. این نیروها در حومه حمص، ادلب، حلب، درعا و قنیطره ضربات مهلکی را به گروه های داعش و جبهه النصره وارد کردند.

در حملات هوایی ارتش سوریه به مواضع تروریست ها در مناطق مذکور دستکم ۴۰ فرد مسلح به هلاکت رسیدند و چند خودروی زرهی مجهز به تیربارهای سنگین در حومه جنوبی الحسکه منهدم شد.

در حومه شهر تدمر نیز یگان های ارتش سوریه با داعشی ها در منطقه الصمامات و روستاهای البیضاء و ام التبایر درگیر شدند. تروریست ها در این مناطق نیز متحمل خسارت های سنگینی شدند.

در روستاهای رجم القصر و ام صهریح در شرق حمص شماری از تروریست ها کشته و زخمی و تجهیزات نظامی شان منهدم شد. در غوطه شرقی دمشق نیز حمله به مواضع تروریست های تکفیری هلاکت چند تروریست را در پی داشت که برخی از آنها تابعیت اردنی داشتند.

تروریست های تکفیری در این منطقه تحت تاثیر

گروه های تروریستی جبهه النصره و جیش الاسلام قرار دارند که از سوی ترکیه و عربستان حمایت مالی و تسلیحاتی می شوند.

نیروهای ارتش سوریه همچنین با همکاری مقاومت لبنان در نبرد با تکفیری ها در مرزهای دو کشور توانستند کنترل برخی مناطق جرود الجراجیر در القلمون را برعهده بگیرند و تروریست های جبهه النصره در این منطقه را قلع و قمع کنند.

ارتش سوریه در درعا نیز ۳ دستگاه خودروی گروه های تروریستی که متعلق به اردن و رژیم صهیونیستی بودند و از طریق اردن وارد درعا شده بودند منهدم کردند. درعا که مرز میان اردن و سوریه به شمار می رود یکی از نقاط نفوذ تروریست ها از خاک اردن محسوب می شود.

تروریست ها پس از آموزش نظامی در اردن با هماهنگی موساد (سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی) و نهادهای اطلاعاتی ترکیه، قطر، عربستان، آمریکا، انگلیس و فرانسه وارد اراضی سوریه می شوند.

از استان السويداء نیز خبر می رسد که یگان های ارتش سوریه با همکاری گروه های مردمی در مقابل حملات داعشی ها ایستادگی کردند و توانستند چند خودروی زرهی این گروه تروریستی را منهدم کنند. تروریست ها در این استان نیز دچار تلفات جانی شدند.

## داعش بحرین را تهدید کرد



الشیخ ترکی البنعلي يبدأ الدرس

ولاية نينوى

سر کرده بحرینی داعش تهدید کرد که جمعه هفته جاری نوبت هدف قرار دادن مساجد بحرینی است. ترکی البنعلی سر کرده بحرینی داعش اعلام کرد: عملیات آتی پس از انفجار مسجدی در کویت - که روز جمعه رخ داد و به شهادت ۳۷ نمازگزار انجامید - جمعه آتی در بحرین خواهد بود.

منابع عربی بیان کردند: این تهدید مستقیم که از سوی این سر کرده داعش در صفحه تویتش منتشر شد موجی از نگرانی در میان بحرینی ها ایجاد کرد و مسئولان امنیتی بحرین تدابیر پیشگیرانه ای به عمل آوردند و مراکز ایست بازرسی و دوربین های نظارتی در خیابانهای منتهی به برخی مساجد که احتمال حمله به آنها می رود را افزایش داده اند.

به گفته این منابع اهمیت این تهدید از آنجاست از سوی یک سر کرده مهم گروهک تروریستی داعش مطرح می شود.

تحلیل بین الملل؛

# فراز و فرود روابط عراق-عربستان؛ بررسی علل خصومت ورزی آل سعود محافظه کار

فرزاد فرهاد توسکی

نقض حاکمیت عراق از سوی هوایماهای سعودی و انتخاب سفیر جدید ریاض در بغداد بهانه ای شد تا سیر روابط تاریخی دو کشور و چرایی خصومت ورزی عربستان با همسایه شمالی اش را مورد بررسی قرار دهیم.



عربستان و عراق با داشتن ۸۰۸ کیلومتر مرز مشترک در تاریخ مناسبات نه چندان طولانی خود دوران پر فراز و نشیبی داشته اند.

## معاهده العقیبر سرآغاز همکاری عراق نوین با سعودی ها

معاهده العقیبر یا نشست العقیبر را می توان معتبرترین سند همکاری مرزی میان دو کشور دانست که در منطقه العقیبر در دوم دسامبر سال ۱۹۲۲ میان سلطان نشین نجد با حضور سلطان نجد عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود و «صبیح بک» وزیر ارتباطات و مشاغل به نمایندگی از ملک فیصل شاه عراق بسته شد. به موجب این معاهده مرزهای سلطان نشین نجد با عراق و کویت ترسیم شد و این معاهده در واقع الحاقیه معاهده مَحمَره (خرمشهر) بود. طی نشست العقیبر که در آن «سر پرسی کوکس» و ژنرال مور نماینده سیاسی انگلیس در کویت و «صبیح بک» وزیر ارتباطات و مشاغل کویت به همراه عبدالعزیز بن عبد الرحمن آل سعود حضور داشتند، مرزهای دو کشور ترسیم شد. با این حال طرفین بر مواضع خود پافشاری می کردند به طوری که عراق می خواست مرزهایش در بعد ۱۲ مایلی از ریاض باشد و بن سعود کل مناطق بدوی نشین شمال از حلب تا رود العاصی در کرانه راست فرات و حتی بصره را طلب می کرد وی خواستار مرزهای قبیله ای به جای مرزهای ثابت بود اما با فشار کوکس انگلیسی بن سعود از خواسته های خود درباره قیابیل الظفیر که ساکن در نزدیکی فرات بود صرف نظر کرد اما به خواسته های خود در باره قیابیل دیگر ادامه داد. مذاکرات پنج روز به طول انجامید عبدالعزیز خواستار در نظر گرفتن منازل قیابیل حامی وی برای ترسیم مرزها به جای نقشه راه بود و طرف عراقی مرزهایی که کمتر از ۲۰۰ متری جنوب فرات نباشد را مورد تأکید قرار می داد. در روز ششم کوکس خط

عراقی ها اصرار داشتند که با سعودی ها باید به تفاهمی درباره امنیت خلیج فارس برسند و رایزنی های سیاسی با سعودی ها را آغاز کردند اما سعودی ها مشکلات مرزی و حل آنها را بر هر موضوع دیگری ترجیح می دادند.

این مواضع سعودی ها به مذاق بعضی ها به ویژه صدام خوش نیامد. پس از ملی شدن نفت در سال ۱۹۷۲ در عراق صدام عملاً اعلام کرد که نمی خواهد به سعودی ها مدیون باشد. در اکتبر سال ۱۹۷۳ اختلافات سعودی و عراقی به اوج خود رسید و احمد حسن البکر بعضی در جریان جنگ نیروهای مصری و سوری با اسرائیل با همه رایزنی کرد اما با مقامات سعودی رایزنی به عمل نیاورد.

در یک برهه کوتاه روزنامه های عراقی به ویژه روزنامه الثوره در مقاله هایی با عنوان «پولهای عربی در ساخت جنگنده های فانتوم تأثیر گذار است» اقدام به تحریک اعراب برای ضربه زدن به منافع آمریکا در عربستان، کویت، دومی و ابوظبی و قطر می کردند. در هفده اکتبر سال ۱۹۷۳ در پایان نشست کشورهای تولید کننده نفت درباره چگونگی استفاده از سلاح نفت در جنگ در جبهه های سوریه و مصر، عراق طرحی مبنی بر ملی کردن سهم شرکت های آمریکایی داشت و سعودی ها طرح دیگری داشتند که طرح عراق با مخالفت روبرو شد. طی این نشست تنها تصمیم به کاهش صادرات نفت به آمریکا به میزان پنج درصد گرفته شد.

چند ماهی بیشتر نگذشت تا این حملات رسانه های عراقی به نغمه های دوستی بدل شد و صدام در جلسات خود بر ضرورت همکاری با سعودی ها اشاره می کرد. به یکباره روابط صدام با فهد شاه وقت سعودی گرم شد و شاه سعودی در سال ۱۹۷۴ از بغداد و صدام نیز یکسال بعد از ریاض دیدن کرد. در سال های بعد این دیدارها و ارتباطات بیشتر شد.

اوج روابط بعضی ها زمانی بود که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد. گویا این انقلاب زمینه را برای تحکیم روابط دو کشور فراهم آورد. به طوری که از سال ۱۹۸۰ تا یک دهه بعد شاهد کمک های نظامی و مالی همه جانبه سعودی ها از رژیم بعث عراق علیه ایران هستیم، سعودی ها بدهی های عراق را پرداخت می کردند و اجازه انتقال خطوط نفتی از خاک خود را در عراق سرمایه گذاری کردند.

## تیرگی روابط سعودی ها با عراق

این ماه عسل یک دهه بیشتر به طول

نیانجامید زیرا در سال ۱۹۹۰ صدام جاه طلبی های خود را متوجه کویت کرد. دیکتاتور عراق که از جنگ علیه ایران طرفی نیست به با مقروض کردن عراق ماشین جنگی عظیمی درست کرده بود، این ماشین جنگی را روانه کویت کرد. سعودی ها به دنبال تجاوز صدام به کویت خواستار خروج نظامیان عراقی شدند اما با مخالفت صدام روبرو شدند این امر سبب شد که سعودی ها مرزهای خود را به روی ائتلاف متشکل از ۳۴ کشور باز کنند.

در مقابل صدام با موشکهای اسکاد به عربستان شلیک کرد که این موشک های با پانزیوت خنثی شد. متعاقب آن نظامیان عراقی شهر الخفجی عربستان را اشغال کردند، اقدامی که خشم سعودی ها را به دنبال داشت.

## روابط سعودی و عراق پس از جنگ علیه عراق

آخرین سفیر سعودی ها در عراق طراد عبدالله الحسینی الحارثی بود که در سال ۱۹۸۳ تعیین شده بود. وی تا سال ۱۹۹۰ در این سمت بود و از آن هنگام روابط سعودی ها با عراق قطع شد. سفارت عربستان در عراق تعطیل شد و سعودی ها تصمیم به احداث اردوگاهی برای آوارگان عراقی گرفتند که این اردوگاه در سال ۲۰۰۸ بسته شد. در جنگ سال ۲۰۰۳ سعودی ها اعلام کردند که عراق را هدف قرار نخواهند داد و اجازه استفاده از پایگاه های خود برای حمله به عراق نمی دهند. این سبب شد که آمریکا پایگاه های نظامی خود را در عربستان بسنند و به پایگاه العدید در قطر منتقل کند.

## سعودی ها و دوره نوری المالکی

در دوره نوری المالکی روابط دو کشور نه تنها رو به بهبود نرفت بلکه بحرانی تر شد زیرا مالکی سعودی ها را متهم به حمایت از تروریسم و بحران سازی در عراق می کرد و سعودی ها نیز مالکی را به کنار زدن سنی ها در عراق متهم می کردند. از آغاز دوره نخست وزیری مالکی تا پایان آن، سعودی ها سفارت خود را در عراق بازگشایی نکردند و روابط دو کشور از ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۴ بحرانی ماند.

## روابط کنونی

از زمانی که حیدر العبادی در عراق روی کار آمد کوشید که سیاست درهای باز با همسایگان را در پیش بگیرد و در مناسبت های مختلف بر ضرورت تقویت روابط به



ویژه با همسایگان تأکید کرد. در این مدت ابراهیم جعفری وزیر خارجه و فواد معصوم به عربستان سفر کرده اند. به این ترتیب روابط طرفین اندکی بهتر شد و جعفری از افتتاح قریب الوقوع سفارت سعودی ها در بغداد خبر داد. پس از مرگ ملک عبدالله پیام تلگرافی از سوی حیدر العبادی به سعودی ها فرستاده شد.

طی روزهای اخیر سعودی ها از انتخاب نامر السبهان به عنوان سفیر خود در عراق خبر داده اند. وی یک نظامی با درجه سرتیپ است که قبلاً وابسته نظامی سفارت سعودی ها در لبنان بوده است. انتخاب یک نظامی برای امور دیپلماسی سبب جنجالها و مخالفت هایی شده است و برخی از شخصیت های پارلمانی عراقی از جمله العریاوی رئیس تشکل وابسته به عمار حکیم، قاسم الاعرجی رئیس تشکل بدر در پارلمان و برخی شخصیت های وابسته به ائتلاف دولت قانون خواستار عدم پذیرش نامر السبهان شده اند. به اعتقاد این افراد اهداف خاصی در پشت پرده انتخاب السبهان نهفته است که نیاز به بررسی های بیشتر دارد.

همزمان جنجال دیگری به راه افتاده است و آن موضوع تجاوز جنگنده های سعودی به حریم هوایی عراق است. در همین رابطه حاکم الزاملی رئیس کمیته امنیتی و دفاع پارلمان عراق اعلام کرد که نیروی هوایی ارتش عراق جنگنده های عربستانی را که به حریم هوایی عراق در منطقه النخیب در جنوب شرقی استان الانبار نزدیک شده بودند از این منطقه دور کرده است.

وی در گفتگو با خبرنگاری آنتولی ترکیه اعلام کرد که این منطقه تنها یک روز بعد از این حادثه به وسیله خمپاره و کاتیوشا مورد اصابت قرار گرفته است. الزاملی اعلام کرد که جنگنده های عربستان در حال پرواز بر فراز منطقه النخیب در استان الانبار بودند که با وارد عمل شدن نیروهای هوایی ارتش عراق، وادار به عقب نشینی شدند.

وی افزود بعد از این اقدام عراق پیامی به عربستان ارسال کرده و از این کشور و ائتلاف آمریکایی مقابل به با داعش توضیحاتی در این زمینه خواسته که دلیل پرواز جنگنده های سعودی در منطقه ای که در آن عملیات نظامی انجام نمی شود چیست.

رئیس کمیته امنیتی و دفاع پارلمان عراق تأکید کرد که عربستان در پی این اعتراض ها عذرخواهی کرده اما دولت عراق پیام رسمی اعتراض خود را به ائتلاف آمریکایی و عربستان ارسال خواهد کرد. منطقه النخیب یکی از مناطق مورد نزاع استان الانبار و کربلاست که از لحاظ اداری وابسته به استان الانبار است.

در واکاوی روابط عراق و عربستان بررسی چند نکته حائز اهمیت است در واقع دلایل خصومت روابط میان دو کشور را به عوامل چندی می توان مربوط دانست؛

### دلایل طایفه ای

رژیم سعودی از فرقه وهابی که نسخه

ای افراطی از مذهب حنبلی است پیروی می کند در حالی که بیشتر مردم عراق را شیعیان تشکیل می دهند. شیعیانی که وهابی ها آنها را کافر می دانند و حکم قتل آنها را واجب می دانند. وهابیت از بنظر صحراهای بی آب و علف در شبه جزیره عربستان شکل گرفت.

پیروان این فرقه تحت تأثیر صحراهای خشک و سوزان و فقر پرورش یافته اند و ارزشهای صحرا نشینی با تمدن رابطه خوبی ندارد. وهابی هایی که تحت تأثیر صحرا هستند جنگ و کشتار و غارت را مورد توجه قرار می دهند. هنگامی که اسلام غارت برای کسب غنایم را به نام خدا و به بهانه انشاعه دین منع کرد، وهابی ها تکفیر را برگزیدند و کسانی که مطابق تعالیم آنها فعالیت نمی کردند را کافر شمردند.

محمد بن عبدالوهاب فرقه وهابیت را تنها راه درست اسلامی می دانست و مدعی بود مأموریت وهابیون جنگ برای بازگشت ارزشهای صدر اسلام و زمان پیامبر است. از همین رو پیروان وی به تکفیر شیعه و اباضیه و سپس دیگر گروه های سنی پرداختند تا پوشش دینی برای غارتگری های خود بیابند و به مسلمانان دیگر یورش ببرند (برای اطلاع بیشتر از تاریخ وهابیت و ارتباط آن با تروریسم به کتاب احمد صبحی منصور با عنوان ریشه های تروریسم در مذهب وهابی مراجعه کنید). این فرقه برای اینکه به اهداف خود برسد راه اتحاد با آل سعود را در پیش گرفت (در این زمینه کورتین وینزر سفیر سابق آمریکا در کاستاریکا طی مطلبی در مجله میدل ایست مانیتر شماره ژوئن-جولای ۲۰۰۷ به تاریخ شکل گیری وهابیت و نقش محمد بن عبدالوهاب در ترکیب سیاست با مذهب وهابیت پرداخته است).

اولین قربانی این همپیمانان شیعیان عراق بودند و وهابی ها به کربلا و نجف و سوق الشویخ و دیگر شهرهای عراق در دوره عثمانی یورش بردند. عثمان بن بشر النجدی در کتاب خود با عنوان مجد در تاریخ نجد به موضوع کشتار در کربلا در سال ۱۸۰۱ پرداخته است.

النجدی از این کشتار به افتخار یاد می کند و می نویسد: ما کربلا را گرفتیم و ساکنان آن را ذبح کردیم و از این بابت پشیمان نیستیم و حرف ما با کافران همین است.

وهابی ها به یورش های خود به عراق تا اوایل قرن بیستم یعنی اوایل شکل گیری عراق جدید ادامه دادند. سفیر سابق آمریکا در کاستاریکا در کتاب خود درباره وهابیت می نویسد: وهابیون در سال ۱۸۰۱ میلادی به عراق حمله کردند و ضمن غارت آن بیش از چهار هزار نفر از ساکنان آن را کشتند.

علی السوردی متفکر معروف عراقی در رابطه با تعیین مرزهای عربستان و عراق می نویسد: ملک عبدالعزیز آل سعود مؤسس عربستان کنونی قصد داشت که رود فرات را حد فاصل عربستان و عراق قرار دهد اما نماینده انگلیسی ها پرسی کوکس مرزها را ترسیم کرد و سعودی

ها را مجبور به قبول آن کرد (مراجعه به کتاب علی السوردی لمحات، ج ۶ ص ۱۶۰-۱۵۶).

دشمنی سعودی ها با عراق در همه دوره ها به غیر از دوره صدام حسین ادامه داشت زیرا آنها صدام را حاکمی مناسب برای تمایلات خود و ویرانی عراق و کشتار مردم آن می دانستند از همین رو وی را تشویق به راه انداختن جنگ علیه ایران کرد و حمایت مالی و رسانه ای و نظامی قوی از وی کردند. پس از سقوط صدام آنها ملت شیعه عراق را مجازات کردند و بدهی ها را از عراق طلب کردند.

آنها بیست میلیارد دلاری را که برای کمک به صدام هزینه کرده بودند به علاوه سود آن می خواستند. سعودی ها به حمایت از تروریسم و اعزام تروریست ها به عراق ادامه دادند تا عراقی ها را بکشند و نظام آن را براندازند. نقل شده است که ملک عبدالله بن عبدالعزیز گفته بود: من بیست میلیون به صدام دادم تا علیه ایران جنگ کند. بیش از هشتاد میلیارد دلار برای خروج صدام از عراق هزینه کردیم و آماده ایم که دو بیست میلیارد دلار برای خارج کردن شیعیان از قدرت در عراق هزینه کنیم.

### دلایل سیاسی

شکی نیست که سعودی ها از سرسخت ترین دشمنان دموکراسی و حقوق بشر در جهان هستند و با وجود سیطره موسسه دینی وهابی بر آموزش و فرهنگ کشور، به دلیل وقوع انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی و نهضت اقتصادی تحول بزرگی در بین ملت عربستان ایجاد شده است.

امروز روشنفکران بسیاری هستند که خواستار رژیمی دموکراتیک بر اساس ارزشهای دموکراتیک و تمدن در عربستان هستند در حالی که رژیم سعودی رژیمی پادشاهی و خاندانی است. در جهان معاصر تنها عربستان به نام خاندانی المملکه سعودیه نامیده می شود. از همین رو سعودی ها حمایت گسترده ای از گروه های افراطی برای انشاع فرهنگ خشونت و افراط و در ضدیت با دموکراسی در کشورهای عربی انجام می دهند.

از زمان سقوط رژیم بعث در عراق تاکنون سعودی ها حامی بزرگ تروریسم و نمایندگان آن شامل القاعده و بازماندگان بعث و داعشی ها به نام حمایت از اهل سنت بوده اند. آنها از هر فرصتی برای به شکست کشاندن روند سیاسی عراق استفاده کرده اند تا شعله های دموکراسی نوپای عراق به عربستان سعودی و کشورهای مجاور آن نرسد.

### دلایل اقتصادی

عربستان سعودی بزرگترین صادرکننده نفت در دنیاست. با بالا رفتن قیمت نفت در سالهای اخیر، عربستان به یک کشور ثروتمند در منطقه تبدیل شده است. آمریکا، اروپا و ژاپن به نفت عربستان برای رفع نیازهای خود روی آورده اند از همین رو است که این کشورها که دم از حقوق بشر و جنبش های دموکراتیک می زنند از جنایات

رژیم قرون وسطایی و استبدادی سعودی چشم پوشی می کنند.

رژیم سعودی نمی خواهد که در این زمینه یعنی بازار نفت رقیبی داشته باشد به ویژه که اگر این رقیب عراق باشد و از همین رو هنگامی که نوری مالکی در دوران حکومت خود بحث بازسازی و تقویت زیر ساخت های نفتی عراق را مطرح کرد ۱۰ تا ۱۲ میلیون بشکه را مطرح کرد به خصومت با آن پرداختند زیرا این طرح سبب می شد که درآمد عراق به شکل چشمگیری بالا برود و بتواند از آن برای سرمایه گذاری و بازسازی عراق و رفع نیازهای ملت این کشور استفاده کند به جای اینکه این سرمایه ها را صرف جنگ های ویرانگر مشابه دوران صدام کند.

از همین رو رسانه های سعودی و عمال آنها در داخل و خارج در راستای ایجاد جنگ طایفه ای در بین مردم عراق حرکت کردند و طرحهای مالکی را ایرانی و دولت عراق را وابسته به ایران نامیدند.

در حالی که اگر دولت عراق موفق به پیاده کردن این طرح می شد به طور حتم آمریکا و کشورهای اروپایی از نفت عربستان سعودی بی نیاز می شدند و به نفت عراق تکیه می کردند و این در مواضع آنها تأثیر داشت و سبب می شد که غربی ها زبان باز کنند از دموکراسی در عربستان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس انتقاد کنند. این مسئله به مثابه کابوسی وحشتناک برای خاندان سعودی بود از همین رو تمام تلاش خود را برای نابودی طرح افزایش صادرات نفت عراق به کار بستند.

### دلایل و منازعات مرزی

همانطور که گفته شد از سال ۱۹۲۲ تاکنون درگیری های مرزی بین عراق و عربستان ادامه داشته است و طی این مدت تکلیف منطقه حائل میان دو کشور که مساحت آن بالغ بر هفت هزار و ۴۴ کیلومتر مربع می شود، مشخص نشده است. بر اساس بندهای معاهده العقیق طرفین در این منطقه حائل حق احداث تأسیسات نظامی یا دائمی ندارند اما بدوی های دو کشور حق استفاده از منطقه برای چارپایان و چاه ها و واحه های آن را دارند.

در سال ۱۹۷۵ دو کشور به توافق در زمینه تقسیم اداری منطقه رسیدند و در سال ۱۹۸۱ معاهده مرزی امضا شد اما بنا به دلایلی هیچگاه این معاهده در سازمان ملل ثبت نشد. جزئیات تغییرات به وجود آمده آشکار نشد و در سال ۱۹۹۱ این معاهده و دیگر معاهده های امضا شده با سعودی ها لغو شد و در مقابل سعودی ها اقدام به ثبت همه توافقنامه های مرزی با عراق در سازمان ملل کردند، اتفاقی که در ماه ژوئن ۱۹۹۱ رخ داد. بدون شک این منازعات مرزی نیز در شکل دهی به روابط دو کشور از اهمیت بسزایی برخوردار است.

# تحلیل بین الملل؛ نبرد «القلمون» چگونه توازن قوا را به نفع محور مقاومت تغییر داد



های گسترده در صفوف تروریست های جبهه النصره است. ترکیه، عربستان و قطر که از جمله بزرگترین حامیان مالی و تسلیحاتی تروریست های تکفیری از جمله جبهه النصره محسوب می شوند، از طریق حمایت های همه جانبه خود از تکفیرها در القلمون تلاش کردند تا با یک تیر دو نشان بزنند؛ آنها سعی کردند از یک سو با تسلط تروریست ها بر القلمون استان های دمشق و حمص را مورد تهدید مستقیم خود قرار داده و از سوی دیگر، لبنان را در حالت تهدید دائم در مرزهای شرقی آن باقی بگذارند. با این حال، کارشناسان مسائل سیاسی و تحلیلگران بر این باورند که سیاست های این سه کشور در سوریه - با وجود فرسایشی شدن جنگ در آنجا - با شکست مواجه شده است. حمایت های مالی و تسلیحاتی این سه کشور از تکفیرها تاکنون هیچیک از اهداف آنها که در رأس آنها سرنگونی بشار اسد بوده و هست را محقق نکرده است. به گفته تحلیلگران اخبار منتشر شده در برخی رسانه ها مبنی بر آمادگی ترکیه برای انجام اقدام نظامی زمینی در سوریه دروغی بیش نیست. آنها معتقدند در شرایط کنونی دولت آنکارا به دلیل سیاست های خصمانه خود در سوریه آماج انتقادات داخلی قرار گرفته است و با اتخاذ هرگونه گزینه دخالت نظامی مستقیم در سوریه حکم مرگ خود را امضا خواهد کرد.

## نگرانی صهیونیست ها از تحولات اخیر در القلمون

تحولات اخیر در منطقه القلمون، مقامات رژیم صهیونیستی که این تحولات را لحظه به لحظه از نزدیک دنبال می کنند، بسیار نگران ساخته است. رژیم صهیونیستی از شکست شدن هیبت جبهه النصره در القلمون توسط نیروهای مقاومت بسیار خشمگین بوده و برای سناریوهای دیگر در این منطقه برای ضربه وارد کردن به محور مقاومت تلاش می کند. از سوی دیگر کارشناسان نظامی رژیم صهیونیستی بر این باورند که نبرد سرسختانه و تنگاتنگ القلمون به تجربه و اندوخته نظامی حزب الله افزود و قدرت نظامی آن را نیز افزایش داد. سیطره نیروهای مقاومت بر تپه های بلند و استراتژیک در القلمون موجب شده تا این نیروها بتوانند در هرگونه جنگ احتمالی آینده با رژیم صهیونیستی از این تپه ها به برای پرتاب موشک به سمت مواضع صهیونیست ها استفاده کنند.

دستاوردهای اخیر محور مقاومت در منطقه القلمون خط باطلانی بر شایعات مبنی بر نزدیک بودن آغاز «نبرد بزرگ دمشق» کشید. رسانه های منطقه ای و بین المللی حامی گروه های تکفیری اینگونه القا کردند که تروریست های «جیش الفتح» پس از پیشروی در حلب و ادلب اکنون در اندیشه آغاز نبرد بزرگ دمشق و تسلط کامل بر این شهر هستند. آنها از توافق پشت پرده ترکیه، عربستان و قطر برای تغییر روند تحولات میدانی در سوریه و به ویژه دمشق خبر دادند. می توان گفت دستاوردهای اخیر محور مقاومت در القلمون و سیطره نیروهای مقاومت بر بخش های وسیعی از آن نه تنها موج شایعات کشنده را متوقف کرد، بلکه روحیه ارتش و ملت سوریه را تا حد زیادی بالا برده و این موضوع در تحولات میدانی اخیر کاملا واضح و آشکار است. از سوی دیگر، موقعیت جغرافیایی - استراتژیکی منطقه القلمون، موجب حساس تر شدن نبردها در این منطقه شد. به گفته بسیاری از تحلیلگران ارتش سوریه و نیروهای مقاومت مردمی لبنان با سیطره کامل بر منطقه القلمون دستاوردهای بسیاری را برای آنها به دنبال خواهد داشت. از جمله این دستاوردها، تنگ شدن عرصه بر تروریست ها در منطقه استراتژیک «الزبدانی» در جنوب القلمون، تأمین امنیت نوار مرزی، تأمین امنیت راه دمشق - بیروت و قطع کردن راه های ارتباطی میان تروریست های مستقر در القلمون و تروریست های مستقر در العوطله الشریقه هستند. با پیروزی ها و دستاوردهای اخیر که نظامیان ارتش سوریه و نیروهای مقاومت مردمی لبنان در مبارزه با تکفیرها در منطقه استراتژیک القلمون به دست آوردند، تمام نقشه های ترکیه، عربستان و قطر در این منطقه استراتژیک نقش بر آب شد. بزرگترین ضربه ای که این سه کشور در القلمون متحمل شدند، ایجاد شکاف

نیروهای ارتش سوریه و مقاومت مردمی لبنان طی هفته های گذشته پیروزی های بزرگی را در مبارزه با تکفیرها در القلمون به دست آورده اند که حتی برخی رسانه های غربی از جمله رویترز نیز نتوانسته از این پیروزی ها به سادگی عبور کند و از آن به عنوان «دستاورد» یاد کردند. محور مقاومت موفق شد طی چند عملیات گسترده و پی در پی بر تمامی مراکز وابسته به تروریست های داعش و جبهه النصره در مناطق غربی القلمون سیطره یابند. در جریان عملیات محور مقاومت ده ها تروریست داعش و جبهه النصره به هلاکت رسیده و بسیاری نیز به شدت مجروح شدند. در پی ایجاد شکاف گسترده در صفوف تروریست ها در القلمون بخشی از آنها فرار را بر قرار ترجیح داده و به اشکال مختلف از جمله پوشیدن لباس زنان پا به فرار گذاشتند و برخی دیگر نیز به اردوگاه های پناهندگان سوری در مرزهای لبنان گریختند و در آنجا پناه گرفتند. در جریان فاز اول درگیری ها میان محور مقاومت و تروریست های تکفیری جبهه النصره، برجسته ترین سرکرده های این گروه به هلاکت رسیدند به طوری که ضربه روحی مهلکی به اعضای آن وارد شد. آنچه که در این زمینه حائز اهمیت به نظر می رسد، سکوت دولت های غربی حامی تکفیرها در القلمون در قبال تحولات اخیر در این منطقه است. اهمیت نتایج اخیر نبرد «القلمون» در این است که این نتایج پس از سلسله تحولات مهم اخیر در صحنه میدانی سوریه طی هفته های گذشته محقق شدند. این نتایج و دستاوردهای علیه تکفیرها در سایه جنگ روانی گسترده علیه ملت سوریه محقق شدند. برخی رسانه ها عاقدانه از پیشروی گسترده گروه تروریستی موسوم به «جیش الفتح» در حومه استان ادلب با حمایت همه جانبه ترکیه، عربستان و قطر خبر دادند تا بدین صورت روحیه دولت و ملت سوریه در جریان مبارزه با تروریسم تضعیف شود.

ارتش سوریه و نیروهای مقاومت لبنان طی هفته های اخیر دستاوردهای بسیاری را در مبارزه با تکفیرها در منطقه مرزی «القلمون» محقق کردند تا جایی که برخی رسانه های غربی نتوانستند این موضوع را نادیده بگیرند.

منطقه «القلمون» در غرب سوریه قرار دارد و به دلیل کوهستانی بودن آن، به «کوه های القلمون» معروف است. کوه های واقع در این منطقه به سلسله کوه های واقع در مرزهای لبنان وصل می شود به همین دلیل القلمون در مرزهای مشترک سوریه و لبنان قرار دارد. از جمله مهم ترین روستاهای واقع در این منطقه می توان به «عرسال»، «معلولا»، «بیرود»، «راس المعره» و «عسال الورد» اشاره کرد که از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار هستند. در میان روستاهایی که ذکر شد «عرسال» به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی که دارد از اهمیت ویژه ای برای گروه های تکفیری و همچنین محور مقاومت برخوردار است. این منطقه همواره آستان درگیری های گسترده میان نیروهای محور مقاومت و تکفیرها بوده است که در اغلب موارد محور مقاومت توانسته برتری خود در آنجا را به دشمن دیکته کند.

## اما اهمیت استراتژیک منطقه القلمون در چیست؟

منطقه «القلمون» به دلیل داشتن ساختار کوهستانی همواره مکان مناسبی برای تحرکات گروه های تکفیری بوده است بدین صورت که تکفیرها از آن به عنوان منطقه ای صعب العبور برای پنهان شدن و ادامه تحرکات تروریستی خود استفاده می کنند. از سوی دیگر، بخشی از ارتفاعات منطقه القلمون در سوریه و بخش دیگری از آن در لبنان قرار دارد، به همین دلیل هر گروهی که موفق به سیطره بر این منطقه شود، می تواند اشراف کاملی بر تحولات دمشق و یا حتی بیروت داشته باشد.



گفتگو: فاطمه درخشان

وزیر مشاور اسبق کویت:

## طرح ارتش مشترک عربی قابل اجرا نیست / علل عادی سازی روابط حماس و مصر



وزیر مشاور اسبق کویت در امور پارلمان با بیان اینکه عادی سازی روابط میان مصر و حماس به قاهره در سر کوب گروه‌های تکفیری کمک می‌کند گفت: طرح تشکیل ارتش مشترک عربی صلاحیت و توانایی اجرایی شدن ندارد. مصر با گذشت یک سال از ریاست جمهوری «عبدالفتاح السیسی» وزیر دفاع سابق و رئیس جمهوری کنونی این کشور تحولات مختلفی رابه خود دیده است. ارائه و حمایت از طرح تشکیل ارتش مشترک عربی، تروریستی خواندن جریان اخوان المسلمین و حماس و پس از آن لغو تروریستی خواندن حماس، صدور حکم اعدام برای «محمد مرسی» رئیس جمهوری بر کنار شده و بیش از یکصد نفر از رهبران اخوان المسلمین مصر، از جمله مهمترین تحولات اخیر مصر محسوب می‌شود. در همین راستا با «عبدالهادی الصالح» وزیر مشاور اسبق کویت به گفتگو نشستیم که مشروح آن از نظر می‌گذرد.

از طریق وام باشد چه کمک‌های بلاعوض، بنابراین این قاهره ناگزیر به همراهی و اتخاذ مواضع همسو با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در عرصه جهانی است و حتی گاهی مجبور به رعایت برخی ملاحظات و محافظه کاری‌ها در تحولات و بحرانهای موجود می‌شود.

**|| قاهره طرح تشکیل ارتش مشترک عربی را ارائه کرده است به عقیده شما اهداف مصر از ارائه و حمایت از این طرح چیست؟**

ایجاد ارتش مشترک عربی یک رویای قدیمی است که کشورهای عربی از دیرباز سودای آن را در سر دارند. این طرح از زمان ایجاد اتحادیه عرب و توافق بر ایجاد سامانه دفاعی مشترک میان کشورهای عربی مطرح شد اما به دنبال وجود درگیرهای عربی-عربی و به دنبال تهدید «عبدالکریم قاسم» رهبر عراق منی بر انضمام کویت به عراق پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۶۱، این طرح تنها در حد نوشته‌ای باقی ماند.

مردم کشورهای عربی و فلسطینیها همواره امیدوار به اجرایی شدن این طرح علیه رژیم صهیونیستی بودند که کشورهای عربی جز با برگزازی نشستها و صدور بیانییه‌های در محکومیت این رژیم عملا اقدامی در این راستا انجام نداده اند.

با توجه وجود اختلاف در منافع کشورهای عضو این توافقنامه و تباینات موجود این طرح نمی‌تواند عملی شود و تاکنون نیز کشورهای عربی موفق به عملی شدن طرح تشکیل ارتش مشترک عربی نشده اند چنانکه طبق برخی دستور العملها آغاز جنگ جز در چارچوب اقدامات ملی سخت و پیچیده امکان پذیر نیست. افزون بر این باید گفت که ائتلافها و فشارهای منطقه‌ای اجازه استقلال در عملکرد را به هیچ نهاد و گروه عربی نمی‌دهد.

**|| اخوان المسلمین نخواهد شد؟**  
تجربه نشان داده که سر کوب و قلع و قمع نتیجه عکس بر روی اخوان المسلمین دارد پس از ترور حسن البنا بنیانگذار اخوان المسلمین در سال ۱۹۴۶ و اعدام سید قطب در سال ۱۹۶۶ جریان اخوان المسلمین نه تنها خاموش نشد بلکه در مصر بیش از پیش ریشه گرفت و تفکرات این جریان به مناطق دیگری در دنیا صادر شد.

چه بسا پس از اعدام مرسی اخوان المسلمین به خشونت و اقدامات مسلحانه روی بیاورد که این امر تهدید مضاعفی برای امنیت ملی مصر محسوب می‌شود که هم اکنون نیز در معرض عملیاتی تروریستی متعدد قرار دارد.

**|| آیا مرسی اعدام می‌شود؟**  
اعدام مرسی به دلیل فشارهای خارجی و داخلی که وجود دارد بسیار بعید به نظر می‌رسد و شاید اظهارات اخیر السیسی در برلین که اعلام کرده بود «حکم اعدام مرسی و چند تن از رهبران اخوان المسلمین تنها احکام قضایی بدوی (ابتدایی) هستند» تلاشی بود در راستای آنکه وی این اطمینان را بدهد که احتمال اعدام نشدن مرسی وجود دارد.

**|| مقامات مصری بارها اعلام کرده اند که امنیت خلیج فارس و مصر به هم مرتبط است به نظر شما چرا مصر تلاش می‌کند که وارد خاورمیانه شده و در این منطقه نقش آفرینی کند؟**

صرف نظر از مسائل سیاسی، مصر پایتخت تاریخی عربیت محسوب می‌شود، افزون بر این مصر منبع اصلی نیروی انسانی حرفه‌ای، نخبگان علمی و مرکز فعالیتهای فرهنگی، ادبی و هنری در جهان عرب محسوب می‌شود. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس یک منبع مهم مالی برای مصر به شمار می‌آیند؛ حال این کمکهای مالی چه

و همکاریهایی را با برخی گروهها و کشورهای عربی در خصوص تحولات اخیر منطقه به ویژه در سوریه و یمن صورت می‌دهد. از سرگیری روابط میان قاهره و حماس به قاهره در زمینه سر کوب گروههای تکفیری کمک می‌کند. تکفیریهایی که از تشنه‌های بوجود آمده در روابط مصر و حماس نهایت سوء استفاده را می‌کنند. به ویژه تروریستیهایی که در منطقه سیناء در شمال مصر و همجوار با پایگاه اصلی حماس در غزه قرار دارند.

علاوه بر این حماس از بحرانهای سیاسی و مالی که در نتیجه شرایط موجود گریبانگیر آنها شده است رنج می‌برد. شاید بازگشت حماس به سمت کشورهای عربی با هدف تلاش برای قطع روابط آن با جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد که همواره مسئله فلسطین از اولویتهایش بوده است.

**|| بازتاب صدور حکم اعدام «محمد مرسی» رئیس جمهوری بر کنار شده مصر از سوی دستگاه قضایی این کشور چیست؟ آیا به نظر شما این امر موجب دامنه دارتر شدن فعالیتهای زیر زمینی**



**|| دادگاه جنایی مصر حکم تروریستی خواندن حماس را لغو کرد. این اقدام جنبش اعلام کرد که سیگنالهای مثبتی از سوی مصر برای عادی سازی روابط با حماس دریافت کرده و برای گسترش روابط با قاهره در تلاش است. به اعتقاد شما چرا قاهره اخوان المسلمین را یک گروه تروریستی می‌نامد و همزمان حکم تروریستی خواندن حماس را لغو می‌کند؟**

در چارچوب تحولات منطقه‌ای میان برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس و دولت داود اوغلو در ترکیه توافقاتی در خصوص بازنگری در روابط خود با جریان اخوان المسلمین مصر صورت گرفت.

بر اساس توافقات صورت گرفته پس از برکناری اخوان المسلمین از قدرت در مصر و تروریستی خواندن این جریان توسط دولت جدید، نقش جدیدی به این جریان اعطا شد بویژه آنکه اخوان المسلمین طی دوره اخیر همفکری

**|| اعدام مرسی به دلیل فشارهای خارجی و داخلی که وجود دارد بسیار بعید به نظر می‌رسد و شاید اظهارات اخیر السیسی در برلین که اعلام کرده بود «حکم اعدام مرسی و چند تن از رهبران اخوان المسلمین تنها احکام قضایی بدوی (ابتدایی) هستند» تلاشی بود در راستای آنکه وی این اطمینان را بدهد که احتمال اعدام نشدن مرسی وجود دارد**

گزارش از سمیه خمارباقی

## تحلیل بین الملل /

# دلایل گسترش داعش / محبوبیت یا حمایت غربی - عربی - عبری



خوبی را برای خود متصور نمی کنند جذب گروه های افراطی می شوند. از جهتی می توان گفت فراتر از ایدئولوژی ضد شیعه تروریست های داعش، این گروه به نوعی به دنبال جنگی اقتصادی - اجتماعی است. در واقع داعش آسیب پذیرترین بخش های جامعه و طبقات محروم شهری و روستایی را برای عضوگیری خود انتخاب کرده است و افرادی که جذب این گروه می شوند انگیزه های اقتصادی و اجتماعی دارند.

۲- به کارگیری افسران بعثی: همانطور که بالا اشاره شد افسران بعثی رژیم منحل صدام با وجود اختلاف ایدئولوژیک با گروه های رادیکال اسلامی اما صرفا به دلیل هدف مشترک به ویژه در عراق با تروریست های تکفیری همکاری دارند و آموزش نظامی و عملیاتی داعش و پیشتر القاعده بر عهده این افراد بوده است. افسران بعثی نه به خاطر ایدئولوژی اسلام گرایی بلکه برای احیای رژیم دیکتاتوری بعث در عراق با تکفیری ها همکاری می کنند.

۳- ناآگاهی سیاسی: فقدان آگاهی سیاسی یکی از عوامل پیوستن به گروه داعش است. سرکردگان داعش از ناآگاهی افراد نسبت به وضعیت سیاسی کشورهای تحت نفوذ خود بهره برده و با فریب این افراد آنها را به همراهی با خود و شورش علیه نظام های سیاسی حاکم دعوت می کنند. ۴- فساد در نهادهای دولتی: «آندر سرنگو» کارشناس مرکز مطالعات افغانستان معاصر در رابطه با گسترش نفوذ گروه داعش در آسیای میانه به پیوستن سرهنگ تاجیک به این گروه اشاره و اعلام کرد: افسران و مقامات بلندپایه نظامی تاجیکستان مجبورند یا به دایره فساد بپیوندند و بخشی از سیستم فاسد شوند یا اینکه به گروه هایی بپیوندند که انگیزه های غیر از رشوه خواری دارند و سرهنگ تاجیک ترجیح داده است به گروه داعش بپیوندد.

۵- عدم دانش اسلامی: در برخی کشورها همچون کشورهای آسیای میانه یکی از دلایل گرایش مردم به ویژه جوانان به داعش این است که اطلاعات دینی را از گروه اسلامی ندارند و اطلاعات دینی را از گروه های افراطی می گیرند. به عنوان مثال در تاجیکستان عملا گرفتن معلومات دینی ممنوع شده است. تبلیغات داعش در این رابطه در شبکه های اجتماعی بی تاثیر نبوده است. «هومن شعر» تحلیلگر مقیم شهر دوشنبه در این رابطه می گوید: تنها عامل پیوستن جوانان تاجیک به گروه داعش تنها فقر، بیکاری و مهاجرت نیست بلکه مشاهده شده است جوانانی که زندگی خوبی هم داشتند به گروه داعش پیوسته اند. این افراد تحت تاثیر تبلیغات داعش قرار گرفتند و ممنوعیت حجاب و رفتن جوانان زیر ۱۸ سال به مسجد را علت پیوستن به گروه های افراطی اعلام کرده اند.

۶- حمایت سازمان های اطلاعاتی کشورهای منطقه: «تاهاید فرید» نماینده مردم هرات در پارلمان افغانستان معتقد است پاکستان در اکثر ناامنی های افغانستان دست دارد، داعش در پیشاور سربازگیری می کند و حتی یک نشریه نیز در این ولایت

نظامی بسیاری از آنکارا، ریاض، دوحه و امان دریافت می کنند.

داعش علاوه بر عراق و سوریه درصد گسترش نفوذ خود در دیگر کشورهای منطقه است، «جان کمپل» فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان در این رابطه از رشد و گسترش داعش در این کشور ابراز نگرانی کرده است. با توجه به هم مرز بودن افغانستان با کشورهای آسیای میانه نگرانی هایی از نفوذ گروه داعش در کشورهای مسلمان این منطقه همچون (تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان) وجود دارد. افغانستان با این کشورها هزاران کیلومتر مرز مشترک دارد و کنترل مرزهای صعب العبور آن دشوار است. به عنوان مثال بنا بر اعلام مقامات تاجیکستان، شمار شهروندان این کشور که به داعش پیوستند ۴۰۰ نفر برآورد می شود.

### دلایل گسترش داعش؛ محبوبیت یا حمایت غربی - عربی

با نگاهی به جنایات و اقدامات هولناک گروه تروریستی داعش طی چند سال گذشته جنایاتی که هر انسان دارای وجدان بیدار آنها را محکوم می کند و حاضر به پذیرش آنها نیست این فرضیه که محبوبیت، نزد افکار عمومی عامل گسترش داعش در کشورهای مختلف است وارد می کند. در مورد اینکه چرا گروه تروریستی داعش علیرغم مخوف بودن در حال گسترش و ایجاد حوزه های جدید فعالیت در مناطق مختلف جهان است انگیزه ها و دلایل مختلفی وجود دارد که به مهمترین آنها اشاره می شود:

۱- پایین بودن سطح زندگی، فقر و بیکاری: بسیاری از جوانان که با فقر، بیکاری و بیسوادی دست و پنجه نرم می کنند و آینده

دارای یک شورای نظامی متشکل از ۸ تا ۱۳ افسر سابق ارتش عراق است.

### مناطق تحت نفوذ داعش

پس از آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، بغدادی یکی از اعضای خود به نام «ابومحمد جولانی» را به سوریه فرستاد تا حلقه های جهادی را در این کشور تشکیل دهد، در خلال این ماموریت گروه تروریستی جبهه النصره به عنوان شاخه ای از القاعده در سوریه شکل گرفت. سوریه برای تامین تسلیحات و عضوگیری مکان مناسبی بود اما در سال ۲۰۱۳ اختلاف میان سرکردگان القاعده بالا گرفت.

ابوبکر البغدادی قصد داشت القاعده عراق و جبهه النصره در سوریه زیر پرچم موجودیتی جدید تحت عنوان «داعش» با یکدیگر متحد شوند، جولانی با این اتحاد مخالف بود و در نهایت ایمن الظواهری رهبر القاعده از وی حمایت کرد و جولانی با الظواهری بیعت کرد. جنگ داخلی جهادی ها با یکدیگر آغاز شد و گروه داعش در سال ۲۰۱۳ به طور مستقل اعلام موجودیت کرد. پس از اعلام ظهور داعش در سال ۲۰۱۳ ابوبکر البغدادی اهمیت بحران سوریه را درک کرد و از اوضاع این کشور برای گسترش نفوذ خود و آنچه به زعم خود تشکیل دولت اسلامی می نامید بهره برد.

برخی شهرهای سوریه و عراق از جمله رقه، تدمر، موصل و الرمادی هم اکنون به طور کامل در کنترل داعش قرار دارد و در برخی مناطق دیگر نیز تا حدودی نفوذ داعش وجود دارد. به طور کلی داعش در حال حاضر یک سوم از خاک کشورهای عراق و سوریه را در کنترل خود دارد. تروریست های داعش با استیلا بر مرزهای سوریه با ترکیه و اردن عملا کمک های مالی و

بزرگترین گروه تروریستی کنونی در حال گسترش خود است، در این گزارش به چرایی سلطه روزافزون این گروه در کشورهای منطقه پرداخته می شود. گروه داعش هم اکنون یکی از بزرگترین و مخوف ترین سازمان های تروریستی در جهان به شمار می رود که تاریخچه ظهور آن به سال ۲۰۱۳ بازمی گردد.

### داعش چگونه متولد شد

برای شناخت بهتر شکل گیری این گروه تروریستی باید به عقب بازگشت و نسبت آن را با القاعده عراق بررسی کرد. سال ۲۰۰۳ میلادی پس از اشغال عراق توسط آمریکا حزب بعث و ارتش عراق منحل شد، در نتیجه به وجود آمدن خلأ قدرت و ناامنی در این کشور زمینه رشد شبکه تروریستی القاعده در عراق و نفوذ آن به ساختار سیاسی شکننده این کشور فراهم شد.

هلاکت «ابومصعب الزرقاوی» سرکرده القاعده عراق در سال ۲۰۰۶ نقطه عطفی بود که به تضعیف این گروه تروریستی منجر شد، پس از حدود ۴ سال در سال ۲۰۱۰ میلادی «ابوبکر البغدادی» به عنوان سرکرده القاعده عراق معرفی شد.

ابوبکر البغدادی با این ادعا که در زمان نخست وزیری «نوری المالکی» اهل تسنن عراق به حاشیه رانده شده است خود را پرچمدار سنی ها معرفی کرد و سپس افسران ارتش و بعثی در رژیم منحل شده صدام به ویژه گارد ریاست جمهوری را جذب کرد افسرانی که توانستند علیرغم اختلافات ایدئولوژیک با گروه های رادیکال اسلامی اما صرفا به دلیل هدف مشترک با القاعده و دیگر گروه های افراطی یک ماشین آدم کشی به راه بیندازند. بنا بر اعلام منابع آگاه عراقی، ابوبکر البغدادی



گفتگو: فاطمه درخشان

نماینده پارلمان یمن:

## حضور انقلابیون در نشست ژنو نشان به رسمیت شناختن انقلاب یمن است



برگزار می شود.

عضو مجلس نمایندگان یمن در ادامه تاکید کرد: نشست ژنو در خصوص یمن دستاورد قابل توجهی نخواهد داشت چنانکه ما تجربه مشابهی در خصوص نشست ژنو یک و دو درباره تحولات سوریه را پیش از این شاهد بوده ایم.

السامی همچنین به میانجیگری عمان در خصوص تحولات یمن اشاره و تصریح کرد: عمان نقش میانجیگر را میان انصارالله یمن و طرفهای خارجی درگیر در مسئله یمن ایفا می کند که ایفای چنین نقشی از سوی مسقط شایسته قدرانی است.

وی در ادامه اظهار داشت: عمان به لطف وجود توازن در سیاستهایش، مقبولیتش در میان کشورها و تداوم روابط حسنه با همه کشورها از جمله ایران و عربستان می تواند نقش مؤثری در ذوب شدن یخ روابط میان برخی کشورها داشته باشد و چشم انداز جدیدی را پیش روی حل مشکلات موجود در خصوص یمن بگشاید. السامی در پاسخ به سؤالی در خصوص ادعای منصور هادی مبنی بر بازگشت به یمن اعلام کرد: هادی تنها دستاویزی برای عربستان است که تجاوز خود را به یمن توجیه کند و مهره سوخته ای است که هرگز به یمن بازخواهد گشت.

وی گفت: هادی پس از درخواست از عربستان برای آغاز حمله به یمن و کشتار مردم بی گناه این کشور و تخریب زیر ساختها هیچ جایی در یمن ندارد و تحت هیچ شرایطی به این کشور بازخواهد گشت.

السامی تاکید کرد که یمن به لطف انقلاب مبارک خود و پایباری اسطوره ای مردمش از بحران کنونی که تجاوز وحشیانه عربستان با همراهی رژیم صهیونیستی و آمریکا آن را رقم زده اند خارج شده و به کشوری مستقل تبدیل خواهد شد. وی در پایان تاکید کرد که حضور انقلابیون یمن در نشست ژنو نشانگر آن است که همه دنیا این انقلاب و پایداری آن را در مقابل عداوت و خیانت به رسمیت می شناسند.

عضو مجلس نمایندگان یمن با تاکید بر اینکه عبدریه منصور هادی مهره سوخته است و جایگاهی در یمن ندارد اعلام کرد که حضور انقلابیون یمن در نشست ژنو نشانگر به رسمیت شناختن انقلاب یمن از سوی جامعه جهانی است. نشست ژنو برای حل بحران یمن که قرار است ۱۴ ژوئن (۲۴ خرداد) برگزار شود به مدت سه روز ادامه خواهد داشت و گروه های یمنی در حال تعیین نمایندگان خود برای شرکت در این نشست هستند.

این نشست با استقبال گروههای مختلف یمنی مواجه شده و «عبدریه منصور هادی» رئیس جمهوری مستعفی یمن و انصارالله یمن که پیش از به تویق افتادن این نشست در ماه میلادی گذشته شروطی را برای مشارکت در آن تعیین کرده بودند، برای مشارکت در نشست ژنو بدون پیش شرط استقبال کردند.

«سلطان السامی» عضو مجلس نمایندگان یمن و رئیس جبهه انقذ الثوره و رئیس جنبش ضد فساد یمن در خصوص این نشست به خبرنگار مهر گفت: تاکید و تکیه زیادی روی نشست ژنو نداریم، این نشست یک مرحله جدید در فرآیند یمنی-یمنی است.

وی افزود: از آن رو که تجاوز عربستان به یمن اختلافات داخلی را داخل خانواده آل سعود تشدید کرده و آنها به نوعی خواستار خروج از باتلاقی هستند که خود را در آن گرفتار کرده اند؛ چه بسا نشست ژنو تلاشی باشد برای نجات و برون رفت عربستان از دامی که به دست خود گسترده و خود نیز گرفتار آن شده است.

السامی در ادامه افزود: پس از شکست عربستان و همپیمانانش در حمله به یمن و عدم دستیابی به هرگونه دستاوردی در این زمینه نشست ژنو یک مرحله جدید در مسئله یمن محسوب می شود. وی تصریح کرد: نشست ژنو یک نشست مشورتی است که تنها با هدف ایجاد مکانیزمی برای اجرای نتایج به دست آمده در مذاکرات پیشین گروههای یمنی و تصمیمات بین المللی درگیر در منطقه است.

نفوذ خود در عراق و سوریه و قاچاق آثار باستانی در این کشورها از دیگر منابع درآمدی این گروه تروریستی محسوب می شود.

دسته دوم منابع مالی غیر مستقیم داعش:

۱- کشورهای تشکیل دهنده داعش که در گذشته نیز حامی مالی و فکری گروه های افراطی همچون القاعده بوده اند که در راس آنها عربستان قرار دارد.

۲- کشورهایی که حضور و فعالیت داعش را در منطقه در راستای منافع خود می بینند و تلاش می کنند با کمک مالی از این گروه به اهداف خود در منطقه دست یابند، ترکیه در این زمینه مثال خوبی است.

۳- کشورهایی که از بیم حملات داعش با این گروه تسامح دارد و با اختصاص کمک های مالی به آن به نوعی به این گروه تروریستی حق السکوت پرداخت می کنند که اردن یکی از این کشورها به شمار می رود.

در حال حاضر از عربستان، آمریکا، امارات، قطر و ترکیه به عنوان مهمترین کشورهای حامی گروه داعش یاد می شود و کشورهایی همچون اردن، کویت، تونس و چند کشور عربی دیگر و حتی برخی کشورهای اسلامی همچون پاکستان به نوعی این کمک ها را به عنوان حق السکوت و باج به گروه داعش پرداخت کرده یا حداقل برای درمان ماندن از حملات این گروه چشم خود را به روی کمک های ارسال شده به داعش می بندند.

از سوی دیگر کمک های مالی و اطلاعاتی غرب به ویژه آمریکا از داعش را نیز در چارچوب اهداف کوتاه مدت و بلندمدت خود در منطقه نباید نادیده گرفت. بسیاری از عناصر داعش به هزینه دولت آمریکا در اردن و چند کشور دیگر در منطقه آموزش نظامی می بینند. آمریکا پیش از این به دنبال سرنگونی دولت نوری المالکی در عراق به عنوان هدف کوتاه مدت و تجزیه عراق به ۳ اقلیم به عنوان هدف بلندمدت در عراق است لذا داعش با کمک آمریکا و کشورهای مذکور و منابع مالی که در اختیار دارد به مخوف ترین و ثروتمندترین سازمان تروریستی در جهان تبدیل شده است. با توجه به این حجم از حمایت مالی و تبلیغاتی از داعش به نظر می رسد ناپودی این گروه تروریستی در وهله نخست نیازمند اراده سیاسی و درک خطر این پدیده جهانی است خطری که در نهایت گریبان خود کشورهای حامی داعش را نیز خواهد گرفت. در صورت تحقق اراده سیاسی از سوی کشورهای دنیا مؤثرترین راه ناپودی داعش نه تشکیل ائتلاف به اصطلاح مقابله با داعش بلکه خشکاندن منابع مالی و تبلیغاتی این گروه و برقراری ثبات سیاسی در کشورهای منطقه از طریق حل و فصل سیاسی بحران کشورهای

درد که به زبان اردو چاپ می شود؛ پاکستان در خاک خود به داعش اجازه فعالیت داده است و اگر داعش در افغانستان نیز فعالیت دارد در نتیجه اجازه ای است که دولت پاکستان به آنها داده است.

۷- حمایت مالی عربی - غربی: اگرچه اطلاعات بسیار دقیقی درباره تعداد اعضای گروه داعش در جهان وجود ندارد اما آنچه عیان است هزینه های گزاف این گروه برای اعضای خود است. العربیه یکی از رسانه های حامی گروه تروریستی داعش در گزارشی درباره حقوق اعضای داعش می نویسد:

- پرداخت هزار و ۲۰۰ دلار هدیه ازدواج به اعضای بومی داعش در سوریه  
- پرداخت حقوق ثابت ماهانه ۴۰۰ دلار به اضافه ۵۰ دلار برای هر فرزند و ۱۰۰ دلار برای هر همسر

- حق مسکن و تامین سوخت خودرو و همچنین پرداخت ۴۰۰ دلار اضافی به عنوان حق مهاجرت برای اعضای غیر بومی

اگر تعداد عناصر داعش را که بین ۱۰ تا ۸۰ هزار نفر در عراق و سوریه تخمین زده اند در نظر بگیریم بنابراین تامین پایه حقوق ۴۰۰ دلار برای ۱۰ هزار نفر رقمی حدود ۴ میلیون دلار در ماه است و اگر بیشترین تعداد یعنی ۸۰ هزار نفر را در نظر بگیریم و هزینه بیهوداری و عملیات های انتحاری را مد نظر قرار دهیم چه بسا رقمی معادل بودجه یک یا چند کشور جهان سوم باشد. این پرسش مطرح می شود که این هزینه های گزاف توسط چه گروه، سازمان یا کشورهایی تامین می شود؟

بدون شک اولین پاسخ به این پرسش کشورهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس است که برای حمایت از گروه های افراطی و تکفیری از توان مالی و انگیزه های مذهبی و سیاسی برخوردار هستند و رویای نابودی نظام های سیاسی غیر دلخواه خود در منطقه را در سر می پروراند. به طور کلی حامیان مالی داعش به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- منابع مالی آشکار و مستقیم ۲- منابع مالی غیر مستقیم و پنهان

گروه اول خود به ۳ دسته تقسیم می شود: ۱- گروه ها و شخصیت های افراطی که با جریان سلفی - تکفیری همراهی و تلاش می کنند با جمع آوری کمک به گروه داعش یاری برسانند.

۲- باج گیری از اشخاص، موسسات و دولت ها که از طریق آدم ربایی صورت گرفته و معمولاً مقادیر قابل توجهی پول را به سوی داعش سرازیر می کند. گروگان گیری خبرنگاران، تجار و کارمندان سازمان ملل متحد از جمله این موارد هستند.

۳- غارت اموال عمومی مناطق به اشغال درآمده همچون غارت ذخایر طلای موجود در بانک ها و چپاول ۴۲۰ میلیون دلار از بانک مرکزی موصل و مراکز تجاری، علاوه بر این سیطره داعش بر میادین نفتی مناطق تحت



## گزارش بین الملل؛ سلب تابعیت شیعیان؛ روش آل خلیفه برای تغییر بافت جمعیتی بحرین

محسوب می شوند. به گفته کارشناسان اگر رژیم آل خلیفه بخواهد روندی را که اکنون پیش گرفته تا سال های آینده نیز ادامه دهد تا سال ۲۰۵۰ بیش از ۷۰ درصد از جمعیت بحرین از اهل تسنن خواهند بود.

رژیم آل خلیفه تنها به آن دسته از اتباع خارجی که سیاست های آن را تأیید کرده و در بسیاری از موارد حتی با این سیاست ها همراهی می کنند، تابعیت بحرینی اعطاء می کند. این رژیم تا کنون از هیچ اقدامی در سرکوب مردم بی دفاع بحرین فروگذار نکرده است. سیاست اعطای تابعیت بحرینی به اتباع خارجی در سایه سکوت سازمان ملل و مجامع بین المللی همچنان ادامه دارد به صورتی که در یکی از آخرین گام ها در این زمینه، دادگاه آل خلیفه تابعیت حدود ۷۰ شهروند شیعه بحرینی را سلب کرد. بر خلاف آنچه که ادعا می شود، صدور احکام سلب تابعیت شهروندان بحرینی با دستور مستقیم «حمد بن عیسی آل خلیفه» پادشاه بحرین صورت می گیرد، زیرا اتخاذ تصمیمی در این سطح کلان جز با فرمان مستقیم پادشاه امکان پذیر نیست.

این سیاست آل خلیفه انتقادات شدید داخلی و بین المللی را به دنبال داشته است. جمعیت الوفاق که بزرگترین جمعیت اپوزیسیون آل خلیفه محسوب می شود، ضمن «فاجعه بار» خواندن این سیاست، اعلام کرد که آن را از نظر حقوقی پیگیری خواهد کرد. حتی شیخ «علی سلمان» دبیرکل این جمعیت اعلام کرد که سیاست تغییر بافت جمعیتی در بحرین با این گستردگی در هیچ کشوری مشاهده نشده است.

از سوی دیگر، سازمان ها و نهادهای حقوق بشری بین المللی نیز در قبال این سیاست خصمانه سکوت نکرده و خواستار توقف هرچه سریعتر آن شدند. سازمان عفو بین الملل از جمله نهادهای بین المللی به شمار می رود که تاکنون بارها در محکومیت این سیاست آل خلیفه بیانیه صادر کرده است.

کارشناسان بر این باورند که عامل اصلی توسل به سیاست تغییر بافت جمعیتی توسط مقامات آل خلیفه، سرکوب شیعیان این کشور است. از آنجایی که شیعیان حدود ۸۰ درصد از جمعیت بحرین را تشکیل می دهند، خطری جدی برای رژیم آل خلیفه و سیاست های خصمانه آن

علیه شیعیان ادعا می کنند که آنها به دنبال انجام اقدامات خرابکارانه در کشور بوده اند. این ادعا در حالی مطرح می شود که از چهار سال گذشته تاکنون هیچ اقدام خرابکارانه ای توسط مخالفان آل خلیفه در هیچیک از مناطق بحرین صورت نگرفته و حتی تمامی تظاهرات های ضد دولتی نیز به صورت مسالمت آمیز برگزار شده است.

از سوی دیگر، رهبران شیعی مخالفان آل خلیفه نیز بارها بر لزوم مسالمت آمیز بودن هرگونه تحرکات علیه رژیم آل خلیفه تأکید کرده اند.

اکنون رژیم آل خلیفه سیاست تغییر بافت جمعیتی بحرین را در رأس اولویت های خود برای مقابله با مخالفانش قرار داده است. به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران آل خلیفه به دنبال پیاده کردن سیاست انگلیسی ها در فلسطین است. آنها معتقدند که مقامات آل خلیفه با لغو تابعیت شهروندان بحرینی، اعطای تابعیت بحرینی به اتباع خارجی و اخراج بحرینی ها از سرزمین خود استراتژی انگلیس در سرزمین های اشغالی را به اجرا درآورده اند.

اقدام رژیم آل خلیفه در سلب تابعیت مخالفان خود و در مقابل، اعطای تابعیت بحرینی به اتباع خارجی به یک سیاست روزمره این رژیم با هدف تغییر بافت جمعیتی کشور تبدیل شده است.

حدود چهار سال از آغاز نهضت مردمی در بحرین می گذرد. در طی این سال ها مردم بحرین بارها با برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز در نقاط مختلف این کشور، توقف اقدامات تبعیض آمیز علیه خود توسط مقامات آل خلیفه را خواستار شده اند. با آغاز تظاهرات مردمی مسالمت آمیز علیه رژیم آل خلیفه در بحرین، این رژیم تدابیر بسیاری را برای مقابله با مخالفان خود اتخاذ کرده است. هدف قرار دادن منازل مخالفان، تهدید آنها به بازداشت و در مواردی تجاوز جنسی و ... از جمله سیاست هایی است که آل خلیفه از حدود چهار سال گذشته تاکنون برای به بن بست رساندن خیزش مردمی در بحرین به آنها متوسل شده است. اما سیاستی که در این میان بیش از هر چیز دیگری به چشم می خورد، سیاست «سلب تابعیت بحرینی ها» و در مقابل، «اعطای تابعیت به اتباع خارجی» است که با هدف تغییر بافت جمعیتی بحرین صورت می گیرد.

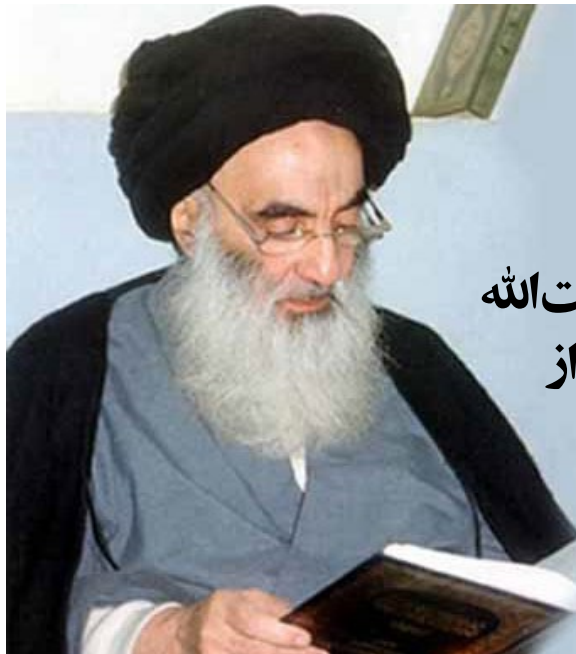
این سال بافت جمعیتی شهر قدس به گونه ای بود که حدود هفت هزار فلسطینی در آن زندگی می کردند و هیچ شهروند صهیونیستی در آنجا وجود نداشت اما امروز در کنار حدود سیصد هزار فلسطینی ساکن قدس اشغالی، دویست هزار صهیونیست نیز در این شهر ساکن هستند. مقامات آل خلیفه نیز با الگوبرداری از این طرح به دنبال آن هستند تا بر اساس یک برنامه هدفمند و بلند مدت، بافت جمعیتی بحرین - که اغلب ساکنان آن را شیعیان تشکیل می دهند - را طبق میل و خواسته خود تغییر دهند.

دادگاه های وابسته به رژیم آل خلیفه از سال ۲۰۱۲ میلادی تاکنون تابعیت ده ها شهروند بحرینی را سلب کرده و به ده ها تبعه خارجی تابعیت بحرینی اعطاء کرده اند. نکته قابل تأمل این است که بیش از ۹۰ درصد از کسانی که تابعیت آنها توسط آل خلیفه سلب شده از شیعیان هستند. بر اساس آخرین آمارهای منتشر شده توسط نهادهای حقوق بشری در بحرین، دادگاه های آل خلیفه از سال ۲۰۱۲ تا کنون، ۱۵ عالم برجسته شیعی را سلب تابعیت کرده اند.

این دادگاه ها در توجیه احکام صادره خود







گزارش بین الملل؛

## نقش فتوای جهادی آیت الله سیستانی در جلوگیری از تجزیه عراق

شد. بر همین اساس، حیدر العبادی حتی از عزم خود برای روانه ساختن نیروهای بسیج مردمی به سمت شهر موصل واقع در استان نینوا به منظور آغاز عملیات پاکسازی آن خبر داد.

اما نکته ای که ذکر آن در اینجا حائز اهمیت محسوب می شود، این است که فتوای جهاد کفایی آیت الله سیستانی برای تمامی مردم عراق از تمامی اقشار صادر شده و محدود به گروه و فرقه خاصی نمی شود. بسیاری به دنبال آن هستند تا نیروهای مردمی را به شیعیان عراقی محدود کنند اما این فتوا خطاب به تمامی مردم عراق صادر شد. همانگونه که گفته شد اهل تسنن در کنار شیعیان بخش وسیعی از اعضای نیروهای مردمی را تشکیل می دهند. به گفته کارشناسان یکی از دستاوردهای دیگر این فتوا که شاید زیاد به چشم نخورد افزایش وحدت میان اقشار مختلف جامعه عراق بوده، اقشاری که با حفظ وحدت و به دور از هرگونه اختلاف دوشادوش یکدیگر به منظور تحقق یک هدف یعنی از میان برداشتن داعش وارد میدان نبرد شدند.

بسیاری از مقامات عراقی در سالروز صدور فتوای جهاد کفایی توسط مرجعیت عالی دینی این کشور، ضمن تقدیر و تمجید از این فتوا آن را عامل نجات عراق عنوان کردند. به همین مناسبت «حیدر العبادی» نخست وزیر عراق با صدور بیانیه ای ضمن «تاریخی» توصیف کردن فتوای آیت الله سیستانی تأکید کرد: این فتوا عراق را از توطئه شومی که برای آن طراحی شده بود، نجات داد.

العبادی همچنین افزود: داعش پس از اشغال موصل به دنبال نفوذ در دیگر مناطق عراق بود که فتوای به موقع آیت الله سیستانی تمام نقشه های آن را نقش بر آب کرد.

«خالد العبدی» وزیر دفاع عراق نیز ضمن تمجید از فتوای جهاد کفایی در خصوص آن می گوید: این فتوا موجب افزایش وحدت در عراق و جلوگیری از تجزیه آن شد. وی ادامه داد: این فتوا تمامی طرح های آماده شده از سوی دشمنان برای عراق را با شکست مواجه ساخت.

«سید عمار حکیم» رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق هم در سالروز صدور فتوای جهاد کفایی تصریح کرد: این فتوا بار دیگر ثابت کرد که مرجعیت سوپاپ اطمینان عراق است.

حکیم اظهار داشت: این فتوا تحت هیچ شرایطی فرقه گرایانه نبوده و اهل تسنن را هم در کنار شیعیان به میدان های نبرد کشاند.

«عبدالمهدی الکر بلائی» نماینده آیت الله سیستانی نیز در این ارتباط اظهار داشت: پس از یک سال از صدور فتوای جهاد کفایی توسط آیت الله سیستانی مشاهده می کنیم که این جهاد توانست ارزش ها و مقدسات عراق را حفظ کند.

وی افزود: جهاد مردم عراق علیه داعش از نفوذ این گروه تروریستی در نقاط مختلف جلوگیری کرد.

### نیروهای مردمی عراق

تأثیر گذاری ورود نیروهای مردمی به میدان نبرد با داعش به دنبال فتوای جهاد کفایی تا جایی پیش رفت که «محمد سالم الغبان»، وزیر کشور عراق در این زمینه گفت: تشکیل نیروهای مردمی یک تجربه موفق برای عراق محسوب می شود، زیرا این نیروها ایفا کننده نقش اصلی در آزادسازی بسیاری از مناطق اشغال شده توسط داعش هستند.

وی همچنین ادامه داد: پس از اشغال موصل، نیروهای مردمی با همکاری های گسترده با نظامیان ارتش موفق شدند دستاوردهای بسیاری را در مبارزه با گروه های تکفیری محقق کنند.

پایگاه «صوت العراق» در تحلیل نتایج جهاد کفایی نیروهای مردمی علیه داعش می نویسد: نیروهای امنیتی نقش مهمی را در تأمین امنیت بسیاری از استان های مهم مانند بغداد و دیالی ایفا کردند آنچه که بیش از هر چیز دیگری همگان را به حیرت درآورد است، شکست محاصره شهر آمرلی است. این شهر ماه ها تحت محاصره تروریست های داعش بود اما سرانجام دخالت نیروهای مردمی و همکاری آنها با ارتش به شکسته شدن این محاصره منجر شد.

یکی از دستاوردهای مهم فتوای کفایی آیت الله سیستانی، آشکار شدن نقش نیروهای مردمی در مبارزه با تروریسم است. این فتوا می تواند الگویی برای هر کشور دیگری باشد که در حال حاضر درگیر مبارزه با تروریسم است. همین مسأله موجب شد تا «حیدر العبادی» نخست وزیر عراق دستور تسلیح نیروهای مردمی استان الانبار به منظور آغاز عملیات پاکسازی شهر الرمادی از لو ت تروریست های داعش را صادر کند. در واقع دولت عراق در نهایت به این نتیجه رسید که پاکسازی خاک این کشور از تروریست های داعش بدون مشارکت نیروهای مردمی محقق نخواهد

هراسند. ما یک نفر از آنها را می کشیم اما هر یک از آنها ۱۰۰ نفر از ما را به قتل می رسانند. اگر همین روند ادامه داشته باشد، داعش در عراق جایی نخواهد داشت.

در شرایطی که داعش پیش بینی می کرد که تنها شیعیان عراقی از فتوای مرجعیت عالی دینی عراق استقبال کنند، اما هزاران نفر از اهل تسنن در عراق به فتوای آیت الله سیستانی لبیک گفتند.

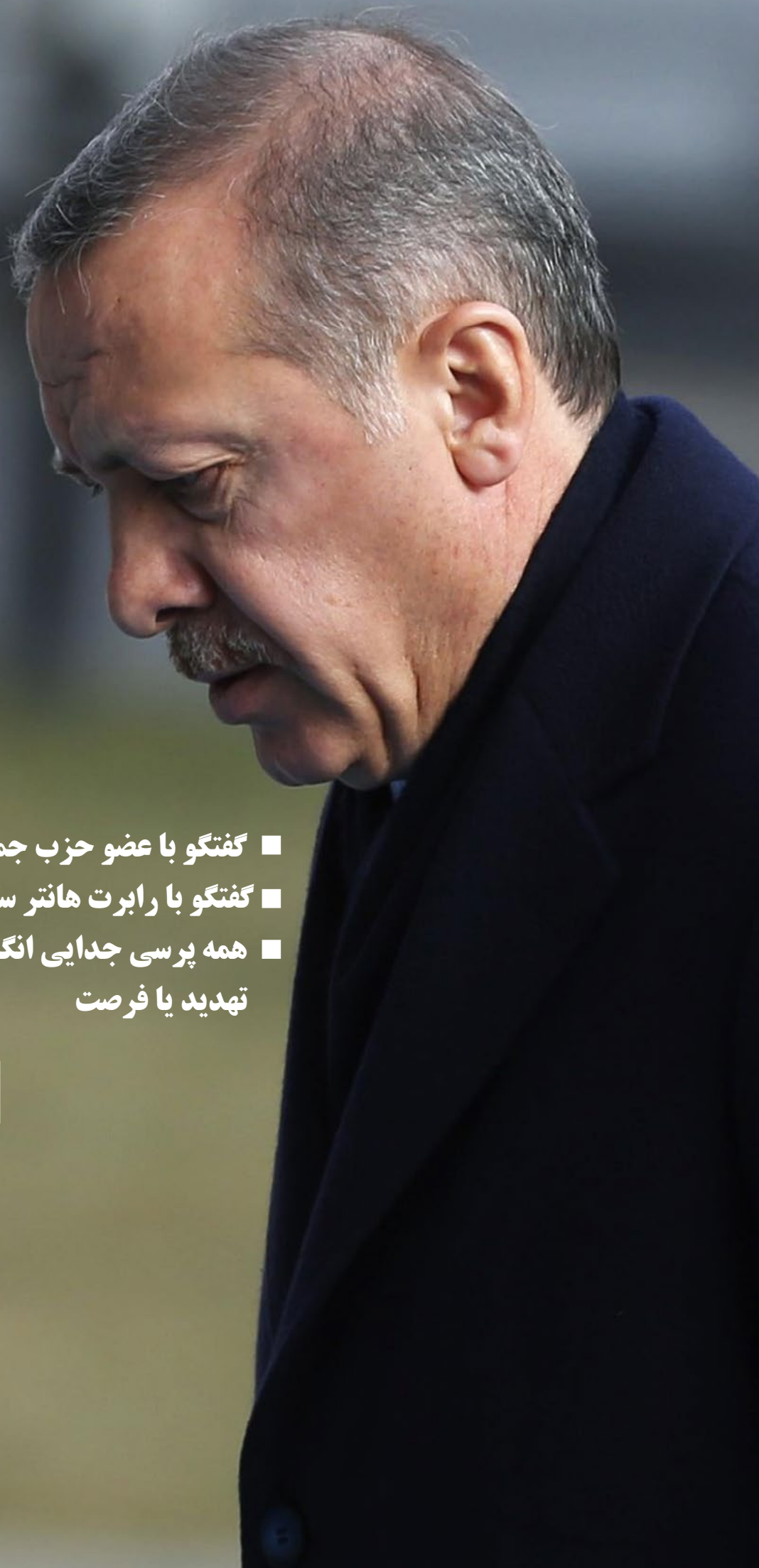
بر اساس آمارهای منتشر شده پس از صدور فتوای آیت الله سیستانی هزاران نفر از جوانان عراقی از شیعیان گرفته تا اهل تسنن در استان های بغداد، بصره، الانبار، نینوا، دیالی، مثنی، ذی قار و صلاح الدین برای به دست گرفتن سلاح و مبارزه با تروریست های تکفیری داعش داوطلب شدند. در کنار شیعیان و اهل تسنن عشایر و قبایل عراقی نیز نقش بسزایی را در مبارزه با تروریست های داعش به دنبال صدور فتوای جهاد کفایی ایفا کردند. شمار داوطلبان مردمی مبارزه با داعش در عراق تا جایی گسترش یافت که کمیته های نام نویسی از این افراد، روند نام نویسی را برای مدتی موقت متوقف کردند.

فتوای جهاد کفایی موجب شد تا نیروهای بسیج مردمی در عراق شکل گرفته و این نیروها دوشادوش نظامیان ارتش با تروریست های داعش بجنگند. پس از ورود نیروهای مردمی عراق به صحنه نبرد با داعش، پیشروی های ارتش در مبارزه با این گروه تروریستی تسریع شد. سيطرة بر منطقه استراتژیک «جرف الصخر» واقع در شرق استان دیالی و پاکسازی شهر تکریت، زادگاه دیکتاتور سابق عراق از لو ت داعش از جمله مهم ترین دستاوردهای نیروهای مردمی در همکاری با ارتش به شمار می رود. پیش از ورود نیروهای مردمی عراق به میدان نبرد با داعش، این گروه تروریستی کنترل بسیاری از میدان های نفتی مهم عراق را در دست داشت، اما اکنون تسلط آنها بر این میدان ها به شدت محدود شده است.

به گفته بسیاری از مقامات عالیرتبه دولت عراق فتوای جهاد کفایی مرجعیت عالی دینی در این کشور طی سال گذشته میلادی نقش بسزایی در جلوگیری از تجزیه عراق داشت.

یک سال قبل درست در چنین روزهایی آیت الله سیستانی، مرجعیت عالی دینی عراق با صدور فتوای کفایی خواستار مشارکت آن دسته از جوانان عراقی که قادر به حمل سلاح هستند در میدان نبرد علیه داعش شد. فتوای آیت الله سیستانی پس از سقوط شهر موصل واقع در استان نینوا به دست داعش صادر و توسط «شیخ عبدالمهدی الکر بلائی» نماینده ایشان در نماز جمعه اعلام شد. شیخ عبدالمهدی الکر بلائی در بیان علل صدور این فتوا توسط آیت الله سیستانی پس از نماز جمعه سال گذشته در کربلا گفت: اوضاع کنونی عراق بسیار خطرناک بوده و مسؤولیت شرعی و ملی بزرگی در برهه کنونی بر عهده ما قرار دارد. ملت و کشور عراق با چالش و خطر بزرگی مواجه هستند به گونه ای که تروریست ها تنها به هدف قرار دادن استان های نینوا و صلاح الدین بسنده نکرده بلکه همه استان ها به ویژه بغداد، کربلا و نجف اشرف را در تیررس قرار داده اند. وی همچنین ادامه داد: بر شهروندانی که توانایی حمل سلاح و مبارزه با تروریست ها را دارند، واجب کفایی است به دفاع از کشور، ملت و مقدسات پرداخته و به نیروهای امنیتی بیونند.

پس از صدور این فتوای «تاریخی» توسط آیت الله سیستانی، موجی از ترس و وحشت در صفوف تروریست های داعش رخنه کرد. تکفیریهای داعش با انتشار مطالبی در صفحات منسوب به خود در شبکه های اجتماعی از نگرانی خود در قبال این فتوا پرده برداشتند. در همین رابطه یکی از تکفیریهای عضو داعش به نام «بو قواده المغربي» در صفحه منسوب به خود در توئیتر نوشت: شیعیان عراق از مرگ نمی



- گفتگو با عضو حزب جمهوریخواه خلق ترکیه
- گفتگو با رابرت هانتر سفیر سابق آمریکا در ناتو
- همه پرسى جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا؛  
تهدید یا فرصت

اروپا

دبیر: عبدالحمید بیاتی



عضو حزب جمهوریخواه خلق:

## خواهان بازنگری در سیاست منطقه‌ای اردوغان هستیم/احتمال ائتلاف

گفتگو: پیمان یزدانی

عضو حزب جمهوریخواه خلق ترکیه و نماینده این حزب در پارلمان ترکیه معتقد است به توافق رسیدن حزب متبوعش با احزاب «حرکت ملی» و «دموکراتیک خلق‌ها» نسبت به حزب عدالت و توسعه سهیل الوصول تر است. انتخابات پارلمانی ترکیه در حالی به پایان رسید که حزب حاکم عدالت و توسعه در اندیشه تغییر نظام سیاسی این کشور نه تنها آرای لازم برای این امر را به دست نیاورد بلکه اکثریت مطلق برای تشکیل دولت مستقل و غیر ائتلافی را نیز کسب نکرد. نتایج آراء شمارش شده نشان داد که حزب حاکم عدالت و توسعه توانست ۵۰.۸ درصد، حزب جمهوریخواه خلق ۲۵ درصد، حزب حرکت ملی ۱۶.۴ درصد و حزب دموکراتیک خلق‌ها ۱۳.۱ درصد آرای شمارش شده را به خود اختصاص دهند. در همین حال ۴.۶ درصد آرا نیز به احزاب و نامزدهای دیگر تعلق یافت. یکی از احزابی که بحث ائتلاف با آن سوی حزب عدالت و توسعه مطرح شد حزب جمهوریخواه خلق ترکیه است. خبرهایی مبنی بر رایزنی حزب عدالت و توسعه با این حزب برای تشکیل دولت ائتلافی منتشر شده است. با اینکه دبیر کل این حزب اعلام کرده بود با حزب عدالت و توسعه ائتلاف نخواهد کرد ولی روندها نشان از آن دارد این حزب وارد رایزنی برای تشکیل دولت ائتلافی شده است. آنچه در ادامه می‌آید گفتگو با «عثمان فاروق لوغ اوغلو» نماینده حزب مخالف جمهوری خلق در پارلمان ترکیه و منتقد سیاست‌های حزب حاکم و دولت این کشور است.



### مذاکره می‌کنید؟

به اعتقاد من برای تمامی احزاب سیاسی زود است که درباره شریک احتمالی خود در دولت ائتلافی آینده درباره موضوعاتی مذاکره کنند.

**|| اگر حزب شما وارد دولت ائتلافی شود سیاست هایش در قبال سوریه و عراق چه خواهد بود؟ آیا اساساً با سیاست خارجی منطقه ای فعلی آقای اردوغان همراهی خواهد کرد؟**

سیاست ما کاملاً برعکس خواهد بود. در صورت پیوستن به دولت حزب جمهوریخواه خلق درخواست بازنگری کامل سیاست خارجی جاری حزب عدالت و توسعه را خواهد داشت به ویژه درباره رویکردهایش در موضوعات منطقه ای، در راس لیست درخواست

های ما تغییر سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه، عراق، مصر، لیبی و یمن خواهد بود. حزب جمهوریخواه خلق خواستار راهکارهای مسالمت آمیز برای درگیری‌های منطقه است و همچنین عدم مداخله در امور همسایگان است و از دیگر قدرت‌های منطقه هم همین درخواست را داریم. از ایران و مصر برای امنیت، ثبات و آسایش خاورمیانه درخواست همکاری خواهیم کرد.

**|| حزب جمهوریخواه خلق خواستار چه وزاتخانه‌هایی در دولت ائتلافی است؟**

برای پاسخ به این سوال باید منتظر بمانیم و ببینیم در هفته‌های آینده چه تماس‌ها و ارتباط‌هایی برای ایجاد دولت ائتلافی صورت خواهند گرفت.

احتمال این ائتلاف را رد نکرده است اما به نظر می‌رسد که به توافق رسیدن با دو حزب کوچکتر دیگر یعنی حزب حرکت ملی و حزب دموکراتیک خلق‌ها نسبت به حزب عدالت و توسعه سهیل الوصول تر است. طرفداران و حامیان حزب جمهوریخواه خلق اگر این حزب به ائتلافی به رهبری حزب عدالت و توسعه بپیوندند ناراحت و نارضاضی خواهند شد.

**|| درباره چه موضوعاتی در حال حاضر برای ایجاد دولت ائتلافی**

**|| گفته می‌شود که حزب جمهوریخواه خلق در حال مذاکره با حزب حاکم عدالت و توسعه برای تشکیل دولت ائتلافی است. آیا شما این مسئله را تایید می‌کنید؟** اگر بگوییم که حزب جمهوریخواه خلق در حال مذاکره با حزب عدالت و توسعه برای ایجاد دولت ائتلافی است این سخن حرفی ناپخته خواهد بود. ائتلاف این دو حزب یکی از فرمول‌ها است اما نه محتمل‌ترین فرمول. رئیس حزب آقای قلیچداراوغلو

### اشپیگل گزارش داد؛

## فرب کار آمریکا در قبال اروپا/گسترش همکاری با مسکو به رغم تحریم

در حالیکه تجار اروپایی سهم زیادی را از عایدات مالی و بازارهای روسیه را به خاطر تحریم‌های ضد روسی از دست داده‌اند، آمریکا در حفا روابط تجاری خود با روسیه را گسترش داده است.

در حالیکه تجار اروپایی سهم زیادی را از عایدات مالی و بازارهای روسیه را به خاطر تحریم‌های ضد روسی از دست داده‌اند، آمریکا در حفا روابط تجاری خود با روسیه را گسترش داده است.

هفته‌نامه اشپیگل چاپ آلمان در مطلبی با عنوان «اروپا در وضعیت هشدار» نوشت: اروپا خود را در معرض خطر می‌بیند. شرکت‌های تجاری و تجار اروپایی بر اساس تحریم‌های اعمال شده اتحادیه اروپا و تحت فشار آمریکا دائماً سهم قابل توجهی از منافع مالی در همکاری‌های اقتصادی با روسیه را از دست می‌دهند.

اما به نظر می‌رسد آمریکا با استفاده از خلاء به وجود آمده و در غیاب فعالان اقتصادی اروپایی، به دنبال افزایش روابط تجاری با روسیه است. این هفته‌نامه حجم معاملات میان اتحادیه اروپا و روسیه را در دو ماه اول سال ۲۰۱۵ دارای ۱۰٪ کاهش بیان کرده و در ادامه گفت که آمارهای منتشره روسیه به وضوح نشان می‌دهد که میزان تجارت میان آمریکا و روسیه در مدت مشابه از رشد ۶٪ برخوردار بوده است.

در ادامه این گزارش آمده است: تنها در هفته گذشته شرکت آمریکایی «پیل هلیکوپتر» توافق نامه ای را با شرکت صنعت هوانوردی روسیه به امضاء رساند که بر اساس آن مونتاژ آخرین مدل تغییر یافته بالگرد «پیل ۴۰۷ جی ایکس پی» توسط این شرکت روسی انجام خواهد شد.

اهمیت این تفاهم آنجا بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم اولاً شرکت آمریکایی پیل برای اولین بار است که مونتاژ بالگردهای خود را به یک کشور خارجی واگذار کرده است و ثانیاً شرکت روسی مذکور در فهرست شرکت‌ها و بازرگانی قرار دارد که توسط اتحادیه اروپا مورد تحریم قرار گرفته است.

این هفته‌نامه برای اثبات دلایل خود در این خصوص با محکومیت اقدام «شرکت بوئینگ» می‌افزاید: شرکت بوئینگ هم از تحریم‌های اعمال شده اروپا علیه روسیه

هیچ آسیبی را تجربه نکرده و به سرمایه‌گذاری مشترک خود با روسیه بر اساس توافق ماه آوریل ادامه می‌دهد. این در حالیست که شرکت «زیمنس» آلمان در راستای تحریم‌های ضد روسی قرارداد ۲ میلیارد دلاری ارسال قطارهای پیشرفته و ساخت خطوط ریلی قطارهای پرسرعت از مسکو به شهر کازان را از دست داد؛ قراردادی که چین به جای آلمان برنده آن شد.

اشپیگل به نقل از «فرنک شف» رئیس انجمن تجارت و کسب و کار اروپا در مسکو نوشت: آمریکایی‌ها برای اعمال تحریم‌های شدید علیه روسیه به اروپا فشار آوردند، ولی بهتر است بدانیم که مخفیانه مبادلات تجاری خود را با روسیه افزایش دادند.





گزارش /

## نگاهی به ساختار بیلدربرگ؛ مدعوین و محور مذاکرات کنفرانس ۲۰۱۵

اجلاس سالیانه بیلدربرگ در سکوت رسانه ای و با حضور شخصت های اقتصادی، سیاسی و چهره های دانشگاهی در اقامتگاه کوهستانی اتریش به کار خود پایان داد. کنفرانس بیلدربرگ هر سال شماری از پرنفوذترین افراد را از اروپا و آمریکای شمالی گرد هم می آورد تا درباره مهم ترین مشکلات جهان با یکدیگر گفتگو کنند. این نشست ها غیررسمی است و میهمانان سوگند یاد می کنند تا مباحث سری باقی بماند. خبرنگاران اجازه ورود و حضور در این کنفرانس را ندارند و در پایان آن نیز بیانیه ای صادر نمی شود. پایگاه اینترنتی کنفرانس بیلدربرگ هدف اصلی آن را اینگونه بیان می کند: رشد و تقویت گفتگو و مباحثه. بر این اساس هیچ نتیجه مورد نظری وجود ندارد و هیچ بیانیه ای و قطعنامه ای در پایان صادر نخواهد شد و پیشنهادی به رای گذاشته نخواهد شد. کنفرانس بیلدربرگ نخستین بار در سال ۱۹۵۴ و برای بررسی مسائل عاجل و بغرنج که روابط بین اروپا و آمریکا را از خود متاثر می کرد، تشکیل شد. علت محرمانه بودن این کنفرانس آن است که شرکت کنندگان اطمینان داشته باشند می توانند آزادانه سخن بگویند و نگران انتشار اظهاراتشان در رسانه ها نباشند. اما در عین حال محرمانه بودن باعث شده تا نظریات تئوری توطئه زمینه ای برای رشد داشته باشند و این گروه را متهم به برنامه ریزی برای سلطه بر جهان کنند. همچنین این کنفرانس معمولاً با تظاهرات ضد سرمایه داری روبه رو می شود. امسال شصت و سومین کنفرانس بیلدربرگ طی روزهای یازدهم تا چهاردهم ژوئن در شهر «تلفس بوخن» واقع در ایالت تیrol

اتریش برگزار می شود. بنا بر اعلام رسانه ها افراد سرشناس و مقامات حاضر در کنفرانس بیلدربرگ ۲۰۱۵ موضوعات فراوانی برای گفتگو با هم دارند که از جمله آنها می توان به حملات سایبری، یونان، ایران، روسیه، تروریسم، انتخابات آمریکا و انگلیس و آینده اروپا اشاره کرد. بنا بر اعلام پایگاه اینترنتی بیلدربرگ موضوعاتی که رسماً به عنوان محور گفتگوهای کنفرانس امسال معرفی شده عبارتند از: - هوش مصنوعی؛ امنیت سایبری؛ تهدید سلاح های شیمیایی؛ مباحث اقتصادی جاری؛ راهبرد اروپایی؛ جهانی سازی؛ یونان؛ ایران؛ خاور میانه؛ ناتو؛ روسیه؛ تروریسم؛ انگلیس؛ آمریکا و انتخابات آمریکا. اگرچه قرار داشتن در فهرست میهمانان این کنفرانس برای یک مرتبه به معنای دعوت مجدد از فرد نیست اما برای کنفرانس امسال ۱۴۰ نفر از ۲۲ کشور جهان دعوت شده اند. هیچ قانونی برای درخواست حضور نیست و همین طور نمی توان برای حضور در این کنفرانس بلیط خریداری کرد. دعوتنامه ها از طریق یک کمیته فرمان به ریاست «هنری دی کاستریس» مدیرعامل گروه AXA ارسال می شود. از جمله افراد بازرگان، تاجر و ثروتمند دعوت شده به کنفرانس امسال می توان به اریک اشمیت مدیرعامل شرکت گوگل؛ بن ون بورن مدیرعامل شرکت نفتی رویال داچ شل؛ جو کایسر مدیرعامل شرکت زیمنس، دیوید مک کی رییس بانک سلطنتی کانادا، توماس اندرز

مدیرعامل شرکت ایرباس و پیتر تیل میلیاردر و طرفدار مشهور سرمایه داری اشاره کرد. از جمله سیاستمداران حاضر نیز می توان به «یرون رنه ویکتور آنتون دایسیل بلوم» سیاستمدار هلندی که ریاست او بر دیدارهای منطقه یورو وی را به مرکز توجهات درباره بحران یونان تبدیل کرده بود. همچنین جرج آزبورن وزیر خزانه داری انگلیس، مارک روتنه نخست وزیر هلند و هاینتز فیشر رئیس جمهوری اتریش از دیگر مقامات سیاسی حاضر هستند.

از دیگر سیاستمداران می توان به توماس آهنرن کیل رئیس سرویس امنیتی دانمارک، جان آلن فرستاده ویژه رئیس جمهوری آمریکا

**علت محرمانه بودن این کنفرانس آن است که شرکت کنندگان اطمینان داشته باشند می توانند آزادانه سخن بگویند و نگران انتشار اظهاراتشان در رسانه ها نباشند. اما در عین حال محرمانه بودن باعث شده تا نظریات تئوری توطئه زمینه ای برای رشد داشته باشند و این گروه را متهم به برنامه ریزی برای سلطه بر جهان کنند**

در ائتلاف ضد داعش، خوزه مانوئل باروسو کمیسیار اتحادیه اروپا و رئیس سابق آن، ویلیام برنز معاون سابق وزیر خارجه آمریکا و رئیس کنونی بنیاد کارنگی برای صلح بین المللی، توماس دانیلون مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، پرنسس بئاتریس از هلند، ریچارد پل از موسسه آمریکایی اینترنت رابرتس، دیوید پترائوس رئیس سابق سازمان سیا، رابرت روبین وزیر سابق خزانه داری آمریکا، کریم سجاده پور عضو بنیاد کارنگی برای صلح بین المللی، جان ساووز رئیس سابق MI۶ اشاره کرد.

این در حالی است که علیرغم عدم حضور رسانه ها در کنفرانس های بیلدربرگ، «زنی میتون بدونس» سردبیر مجله اکونومیست و «جان میکل ویت» سردبیر بلومبرگ از جمله افرادی هستند که اجازه دارند در این کنفرانس حاضر باشند. فهرست کامل شرکت کنندگان در کنفرانس بیلدربرگ را می توانید در اینجا مشاهده کنید.

«ویلی کلاس» دبیرکل اسبق ناتو و از اعضای بیلدربرگ، سال ۲۰۱۰ درباره این نشست گفت: حاضران در بیلدربرگ، دستور می گیرند تصمیمات سیاسی و اقتصادی را که در این نشست مخفی گرفته می شود، اجرایی کنند. شرکت کنندگان در این گردهمایی معمولاً ۱۰ دقیقه فرصت سخنرانی دارند و سپس خلاصه ای از موضوعات بحث شده را دریافت می کنند تا در حوزه های سیاسی و اقتصادی تحت فعالیت خود از آن ها استفاده کنند. هر چند محل برگزاری، فهرست شرکت کنندگان موضوعات کنفرانس رسماً منتشر می شود، اما مفاد نشست ها کاملاً محرمانه است به طوری که بارها خبرنگارانی که تلاش کرده اند از بحث های جلسات آگاهی یابند، بازداشت شده اند.



حد زیادی به عملکرد این کشور بستگی دارد و مسلماً شامل عملکرد ایران در رابطه با حزب الله و با اسرائیل نیز می‌شود.

### برخی کشورها مخالف هرگونه تغییر در روابط ایران و آمریکا هستند

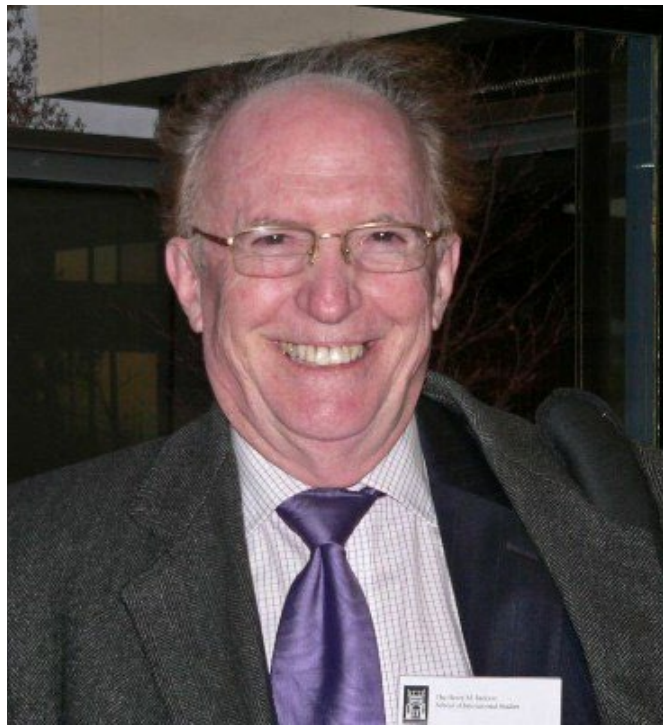
عضو کاخ سفید در دوره ریاست جمهوری «لیندون جانسون» با اشاره به اینکه برخی کشورها مخالف هرگونه تغییر در روابط بین ایران و آمریکا هستند تأکید کرد: اما قطعاً منافع دو کشور در برخی از حوزه‌ها با یکدیگر سازگار است که از آن جمله می‌توان به افغانستان، تسهیل تجارت در خلیج فارس و تنگه هرمز، مقابله با داعش و شاید هم تلاش برای برقراری ثبات در عراق اشاره کرد.

«رابرت ادواردز هانتتر» عضو ارشد مرکز «روابط ترانس آتلانتیک» در دانشگاه «جانز هاپکینز» است، وی در کارنامه خود سوابقی چون مدیریت مرکز «مطالعات استراتژیک ترانس آتلانتیک» در دانشگاه دفاع ملی آمریکا و سمت مشاور ارشد اندیشکده «رند» را دارد. وی در زمان ریاست جمهوری «جیمی کارتر» بین سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ میلادی مدیریت امور اروپایی غربی و سپس در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ میلادی مدیریت امور خاورمیانه در شورای امنیت ملی را بر عهده گرفت.

هانتتر در دولت «بیل کلینتون» و بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ میلادی، نماینده و سفیر ویژه آمریکا در ناتو (پیمان آتلانتیک شمالی) بود. از وی در این دوره به عنوان معمار و مذاکره کننده اصلی «ناتوی جدید» در دوره پس از جنگ سرد یاد می‌شود. وی در زمان «لیندون جانسون» به عنوان ۲۶ امین رئیس جمهور آمریکا از کارشناسان کاخ سفید بود. وی از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۳ در سمت‌های مختلف از جمله مشاور ویژه رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در امور لبنان و مشاور ارشد کمیسیون ملی دو حزبی آمریکای مرکزی (کمیسیون کیسینجر) فعالیت می‌کرد.

از سمت‌ها و مسئولیت‌های دیگر وی در دوره‌های مختلف می‌توان به این موارد اشاره کرد: مشاور سیاست خارجی سناتور ادوارد ام. کندی (از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷)، محقق ارشد شورای توسعه خارجی (از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳)، محقق مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژی (IIS) از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۹.

مشاور سیاست داخلی و خارجی هیوبرت هامفری (Hubert Humphrey) معاون رئیس جمهور، فعالیت در بخش‌های گوناگون کاخ سفید از جمله بهداشت، آموزش و تحصیل، رفاه اجتماعی و کار در زمان ریاست جمهوری جانسون (۱۹۶۴ و ۱۹۶۵) و پروژه پولاریس (Polaris) نیروی دریایی، عضو هیأت سیاست دفاعی «ویلیام کوهن» و زیر دفاع بیل کلینتون (رئیس جمهور سابق آمریکا)، معاون انجمن پیمان آتلانتیک (از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱)، محقق مرکز علوم و امور بین‌الملل بلفر در دانشگاه هاروارد، عضو شورای روابط خارجی و عضو انجمن کنترل تسلیحات و انجمن علوم سیاسی آمریکا.



گفتگو: جواد حیران نیا-مریم خرمایی

### سفیر پیشین آمریکا در ناتو:

## اوکراین هرگز عضوی از ناتو نخواهد بود/ ایران و ۱+۵ قادر به توافقند

کند، پس چطور ممکن است که این سیاست خارجی از کشورهایی با سیستم‌های سیاسی بسته دفاع کند؟ هانتتر در این خصوص با مرتبط کردن موضوع ایران با سنخ نظام سیاسی بسته این کشورها گفت: اگر ما در پی حصول توافق هسته‌ای با ایران یقین حاصل کنیم که این کشور تهدیدی برای اعراب خلیج فارس محسوب نمی‌شود، می‌توانیم از آن پس تأکید بیشتری بر روی ضرورت مدرنیزه کردن سیستم‌های سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس داشته باشیم. همه این کشورها در جهت تأمین منافع آتی مردمشان نیازمند این تغییر هستند.

### ایران و ۱+۵ قادر به توافق جامع هسته‌ای هستند

طراح دکترین کارتر در خلیج فارس در ادامه این گفتگو در خصوص این موضوع که آیا ایران و کشورهای ۱+۵ قادر به دستیابی به یک توافق جامع هسته‌ای خواهند بود گفت: پاسخ به این سوال شما مثبت است.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا پس از حصول توافق احتمالی، سیاست آمریکا نسبت به منطقه خلیج فارس تغییر خواهد کرد نیز تصریح کرد: در این خصوص باید بگویم که امکانات جدیدی برای برقراری رابطه با ایران وجود خواهد داشت که تا

به عضویت ناتو دربیاید، آیا روسیه به دنبال بلوک بندی‌های جدید خواهد رفت و با سازمان همکاری‌های شانگهای را به ماهده امنیت جمعی ترغیب خواهد کرد نیز تصریح کرد: پاسخ همان است که پیشتر گفتیم اما روسیه ممکن است به هر حال به دنبال تشکیل یک بلوک جدید بین‌المللی باشد.

مشاور سیاست خارجی سناتور ادوارد ام. کندی در خصوص این موضوع که چرا آمریکا در کمپ دیوید حاضر به امضای پیمان دفاع جمعی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نشد تصریح کرد: ایالات متحده آمریکا آماده تضمین امنیت کشورهای عرب خلیج فارس در سطح ناتو نیست و کنگره هم چنین موضوعی را نمی‌پذیرد. البته آمریکا برای حمایت از امنیت این کشورها تلاش خواهد کرد اما نه تحت عنوان یک قرارداد الزام‌آور.

### کشورهای حاشیه خلیج فارس نیازمند اصلاحات سیاسی هستند

در داخل آمریکا و حتی در برخی دیگر از کشورها انتقادهایی به دلیل حمایت آمریکا از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد. برخی معتقدند که اگر سیاست خارجی آمریکا در ادامه سیاست داخلی این کشور است و چنانچه سیاست داخلی از ارزش‌های لیبرال پیروی می‌

دکتر «رابرت هانتتر» مشاور پیشین معاون رئیس جمهور آمریکا با اشاره به اینکه اوکراین هرگز عضوی از ناتو نخواهد بود گفت: کشورهای حاشیه خلیج فارس نیازمند اصلاحات سیاسی هستند.

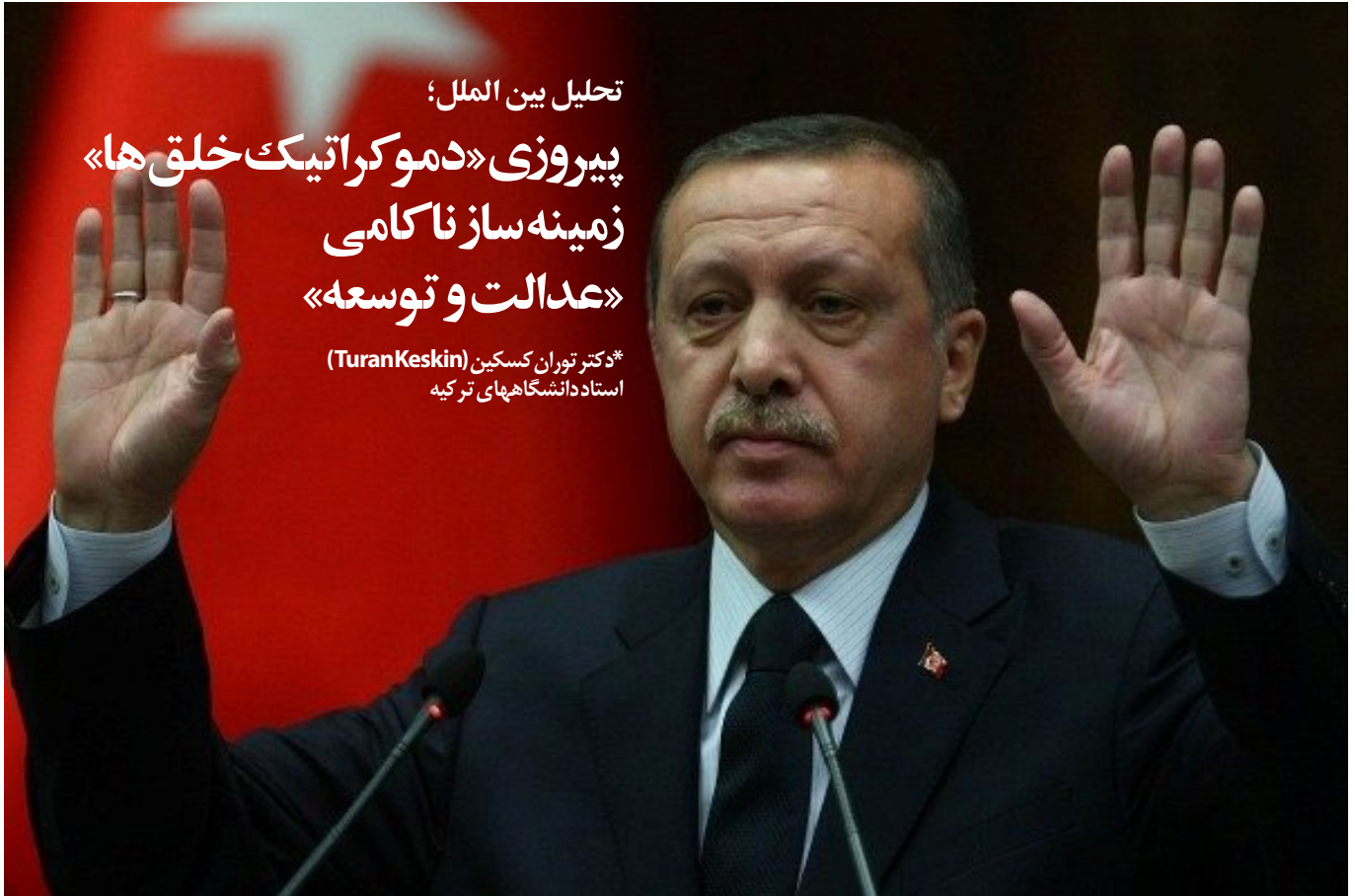
پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که در سال ۱۹۴۹ و به منظور ایجاد سپر دفاعی در برابر اتحاد جماهیر شوروی از سوی آمریکا و کشورهای متحد اروپایی آن کشور تشکیل شد، در تمامی دوران جنگ سرد با اتحادیه نظامی رقیب خود - پیمان ورشو - در حالت رویارویی قرار داشت، هر چند که این رویارویی هیچ‌گاه به برخورد نظامی منتهی نشد. با این حال، از همان نخستین روزهای پس از فروپاشی شوروی و انحلال پیمان ورشو، ضرورت ابقای ناتو مورد بحث محافل سیاسی-نظامی و آکادمیک قرار گرفت. انتظار همگان این بود که با از میان رفتن دلایل وجودی ناتو به فعالیت این سازمان نظامی نیز خاتمه داده شود، اما تحولات بعدی در دهه ۱۹۹۰، به ویژه درگیری‌های بالکان موجب شد که نه تنها این پیمان کماکان به حیات خود ادامه دهد، بلکه در سال ۱۹۹۹ با الحاق سه کشور چک، مجارستان و لهستان گسترش نیز پیدا کند و متعاقب آن در یک حرکت دیگر در خصوص گسترش به سمت شرق در سال ۲۰۰۴ هفت کشور بلغارستان، استونی، لتونی، لیتوانی، رومانی، اسلواکی و اسلونی را به عضویت خود بپذیرد.

گسترش ناتو به سمت شرق و ارائه تعریف جدیدی از وظایف و برنامه‌های این پیمان واکنش شدید روسیه را برانگیخت، اما وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر و همسویی روسیه با آمریکا در مبارزه با تروریسم بین‌الملل، روسیه را به همکاری با پیمان ناتو در چارچوب «شورای روسیه و ناتو» سوق داد. به این ترتیب، فعالیت‌های ناتو در حوزه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز تسهیل شد. تحول مهم‌تر در این رابطه، گسترش فعالیت‌های ناتو در افغانستان و پذیرش فرماندهی نیروهای سازمان ملل متحد «ایساف» در سال ۲۰۰۳ در آن کشور بود. در واقع، این اقدام نخستین فعالیت ناتو در منطقه‌ای خارج از حوزه سنتی این پیمان در اروپا به شمار می‌رفت.

متعاقب بحران اوکراین روابط روسیه و ناتو رو به تیرگی گذاشت. متعاقب این بحران دولت اوکراین بارها از تمایل کشورش برای ورود به این پیمان دفاع مشترک نظامی سخن گفته است؛ موضوعی که با واکنش‌های تند روسیه همراه بوده است. «رابرتز ادواردز هانتتر» که در دولت «بیل کلینتون» و بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ میلادی، نماینده و سفیر ویژه آمریکا در ناتو (پیمان آتلانتیک شمالی) بود در خصوص این موضوع که آیا اوکراین به ناتو خواهد پیوست گفت: اوکراین هرگز عضوی از ناتو نخواهد بود و لذا جایی برای طرح این پرسش باقی نمی‌ماند.

### ایالات متحده آمریکا آماده تضمین امنیت کشورهای عرب خلیج فارس در سطح ناتو نیست

وی در خصوص این موضوع که اگر اوکراین



## تحلیل بین الملل؛ پیروزی «دموکراتیک خلق‌ها» زمینه ساز ناکامی «عدالت و توسعه»

\*دکتر توران کسکین (Turan Keskin)  
استاد دانشگاههای ترکیه

برخاسته بودند خلع سلاح شده و در فضایی توأم با صلح، فرصت یک مبارزه سیاسی را به دست آوردند. اما، چه بسا که این فرآیند با حمله گروهکهای وابسته به داعش به مناطق کرد نشین شمال سوریه، اعتبار خود را از دست داد. کلیپ‌های ویدئویی که اخیراً منتشر و مستند سازی شده است، حاکی از آن است که حزب حاکم عدالت و توسعه به طور علنی از گروههای توریستی فعال در سوریه حمایت‌های تسلیحاتی می‌کند. خصوصاً در گریهایی که در شهر کوبانی به وقوع پیوست به جمعیت کرد ساکن ترکیه آسیبهایی را نیز وارد کرد. اردوغان طی سخنرانی خود در یکی از شهرهای نزدیک مرز سوریه جمله «کوبانی سقوط خواهد کرد» را به زبان آورده بود، که این بیان کردها را به شدت متأثر کرد. در تظاهراتی که همزمان با حمله گروهکهای داعشی به کوبانی برگزار شد، ۵۰ نفر از شهروندان این کشور جان خود را از دست دادند. در واقع سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در سوریه، بر روی مذاکرات خود با کردهای ترکیه تأثیرات منفی داشت.

**گفتار حزب دموکراتیک خلق‌ها و پیروزی ضعف**  
چارچوب اصلی حزب دموکراتیک خلق‌ها از مخالفان سازمان یافته کرد و همچنین از اجتماع بسیاری از گروههای مخالف برخاسته از اقشار مختلف جامعه تشکیل شده است. حزب دموکراتیک خلق‌ها که در انتخابات

رهبر حزب حاکم عدالت و توسعه که حتی افراد خانواده اش نیز در لیست مظنونان قرار داشتند، با مداخله مستقیم در کار دادستان‌ها و قضات موضوع را برطرف کرد. علاوه بر آنچه گفته شد، ماجرای انتقال منابع ملی به افراد دولتی و شرکتی وابسته به حکومت نیز افشا شد. رأی دهندگان حزب عدالت و توسعه و همچنین قشر مهمی از مردم به دلیل سرپوش گذاشتن بر این فسادها و نادیده گرفته شدن بی قانونی‌های موجود بشدت احساس ناراحتی می‌کردند. پس از انتخابات سال ۲۰۱۴ میلادی رجب طیب اردوغان به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. اما وی تا انتخابات ۷ ژوئن همانند یکی از اعضای حزب قدیمی خود رفتار کرده و به طور علنی از رأی دهندگان برای تغییر قانون اساسی و ایجاد یک نظام سیاسی آمریکایی ۴۰۰ نماینده را مطالبه نمود.

حزب عدالت و توسعه در حکومت ۱۳ ساله خود تحولات اقتصادی و اجتماعی مهمی را در ترکیه ایجاد کرد. برای مثال «فرآیند صلح» که در سال ۲۰۰۹ به طور رسمی اعلام و با عناوینی متعددی از آن یاد شد، یکی از برگهای برنده این انتخابات به شمار می‌رود. طبق این فرآیند دولت از راههای قانونی به وسیله دیدار کردن با سران پ.ک.ک و همچنین عبدالله اوچالان رهبر این گروه که در جزیره ايمرالی زندانی است، به زمینه‌های درگیری و نزاع در کشور پایان داد. بدین ترتیب کردها که در ۳۰ سال اخیر به صورت مسلحانه به مبارزه

خلق‌ها توانستند، از سد انتخاباتی حذنباص ۱۰ درصد آراء که قانونی ضد دموکراسی و به جای مانده از یک کودتای نظامی است، عبور کند. این موفقیت حتی بیش از انتظار حزب دموکراتیک خلق‌ها بود، زیرا که این حزب توانست در پارلمان ترکیه صاحب ۸۰ نماینده شود.

احزاب مخالف در ترکیه انتخابات سراسری ۷ ژوئن را به عنوان نقطه آغاز افول حزب عدالت و توسعه تلقی می‌کنند. در اصل، نقطه آغاز این زوال را می‌توان با حوادث «پارک گزی» در سال ۲۰۱۳ مرتبط دانست. در سال ۲۰۱۳ میلادی میلیونها نفر از مردم ترکیه در اعتراض به تصمیم نخست وزیر وقت رجب طیب اردوغان، مبنی بر احداث یک مرکز تجاری در پارک گزی که یکی از پررفت و آمدترین میدانی شهر استانبول است، به خیابانها ریختند. اگرچه پس از مدتی از شدت اعتراضات خیابانی کاسته شد، اما به دلیل توسل حزب عدالت و توسعه به رفتارهای خشونت آمیز پلیس، ۸ نفر جان خود را از دست داده و صدها تن دیگر نیز از شرکت کنندگان در این تظاهرات اجتماعی زخمی شدند. این برخوردهای افراطی و خشونت بار، جایگاه حزب عدالت و توسعه را در میان آنبوه مردم به شدت متزلزل کرد.

در ماه دسامبر همان سال به دلیل فساد مالی و رشوه خواری‌های موجود در مورد برخی از وزرا و نمایندگان مجلس که در حکومت سمت‌های مهمی را تصاحب کرده بودند، بازجویی‌هایی به عمل آمد. اردوغان

پیروزی حزب «دموکراتیک خلق‌ها» موجب شد حزب عدالت و توسعه که از سال ۲۰۰۲ به صورت تک حزبی حاکم ترکیه بود بزرگترین شکست تاریخی خود را در انتخابات این کشور تجربه کند. از تعداد نمایندگان لازم برای تغییر قانون اساسی هم که بگذریم، تعداد نمایندگان حزب عدالت و توسعه در پارلمان این کشور برای تشکیل یک دولت تک حزبی به حذنباص لازم نرسید. بی شک مهمترین دلیل این شکست رئیس جمهور رجب طیب اردوغان است که پس از انتخابات تا چند روز از قصر هزار توی خود که تداعی کننده داستانهای هزار و یک شب است، بیرون نیامد.

زیرا که اردوغان در آستانه انتخابات هم به قانون اساسی و همچنین به سوگند ریاست جمهوری بی اعتنائی کرد. وی به طور علنی از رأی دهندگان می‌خواست که به او رأی دهند. حتی برای این کار ضمن برگزاری میتینگهای انتخاباتی در مراسم افتتاح طرحهای عمرانی نیز شرکت می‌کرد. رجب طیب اردوغان، سعی داشت تا رسانه‌ها را تحت تأثیر لحن خشمگین خود قرار دهد. حزب عدالت و توسعه در انتخابات ۷ ژوئن نسبت به انتخابات سراسری سال ۲۰۱۱ با کاهش ۱۰ درصدی در آراء خود مواجه شد. درصدی از این آراء از دست رفته را حزب حرکت ملی و بخش قابل توجه دیگری از آراء مذکور را حزب دموکراتیک خلق‌ها که بی تردید موفق‌ترین حزب این انتخابات بود، کسب کرد. حزب دموکراتیک



## المانیور بررسی کرد:

# علل حضور نیروهای نظامی ترکیه در قطر/ پاسخ ایران چه خواهد بود



واقعا نیروی نظامی ما برای چه به قطر می‌روند؟ آیا قرار است آنها از قطر در برابر یک کشور دیگر دفاع کنند؟

آینوک آیتیک یکی دیگر از اعضای حزب جمهوریخواه با مخالفت شدیدتری این سوال را مطرح کرده‌است که «آیا کسی می‌داند که نیروهای نظامی ترکیه برای چه به قطر می‌روند؟ آنها با آمریکا پیمانی برای آموزش و تجهیز نیروهای خود دارند من می‌گویم که سربازان ما به قطر فرستاده می‌شوند تا مخالفان سوری را در قطر آموزش دهند

ماه گذشته دولت آمریکا با کشورهای ترکیه، عربستان سعودی و قطر به توافق برای آموزش و تجهیز بخشی از نیروهای به اصطلاح میانه رو از بین مخالفان بشارسد رئیس جمهوری سوریه رسید تا آنها را در ظاهر برای مقابله با داعش در این کشور آموزش دهند

با این حال کمیته روابط خارجی پارلمان ترکیه در بیانیه‌ای اعلام کرد که هیچ‌گونه ارتباطی بین آموزش و تجهیز نیروهای مخالف سوری که درباره آنها با آمریکا توافق شده و توافقنامه ای که بین آنکارا و دوحه امضا شده وجود ندارد. این بیانیه خاطرنشان کرده که براساس این توافقنامه نیروهای قطری نیز می‌توانند وارد خاک ترکیه شوند که این مساله می‌تواند به الگویی برای سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس برای همکاری با آنکارا تبدیل شود.

المانیور می‌نویسد قطر نگران هرگونه توافق احتمالی بین آمریکا و ایران بر سر موضوع هسته‌ای و نفوذ بیشتر تهران در منطقه به همراه نقش فزاینده تری است که چین در منطقه خاورمیانه برعهده گرفته است و از این رو بدنبال تقویت ظرفیت‌های نظامی خود است. همچنین قطر می‌تواند با اتحاد نظامی با ترکیه، از اتکای دفاعی خود به آمریکا کاسته و برای مقابله با نفوذ ایران به شرکای دیگری اتکا کند.

منابع امنیتی با این حال گفته‌اند نیروهای نظامی ترک که قرار است در قطر مستقر شوند شامل یک گروهان به همراه یگان‌های کوچکی از نیروی دریایی، مهندسی رزم و نیروهای ویژه خواهند بود.

پایگاه اینترنتی المانیور درباره حضور نیروهای نظامی ترکیه در قطر نوشته‌است بدنبال سفر ماه مارس رجب طیب اردوغان به ریاض، همکاری بین آنکارا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس افزایش یافته‌است. در جریان سفر ماه مارس رجب طیب اردوغان به ریاض، وی با ملک سلمان پادشاه جدید عربستان دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار اعلام شد که همکاری بین آنکارا و ریاض در زمینه مسائل امنیتی نیز آغاز شده‌است.

این در حالی است که همکاری‌های نظامی بین ترکیه و کشورهای عربی موضوع جدیدی نیست. این مسئله پیشتر در مناسبات ترکیه و قطر مطرح شده‌است. در جریان سفر دسامبر سال گذشته شیخ حمد بن خلیفه بن آل الثانی امیر قطر به آنکارا وی بدنبال راه‌هایی برای تقویت همکاری‌های نظامی و امنیتی با ترکیه بود. رویکردی که در جریان بازدید اردوغان از قطر در ماه مارس سال جاری ادامه یافت. بدنبال این مذاکرات، توافقنامه همکاری‌های امنیتی بین ترکیه و قطر با سرعتی غیرمعمول ابتدا در تاریخ ۲۲ مارس در پارلمان و سپس در روز ۲۷ مارس توسط اردوغان تأیید شد و از روز ۲۸ مارس با انتشار در روزنامه قانونی کشور اجرایی شد. در حالی که از ۱۹ اگوست سال ۱۹۱۵ ترکیه هیچ‌گونه حضور نظامی در کشورهای خلیج فارس نداشت، توافقنامه جدید بین ترکیه و قطر بر تبادل اطلاعات و همکاری‌های نظامی به همراه استقرار نیروهای نظامی در خاک دو کشور تأکید می‌کند.

المانیور می‌نویسد در جریان تصویب این توافقنامه در پارلمان ترکیه، مخالفان حزب حاکم عدالت و توسعه از جمله اعضای حزب جمهوریخواه خلق مخالفت‌های جدی با این توافقنامه داشتند. علی‌اوردونوز از اعضای این حزب در کمیته روابط خارجی پارلمان ترکیه گفت: «آیا قطر به نیروهای ترک برای آموزش نیروهایش نیاز دارد؟ نیاز ندارد زیرا سربازان آمریکایی در پایگاه‌های نظامی این کشور در قطر مستقر هستند.

و فعال حزب دموکراتیک خلق‌ها طی مراحل انتخابات از ابزار یک سخن صرف نظر نکرد: «تورا به عنوان رئیس انتخاب نخواهیم کرد.» وقتی به نتایج انتخابات می‌نگریم مشاهده می‌کنیم که این سخن مورد پذیرش مردم نیز قرار گرفته‌است. زیرا قشر مهمی از حامیان حزب عدالت و توسعه نیز در مورد نظام سیاسی ای که اردوغان تحمیل می‌کرد، نگرش مثبتی نداشتند. مهمترین نتیجه به جاش مانده از انتخابات این است که تغییر در نظام سیاسی که مورد انتظار اردوغان بود، از میان موضوعات روز خارج شده و تا مدتی طولانی به تأخیر افتاد.

از طرفی دیگر، درگیریهایی شدید میان کردها و گروه‌های افراطی در شمال سوریه که از سال ۲۰۱۳ میلادی ادامه دارد نیز باعث شد که میزان آرای حزب دموکراتیک خلق‌ها حداقل در مناطق پرجمعیت کردنشین افزایش یابد. کردهای ساکن ترکیه به طور آشکار شاهد حمایت اردوغان و حزب حاکم عدالت و توسعه از گروه‌های افراطی به منظور تغییر دولت در سوریه بودند.

اگرچه هم‌اکنون از شدت درگیریهایی در شمال سوریه کاسته شده‌است، اما هنوز هم هر هفته جنازه دهه‌ها تن از جوانان از سوریه وارد ترکیه می‌شود. در نتیجه خشم اذهان عمومی که به دنبال وضعیت مذکور ایجاد شده بود، حزب عدالت و توسعه طی انتخابات ۷ ژوئن از نظر میزان آرای کسب شده شکست سختی را در شهرهای پرجمعیت کردنشین این کشور متحمل شد. حزب دموکراتیک خلق‌ها که در ۱۴ شهر به عنوان حزب اول بیشترین میزان آراء را به خود اختصاص داده بود، در برخی از این شهرها و استانها بیش از ۷۰ درصد آراء کسب کرد. این درحالی است که حزب عدالت و توسعه در همان شهرها و مناطق با کاهش ۲۰ درصدی آراء خود مواجه شد.

پس از آن که در انتخابات سراسری ۷ ژوئن میزان آراء حزب دموکراتیک خلق‌ها از نظرسنجی‌های به عمل آمده و تخمینهای شرکتهای تحقیقاتی فراتر رفت، حمایت و همبستگی‌های برخی از شبکه‌ها و نهادهای بین‌المللی با حزب دموکراتیک خلق‌ها آشکار شد. از طرفی دیگری نیز در نتیجه این انتخابات که تمام معادلات منطقه‌ای را برهم زده بود، از حماس در فلسطین گرفته تا حزب چپ‌گرای یونان و از نمایندگان منطقه باسک اسپانیا تا حزب پودموس این کشور پیروزی در انتخابات مذکور را به حزب دموکراتیک خلق‌ها تبریک گفتند. رویای نئوعثمانی و قدرت منطقه‌ای شدن اردوغان و حزب عدالت و توسعه، نه تنها ساهل‌هاست مردم ترکیه را از ملل دوست و متحد همسایه دور نگه داشته، بلکه در طی این مدت آنان را با مردم کشورهای همسایه نیز دشمن ساخته‌است. شکست حزب عدالت و توسعه که بخش عظیمی از رسانه‌ها، تشکیلات پلیس، سازمانهای اطلاعاتی و تقریباً همه نهادهای دولتی را در راستای اهداف خود به کار گرفته بود، برای تمامی مردم مظلوم خاورمیانه به منزله روزنه امید خواهد بود.

سراسری پیشین به سبب قانون حدنصاب ۱۰ درصد آراء فقط به وسیله نامزدهای مستقل در پارلمان این کشور اعلان موجودیت می‌کرد، در این انتخابات با قشرهای وسیع اجتماعی متحد شده و به عنوان یک حزب در انتخابات شرکت کرد. حزب دموکراتیک خلق‌ها به وسیله این کثرت‌گرایی برنامه‌ای را ترتیب داد که تمام گروه‌های اجتماعی دور رانده شده را در برمی‌گرفت. این حزب پیش از هر اقدامی ضمن تأکید بر تغییر قانون اساسی این کشور که حاصل کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ است، طرح نگارش یک قانون اساسی منطبق بر شناخت حق‌های و تعالقات و همچنین یک قانون اساسی پیرو دموکراسی و حق مساوات را در موضوع کاری خود قرار داد. حزب دموکراتیک خلق‌ها، در مقابل مرکزیت‌گرایی قدرتمند، با تأکید بر یک مرکز هماهنگ کننده و ساختارهای مدیریت محلی تقویت شده ایستادگی کرد. در چشم اندازهای این حزب، به طور مشخص اکولوژی و اقتصاد که از یک توزیع عادلانه سرچشمه می‌یافت، مورد تأکید قرار گرفت. سپس از میان گروه‌هایی که تا کنون در انتخابات نمایندگی پارلمان نادیده گرفته می‌شدند، برخی اسامی برجسته را به عنوان نامزدهای انتخاباتی معرفی کرد.

حزب دموکراتیک خلق‌ها، همچنین نمایندگانی از اقلیتهایی همچون ایزدی‌ها و آشوری‌ها که در مدیریتهای محلی اقتدار دارند را به عنوان نامزدهای انتخاباتی در لیست خود گنجانده. حزب دموکراتیک خلق‌ها دیگر از یک حزبی که پیرامون مسائل کردها فعالیت می‌کرد فراتر رفته و توجه خود را روی تمامی مسائل ترکیه معطوف کرد. حزب مذکور ضمن تبدیل شدن به حزبی که هویتی ترکی به خود گرفته‌است؛ فقیران، زنان، جوانان، ترک‌ها، کردها و قومیت‌های دیگر را که در ۱۳ سال دوره اقتدار حزب عدالت و توسعه به وضعیت نامطلوبی دچار شده بودند را در بر گرفت. علاوه بر این با به کارگیری سیستم رهبری مشترک در سطوح حزب، در کنار هر مردی که مسئولیت اداره سمت مهمی را برعهده داشت یک زن را نیز به عنوان مسئول برگزید. بدین ترتیب ضمن ایجاد فضای لازم برای مشارکت زنان در دنیای سیاست و وظایف نیز بین رؤسا و مسئولان تقسیم بندی شد.

حزب دموکراتیک خلق‌ها با شعار «اردوغان را به عنوان رئیس انتخاب نخواهیم کرد» وارد میدان رقابت انتخابات شد. زیرا در صورتی که حزب دموکراتیک خلق‌ها حدنصاب ۱۰ درصد آراء را کسب نمی‌کرد، حزب عدالت و توسعه تعداد نمایندگان لازم برای تشکیل حکومت تک حزبی و همچنین برگزاری همه پرسی در میان مردم برای تغییر قانون اساسی را می‌توانست در اختیار بگیرد.

در این وضعیت سرنوشت حزب عدالت و توسعه به کسب و یا عدم کسب آراء لازم توسط حزب دموکراتیک خلق‌ها بستگی داشت. صلاح الدین دمیرتاش رهبر جوان



لاfi که رنگ مردم سالاری به خود گرفت؛

## همه پرسی جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا؛ تهدید یا فرصت

استمرار حضور انگلیس در اتحادیه اروپا مستلزم غلبه بر بی ثباتی افکار عمومی، برقراری ارتباط سازنده بین اتحادیه و مردم این کشور و به رخ کشیدن مزایای عضویت در اروپای واحد است.

پیروزی حزب محافظه کار (توری) در انتخابات پارلمانی انگلستان گویای به حقیقت پیوستن رویای نخست وزیر این کشور «دیوید کامرون» مبنی بر به رای گذاشتن حق بریتانیا در جدایی از اتحادیه اروپا است. رویایی که هنوز نتوانسته اکثریت آراء را به خود جذب کند اما فکر تغییر آن نیز ذهن دیگر رهبران قاره سبز را به عنوان بزرگترین اقتصاد جهان آشفته می کند. اتفاق نظر کلی بر آن است که انگلیس به هیچ وجه قصد عمل به این وعده را ندارد و اصولاً فرد گرایی در مفاخرت با تامین اهداف مالی دولت لندن است. در واقع، کامرون خواهان اعمال تغییراتی است که قید و بندهای تحمیل شده از سوی اتحادیه را تا حدی سست کرده و به کشورهای عضو آزادی عمل بیشتری بدهد. اما نتیجه انتخابات پارلمانی انگلیس این حقیقت را به اثبات رساند که بی ثباتی افکار عمومی این کشور پیش بینی نتایج هر گونه رای گیری را ناممکن می سازد. از همین رو «واشنگتن پست» با انتشار مطلبی به واکاوی دلایل احتمالی کامرون برای برگزاری همه پرسی و چالش های پیش روی احزاب چپ برای ادامه عضویت در اروپای واحد می پردازد. در این گزارش آمده است:

چرایی اصرار کامرون به برگزاری رفراندوم جدایی انگلستان از اتحادیه اوپا

کامرون وعده داده که همه پرسی جدایی از اروپا را قطعاً انجام خواهد داد اما پیش از آن خواهان امتحان شانس خود برای اعمال برخی اصلاحات در قوانین اتحادیه از طریق رایزنی با دیگر رهبران اروپا است. در واقع، هنگامی که کامرون برای نخستین بار در سال ۲۰۰۵ رهبر حزب محافظه کار انگلیس شد از اعضای حزب خواست تا موضوع تکراری اتحادیه اروپا را به فراموشی بسپارند. اما، وقتی حزب محافظه کار مجدداً در سال ۲۰۱۰ به قدرت رسید بسیاری از دولتمردان انگلیسی همچنان درگیر دغدغه اتحادیه اروپا بودند.

در دو سال نخست رهبری کامرون، ۹۳ نفر یا به عبارتی ۳۰ درصد از اعضای حزب

کرده و گفت «بگذار ببینیم مردم انگلیس چه تصمیمی می گیرند».

مزایا و معایب برگزاری همه پرسی برای طرفداران ادامه حضور در اتحادیه با همه این تفاسیر، قصه همه پرسی دیوید کامرون دقیقاً همان چیز است که مخالفان وی یعنی طرفداران ادامه حضور در اتحادیه به آن نیاز دارند. شاید به همین دلیل هم هست که رهبران احزاب مخالف یک به یک از مواضع پیشین خود کوتاه آمده و طی هفته های پس از انتخابات با برگزاری رفراندوم عمومی موافقت کردند.

ناگفته نماند در همان حالی که حزب یوکیپ عقاید ضد اتحادیه خود را به خورد مردم انگلیس می داد، احزاب چپ گرا هیچ کار اساسی برای حفظ موقعیت خود نکردند و تبلیغاتشان هم از چارچوب صفحات فیس بوک فراتر نرفت. اما، احتمال تحقق وعده همه پرسی طی سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ سرانجام آنها را برای بهبود وجهه خود به تکاپو و می داد. در این میان، نیروهای طرفدار حضور در اتحادیه با سه چالش اساسی روبرو هستند:

همه پرسی بر مبنای توافقی صورت می گیرد که کامرون بعد از مذاکره با رهبران اروپا به دست می آورد. البته، وی نیز باید تمام سعی خود را به خرج دهد تا امتیازاتی را که به نقش اتحادیه اروپا در برخی از حوزه های تصمیم گیری پایان می دهد اخذ کند و حقوق شهروندی مهاجرین را هم برای تسکین دغدغه های ناسیونالیستی محافظه کاران تا حد قابل قبولی محدود نماید.

پس می توان گفت این مذاکره منجر به ارایه بسته انتخاباتی می شود که نیروهای موافق حضور در اتحادیه علیرغم میل باطنی مجبور به حمایت از آن هستند.

نیروهای طرفدار اتحادیه مجبور خواهند بود که سرنوشت مزایای پنهان و نامحسوس عضویت در اروپای واحد را به دست مردمی

محافظه کار دست کم در مقابل ۱ رای از هر ۲۹ رای اتحادیه اروپا قد علم کردند و از این تعداد نماینده ناراضی، یک پنجم ۱۰ بار یا بیشتر به مخالفت با آراء اتحادیه اروپا اقدام کردند. بسیاری از این نمایندگان خروج انگلیس از اتحادیه اروپا را خواستار هستند، ایده ای که بیش از همه با ریشه گرفتن حزب یوکیپ یا استقلال پادشاهی متحد تقویت شده است. اگرچه یوکیپ در انتخابات عمومی ماه گذشته بنا بر ساختار پارلمانی انگلیس تنها یک کرسی را از آن خود کرد، اما در حقیقت موفق به کسب ۴ میلیون رای یا به عبارتی ۱۲۶ درصد از کل آراء مأخوذه شد.

استراتژی یوکیپ بر جذب همزمان محافظه کاران ناراضی و چپ گراهای دلزده شمال انگلیس بود که از وعده های حزب کارگر به سطوح آمده بودند در این میان، مضرات اتحادیه اروپا محور تمرکز نبود بلکه نتایج ادامه عضویت انگلستان مورد تردید قرار داشت تا موضوع جنبه وطنی به خود بگیرد. در حقیقت، یوکیپ یکی از هسته های اصلی اتحادیه اروپا را هدف قرار داد که با عرق ناسیونالیستی مردم انگلیس در تضاد بود و مهاجرت از کشورهای ضعیف اتحادیه اروپا به این کشور را شامل می شد. در این میان، مشکلات جامعه امروز انگلیس نظیر دستمزد نامناسب، گرانی مسکن و کاستی های بخش خدمات عمومی نظیر بهداشت و آموزش و پرورش هم به حضور مهمان های ناخوانده نسبت داده شد.

در واقع، وعده کامرون به برگزاری همه پرسی با هدف بازگرداندن برخی از رای دهندگان دلزده به حلقه حزب محافظه کار -که در آن برهه شکننده به نظر می آمد- صورت گرفت. علاوه بر این، تکرار چنین لاف گزافی موجب تمایز وی از رهبران احزاب مخالف شد به این نحو که وی شعار خود را از قالب تمایلات شخصی خارج

بسپارند که سررشته ای از مسایل سیاسی ندارند. این موضوع با توجه به اقدامات مؤثر احزاب مخالف در به رخ کشیدن مضرات عضویت در اروپا اهمیت پیدا می کند. ناگفته نماند که بسیاری از طرفداران اتحادیه بر مزیت عضویت در یک بازار واحد تمرکز می کنند حال آنکه این موضوع برای رای دهندگان ماهیتی انتزاعی و نامحسوس دارد.

در این مقطع، شاید بهتر باشد که طرفداران اتحادیه از تجربه همه پرسی جدایی اسکاتلند درس بگیرند مبنی بر اینکه وعده تغییرات مثبت می تواند به منزله مشوقی برای رای دهندگان باشد حال آنکه پیام فعلی آنها بر محور تمديد وضعیت موجود می چرخد. از سوی دیگر، مشکلی که مزید بر علت می شود برگزیدن ادامه همکاری با اتحادیه اروپاست که فقط یک دهه قدمت دارد حال آنکه قدمت نظام پادشاهی انگلستان به سه قرن باز می گردد.

چالش دیگری که پیش روی طرفداران اتحادیه است ماهیت نامعلوم و خطرناک همه پرسی هاست. نظرسنجی های فعلی حاکی از تمایل ۵۵ درصدی مردم به باقی ماندن در اتحادیه اروپاست که این مقدار در صورت موفقیت رایزنی کامرون با دیگر رهبران اروپایی به ۶۵ درصد می رسد. اما، رویکرد مردم انگلیس به مسئله اروپایی متحد طی ۴۰ سال گذشته در نوسان کامل بوده و معمولاً در انتخابات عمومی نیز در شمار دغدغه های اصلی رای دهندگان به حساب نمی آمده است.

بنابراین بی ثباتی افکار عمومی، عدم ارتباط سازنده بین اتحادیه و مردم بریتانیا و نامحسوس بودن مزایای عضویت در اروپای واحد چالش سه جانبه ای است که طرفداران اتحادیه با آن روبرو هستند و در واقع چشم انداز حضور انگلستان در اتحادیه اروپا هم در گروی توانایی احزاب چپ گرا در حل این چالش است.





اندیشکده استراتفور بررسی کرد؛

## صف آرایی روسیه و غرب بر سر توازن قدرت در منطقه بالکان

رقابت‌های ژئوپلیتیک همواره موجب تنش در حوزه بالکان بوده است. در عین حال حضور قدرت‌های خارجی به این رقابت‌ها شکل ویژه‌ای داده که ابزار آن نفوذ اقتصادی، همکاری دفاعی و حمایت سیاسی از کشورهای منطقه است. بی‌ثباتی سیاسی منطقه بالکان چالش مشترک میان ترکیه، روسیه و غرب است. با قرار گرفتن در حوزه تلاقی سه امپراتوری تاریخی جهان، سرزمین‌هایی که مابین دو دریای مدیترانه و سیاه قرار گرفته‌اند همواره نقطه تمرکز و رقابت قدرت‌های جهانی بوده است و در حال حاضر نیز به عرصه صف آرایی غرب و روسیه در مقابل هم بدل شده است. در این میان ترکیه هم اگرچه توان هم‌نفسی با آنها را ندارد منافع مشابهی را در بالکان جستجو می‌کند. با این حال، چالش‌های منطقه‌ای و عرض اندام دولت‌های ضعیف محلی می‌تواند در جهت خنثی کردن تلاش‌های این سه کشور برای تغییر فضای سیاسی بالکان عمل کند. در این راستا اندیشکده «استراتفور» با انتشار مطلبی به تحلیل منافع هر سه کشور یاد شده در بالکان می‌پردازد و تاثیر چالش‌های منطقه‌ای بر محاسبات سیاسی آنها را به رخ می‌کشد. در ادامه به مشروح این گزارش تحلیلی می‌پردازیم:

با کشورهای واقع در این حوزه است. اما ترکیه در عین حال خواهان تحکیم پیوند با بوسنی و هرزگوین نیز هست. پیشینه قومی مهاجران بوسنیایی که در قرن ۱۷ ام میلادی به ترکیه مهاجرت کردند بهانه خوبی برای انکار است تا سرمایه‌گذاری خود را افزایش داده و به یکی از ۵ سرمایه‌گذار اصلی بوسنی تبدیل شود. درست است که ترکیه نمی‌تواند به لحاظ منابع مالی با غرب و روسیه رقابت کند، اما به عنوان دروازه‌ای برای ورود به دریای سیاه و در قالب یکی از اعضای ناتو نقش کلیدی را در بحبوحه تلاش بلغارستان و رمانی به بهبود پیمان‌های دفاعی خود از بیم عواقب ناشی از بحران اوکراین ایفا می‌کند. ساخت خط لوله ترکیه بی‌هیچ تردیدی قدرت مانور دولت آنکارا را افزایش می‌دهد تا از نقش خود برای بهبود رابطه با کشورهای مثل مقدونیه و صربستان بهره‌برداری کند. از این منبع انرژی استفاده کند.

**تاثیر آسفتگی‌های مقدونیه بر پتانسیل‌های سیاسی و اقتصادی منطقه بالکان**

حاضر چندین منبع انرژی منطقه‌ای را در اختیار داشته و وام‌های کلانی را هم به برخی دولت‌های بالکان داده است. اگرچه فشار غرب پروژه خط لوله جنوبی را متوقف کرد، پروژه خط لوله ترکیه از پشتوانه کافی برای عبور گاز روسیه از دریای سیاه و رساندن آن به مرز ترکیه و یونان برخوردار است. ناگفته نماند که علاوه بر ترکیه، چهار کشور یونان، مقدونیه، صربستان و مجارستان در مرکز توجهات دیپلماتیک روسیه قرار دارند. اگرچه نباید از نظر دور داشت که به هر حال خصومت فعلی میان غرب که منجر به اعمال تحریم بر دولت مسکو و در نتیجه چالش‌های سیاسی و مالی شده است توان مانور روسیه در منطقه بالکان را نسبتاً محدود کرده است.

### منافع ترکیه در منطقه بالکان

ترکیه نیز به نوبه خود پیوندهای فرهنگی با کشورهای حوزه بالکان دارد و منافع اقتصادی را در آنها جستجو می‌کند. اما در حال حاضر از منابع و قدرت نظامی کافی برای رقابت با روسیه و غرب برخوردار نیست. یکی از اهداف کلیدی آنکارا حفظ قدرت در دریای سیاه از طریق مدیریت ارتباط‌سازنده

تمرکز روسیه، ترکیه و در نهایت کشورهای غربی به ویژه آمریکا بر منطقه بالکان شایسته توجه بیشتری است. نگاهی به برنامه فشرده سفر مقامات کشورهای یاد شده در چهارماه نخست سال میلادی جاری از وزای امور خارجه انگلستان و آمریکا گرفته تا رئیس‌جمهور ترکیه و وزیر امور خارجه روسیه نشان می‌دهد که در محاسبات قدرت‌های جهانی، کشورهای حوزه بالکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند.

### سرمایه‌گذاری راهبردی کشورهای غربی در منطقه بالکان

غرب دو هدف اصلی را در بالکان دنبال می‌کند که شامل تضمین ثبات در بخش غربی منطقه و کاهش خطر روسیه می‌شود. برای نیل به این اهداف، آمریکا و اتحادیه اروپا در پی جنگ بوسنی و درگیری‌های کوزوو با برخورداری از حضور ناتو موفق به دخالت در مسائل داخلی کشورهای این منطقه شدند. در واقع مزیت غرب برخورداری از بودجه ایست که برای اهداف دفاعی و توسعه طلبانه اختصاص یافته و می‌تواند بین کشورهای منطقه بالکان که به شدت در پی رشد اقتصادی هستند تقسیم شود.

کشورهایی مثل مقدونیه و صربستان بعید است که بتوانند به دلیل مشکلات داخلی طی یک دهه آتی به اتحادیه اروپا بپیوندند. با این حال می‌توانند از مزایای اقتصادی که برقراری روابط نزدیک با اروپا برایشان به ارمان می‌آورد نهایت استفاده را ببرند. به عنوان مثال اتحادیه تصمیم دارد تا در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ مبلغ ۱۴ میلیارد یورو به صربستان وام بدهد و یا حاضر شده به بلغارستان به عنوان یکی از اعضای اتحادیه کمک‌های نظامی ارائه دهد به این امید که شمار نیروهای ناتو را در خطوط مرزی مشترک با روسیه افزایش دهد.

در این میان، بحران اوکراین بهانه‌ای شد برای آمریکا تا تدابیر نظامی را در امتداد مرزهای شرقی افزایش داده و بر شمار نیروهای ضربت ناتو بیافزاید. در همان حال، اوضاع اوکراین اتحادیه اروپا را به فکر تمرکز بر کوریدور جنوبی گاز طبیعی واداشت که می‌تواند وابستگی بازار انرژی اروپا به گاز روسیه را تا حد چشمگیری بکاهد. در این بین، غرب بلغارستان را تشویق به عدم مشارکت در پروژه جنوبی خطوط انتقال گاز طبیعی روسیه کرد تا آنجا که در پی انصراف بلغارستان این پروژه از ماه دسامبر گذشته بلا تکلیف رها شده است.

### پاسخ روسیه به کارشکنی‌های غرب

در قبال مشکل تراشی‌های غرب، روسیه هم از تاثیرات فرهنگی و تاریخی خود به ویژه در رابطه با کشورهای مثل یونان و صربستان بهره‌برداری تا منافع غرب را در منطقه بالکان با چالش مواجه کند. در این میان، هدف مسکو ممانعت از افزایش نیروها و ساختارهای نظامی غرب در منطقه و در عین حال حفظ قدرت خود به پیشبرد پروژه‌های راهبردی در حوزه امنیت انرژی است.

اگرچه کشورهای غربی در مجموع از منابع مالی بیشتری برای سرمایه‌گذاری در بالکان برخوردار هستند، در عوض روسیه در حال

علیرغم بذل توجه قدرت‌های خارجی به منطقه بالکان، کشورهای این حوزه اغلب به لحاظ سیاسی بی‌ثبات هستند و این امر می‌تواند منافع روسیه و غرب را به مخاطره بیندازد. به عنوان مثال، درگیری خونینار دولت مقدونیه با شبه‌نظامیان آلبانیایی تبار که در اوایل ماه میلادی گذشته منجر به زخمی شدن ۴۰ نیروی پلیس و دستگیری ۳۰ مهاجم شد و در پی آن اعتراضات گسترده مردم و گروه‌های مخالف دولت نظام سیاسی حاکم بر مقدونیه را بسیار بی‌ثبات جلو می‌دهد.

حالا دقت کنید که روسیه در پی عبور خط لوله ترکیه از کشور مقدونیه و رساندن آن به آسیای مرکزی است و شرایط فعلی تهدیدی برای پروژه محسوب می‌شود. از سویی با توجه به فشارها و تفرقه افکنی‌های غرب، کشورهای اطراف نظیر بلغارستان هم پذیرای عبور این خط انتقال گاز نخواهند بود.

به هر حال، دولت ضعیفی مثل مقدونیه نه می‌تواند یک متحد کلیدی برای آمریکا و ناتو قلمداد شود و نه یک شریک قابل اعتماد برای روسیه.

توازن قدرت در بالکان؛ دولت‌های ضعیف محلی در همراهی با قدرت‌های خارجی درگیری‌های اخیر مقدونیه بار دیگر قصه دیرینه تنش‌های قومی و خشونت‌های رایج در منطقه بالکان را بر سر زبان‌ها انداخت. آنچه که در مقدونیه اتفاق افتاد دغدغه حاکم بر تمامی منطقه است. به همین دلیل هم بود که صربستان و بلغارستان تدابیر امنیتی خود را به ویژه در مرزها افزایش دادند. بنابراین، اصلاً مهم نیست که حجم سرمایه‌گذاری قدرتهای غربی در بالکان تا چه اندازه است چراکه توفیق آنها تا حد بسیار زیادی در گرو ثبات و قدرت دولت‌های حاکم بر این منطقه است.

آسفتگی حاکم بر فضای سیاسی بالکان موجب یک تازگی قدرت‌های خارجی می‌شود تا به مدد حمایت مالی از دولت‌های منطقه دایره نفوذ خود را گسترده تر کنند. اما شکنندگی این دولت‌ها مانع از گرایش محض آنها به یک قدرت خارجی می‌شود. مانند همه ملت‌هایی که در خطوط مرزی اروپا واقع شده‌اند، کشورهای حوزه بالکان نیز در تریجی می‌دهند حالت خنثی و بی‌طرف خود را حفظ کنند. در این میان، استراتژی موازنه قدرت به این معنا خواهد بود که دولت‌های بالکان می‌توانند از مزیت توافق‌های اقتصادی، بسته‌های کمک مالی و حمایت سیاسی قدرت‌های خارجی متعدد برخوردار شوند.

در طول تاریخ بالکان، رقابت‌های ژئوپلیتیک و جدال بر سر مسائل منطقه‌ای ترکیب بسیار خطرناکی را به وجود آورده و به درگیری‌های نظامی نظیر جنگ جهانی اول دامن زده است. امروزه نیز با حضور قدرت‌های خارجی رقابتی به مراتب خاص‌تر در جریان است که ابزار آن نفوذ اقتصادی، همکاری‌های دفاعی و حمایت سیاسی از کشورهای منطقه است.

نتیجه آنکه وقتی روسیه، ترکیه و غرب مشتاقانه سرمایه‌های عظیم خود را به بالکان سرازیر می‌کنند، دولت‌های ضعیف منطقه هم در همراهی با آنها به موازنه قدرت ادامه می‌دهند.

## استاد دانشگاه آلابامای جنوبی تحلیل کرد: علل شکست حزب حاکم ترکیه/ احتمال برخی تغییرات در سیاست های منطقه ای

گفتگو: بیمان بزدانی



**اردوغان تاثیر گذار خواهد بود؟** پارامترهای کلی سیاست خارجی ترکیه تغییرات زیادی نخواهد داشت اما در برخی مناطق (مثلا در سوریه) حزب دموکراتیک خلق ها ممکن است در سیاست خارجی منطقه ای آنکارا تاثیر بگذارد. مثلا این حزب خیلی به ارسال سلاح و تسلیحات برای گروه تروریستی داعش از طریق خاک ترکیه معترض بوده است. حداقل سیاست خارجی اردوغان برای پارلمان جدید شفاف تر و مسئولیت پذیرتر خواهد شد.

**|| چرا اردوغان و حامیانش در به دست آوردن اکثریت آراء برای در دست داشتن پارلمان ترکیه با هدف تغییر قانون اساسی و نظام این کشور با شکست مواجه شدند؟**

یکی از دلایل موفقیت حزب دموکراتیک خلق ها که منجر به ناکامی حزب حاکم شد، به نظر من این بود که این حزب نظراتش را به بخش های گسترده تری متوجه کرد و صرفا خودش را بطور اختصاصی متمرکز بر مسائل کردی نکرد. به عبارتی دیگر بخش هایی از افرادی که در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۱ به حزب خلق دموکرات کرد رای داده بودند اینبار به آن حزب رای ندادند. البته برخی از حامیان حزب حاکم نیز به این حزب رای ندادند و به جایش در این انتخابات به احزاب مخالف این حزب رای دادند تا با این کار مانع از آن شوند که حزب حاکم و اردوغان رای و کرسی لازم برای تغییر قانون اساسی را به دست آورند تا از آن طریق یک نظام ریاستی قوی ایجاد کنند.

انتخابات به دست آورد اما با اینحال این حزب مجبور خواهد شد تا برای به دست آوردن اکثریت در پارلمان این کشور دولت ائتلافی تشکیل دهد. این به این معنی است که حزب حاکم مجبور خواهد بود با احزاب دیگر مصالحه کند اجزایی که هیچ یک از آنها با اصلاحات مد نظر اردوغان برای قانون اساسی موافق نبوده اند. از این نظر می توان گفت که نتایج این انتخابات بطور کلی شکستی برای حزب عدالت و توسعه است و بطور اخص شکستی برای اردوغان.

**|| با توجه به میزان آرای کسب شده توسط احزاب کرد، تعامل دولت حاکم بعدی با مسئله کردها در این کشور چگونه خواهد بود؟** این مسئله بستگی به نوع ائتلافی که حزب عدالت و توسعه قادر خواهد بود ایجاد کند دارد. مثلا حزب جنبش ملی گراها که از نظر کسب میزان آراء در رده سوم قرار دارد با مذاکرات حزب عدالت و توسعه با کردها مخالف بوده است و بطور کلی با دادن هر گونه امتیازی به کردها مخالف است. بنابر این اگر حزب عدالت و توسعه بخواهد با این حزب ائتلاف کند، مجبور خواهد بود از مواضع اخیر خود در قبال کردها عقب نشینی کند. اما اگر بخواهد با حزب جمهوری خلق ائتلاف کند آن موقع مجبور خواهد بود در قبال درخواست های کردها نرمش بیشتری نشان دهد.

**|| آیا میزان آرای کسب شده توسط حزب دموکراتیک خلق ها بر سیاست خارجی منطقه ای**

خواهد بود که در صورت عدم توافق احزاب دیگر برای تشکیل دولت ائتلافی این کشور ظرف کمتر از یک سال شاهد انتخابات زود هنگام دیگری خواهد بود. در پی اعلام غیر رسمی نتایج انتخابات ترکیه گفتگویی با پروفیسور «نادر انزوار» استاد علوم سیاسی و رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی در آمریکا انجام شد و جویای نظرات وی در خصوص نتایج این انتخابات حساس شدیم.

**|| حزب دموکراتیک خلق ها با کسب حدود ۱۳ درصد از آرای ریخته شده به صندوق ها برای اولین بار توانست در انتخابات پارلمانی ترکیه از حد نصاب ۱۰ درصدی عبور کند و مجوز حضور در پارلمان این کشور را به دست بیاورد. همین امر موجب می شود تا حزب حاکم عدالت و توسعه نتواند اکثریت لازم برای تغییر نظام پارلمانی این کشور به نظام ریاست جمهوری را داشته باشد. آیا این یک شکست برای حزب حاکم و اردوغان رئیس جمهور ترکیه محسوب می شود؟**

باید به یاد داشته باشیم که حزب حاکم عدالت و توسعه توانسته است قسمت عمده رای های ریخته شده به صندوق ها را در

پروفیسور «نادر انزوار» با تبیین علل اولین شکست سیاسی حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه در انتخابات پارلمانی تاثیر این شکست در اصول کلی سیاست خارجی این کشور را چشمگیر ندانست.

شمارش آرای بیست و پنجمین دوره انتخابات پارلمانی که در ترکیه با نام انتخابات عمومی از آن نام برده می شود و به سبب تاثیر مستقیمی که بر انتخاب نخست وزیر و ترکیب کابینه دارد، مهمترین و تاثیر گذارترین انتخابات این کشور نیز به شمار می رود، به پایان رسید.

یکی از اهدافی که حزب حاکم عدالت و توسعه از یک دهه قبل آن را دنبال می کند تغییر نظام پارلمانی این کشور به نظام ریاست جمهوری است، همین امر موجب دو چندان شدن اهمیت این دوره از انتخابات برای رئیس جمهور این کشور و حزب حاکم عدالت و توسعه شده است.

در انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۱ حزب کوچک و بزرگ به رقابت پرداختند که در آن رقابت اصلی بین ۴ حزب اصلی بود. حزب عدالت و توسعه (AKP) که در حال حاضر ۱۳ سال است که دولت در دست آن است؛ حزب جمهوری خلق (CHP) که اصلی ترین حزب مخالف دولت است؛ حزب جنبش ملی (MHP) که دومین حزب بزرگ مخالف دولت است و چهارمین حزب حزب دموکراتیک خلق ها (HDP) است که برای اولین بار در انتخابات پارلمانی توانست با کسب بیش از ۱۲ درصد آرای ریخته شده به صندوق ها از قانون حد نصاب ۱۰ درصدی عبور کند و به پارلمان این کشور راه یابد.

با کسب حد نصاب ۱۰ درصدی توسط حزب دموکراتیک خلق ها پارلمان بعدی این کشور ۴ حزبی خواهد بود امری که موجب خواهد شد تا حزب حاکم عدالت و توسعه در ادامه تلاش های خود برای تبدیل نظام ترکیه از پارلمانی به ریاست جمهوری با چالش جدی مواجه شود. بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران این موضوع را اولین شکست حزب حاکم در عرصه سیاسی ترکیه قلمداد می کنند که بیش از یک دهه قدرت را در این کشور در دست داشته است.

همچنین دولت بعدی ترکیه دولتی ائتلافی





## گزارش تحلیلی «شورای آتلانتیک»؛

# زوایای پید و پنهان حضور یا لغو عضویت انگلیس در اتحادیه اروپا



اسکاتلندی‌ها به جز یک کرسی، توانستند تمامی کرسی‌های متعلق به اسکاتلند را به دست آورده و عزم سیاسی خود را نشان دادند. اسکاتلندی‌ها برای همه پرس‌رسی استقلال هم نیازمند جدایی از اتحادیه اروپا هستند، زیرا عامل عدم استقلال اسکاتلند از انگلستان در همه پرس‌رسی استقلال پیشین، عضویت انگلستان در اتحادیه اروپایی بود. از طرف دیگر، باید منتظر ماند تا معلوم شود آیا بنگاه‌های اقتصادی کوچک و بزرگ که از ارتباط تجاری خود با قاره اروپا از طریق این اتحادیه سود می‌برند، برای ماندن در اتحادیه به میدان بحث و گفتگو وارد می‌شوند؟ این تحلیلگر تبعات خروج انگلیس از اتحادیه را نیز مورد توجه قرار داد و افزود: خروج انگلیس از اتحادیه اروپایی می‌تواند راه را برای استقلال اسکاتلند از این کشور هموار کند. از سوی دیگر از آنجایی که مذاکرات تجاری عمده آمریکا با بروکسل انجام می‌شود و مناسبات مهمی مانند تحریم روسیه در بحران اوکراین نیز از طریق این اتحادیه میسر است، همکاری‌های واشنگتن با لندن در صورت خروج از اتحادیه مذکور به شدت افت خواهد کرد. به اعتقاد «برول» کامرون خود را متعهد به خروج کشورش از اتحادیه اروپا می‌داند، اما این ایده هنوز نتوانسته است اکثریت آراء را به خود جذب کند. مطالب تا کنون ارائه شده به اندازه‌ای شفاف و قانع‌کننده نیستند تا بتوانند افکار مردم در پاریس، برلین و بروکسل را برای اصلاحات مدنظر انگلیس به دست آورند. مطالبات انگلستان می‌تواند تا اندازه‌ای از مقبولیت کافی برخوردار باشد، اما اگر دامنه این اصلاحات تا تغییر در اساسنامه اتحادیه باشد، باید بدانیم که در اروپا طرفدار زیادی نخواهد داشت. این تحلیلگر «شورای آتلانتیک» درباره تغییر در اساسنامه اتحادیه اروپا به ویژه پس از انجام همه پرس‌رسی و با هدف نگه داشتن انگلیس در اتحادیه گفت: از اعمال تغییر در اساسنامه اتحادیه مطمئن ولی نکته مهم این است که کسی مایل نیست ابتدا تبعات این اصلاحات را برعهده گرفته و سپس نتیجه نهایی را به حضور یا لغو عضویت انگلستان موقوف نماید. کشورهای قاره سبز بر این باورند که انگلیس با تصمیم قاطع برای ماندن در اتحادیه باید برای هرگونه اظهارنظر اقدام کند. وی معتقد است ترک اتحادیه اروپا برای انگلیس مضر بوده و این کشور را با خطر انزوای مواجه می‌سازد و در تصمیم‌گیری‌ها برای قاره اروپا انگلیس نقشی نخواهد داشت. این کشور هم‌اکنون در نوسازی سلاح‌های هسته‌ای، مبارزه با تروریسم و بسیاری از مسائل دیگر در چتر حمایتی قوانین اتحادیه اروپایی عمل می‌کند. اگر انگلیس از اتحادیه جدا شود، این اقدامات را باید به تنهایی و با دشواری بیشتری به انجام رساند. بسیاری از کشورها مانند آمریکا، روابط خود با انگلیس را تنها زمانی «روابط ویژه» قلمداد می‌کنند که مشارکت موثر و فعالانه‌ای را با اتحادیه اروپایی داشته و از جایگاه قوی تری در عرصه بین‌الملل برخوردار باشند.

اما کامرون معتقد است چگونه می‌توان قبول کرد که شهروندان مهاجر از اتحادیه اروپا بتوانند با هزینه مالیات دهندگان این کشور در آن سکونت گزیده و یا در جستجوی کار باشند؟ آنها باید پیش از ورود به بریتانیا، مدارکی دال بر پیشنهاد کاری ارائه دهند. در غیر این صورت، از حمایت مالیات دهندگان بریتانیایی برخوردار نخواهند شد. آنها فقط زمانی می‌توانند از کمک‌های دولتی و خانه‌های سازمانی بهره‌جویند که چهار سال کامل در بریتانیا کار کرده باشند. اینها اصلاحاتی بنیادین اما عاقلانه و عادلانه است. برخی کشورهای عضو اتحادیه اعمال این تغییر در قوانین موجود را موجب تبعیض میان شهروندان خود در برابر شهروندان انگلیسی می‌دانند. «برول» گذری هم به نتایج نظرسنجی‌های پیش از انتخابات هفتم ماه می زد و پیش‌بینی کسب کرسی‌های اندک برای محافظه‌کاران را مطرح کرده و پیروزی قاطع وی را خلاف انتظار توصیف کرد. وی نتیجه گرفت بسیاری از رأی‌دهندگان منتظر همه پرس‌رسی هستند تا ادامه حضور یا لغو عضویت کشورشان را اتحادیه اروپا نظاره‌گر باشند. به عقیده او، کامرون اکنون در جایگاهی نیست تا بتواند در این بار بحث کند، بلکه باید دید تا چه اندازه‌ای قادر است از طریق مذاکره و رایزنی با سایر کشورهای عضو، آنها را برای اعمال اصلاحات مدنظر کشورشان متقاعد کند. «فرانسیس برول» درباره انگلیس پس از خروج از اتحادیه اروپایی گفت: هیچ ناممکنی برای همیشه ناممکن نمی‌ماند. اگرچه تعداد کرسی‌های حزب استقلال انگلیس (از اتحادیه اروپا) تنها یک کرسی است، اما اگر به درصد آراء نگاه کنیم، این تفکر ۱۲ درصد از رأی‌ها را به خود اختصاص داده است و لذا در همه پرس‌رسی که بر اساس آراء باشد، این گروه ممکن است این ناممکن را به ممکن تبدیل کرده و نتیجه فراتر از تصویری را کسب نماید. وی با اشاره به تعداد کم رأی‌دهنده گان اسکاتلندی در انتخابات اخیر ادامه داد:

باشد. اگر این کشور از اتحادیه اروپا خارج شود، جایگاه آن در روابط با آمریکا تنزل یافته و لذا منافع هر دو کشور در معرض آسیب خواهد بود. از این رو «برول» در گفتگوی خود با «اشیش کومار سن» از فصلنامه «نیو اتلانتیس» چشم‌انداز و مضامین مختلف خروج انگلستان از اتحادیه اروپا و تأثیر آن بر روابط با آمریکا را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. «برول» در پاسخ به سوالی درباره اهمیت ادامه حضور انگلیس در اتحادیه اروپایی گفت: خارج از اتحادیه، انگلیس به یک قدرت متوسط همراه با اثرگذاری کمتر مبدل خواهد شد. این امر برای انگلیسی‌ها که از قدیم الایام داعیه ایفای نقش برجسته در سیاست جهانی را داشت، رخ داد نامبارکی است. از آنجایی که انگلیس نیز مانند آمریکا و برخی از سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپایی از منابع نسبتاً کمی برخوردار است و لذا نمی‌تواند هم‌زمان خود را در عرصه جهانی حفظ کند، باید در کنار دیگران و در قالب اتحادیه نقش‌پردازی نماید. بنابراین نیاز دارد تا بخشی از یک کل بزرگ محسوب شود که در اروپا همان اتحادیه اروپایی قلمداد می‌شود. وی به فواید ادامه عضویت انگلیس برای اتحادیه اروپا نیز اشاره کرد و افزود: انگلیس رویکرد سختگیرانه کمتری در قبال مسائل اقتصادی دارد. از این رو، در قوانین و مقررات این اتحادیه عامل آزادی‌گرایانه‌ای محسوب شده و لذا از قدیم عامل ایجاد توازن در اتحادیه بوده است. این تحلیلگر از زاویه دیگری هم به حضور انگلیس در اتحادیه اروپایی نگاه کرده و تصریح کرد: از دیدگاه آمریکا این کشور تأثیرگذاری قابل توجهی در اتحادیه دارد. در نتیجه این کشور در داخل اتحادیه می‌تواند شراکت مفیدی برای ما در آمریکا ایجاد کند. وی مهمترین خواسته کامرون از اتحادیه اروپا را در مسأله مهاجرت عنوان کرد و گفت: بر اساس قوانین کنونی، شهروندان این اتحادیه می‌توانند در سایر کشورهای غنی تر عضو به زندگی و یا کار مبادرت نمایند.

یک اندیشکده آمریکایی با پرداختن به پیروزی «دیوید کامرون» در انتخابات انگلیس به بررسی موضوع احتمال خروج این کشور از اتحادیه اروپا پرداخت و کامرون را در کسب رأی موافق برای عملی کردن آن ناموفق خواند. یکی از اهرم‌هایی که به پیروزی دیوید کامرون در انتخابات عمومی انگلیس کمک کرد، پرداختن به موضوع جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا بود؛ طریقی که موافقان و مخالفان زیادی دارد از همین رو اندیشکده شورای آتلانتیک که دفتر مرکزی آن در واشنگتن است به تحلیل این موضوع پرداخت. شورای آتلانتیک در تحلیل خود می‌نویسد: دیوید کامرون خود را متعهد به خروج انگلیس از اتحادیه اروپا می‌داند، ایده‌ای که هنوز نتوانسته اکثریت آراء را به خود جذب کند زیرا دلایل ارائه شده تا کنون به اندازه کافی شفاف و قانع‌کننده نبوده‌اند. زمانی که «دیوید کامرون» در تجمع انتخاباتی خود در شهر سویندون، مانیفست حزب محافظه‌کار برای انتخابات هفتم ماه می این کشور را قرائت می‌کرد، علاوه بر وعده‌هایی از قبیل معافیت مالیاتی برای اقشار کم درآمد و تسهیلات دولت برای خانه‌دار شدن شهروندان، بیانیه انتخاباتی ۸۳ صفحه‌ای حزب محافظه‌کار شامل وعده به همه پرس‌رسی گذاشتن موضوع خروج انگلیس از اتحادیه اروپا را نیز مطرح کرد. با عملی شدن این وعده در صورت تأیید انگلیسی‌ها، این کشور که از ۱۹۷۳ به جمع اتحادیه اقتصادی اروپا و سپس اتحادیه اروپا پیوسته، در سال ۲۰۱۷ از این عضویت صرف نظر خواهد کرد؛ وعده‌ای که در گام اول با پیروزی او در انتخابات و سپس انتخاب «جورج ازیون» وزیر اول دولت و وزیر دارایی این کشور دور از انتظار خواهد بود. کامرون خود را متعهد به خروج کشورش از اتحادیه اروپا می‌داند، اما این ایده هنوز نتوانسته است اکثریت آراء را به خود جذب کند. مطالب تا کنون ارائه شده به اندازه‌ای شفاف و قانع‌کننده نیستند تا بتوانند افکار مردم در پاریس، برلین و بروکسل را برای اصلاحات مدنظر انگلیس به دست آورند. مطالبات انگلستان می‌تواند تا اندازه‌ای از مقبولیت کافی برخوردار باشد، اما اگر دامنه این اصلاحات تا تغییر در اساسنامه اتحادیه باشد، باید بدانیم که در اروپا طرفدار زیادی نخواهد داشت. وی برای توجیه وعده خود قصد دارد خروج از اتحادیه اروپایی را تا سال ۲۰۱۶ و پیش از انتخابات مشابه در آلمان و فرانسه به رأی گذاشته تا شاید با توجیه «مطالبات عمومی» بتواند بر بخشی از انتقادهای دیگر متحدان خود سرپوش بگذارد. از سوی دیگر آمریکا که از مهمترین متحدان راهبردی انگلیس محسوب می‌شود، منافع خود را در گرو انگلیسی‌ها می‌داند که عضو اتحادیه اروپا باشد. «فرانسیس برول» معاون پایگاه تحلیلی «شورای آتلانتیک» در این باره می‌گوید: نگاه آمریکا به انگلستان همواره مبتنی بر کشوری است که عضوی از اتحادیه اروپا



- سفر خطیر مسلمانان روهینگیا در اقیانوس هند
- دلایل تمرکز آمریکا به آسیا
- آسیای میانه؛ حوزه جدید فعالیت داعش

آسیا

دبیران: فاطمه درخشان  
مریم خرمائی



## تحلیل بین الملل؛ سفر خطیر مسلمانان روهینگیا در اقیانوس هند/ سکوت برنده صلح نوبل!

تعداد ۲۵ هزار نفر طی سال میلادی جاری به امید تحقق زندگی بهتر راهی اقیانوس هند شدند که نیمی از این تعداد را اقلیت مسلمان میانمار تشکیل می دهند، جماعتی که از ظلم طبقه بودایی حاکم به ستوه آمده اند.

هزاران نفر از مردمی که به امید زندگی بهتر میانمار را به مقصد نامعلومی ترک کرده اند اکنون در میان دریا سرگردان هستند و با خطر مرگ ناشی از کم آبی و سوء تغذیه دست و پنجه نرم می کنند. شاید بتوان گفت که نیمی از این جماعت و آواره را بنگلادشی ها تشکیل می دهند که به آنها مهاجران اقتصادی نیز می گویند و برای رهایی از فقر اقدام به ترک کشور خود کرده اند. اما، نیم دیگر از سرنشینان کشتی ارواح را اقلیت مسلمانان روهینگیا تشکیل می دهند - جمعی از مسلمانان رنج کشیده میانمار که به هیچ انگاشته می شوند و دولت حاکم با آنها به گونه ای رفتار می کنند که گویی اصلا وجود ندارند.

### پیشینه تاریخی و ریشه های نژادی مسلمانان میانمار

اقلیت مسلمانان روهینگیا که تعداد آنها به یک میلیون نفر می رسد و در استان غربی «خین» ساکن هستند برای دهه های متوالی تحت ظلم دولت حاکم بوده است. این مردم بارها به زور اسلحه ارتش و چوبدستی راهبان افراط گرا از خانه و کاشانه خود رانده شده اند چراکه دولت حق شهروندی آنها را نمی پذیرد و مدعی است آنها اصالتا بنگالی هستند و باید به بنگلادش باز گردند. به همین دلیل، اقلیت روهینگیا از سرشماری آمار کشور میانمار حذف شده، اوراق هویت شان ابطال گردیده، حق تحصیل ندارند و اغلب در کمپ آوارگان و به دور از دیگر ساکنان برمه زندگی می کنند.

ریشه تاریخی رد صلاحیت مسلمانان روهینگیا به عنوان شهروندان حقیقی میانمار به قرن ۱۹ ام میلادی و تسلط امپراطوری بریتانیا بر این کشور باز می گردد. در آن زمان میانمار که به نام برمه شناخته می شد جزئی از هند تلقی گردیده و پذیرای کوچ مسلمانانی بود که فی الحال به دلیل بیم بوداییان از حجم زاد و ولد آنها و احتمال انتشار دین اسلام مورد خشونت آشکار واقع می شوند. جالب آنکه در



را بر روی ستمی که بر مسلمانان روهینگیا روا می شود بسته است.

سوچی به عنوان رهبر مخالفان میانماری - که مورد حمایت ویژه آمریکا و انگلستان هم هست - معمولا از موضع گیری صریح در قبال خشونت های قومی کشورش خودداری می کند. وی اخیرا به خبرنگاران گفت دولت باید این مساله را حل کند و از پاسخگویی به پرسش های آنها درباره خشونت ها علیه مسلمانان میانمار خودداری کرد.

سکوت سوچی تا حدی نابخشودنی است که این هفته «دالایی لاما» رهبر معنوی بوداییان، از وی خواست در موضع گیری خود تجدید نظر کند و برای پایان دادن به آزار و اذیت اقلیت مسلمان روهینگیا که شرایطشان با بحران مهاجرت بدتر شده است، کاری انجام دهد. وی پیشتر نیز در دیدار با سوچی چنین خواسته ای را مطرح کرده بود.

نکته آنجاست که قرار است در ماه نوامبر سال میلادی جاری انتخابات پارلمانی میانمار انجام شود و سوچی می ترسد که با حمایت از مسلمانان رای اکثریت بودایی کشور را از دست بدهد. جالب آنکه برخی معتقدند جنبش راهبان طرفدار سوچی که از بانیان انقلاب زعفرانی هستند بیشترین نقش را در ارباب مسلمانان ایفا می کنند و اصولا نام این انقلاب هم از رنگ خاص لباس راهبان گرفته شده است. از سوچی، دولت حاکم هم که برای سالیان متمادی اسلام را دشمن بودا خطاب کرده است نمی تواند علی رغم فشار جامعه بین الملل از مواضع پیشین خود دست بردارد تا در نظر مردم میانمار به بی ثباتی متهم شود.

به هر حال انتظار نمی رود که با برگزاری انتخابات میانمار هم گره ای از مشکلات اقلیت مسلمان این کشور حل شود چرا که منافع دولتی که بر سر کار می آید در همراهی با جماعت بودایی نهفته که نامهربانی با مسلمانان در وجودشان نهادینه شده است و تا وضع به همین منوال باشد اقیانوس هند آغوش نه چندان گرم خود را به روی آنها باز خواهد کرد.

امور پناهندگان درباره راه های مهار بحران مهاجرت در جنوب شرق آسیا سخن گفت و تاکید کرد که این موضوع بدون رفع علل ریشه ای حل و فصل نخواهد شد.

وی حل بحران مهاجرت در جنوب شرق آسیا را مستلزم مسئولیت پذیری کامل میانمار در قبال همه مردم سرزمین تحت حکومت خود دانست و تاکید کرد که اعطای حق شهروندی هدف نهایی است. اما، میانمار که به اجبار و با آکراه در این نشست حاضر شده بود به شدت اتهامات وارد شده را رد کرده و منکر بدرقتاری دولت ناپییدو به عنوان دلیل اصلی ارباب و گریز مسلمانان روهینگیا شد.

میانماري ها مدعی هستند که جامعه بین الملل درباره انگیزه واقعی خروج مسلمانان روهینگیا، اطلاعات غلط دریافت کرده است و شیوه برخورد دولت میانمار با اعضای این اقلیت قومی در چارچوب حوزه قضایی داخلی این کشور بوده است.

در هر صورت این نشست بدون یافتن راه حل ریشه ای برای رفع مشکلاتی که طی سال جاری در مجموع ۲۵ هزار پناهجو را از میانمار و بنگلادش راهی سفر بی پایان اقیانوس هند کرده است به پایان رسید. طی سال های اخیر، مالزی به عنوان اصلی ترین مقصد این پناهجویان، میزبان ۱۵۲ هزار و ۸۳۰ نفر بوده است که از این تعداد ۱۴۹ هزار و ۹۲۰ نفر از میانمار راهی این کشور شده اند.

### دلایل سیاسی میانمار برای بی توجهی به بحران مسلمانان روهینگیا

دولت ناپییدو تنها متهمی نیست که چشم خود را به روی ستم اعمال شده بر اقلیت مسلمان این کشور بسته است. حتی، «آنگ سان سوچی» که برنده جایزه صلح نوبل هم شده و سال های متمادی است که به عنوان قهرمان مبارزه با استبداد ارتش میانمار تلقی می شود، چشمان خود

این میان، بنگلادش هم اصالت بنگالی مسلمانان روهینگیا را انکار می کند. پس می توان به نوعی این اقلیت مظلوم را بی سرزمین و ریشه تلقی کرد.

اما، سیل عظیم مهاجرتی که طی امسال شاهد آن بوده ایم از پاییز گذشته و در پی تصمیم دولت میانمار به اعمال قوانین دست و پاگیر آغاز شد مبنی بر اینکه اقلیت روهینگیا می تواند به شرط ارایه مدارکی که سکونت اجداد آنها از سال ۱۹۴۸ - استقلال میانمار - را به اثبات برساند به عنوان شهروند درجه دو در این کشور زندگی کند. در غیر این صورت، آنها تا زمان اخراج خود باید در کمپ بی خانمان ها روزگار بگذرانند. در حال حاضر یکصد هزار مسلمان روهینگیا در کمپ های میانمار زندگی می کنند و دو برابر این تعداد هم در آن سوی مرز میهمان ناخوانده دولت بنگلادش هستند. اگرچه میانمار طرح خود را عملی نکرد، بسیاری از مسلمانان روهینگیا که هیچ اوراق هویتی ندارند اقدام به فرار از کشور نمودند و تنها طی ماه های اکتبر و نوامبر سال میلادی گذشته، ۱۴ هزار و ۵۰۰ نفر راهی تایلند شدند تا از آنجا به امید اخذ پناهندگی به مالزی بروند.

### تلاش جامعه بین الملل برای حل بحران مهاجرت در جنوب شرق آسیا

شهر «بانکوک» پایتخت کشور تایلند در روز جمعه این هفته میزبان اجلاسی با حضور بیش از ۱۷ کشور بود که ظاهرا دغدغه مشترکی برای پایان دادن به سیل آوارگان بنگالی و میانماري داشتند. در پایان این نشست که بی نتیجه به پایان رسید بیانیه ای مبنی بر ضرورت پرداختن به ریشه ها و بهبود زندگی جوامع در معرض خطر صادر شد. این کشورها ایجاد فرصت های شغلی و کمک برای توسعه مناطق در معرض خطر را از عوامل بهبود زندگی این جوامع دانستند. در این میان، نماینده آژانس سازمان ملل در

## معاون سابق شورای روابط خارجی شیکاگو؛ چالش اصلی آمریکارهببری در نظام بین الملل کنونی است/تمرکز بر آسیا



گفتگو: پیمان یزدانی

دکتر «آرتور سایر» معاون سابق شورای روابط خارجی شیکاگو سرازیر شدن مستمر سرمایه گذاری ها به سمت آسیای میانه را دلیل اصلی افزایش تحرکات آمریکا در این منطقه دانست.

دولت آمریکا در ابتدای سال جاری میلادی بازبینی جدید راهبرد دفاعی خود برای قرن ۲۱ را اعلام کرد که بخشهایی از آن در رسانه ها اعلام شد. یکی از مهمترین نکات مطرح شده در راهبرد مذکور تاکید بر انتقال تمرکز آمریکا از خاورمیانه و خلیج فارس به شرق آسیا و باهدف مهار توان رو به رشد چین در دو حوزه نظامی و اقتصادی بود.

جوزف نای از نظریه پردازان روابط بین الملل و واضع نظریه قدرت نرم معتقد است که چرخش به آسیا از نوع pivot to Asia نیست بلکه این چرخش به معنای Re-balancing است. یعنی آمریکا در آسیا برای مقابله با چین به موازنه سازی مجدد رو خواهد آورد.

اساساً وقتی از قدرت یابی چین در آسیا صحبت می شود معنای ضمنی آن این است که این قدرت یابی اقتصادی به قدرت یابی نظامی تعبیر می شود. در همین رابطه گفتگویی با دکتر «آرتور سایر» استاد اقتصاد سیاسی و معاون سابق شورای روابط خارجی شیکاگو انجام شده است.

**|| به اعتقاد برخی کارشناسان ظهور چین به عنوان یک قدرت جدید موجب شده است تا آمریکا به دنبال شرکای جدیدی در جنوب و جنوب شرق آسیا باشد. آیا ظهور چین آنقدر برای آمریکا مهم و جدی است که آمریکا بخواهد صف آرائی های جدیدی در منطقه ایجاد کند؟**

بر خلاف بسیاری از اظهار نظرهای رسانه ای من معتقد هستم که هنوز در روابط بین الملل این دولتها هستند که بازیگران اصلی و عمده به شمار می روند. من معتقد به این نیستم که ما بعد از پایان جنگ سرد در جهان قطب بندی های جدید داشته ایم. در طول آن زمان پر چالش ما بطور مستقیم در کره و بطور غیر مستقیم در ویتنام با چین جنگیدیم.

**|| پس علت تمرکز بیشتر آمریکا بر این منطقه که موجب بروز تنش هایی با چین شده، چیست؟**

تجارت و سرمایه گذاری بطور مستمر در حال سرازیر شدن به طرف آسیا است و به این معنی است که سیاست های آمریکا بیشتر از قبل درگیر این منطقه خواهد شد.

**|| تمرکز سیاست آمریکا از خاورمیانه به آسیای جنوبی و جنوب شرقی**



نماینده پارلمان افغانستان:

## برخی اعضای طالبان در حال پیوستن به داعش هستند

نماینده پارلمان افغانستان گفت: آن دسته از طالبانی که در حال حاضر امنیت کشور را به چالش می کشند به طرف داعشی شدن می روند و پاکستان فقط مهره های سوخته را عضو این گروه نگه می دارد.

سید نادر شاه بحر، نماینده مردم بلخ در پارلمان افغانستان گفت: از اول نیز معلوم بود که قسمتی از ماشین جنگی طالبان تبدیل به داعش می شود و یک تعداد از مهره های سوخته طالبان که پاکستان می خواهد در تعاملات با افغانستان از آنها استفاده کند عضو این گروه باقی می ماند.

وی افزود: فعلاً اوضاع در حال روشن شدن است؛ نیروهای امنیتی کار خود را می کنند و فرقی ندارد که دشمن طالب باشد یا داعش. نیروهای امنیتی با توجه به کمبود هایی که دارد تا کنون نقش خود را به خوبی ایفا کرده است.

عضو پارلمان افغانستان اظهار داشت: نیروهای خارجی که در افغانستان هستند باید مسئولیت بیشتری به عهده بگیرند؛ هم از طریق کمک های نظامی و هوایی و هم از طریق فشار آوردن بر روی پاکستان.

نماینده مردم بلخ در پارلمان افغانستان ادامه داد: پاکستان می گوید ما طالبان را پای میز مذاکره می کشانیم اما باید پرسید تا به حال کدام عضو طالبان را به پای مذاکره آورده اید؟ پاکستان باید بر طالبان فشار بیاورد و از پیوستن این گروه به داعش جلوگیری کند.

وی در پاسخ به این سوال که با پیوستن طالبان به داعش شورای عالی صلح افغانستان ملغی خواهد شد گفت: پاکستان یک تعداد از طالبان را به عنوان نمایندگان این گروه نگه خواهد داشت اما واقعیت این است که آن دسته از طالبانی که در حال حاضر امنیت کشور را به چالش می کشند به طرف داعشی شدن می روند.

وی افزود: شورای عالی صلح از ابتدای تاسیس نیز چندان کار ملموس و نتیجه مثبتی نداشته است و فعلاً با داعشی شدن طالبان عملاً کار آنها منتفی خواهد شد.



## سفیر فیلیپین: روابطمان با تهران خوب است/ زمینه‌های همکاری ایران و فیلیپین

گفتگو: ایمان یزدانی



«ادواردو منز» سفیر فیلیپین در ایران با تشریح زمینه‌های گسترش همکاری کشورش با ایران نسبت به دستیابی به توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ ابراز امیدواری کرد.

این روزها با نزدیک شدن به ضرب الاجل ۳۰ ژوئن که زمان تعیین شده برای دستیابی به توافق هسته‌ای دائم بین ایران و گروه ۵+۱ شاهد در جریان بودن مذاکرات جدی بین طرف‌ها هستیم. با نزدیک شدن به پایان این ضرب الاجل مذاکرات از حساسیت بیشتری برخوردار شده و برخی از اختلافات و شکاف‌ها بین طرفین نمود بیشتری پیدا کرده است موضوعاتی از قبیل بازدید از مراکز نظامی ایران که تهران با آن مخالفت کرده است. همچنین فرار است در روزهای آتی اولین کنفرانس گفتگوهای صلح یمن در ژنو بر گزار شود.

در همین راستا گفتگویی با «ادواردو منز» سفیر فیلیپین در ایران درباره تحولات منطقه در حوزه یمن و مذاکرات هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی و همچنین روابط دو کشور ایران و فیلیپین داشته‌ایم که مشروح آن در زیر آمده است.

کنندگان در مذاکرات داشته است. متأسفانه وقتی به مذاکرات درباره دیگر بحران‌های منطقه در سال‌های گذشته نگاه می‌کنیم می‌بینیم بعد از گذشت سال‌ها هنوز به نتیجه‌ای نرسیده‌اند. لذا پیش‌بینی این مطلب که آیا مذاکرات یمن به نتیجه خواهند رسید کار بسیار سختی است. امیدوارم که مردم یمن و دولت این کشور و گروه‌های مختلف این کشور بطور جدی پای میز مذاکره بایند و برای کشورشان به یک توافق برسند.

|| «اسماعیل ولد شیخ» نماینده سازمان ملل در امور یمن اخیراً درباره نقض حقوق بشر در یمن توسط عربستان در بحران یمن خبر داده است. با توجه به اینکه عربستان سعودی حامیان قدرتمندی مثل آمریکا در سازمان ملل دارد، آیا فکر می‌کنید سازمان ملل بتواند گزارشی علیه سعودی‌ها در این خصوص تهیه کرد؟

سازمان ملل متحد سازمانی است که از هر کشور خاصی متمایز است. با توجه به سوابق این سازمان در تهیه گزارش‌های حقوق بشری در گذشته می‌بینیم که کم و بیش این گزارش‌ها هدفمند بوده‌اند و گزارش‌های زیادی درباره حقوق بشر در یمن در کشورهای خاص تهیه شده‌اند. شورای حقوق بشر ژنو که ایران و فیلیپین هم عضو آن هستند بطور مرتب به بحث درباره حقوق بشر در تمامی کشورها به بررسی و تبادل نظر می‌پردازد.

اگر این سازمان قاد باشد حوادث یمن را بطور آزادانه مستندسازی کند مطمئن هستیم که به تمامی طرف‌ها نشان خواهد داد که چه اتفاقی در آنجا در حال رخ دادن است. اگر چیزی علیه کشورهای پذیرفته خواهند شد. هر مسئله‌ای که در آنجا درگیر هستند ارائه شود، پذیرفته خواهند شد. هر مسئله‌ای که در آنجا درگیر هستند ارائه شود، پذیرفته خواهند شد. هر مسئله‌ای که در آنجا درگیر هستند ارائه شود، پذیرفته خواهند شد. هر مسئله‌ای که در آنجا درگیر هستند ارائه شود، پذیرفته خواهند شد.

باید اقدامات تعادل‌ساز را در پیش بگیرند. تردیدی ندارم که مذاکره‌کنندگان هسته‌ای هر دو طرف جدی هستند و خواستار دستیابی به یک توافق عادلانه هستند. همانطور که گفتیم آنهایی که با توافق مخالف هستند مشاجرات زیادی را پیش می‌کشند. بخشی از نبرد مذاکره‌کنندگان دو طرف در داخل کشورهاشان است و بخشی دیگر در مذاکره با طرف مقابل. آنها باید در درون کشور خودشان هم مذاکره کنند. بسیاری از مسایل اختلافی بین دو طرف باقی مانده است که باید حل و فصل شوند امیدوارم در این زمان کوتاه باقی مانده تا ضرب الاجل ۳۰ ژوئن این اختلافات حل و فصل شوند. من احساس می‌کنم همه موضوعات باقی مانده فنی نیستند بلکه برخی از آنها موضوعات سیاسی هستند. امیدوارم نهایتاً بتوان به یک توافق دست یافت.

|| در خصوص بحران یمن، همانطور که می‌دانید در روزهای آینده گفتگوهای صلح یمن در ژنو برگزار خواهد شد. آیا این گفتگوها می‌تواند منجر به دستیابی به راه‌حلی برای بحران در این کشور شود؟

مشابه تمامی مذاکرات، گفتگو تنها راه مقدر برای حل و فصل مسئله است. باید تمامی طرف‌های بحران را پای میز مذاکره آورد تا راهکارهای موجود مورد بررسی قرار گیرند. ایران توصیه‌های خاصی به شرکت

هستند. این دو کشور نیازهایی دارند که می‌توانند مکمل همدیگر باشند. مثلاً در زمینه کشاورزی ما یک کشور استوایی با محصولات کشاورزی گرمسیری مثل موز هستیم که می‌توانیم به ایران صادر کنیم و به جای آن از ایران که کشوری چهار فصل است محصولات کشاورزی مورد نیاز خودمان را وارد کنیم. همچنین در زمینه فرهنگی هر دو کشور توانایی زیادی در ساخت فیلم و محصولات سینمایی دارند که به اعتقاد من ارتباط خوبی بین دو کشور در این خصوص برقرار نشده است. یکی از اهداف من توسعه روابط در این خصوص است زیرا این امر موجب شناخت بیشتر دو ملت از یکدیگر خواهد شد و وقتی شناخت بیشتر شود روابط در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی هم گسترش پیدا خواهد کرد. به همین علت من خیلی به توسعه روابط فرهنگی علاقمند هستم.

|| با در نظر گرفتن شکاف‌های موجود بین ایران و گروه ۵+۱ در مذاکرات هسته‌ای، شما آینده مذاکرات را چگونه می‌بینید؟ آیا احتمال دستیابی به توافق هسته‌ای وجود دارد؟

همه امیدوار هستند و به عنوان یک دیپلمات می‌گویم که باید امیدوار بود. اما اگر بخواهیم واقع‌بینانه صحبت کنیم مخالفت‌های زیادی برای به نتیجه رسیدن این مذاکرات می‌شود. در ایران منتقدانی داریم و در آن طرف هم منتقدانی وجود دارند به ویژه در آمریکا. تیم‌های مذاکره‌کننده

|| اجازه بدهید اولین سوالم را به روابط ایران و فیلیپین اختصاص بدهم. سطح کنونی روابط ایران و فیلیپین را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به عنوان یک دیپلمات کمتر از سطح روابط راضی هستیم. اما ما روابط خوبی داریم. ما سال گذشته پنجاهمین سالگرد روابط دیپلماتیکمان با ایران را پشت سر گذاشتیم. من دو سال است که در ایران هستم در این سال‌ها اتفاقات خوبی بین دو کشور رخ داده است و سیاست خارجی ما رو به رشد است. به عنوان سفیر در تهران وظیفه‌ام تلاش برای توسعه بیشتر روابط با ایران است. ما روابط خوبی در سطح دو ملت ایران و فیلیپین داریم زیرا بیش از ۳۰ سال است که بسیاری از ایرانی‌ها به برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های ما می‌آیند بسیاری از آنها در فیلیپین مانده‌اند و بسیاری از ایرانی‌ها در فیلیپین ازدواج کرده و ماندگار شده‌اند و همه این مسایل موجب تقویت روابط دو ملت شده است. در تلاش هستیم تا روابط دو کشور در زمینه‌های اقتصادی را هم توسعه دهیم.

|| زمینه‌های هم‌گرایی و منافع مشترک چه هستند که دو کشور بتوانند در آن زمینه‌ها به توسعه روابط خود بپردازند؟

ایران و فیلیپین دو کشور بزرگ هستند. ایران حدوداً دارای ۸۰ میلیون و فیلیپین هم دارای ۱۰۰ میلیون جمعیت هستند. هر دو کشور جزء کشورهای در حال توسعه

## آسیای میانه؛ حوزه جدید فعالیت داعش

پیوستن یک سرهنگ تاجیک به داعش و انتشار خبرهایی در مورد فعالیت این گروه در دیگر کشورهای آسیای میانه موجب شده تا این منطقه مهم جغرافیایی در آستانه تبدیل شدن به حوزه جدید فعالیت تروریست ها باشد. در همین رابطه دوپچه وله در گزارشی می نویسد: نفوذ گروه داعش در کشورهای مسلمان آسیای میانه (تاجیکستان ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان) در حال گسترش است و در این میان رسانه های محلی از برافراشته شدن پرچم داعش در تاشکند و بخارا خبر می دهند. در تاجیکستان هم مقامات هشدار دادند که در ماههای گذشته تعداد افرادی که به گروه افراطی داعش پیوستند، افزایش یافته و خطر نفوذ داعش در آسیای میانه با ظهور این گروه در افغانستان بیشتر شده است. افغانستان با تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و قرقیزستان هزاران کیلومتر مرز مشترک دارد و کنترل مرزهای صعب العبور آن دشوار است.

به گفته مقامات امنیتی و قضائی تاجیکستان شمار شهروندان این کشور که به داعش پیوستند ۴۰۰ نفر برآورد می شود. مقامات قضائی تاجیکستان برای ۱۵۰ تن از شهروندان خود به اتهام عضویت در گروههای تروریستی پرونده جنائی باز کردند. این افراد از طرف اینترپل (پلیس بین الملل) نیز تحت تعقیب قرار گرفته اند. تا کنون ۶۰ تن از جنگجویان تاجیک در سوریه و عراق کشته و ۱۲ نیز نمر بازداشت شده اند.

### پیوستن سرهنگ تاجیک به داعش

مقامات وزارت کشور تاجیکستان مهمترین عامل پیوستن تاجیکان به گروههای تروریستی را ناآگاهی سیاسی عنوان کردند. آنها تأیید می کنند که گرایش به گروه داعش در میان جوانانی که برای یافتن کار به روسیه رفتند نیز بیشتر بوده است. اما کارشناسان حتی نسبت به نفوذ گروه داعش در ساختار دولت این کشور هم هشدار می دهند. اخیراً سرهنگ «گلمراد حلیم اف» یکی از افسران ارشد وزارت کشور تاجیکستان به گروه تروریستی داعش پیوست. در شبکه های اجتماعی روز چهارشنبه (۶ خرداد ۲۷ مه)

**مقامات وزارت کشور تاجیکستان مهمترین عامل پیوستن تاجیکان به گروههای تروریستی را ناآگاهی سیاسی عنوان کردند. آنها تأیید می کنند که گرایش به گروه داعش در میان جوانانی که برای یافتن کار به روسیه رفتند نیز بیشتر بوده است. اما کارشناسان حتی نسبت به نفوذ گروه داعش در ساختار دولت این کشور هم هشدار می دهند**

ویدیویی از حلیم اف در لباس سیاه متعلق به جنگجویان گروه داعش منتشر شد. او مدعی شد که در آمریکا و روسیه دوره های آموزشی نظامی گذرانده و در دانشگاه نظامی تاجیکستان تحصیل کرده است.

این سرهنگ تاجیک در فیلمی ۱۲ دقیقه ای از قوانین تاجیکستان، که به نظر وی مخالف شریعت است، انتقاد می کند. حلیم اف خطاب به مهاجران تاجیک هم می گوید: «غلام کافران ناشید و غلام الله باشید!»

این فرمانده سابق نیروهای ویژه وزارت کشور تاجیکستان



است جوانانی که زندگی خوبی هم داشتند به گروه داعش پیوسته اند. اینان تحت تأثیر تبلیغات داعش قرار گرفتند و ممنوعیت حجاب و رفتن جوانان زیر ۱۸ سال به مسجد را بهانه می کنند.»

این تحلیلگر خاطرنشان می کند: «کثر جوانان تاجیک که در صفوف داعش در سوریه و عراق می جنگند پشیمان هستند اما هیچ امکانی ندارند از آنجا برگردند. چون بر اساس قواعد شرعی داعش هر کسی که از جهاد برگردد قتل او جایز است. عفو دولتی هم ظاهراً در میان کسانی که در داخل کشور قصد پیوستن به گروه داعش را داشتند، روشنگری کرده است. اما در بازگشت تاجیکانی که در ترکیب جهادگران داعش می جنگند و اظهار پشیمانی کردند عملاً کمکی نکرده است.»

### وضعیت دیگر کشورهای آسیای میانه

نفوذ گروه داعش نگرانی دیگر کشورهای آسیای میانه را هم برانگیخته است. مقامهای امنیتی ازبکستان تأیید کردند که تبلیغات گروه داعش و جنبش اسلامی ازبکستان برای جذب جوانان این کشور بیشتر شده است.

«عاشقرفلی بایری» تحلیلگر مسائل سیاسی مقیم عشق آباد، در این رابطه می گوید که گروه داعش بیشترین نیرو را از میان تاجیکان و ازبکها جذب کرده است. بایری تأکید می کند گرچه ترکمنستان با افغانستان مرز طولانی دارد و احتمال نفوذ تروریسم وجود دارد ولی دولت این کشور احساس خطر نمی کند.

این کارشناس توضیح می دهد که سیاست خارجی ترکمنستان بر مبنای بی طرفی استوار است و در بلوکهای منطقه ای حضور ندارد. علاوه بر این، ترکمنستان در تأمین برق و گاز ارزان به مردم افغانستان کمک کرده است.

بایری اضافه می کند: «ترکمنستان حتی در زمان حکومت طالبان، پشتیبان مذاکرات صلح در افغانستان بود. حال هم طالبان و هم دولت کنونی افغانستان از خط لوله تاپی (ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند) که قرار است گاز ترکمنستان را از خاک افغانستان به پاکستان و هند انتقال دهد، حمایت می کنند.»

به گفته این کارشناس گرچه مرز طولانی این کشور با افغانستان آسیب پذیر است اما تاجیکستان که ارتش روسیه از مرزهای آن حفاظت می کند بیش از پیش هدف گروه های تروریستی قرار گرفته است.

نگرانی از نفوذ جوانان به گروه داعش در تاجیکستان هم بیشتر از ۴ کشور دیگر آسیای میانه است. در این رابطه اخیراً مقامات وزارت کشور تاجیکستان رسماً اعلام کردند که در صورت بازگشت افراطیون تاجیک از سوریه و عراق به کشور، مورد عفو قرار خواهند گرفت.

اعلام کرد که با هدف برقرار کردن «خلافت» به تاجیکستان باز خواهد گشت.

### خطر نفوذ داعش در ساختار دولتی تاجیکستان

«آندره سرنکو» کارشناس مرکز مطالعات افغانستان معاصر که در رابطه با گسترش نفوذ گروه داعش در آسیای مرکزی هم تحقیق می کند دلیل پیوستن سرهنگ تاجیک به گروه داعش را گسترش فساد در تاجیکستان و پایین بودن سطح زندگی می داند.

وی بر این باور است که افسران و مقامات بلندپایه نظامی این کشور مجبورند یا به دایره فساد بپیوندند و بخشی از سیستم فاسد شوند یا اینکه به گروههایی بپیوندند که انگیزههایی غیر از رشوه خواری دارند. به نظر آقای سرنکو سرهنگ تاجیک ترجیح داده است به گروه داعش بپیوندد. این کارشناس همچنین تأکید می کند که یارگیری گروه داعش فقط از میان مهاجران کاری تاجیک در روسیه نبوده، بلکه این گروه در ساختار دولتی تاجیکستان هم طرفداری دارد. وی نتیجه می گیرد که گروه داعش در میان نخبگان کشورهای آسیای میانه برای پیوستن به صفوف خود تبلیغ می کند. پیوستن سرهنگ تاجیک به گروه داعش به عقیده این کارشناس جذابیت و نفوذ گروه داعش را نشان می دهد و بزرگترین پیروزی آن گروه در تاجیکستان شمرده می شود.

### انگیزه پیوستن جوانان تاجیک به داعش

به گفته «واحدخان قاصدیناف» یکی از رهبران حزب نهضت اسلامی تاجیکستان، ممنوعیت ورود مردان زیر ۱۸ ساله به مسجد و ممنوعیت آموزش خصوصی قرآن و علوم اسلامی سبب شده است که جوانان تاجیک به صفوف گروه های افراطی بپیوندند.

قاصدیناف می گوید: «دلیل اصلی گرایش مردم به خصوص جوانان تاجیک به داعش این است که آنان دانش اسلامی ندارند و این معلومات دینی را از گروه های افراطی می گیرند. در تاجیکستان عملاً گرفتن معلومات دینی ممنوع شده است. از سوی دیگر نبود اشتغال و نازل بودن سطح زندگی جوانان ما را مجبور کرده است برای یافتن کار به روسیه مهاجرت کنند. این جوانان آسب پذیرند و به دام گروههای افراطی گرفتار می شوند.»

### تبلیغات داعش در میان جوانان

مومن شعر، تحلیلگر مقیم شهر دوشنبه به «تبلیغات داعش و شبکه های اجتماعی» در میان جوانان تاجیک اشاره کرده و می گوید: «تنها عامل پیوستن جوانان تاجیک به گروه داعش فقط فقر، بیکاری و مهاجرت نیست، مشاهده شده



## نماینده پارلمان افغانستان:

# فعالیت داعش در افغانستان بامجوز پاکستان است



خواهد داشت زیرا وقتی پاکستان ناراضی عمومی را از افغانستان می بیند به این نتیجه می رسد که نمی تواند با افغانستان معامله کند و در این صورت دوباره از طالبان و دیگر گروه های تروریستی حمایت می کند که افغانستان را بیش از پیش ناامن کند. وی عنوان کرد: پاکستان در اکثر ناامنی ها افغانستان دست دارد؛ داعش در پیشاور سربرگیری می کند و حتی یک نشریه نیز دارد که در پیشاور به زبان اردو چاپ می شود؛ پاکستان در خاک خود به داعش اجازه فعالیت داده است و اگر داعش در افغانستان نیز فعالیت دارد در نتیجه اجازه ای است که دولت پاکستان به آنها داده است. نماینده مردم هرات در پارلمان افغانستان گفت: نیروهای امنیتی باید با انگیزه بیشتری بجنگند و باید قوی تر شوند. نباید به این فکر کرد که وقتی فرایند صلح به پیش می رود ما جنگ را کنار بگذاریم؛ جنگ افغانستان همواره با کسانی که امنیت کشور را تهدید می کنند ادامه دارد.

نماینده مردم هرات در پارلمان افغانستان گفت: پاکستان در خاک خود به داعش اجازه فعالیت داده است و اگر داعش در افغانستان نیز فعالیت دارد در نتیجه اجازه ای است که دولت پاکستان به آنها داده است. ناهید فرید نماینده مردم هرات در پارلمان افغانستان در خصوص بازگشایی دفتر طالبان در قطر گفت: هرگونه عملی که به فرایند صلح افغانستان کمک بکند مثبت و پسندیده است اما اگر این دفتر به گروه طالبان به عنوان یک دولت مشروعیت ببخشد به هیچ عنوان مورد قبول نیست. وی همچنین درباره تفاهمنامه اطلاعاتی کابل - اسلام آباد گفت: به نظر من تفاهمنامه اطلاعاتی که میان امنیت ملی افغانستان و آی اس آی پاکستان امضا شده است افغانستان را در موقعیت ضعف قرار می دهد زیرا جنگ افغانستان جنگ اطلاعاتی است و پاکستان بزرگترین دشمن افغانستان در این زمینه است. این نماینده پارلمان افغانستان اظهار داشت: تفاهمنامه اطلاعاتی با پاکستان تأثیرات منفی بر فرایند صلح

## نماینده پارلمان افغانستان:

# اصلاح نظام انتخابات افغانستان ضرورتی فوری است



نماینده پارلمان افغانستان گفت: دولت در زمینه اصلاح نظام انتخاباتی سهل انگاری کرده است و اگر به این مساله توجهی نشود اعتماد مردم به انتخابات از دست می رود. سید محمد حسن شریفی بلخابی، نماینده مردم سرپل در پارلمان افغانستان گفت: دولت در زمینه اصلاح نظام انتخاباتی سهل انگاری کرده است و این امر مهم هنوز بدون کمترین توجهی روی زمین مانده است. وی افزود: در توافقتنامه ای که رهبران دولت وحدت ملی بر اساس آن رئیس جمهور و رئیس اجرایی شدند آمده است که بلافاصله بعد از به دست گرفتن زمام کشور نظام انتخاباتی باید اصلاح شود اما در حال حاضر که عملاً هفت ماه از عمر دولت می گذرد به این مساله مهم و سرنوشت ساز توجهی

نشده است. این نماینده پارلمان افغانستان اظهار داشت: انتخابات زیر بنای دموکراسی است و این انتخابات است که مشروعیت نظام را تضمین می کند اما در این زمینه سهل انگاری شده است. وی گفت: اگر رهبران دولت می خواهند امنیت و ثبات دوباره به کشور برگردد و اعتماد مردم دوباره بازسازی شود باید به صورت فوری به مسائلی زیربنایی بپردازند و کمسیون اصلاح نظام انتخاباتی هرچه سریعتر صورت گیرد. نماینده مردم سرپل در پارلمان افغانستان ادامه داد: اگر به صورت فوری روی این مساله کار نشود اوضاع افغانستان رو به وخامت می رود و اعتماد مردم به انتخابات از دست می رود

## گفتگو با نماینده مردم کابل در پارلمان افغانستان:

# توافق امنیتی با پاکستان به ضرر افغانستان است/ تأثیر بر سیاست خارجی



خدشه دار می کند و در سیاست خارجی ما تأثیر گذار است. وی اظهار داشت: من صحبت های رجال سیاسی کشور را تأیید می کنم که آنان نیز مخالف این توافقتنامه هستند. در حال حاضر همکاری امنیتی میان ما و پاکستان به ضرر افغانستان است. وی عنوان کرد: حتی اگر این تفاهتنامه هشتاد درصد به نفع افغانستان و بیست درصد به نفع پاکستان بود در شرایط فعلی مصلحت ها ایجاب می کرد که هیچ گونه توافق امنیتی با پاکستان نداشته باشیم؛ این در صورتی است که این توافقتنامه مطلقاً به نفع پاکستان و به ضرر افغانستان است.

نماینده پارلمان افغانستان گفت: توافقتنامه امنیتی با پاکستان مطلقاً به ضرر افغانستان است و نیروهای امنیتی ما را در موقعیت ضعف قرار می دهد. عبدالقادر وطن دوست نماینده مردم کابل در پارلمان افغانستان در کابل گفت: ما در حال جنگ هستیم و همه می دانند که یکی از مهم ترین عوامل جنگ در افغانستان سازمان اطلاعات پاکستان (ISI) است. وی گفت: در چنین شرایطی تفاهتنامه اطلاعاتی با آی اس آی پاکستان به ضرر افغانستان است و نیروهای امنیتی ما را تضعیف می کند. نماینده مردم کابل در پارلمان افغانستان افزود: این تفاهتنامه روابط حسنه ما با کشورهایی نظیر هند را



- بازی ژئوپولیتیک آمریکا و انگلیس در زمین فیفا
- هیلاری کلینتون؛ نامزد دموکرات با روحیه جمهوری خواهی
- گفتگو با پروفیسور نیکلاس اونف بنیانگذار مکتب سازه انگاری

# آمریکا

دبیران: فرزاد فرهاد توسکی  
مهدی ذوالفقاری





## المانیتور بررسی کرد:

# ایران و ۱+۵ بعد از توافق جامع اختلافات خود را چگونه حل می کنند

انجامیاد، شورای امنیت، دبیرکل سازمان ملل را مأمور کرد تا با تشکیل کمیته ای، متجاوز جنگ را شناسایی کند. علیرغم مواردی از نقض بی طرفی شورای امنیت در جنگ ایران و عراق به نفع صدام، این کمیته به نفع ایران رای داد و بر اساس شواهد و استناد به رای ای از دیوان دوری ایران و آمریکا، عراق را آغازگر جنگ شناخت که آثار حقوقی عمده ای را متوجه این کشور می کند.

با استفاده از آن الگو می توان مکانیزمی برای حل احتمالی اختلاف میان ایران و ۱+۵ زیر نظر دبیرکل سازمان ملل ترتیب داد.

کمیسیون حل اختلاف مشترک: امکان دارد که طرف های توافق جامع اتمی تمایلی به ایجاد یک مکانیزم حقوقی حل اختلاف مشابه موارد گفته شده بالا نداشته باشند. در این صورت تشکیل یک کمیسیون حل اختلاف مشترک با حضور نمایندگان از کشورهای ایران و گروه ۱+۵ و احتمالاً داوران بی طرف باشد، در شما محدود راه های باقی مانده حل اختلاف احتمالی است که گرچه تشکیل آن به سهولت امکان پذیر است اما چون شیوه حل اختلاف در آن عمدتاً بر اراده سیاسی طرفین استوار است، در صورت بروز اختلاف جدی، شکننده یا تغییر در اراده سیاسی یکی از طرف ها، عملاً کارآمدی نخواهد داشت.

**دیپلمات های ایرانی می گویند لغو تحریم های آمریکا باید یکجا و در روز اجرای توافق نهایی صورت گیرد در حالی که آمریکا در تعبیری متفاوت می گوید لغو تحریم ها تدریجی و مرحله ای خواهد بود**

دولت ها در دیوان صلاحیت طرح دعوا دارند و نه سازمان های بین المللی. با این همه در صورت بروز اختلاف احتمالی، مجمع عمومی سازمان ملل می تواند در دیوان درخواستی رای مشورتی (ونه رسیدگی به دعوا) کند که البته به اجماع در میان بیش از ۱۹۰ کشور عضو احتیاج دارد و علی القاعده روندی زمان بر است.

به غیر درخواست رای مشورتی از دیوان، کشورها (و نه سازمان های بین المللی) می توانند خواهان طرح دعوا در دیوان هم بشوند اما لازمه طرح دعوی حقوقی، پذیرش صلاحیت قطعی دیوان است که هم آمریکا و هم ایران با قید تحفظ و به صورت توافقی این صلاحیت را پذیرفته اند. کشورهای طرف توافق می توانند در سند نهایی، صلاحیت دیوان را برای تفسیر و حل اختلاف میان کشورها (و نه مثلاً ادعای ایران و اتحادیه اروپا علیه یکدیگر) بپذیرند اما حتی در این صورت هم حل اختلاف در دیوان روندی بسیار زمان بر است مضافاً بر این که تکلیف اختلاف احتمالی با اتحادیه اروپا روشن نیست.

**مکانیزم ویژه یا تاسیس یک دیوان تازه:** تاسیس یک مکانیزم ویژه داوی نظیر دیوان دوری دعاوی ایران و آمریکا، که به موضوع مشخص تفسیر و اختلافات دو طرف درباره توافق جامع اتمی بپردازد، برای رسیدگی به دعاوی طرفین (چه کشورها و چه اتحادیه اروپا) صلاحیت خواهد داشت.

این شیوه علی القاعده کمتر از رسیدگی توسط دیوان زمانبر است اما هزینه های تازه ای را به طرف های توافق تحمیل می کند و تعیین قضات و آئین نامه رسیدگی قضایی آن هم می تواند محل اختلاف تازه ای میان ایران و گروه ۱+۵ باشد.

تشکیل کمیته زیر نظر دبیرکل: بر اساس قطعنامه ۵۹۸ که پذیرش آن به آتش بس میان ایران و عراقی پس از ۸ سال جنگ

از کار بر روی یک مکانیزم حل اختلاف احتمالی خبر داد و گفت که مراجعه به این ساختار در صورت بروز سوءتفاهم یا اختلاف احتمالی برای جلوگیری از به هم خوردن توافق مهم است.

به نظر نمی رسد که خروج از توافق جامع که با صرف زمان بسیار طولانی و هزینه سیاسی بالا برای هر دو طرف به دست آمده، و بازگشت به دوره ای از تنش و خصومت، مطلوب طرفین باشد برای همین تعیین یک مرجع حقوقی برای تفسیر توافقنامه و حل اختلافات احتمالی تضمین پایداری توافق است و حیاتی به نظر می رسد.

تعیین مرجعی برای حل اختلاف حقوقی احتمالی می تواند شامل یکی از چهار شکل زیر باشد که هر یک حسن و ایراد خاص خود را دارد:

**شورای امنیت:** شورای امنیت سازمان ملل بر اساس منشور ملل متحد مسئول حفاظت و پاسداری از صلح بین المللی است. کشورها در موضوعاتی که اختلاف سیاسی و حقوقی دارند می توانند با مراجعه به شورای امنیت درخواست کمک برای رفع اختلاف کنند (در صورتی که شورا موضوع را در صلاحیت رسیدگی خود بداند) اما این گزینه در صورت بروز اختلاف در اجرای توافق جامع اتمی ایراد شکلی دارد. ۵ کشور از اعضای گروه ۱+۵ عضو دائم شورای امنیت هستند و از همین رو طرف دیگر اختلاف (در اینجا ایران) می تواند شورای امنیت را به عنوان یک مرجع بی طرف برای رسیدگی به اختلاف قبول نکند.

**دیوان بین المللی دادگستری:** اما توافق جامع اتمی میان ایران و گروه ۱+۵ در واقع توافق میان یک کشور و دو نهاد بین المللی (اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل) است. مطابق ماده ۲۴ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، فقط

زمان برای رسیدن به توافق جامع میان ایران و کشورهای ۱+۵ رو به پایان است و در این میان یک سوال جدی وجود دارد و آن اینکه در صورت حصول توافق، اختلافات احتمالی طرفین چگونه حل و فصل می شوند؟

المانیتور در تحلیلی در این رابطه می نویسد: در جریان توافق موقت اتمی میان ایران و گروه ۱+۵ آژانس مرجع فنی بوده و در توافق جامع همچنان خواهد بود اما در توافقات بین المللی که آثار جدی حقوقی برای طرفین به همراه می آورد، مرسوم و لازم است که مرجعی برای تفسیر و حل اختلاف حقوقی و سیاسی احتمالی تعیین شود.

پس از تفاهم ایران و گروه ۱+۵ بر سر مفاد و کلیات توافق نهایی در لوزان، دو طرف تفسیری متفاوت درباره زمانبندی لغو تحریم های یکجانبه آمریکا ارائه کرده اند. دیپلمات های ایرانی می گویند لغو تحریم های آمریکا باید یکجا و در روز اجرای توافق نهایی صورت گیرد در حالی که آمریکا در تعبیری متفاوت می گوید لغو تحریم ها تدریجی و مرحله ای خواهد بود.

به این ترتیب پیش از رسیدن به توافق جامع نهایی، اختلاف نظرهای بروز کرده که می تواند نشانی از بروز احتمالی اختلافات بیشتر در طول دست کم ۱۰ سال آینده باشد که حداقل مدت زمان اجرای توافق جامع است.

پیش از این مذاکره کنندگان ایرانی می گفتند که هرگونه تخطی از اجرای توافق نهایی به معنی از سرگیری فعالیت های متوقف شده ایران (همچون غنی سازی ۲۰ درصدی) است، چنین عملی به معنی شکست در اجرای توافق و بازگشت به نقطه ای است که حتی پیش از توافق موقت وجود داشت.

عباس عراقچی از مذاکره کنندگان ارشد اتمی ایران در جریان یکی از جلسات مربوط به نگارش متن توافق جامع اتمی خبر

## جبهه جدید ضد روسی به بهانه فساد در فیفا بازی ژئوپولیتیک آمریکا و انگلیس؛ این بار در زمین فیفا



۱۳۳ رأی از مجموع ۲۰۹ نماینده کنفدراسیون فوتبال کشورهای حاضر که برای رأی دادن در دور اول انتخابات فیفا در این جلسه حضور داشتند، به بلاتر رأی دادند که به معنی اعلام موافقت حدود ۶۴ درصد از اعضای برای ریاست وی است. از آنجایی که این عدد از دو سوم آرا مورد نیاز برای اطمینان از پیروزی قاطع در دور اول انتخابات (۶۷ درصد) اندکی کمتر است، دور دوم رأی گیری در دستور کار قرار گرفت.

با این حال علیرغم کسب اکثریت آراء توسط بلاتر، وی کماکان برای اعلام استعفا خود تحت فشار بود. پس از انتخاب مجدد وی، تلاش جمعی از سوی رسانه‌های همسو مانند نیویورک تایمز، ای بی سی نیوز و رویترز از آغاز و سعی شد تا با انتشار مطالبی، این مطلب به افکار عمومی القاء شود که بلاتر توسط مسئولین آمریکایی مورد تحقیق و تفحص جنایی قرار گرفته است.

در ادامه این نقشه و پیش از تحقیق از بلاتر، پلیس آمریکا و سوئیس در اقدامی مشترک در ۲۷ می سال جاری به دستگیری ۷ مسئول فیفا در زوریخ به عنوان «مظنونین» به فساد مبادرت و این افراد را برای ادامه تحقیقات به آمریکا فرستادند.

یک نکته مهم به افشای حقیقت در برنامه ریزی آمریکا در طراحی این بازی ژئوپولیتیک کمک می‌کند. آمریکا اقدامات خود برای بازجویی از «مظنونین» را درست در زمانی شدت بخشید که تحقیقات جداگانه‌ای توسط مقامات سوئیس در خصوص اعطای میزبانی مسابقات جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ به روسیه

نه تنها از عدم میزبانی جام جهانی فوتبال در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ ناراحت هستند بلکه تلاش‌های خود برای اعمال فشار بر روسیه از طریق فیفا را نیز موثر و کافی نمی‌دانستند. آنچه کمپین آمریکا در درون فیفا و علیه رئیس فیفا را به وجود آورد و نتیجه آن کودتا علیه بلاتر را به نتیجه رساند، امتناع فدراسیون بین‌المللی فوتبال از تحریم روسیه بود.

آمریکا و متحدان اروپایی اش چگونه می‌توانند میزبانی روسیه برای جام جهانی سال ۲۰۱۸ را تحمل کنند؟ حمله واشنگتن به فیفا چگونه شکل گرفت؟ تنها چند روز از انتخابات مجدد «جوزف بلاتر» در ۲۹ می سال ۲۰۱۵ با رأی اکثریت نمایندگان حاضر در ۶۵مین جلسه فیفا، وی در اقدامی غیرمنتظره در ۲ ژوئن سال جاری اعلام کرد که قصد دارد تا از ریاست این فدراسیون بین‌المللی کناره‌گیری کند.

محافل خبری و تحلیلی در سراسر جهان این حرکت را غیر معمول و عجیب دانستند؛ چرا که انتخاب مجدد بلاتر در شرایطی به وقوع پیوست که او توانسته بود در برابر فشارهای متعددی از سوی آمریکا و شرکای اروپایی اش برای عدم اعلام نامزدی اش در انتخابات مقاومت جانانه‌ای کرده و برای دوره پنجم نیز سکانت این نهاد پر مخاطب را به دست گیرد.

بلاتر در یک کنفرانس خبری در مقر فیفا در زوریخ سوئیس اعلام کرد که دلیل تصمیم اش برای استعفا این است که دیگر از حمایت‌های جمعی برخوردار نیست و لذا قصد ندارد به ریاست فیفا ادامه دهد.

**در انتخابات فیفا چه گذشت؟**

روسیه بدل شده است. نبردها در عرصه انرژی و پول اکسون رینگ و سوی تازه‌ای به خود گرفته و در قالب جدید مبارزه در پوشش فیفا علنی شده است. پر واضح است که «جوزف بلاتر» نیز قربانی بازی ژئوپولیتیک آمریکا و انگلیس در زمین فیفا محسوب می‌شود.

سیاستمداران و علاقه‌مندان به فوتبال به یاد دارند در سال ۲۰۰۵ بلاتر در بازی شطرنج ژئوپولیتیک آمریکا قرار نگرفت؛ به گونه‌ای که فیفا درخواست وزارت امور خارجه آمریکا درباره ممانعت از شرکت ایران در جام جهانی سال ۲۰۰۶ را نپذیرفت. نمونه‌ای دیگر از این دست، رد تقاضای آمریکا از فدراسیون برای عدم پذیرش فلسطین است.

قرار دادن درخواست‌های فلسطین برای تعلیق رژیم صهیونیستی بر مبنای منطقی تجاوز این رژیم به فلسطین و قتل‌عام زنان و کودکان در بند پانزدهم دستور جلسه ۶۵مین مجمع فیفا را نیز می‌توان به فهرستات قبل اضافه نمود. چند روز قبل از تشکیل این جلسه، بلاتر در یک سفر کاری و با انجام مذاکراتی جداگانه با «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس مسأله را حل و فصل کرد و در نتیجه آن فلسطینیان از درخواست تعلیق فدراسیون فوتبال این رژیم صرف‌نظر کردند. با این اقدامات گویا تحمل آمریکا و متحدانش از رئیس فدراسیون جهانی فوتبال به نقطه پایانی خود رسیده است.

ماجرا به اینجا نیز ختم نشد. آمریکا و انگلیس

آمریکا و انگلیس که تلاش‌های خود برای کسب میزبانی جام جهانی فوتبال را شکست خورده می‌بینند، با طراحی جنجال‌های اخیر، اقدامات خود را بر لغو میزبانی روسیه متمرکز کرده‌اند.

آمریکا و همیمانان اروپایی اش به ویژه انگلیس وقتی نتوانستند میزبانی جام جهانی فوتبال در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ را به دست آورند، فشارهای خود را برای لغو میزبانی روسیه در بازی‌های سال ۲۰۱۸ بر «جوزف سیس بلاتر» رئیس فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) وارد آوردند و زمانی که از بلاتر هم‌نایم شدند، تلاش کردند اهداف خود را در قالب یک «بازی ژئوپولیتیک در زمین فیفا» به انجام رسانند و او را مجبور به استعفا نمایند.

گلوبال ریسرچ در یک گزارش تحلیلی به واکاوی علل و عوامل پیدا و پنهان در رخ داده‌های اخیر در فیفا پرداخته و نوشته است: تردیدی نیست که فساد در فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) در دهه‌های گذشته نیز وجود داشته است. سال‌هاست رشوه و معاملات پشت پرده در این نهاد متولی پربیننده‌ترین ورزش دنیا وجود داشته، اما چرا آمریکا به تازگی از لزوم تحقیقات درباره فساد بزرگ در فیفا سخن گفته و موجب شده تا تحولات ویژه‌ای در فدراسیون ایجاد شود؟

واقعیت آن است که بر اساس شواهد و قرائن بیشمار، فساد و دستگیری‌های اخیر با مسائل ژئوپولیتیک در ارتباط بوده است. در حال حاضر فیفا به جبهه جدیدی برای جنگ آمریکا و متحدانش با کشورهای مانند



بر این اساس از آنجایی که آمریکا و انگلیس تلاش‌های خود برای کسب میزبانی بازی‌های جام جهانی را شکست خورده دیدند، با طراحی جنجال‌های اخیر، اقدامات خود را بر لغو میزبانی روسیه و قطر متمرکز کردند.

شاهزاده «علی‌ابن‌حسین» که رئیس کنفدراسیون فوتبال اردن نیز بود، از ماه‌ها قبل از انتخابات توسط ائتلاف آمریکا و متحدان اروپایی اش به عنوان رقیبی برای بالاتر مورد حمایت جدی قرار گرفت و این کشورها ریزنی‌های گسترده‌ای را برای پیروزی وی به جای بالاتر انجام داده بودند. این پایگاه تحلیلی نتیجه‌گیری خود را بر اساس حقایق فوق چنین عنوان کرده است: تمام جنجال‌ها درباره رخدادهای فیفا، مسأله فساد یا حمایت از جایگاه این نهاد نیست؛ آنچه مطرح است، بازی ژئوپولیتیک غرب برای استعمار نوین جهان است. در واقع جوزف بالاتر چون از لغو میزبانی روسیه برای بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۸ خودداری کرد، مجبور به استعفا شد.

دستگیری‌ها در فیفا؛ اعمال فشار به آمریکای لاتین برای مخالفت با روسیه تمامی ۷ مسئولی که پیش از انتخابات دستگیر شدند از امرکای لاتین بودند که ناخشنودی و واکنش کنفدراسیون آمریکای جنوبی را به همراه داشت. پایگاه تحلیلی «وایر» دلایل هدف قرارگرفتن مسئولین فیفا با اصالت آمریکای لاتین را با طرح سوالاتی در این خصوص افشا کرد: چرا آمریکا و متحدانش تنها مقامات کنفدراسیون ما را دستگیر کردند؟ و چرا در سوئیس؟ چرا از طریق پلیس بین‌الملل و با برقراری تماس با دولت‌های آمریکای لاتین این کار را انجام ندادند؟ تمامی وقایع از تلاشی سازمان یافته برای حذف روسیه از میزبانی جام جهانی سال ۲۰۱۸ حکایت دارد. این پایگاه تحلیلی حضور اف بی آی، پلیس سوئیس و برخی از گزارشگران غربی برای دستگیری افراد مذکور به علاوه ذکر به هیأت نمایندگی آمریکای لاتین در خصوص عدم حمایت از بالاتر را اسنادی روشن از یک طراحی حساب شده می‌داند.

هندوراس در سال ۱۹۶۹ است. غیر از استرالیا، تمامی ۴۷ عضو کنفدراسیون فوتبال آسیا (ای اف سی)، به بالاتر رأی داده و در زمان اعلام رسوایی در فیفا نیز با انتشار بیانیه‌ای بر حمایت خود از وی تأکید کردند. همه ۴۴ عضو کنفدراسیون فوتبال آفریقا (سی اف اف) هم با حمایت از بالاتر به وی رأی دادند. روزنامه اکونومیست در گزارشی اعلام کرد: یک چهارم از اعضای کنفدراسیون فوتبال اروپا (یو اف ای) بدون توجه به درخواست رئیس خود به بالاتر رأی دادند. جدا از حمایت‌های روسیه، اسپانیا و احتمالاً فرانسه از بالاتر، ۱۸ عضو این کنفدراسیون نیز مانند ارمنستان، بلاروس، فنلاند و قزاقستان به نفع بالاتر به میدان آمده بودند.

در کنفدراسیون قاره آمریکا نیز آمریکا و کانادا تنها مخالفان بالاتر بودند و سایر کشورهای آمریکای مرکزی و حوزه کارائیب از وی حمایت کردند. با در نظر گرفتن این آمارها می‌توان از طراحی یک نقشه برای به نتیجه رساندن تلاش‌های ضد بالاتر پرده برداشت.

و ۲۰۲۲ به قطر در جریان بود. گویا فیفا هیچ علاقه‌ای به عقب نشینی از تصمیم خود در این میزبانی‌ها و اجرای نسخه بازی آمریکایی علیه روسیه نشان نمی‌داد. جالب این است بدانیم که زمان این حملات و دستگیری‌ها دقیقاً ۲۴ ساعت پیش از آغاز انتخابات فیفا بود. این امر به این معنی است که آمریکا تیرهای خود برای جلوگیری از بازانتخاب بالاتر را شلیک کرده بود.

بالاتر نیز در واکنش صراحتاً پاسخ داد: هیچ کس نیست که باور کند این اتفاقات هم زمان تصادفی ساده است؛ حملات و دستگیری‌های آمریکا آن هم پیش از انتخابات نشانه خوبی نیست.

### تلاش برای سیاسی سازی فیفا و تفرقه در جهان

ترسیم رقابت‌ها و تقسیمات ژئوپولیتیکی خود را در فیفا بهتر نشان می‌دهد. آنچه اکنون در وراي تحولات فدراسیون بین‌المللی فوتبال می‌گذرد، یادآور جنگ «ساکر در برابر فوتبال» میان السالوادور و

گفتگو: جواد حیران نیا - مریم خرمائی

### فیلسوف آمریکایی:

## آمریکارشد اقتصادی خود را مرهون نظام برده‌داری است

**آیا حاکمیت سرمایه داری و تداوم آن در نظام سیاسی و اقتصادی آمریکا باعث به وجود آمدن نوعی تبعیض علیه سیاه پوستان نبوده است؟**

در ارتباط با نژاد، تأثیرات اقتصادی کاپیتالیسم می‌تواند از خلال عبارت «داریی خالص» که از واژگان کلامی همین سیستم است تعریف شود. تحقیق مرکز آمار آمریکا که در سال ۲۰۱۱ انجام شد میانگین داریی خالص مردم این کشور را بر حسب قومیت مشخص کرد. بر این اساس، شکاف ثروت بین قشر سفید آمریکا و اقلیت‌های نژادی این کشور از افزایش چشمگیری نسبت به گذشته برخوردار بوده است. در این تحقیق، مشخص شد که میان داریی خالص یک خانواده سفید پوست آمریکایی تقریباً ۱۱۳ هزار دلار است حال آنکه ارزش این داریی برای یک خانواده لاتین تبار ۶ هزار و سیصد دلار برآورد می‌شود و این مقدار برای یک خانواده سیاه پوست به ۵ هزار و ۷۰۰ دلار می‌رسد. واقعیت تکان دهنده آن است که میان داریی خالص یک خانم مجرد و سیاه پوست یک دلار است. این ارقام تا حد زیادی محصول قدرت‌های اقتصادی برخاسته از نظام آشفته سرمایه داری است.

در توضیح بیشتر تأثیر کاپیتالیسم بر رفتار جامعه آفریقایی تبار آمریکا می‌توان به رسوایی وام‌های بی‌پشتوانه مسکن اشاره کرد که به رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ دامن زد و به ویژه جامعه سیاه آمریکا را متاثر کرد و این همان مطلبی است که مطالعه آماری بالا با نمایش سقوط میزان داریی خانواده‌های سیاه پوست سعی به انعکاس آن داشت. در این دوره، جامعه آفریقایی تبار آمریکا در مقایسه با همه ادوار تاریخ به استثنای زمان رواج برده داری با فقر بیشتری دست به گریبان بود. در واقع، اعطای وام‌های مسکن بی‌پشتوانه با انگیزه بهره‌کشی نژادپرستانه صورت گرفت و جوامع انسانی را با وعده تملک مسکن به قیمت اقساط مورد هدف قرار داد - وعده‌ای که در کوتاه مدت جالب بود حال آنکه عواقب اقتصادی بلند مدت آن بسیار مخرب از کار درآمد. این وام‌ها که بعدها به شکل مشتقات خطر آفرین و قابل معامله در بازارهای بین‌المللی عرضه شد تا حد زیادی مسبب رکود اقتصاد جهان بود.

### نسبتی دید؟

کاپیتالیسم یا همان نظام سرمایه داری در هر دو شکل تاریخی و معاصر از عنصر تبعیض نژادی به طرق مختلف سود برده است. فقر اقتصادی گروه‌های اقلیت در ابعاد داخلی و بین‌المللی نخستین مسئله‌ای است که در کشورهای در حال توسعه به چشم می‌خورد. منافع ملت‌های ثروتمند در هر دو این ابعاد به بهره‌کشی از قشر فقیر طبقه کارگر وابسته است.

اگرچه کاپیتالیسم در ایده آل گرای خود بر یک سطح هموار به مثابه یک زمین بازی بنا شده و مشوق سیستمی با رهبری نامشخص است که صرفاً بر سودآوری تکیه دارد، این ایده آل گرای موفق به توضیح این مطلب نیست که چگونه این زمین بازی مسطح فقط به سرگرمی توانگران و رهبرانی اختصاص یافته که معرف منافع قشر ثروتمند هستند. کاپیتالیسم در ایده آل خود بر تبعیض مالی یا منکی بر ثروت بنا شده است اما در عمل مایه تشدید تبعیض نژادی است. به معنای دیگر، نظام سرمایه داری از تبعیض بهره می‌برد که در آن نژادپرستی مسبب تفرقه احتمالی در طبقه کارگر می‌شود. به این ترتیب، به جای تمرکز بر هویت طبقاتی، نژادپرستی تقسیم‌بندی‌های نامعولانه‌ای را در بین مردمی ایجاد می‌کند که از منافع اقتصادی مشترکی در رابطه با طبقه حاکم بر جامعه برخوردار هستند.

در همان حال که اقشار فقیر جامعه از سفید گرفته تا سیاه، لاتین تبار، آسیایی تبار و عرب تبار به شیوه‌ای غیر سازنده به دشمنی با هم می‌پردازند، قشر مرفه می‌تواند با بهره‌گیری از وضعیت موجود به غارت‌گری خود ادامه دهد. به این طریق می‌توان مسئله تبعیض اقتصادی را به تبعیض نژادی تغییر داد. در عین حال، باید به این نکته توجه کنیم که نوعی تبعیض اساسی وجود دارد که از اصول نظری کاپیتالیسم ریشه می‌گیرد و به بهره‌کشی نظام سرمایه داری دامن می‌زند. با احتساب این مورد اخیر، کاپیتالیسم بر آرمان به حد اکثر رساندن میزان سود بنا شده است و این طبیعتاً موجب نابرابری منجر به تبعیض می‌شود. به این ترتیب، سیستم بر پایه نابرابری منابع اقتصادی و بهره‌کشی کلان دولت حاکم از همان منابع بنا شده است.



پروفیسور «کوین ریچاردز» معتقد است که سایه نژادپرستی همچنان بر سر اغلب آمریکایی‌ها سنگینی می‌کند که از آن میان می‌توان به خشونت پلیس، ارباب‌مظنونین و همچنین بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی اشاره کرد. بررسی نسبت سرمایه داری و تبعیض (تبعیض نژادی) را در گفتگو با پروفیسور «کوین ریچاردز» مورد بحث و بررسی قرار داده ایم که در ادامه از نظر می‌گذرد. کوین ریچاردز رئیس دانشکده هنر آکادمی هنرهای زیبای پنسیلوانیای آمریکاست که مقالات متعددی با موضوعات، هنر قرن نوزدهم، هنر معاصر، ادبیات و غیره دارد. وی مؤلف کتاب «دریدای دوباره چارچوب بندی شده» است.

**نظریه پردازان چپ از جمله «ایمانوئل والرشتاین» معتقد هستند که سرمایه داری (کاپیتالیسم) چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی به استثمار «پیرامون» مشغول است. پیرامون در داخل هر واحد سیاسی طبقه کارگر تعریف می‌شود و در بعد خارجی، کشورهای پیرامونی (جهان سوم) در حال توسعه - کشورهای فقیر. بر این اساس آیا می‌توان میان سرمایه داری و تبعیض نژادی به ویژه در آمریکا**

## نامزدهای دموکرات ریاست جمهوری آمریکا؛ هییلاری کلینتون؛ نامزد دموکرات بارو حیه جمهوری خواهی

گزارش: مریم خرماتی



از هم اکنون خیلی‌ها منتظرند تا ببینند آیا بر حسب سنت شکنی «هییلاری کلینتون» به عنوان زنی که خواهان نقش آفرینی بیشتر در عرصه جهان است درهای کاخ سفید را برای سومین دور متوالی به روی دموکراتها خواهد گشود.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در تاریخ ۸ نوامبر سال میلادی آینده یعنی ۲۰۱۶ برگزار خواهد شد اما درهای این رقابت حساس تقریباً از دو ماه پیش به روی نامزدهای مشتاقی که خواهان هدایت سکان قدرت کاخ سفید هستند باز شده است و ما یک به یک شاهد ورود چهره های سیاسی آمریکا به گود انتخابات ریاست جمهوری هستیم تا در فرصت نسبتاً طولانی که پیش رو دارند خود را برای نبرد نهایی آماده کنند.

طولانی بودن مسیر تبلیغات ریاست جمهوری آمریکا که تقریباً دو سال به طول می انجامد از پیچیدگی های نظام انتخاباتی این کشور ناشی می شود که در فرصت مناسب به آن پرداخته خواهد شد؛ اما فی الحال تمرکز ما بیشتر بر روی دو مرحله ای بودن انتخابات و حذف همه رقبای به نفع دو نامزدی است که از توانمندی بیشتری برای مقابله با هم برخوردار هستند.

مرحله مقدماتی جنبه داخلی دارد و در آن هر یک از احزاب مطرح آمریکا به ویژه جمهوری خواه و دموکرات، سنگ اختلافات درون حزبی را و اما می کنند؛ به این ترتیب که از هر جناح چند نامزد با یکدیگر به رقابت می پردازند تا در نهایت نامزد برنده را برای مواجهه با برنده نهایی از حزب مخالف به میدان کارزار اصلی بفرستند.

تا به این جای امر، ۱۰ نامزد جمهوری خواه با هدف آزمودن بخت خود برای راهیابی به رقابت ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ پا به میدان گذاشته اند و احتمال می رود تعداد آنها به ۱۵ نفر هم برسد. در مقابل، از حزب دموکرات ۴ نفر رسماً اعلام آمادگی کرده اند که ممکن است تعداد آنها نیز به ۶ نفر افزایش یابد.

در گزارش پیش رو با هدف جمع بندی وقایعی که تا به حال در صحنه انتخاباتی آمریکا روی داده است سعی می شود تا در چند بخش به صورت اجمالی ضمن پرداختن به برجسته ترین شعارهای احتمالی هر یک از احزاب به معرفی مهمترین نامزد های هر دو حزب بپردازیم و نقاط ضعف و قدرت آنها در نبرد با دیگر رقبای به تصویر بکشیم.

در این بخش تمرکز ما بیشتر بر روی حزب دموکرات و قابلیت های «هییلاری ردهام کلینتون» نامزد اصلی جناح چپ و وزیر اسبق امور خارجه آمریکا است. چهره ای شناخته شده که خواهان تکیه زدن بر مسند قدرت آمریکا به عنوان نخستین رئیس جمهور زن در این کشور است و ادعا می کند که می تواند سنت تناوب قدرت در آمریکا را که هر هشت سال یک بار میان دو حزب جمهوری خواه و دموکرات دست به دست می شود بشکند.

پتانسیل های حزب دموکرات در رقابت

برتری که هییلاری نسبت به جمهوری خواهان دارد توانایی وی به جذب جامعه زنان به ویژه زنان قشر کارگر است. علاوه بر این، با توجه به ضعف جمهوری خواهان در برآورده کردن نیازهای اجتماعی مردم، موضوعاتی مثل مهاجرت و آموزش می تواند رای دهندگان مستقل (آنهاهی که گرایش سیاسی به هیچ یک از دو حزب جمهوری خواه و دموکرات) را نوازند به طرفداری از وی ترغیب کند. با همه این اوصاف، آنچه که بیش از همه مایه ضعف حزب جمهوری خواه در رقابت با هییلاری است را می توان در تغییرات جمعیت شناسی در بسیاری از ایالت های کلیدی آمریکا جستجو کرد.

نکته ای که هییلاری را در این برهه از زمان تا حد زیادی متمایز از کاندیداهای هر دو حزب می کند روحیه تهاجمی منحصر به فردی است که وی دارد- روحیه ای که هییلاری را از قالب سنتی مدارا که از ویژگی های حزب دموکرات است جدا کرده و جاذبه ای جمهوری خواهانه به وی می دهد. از این رو انتظار می رود که هییلاری در زمینه سیاست خارجی که اصلی ترین حوزه مانور جمهوری خواهان است دست کمی از آنها نداشته باشد.

از هم اکنون خیلی‌ها منتظرند تا ببینند هییلاری در مقام کاندیدی ریاست جمهوری آمریکا تا چه اندازه با هییلاری که زمانی سمت وزیر امور خارجه دولت اوباما را داشت متفاوت است و پاسخ وی به سوالاتی نظیر احتمال دخالت نظامی در سوریه، اعزام نیروی زمینی به عراق، ارسال سلاح تهاجمی به اوکراین و تحکیم قوای آمریکا در دریای چین شرقی چه خواهد بود؟

باید گفت که گمانه زنی ها به این سمت و سو پیش می رود که هییلاری در حل چالش های آتی سیاست خارجی آمریکا به مراتب از اوباما جنگ طلب تر است. وی دموکراتی است با خلق و خوی جمهوری خواهان. البته ناگفته نماند که حادثه حمله به سفارت آمریکا در لیبی و افشای سهل انگاری وی در ارسال مکاتبات دولتی از طریق ایمیل شخصی از جمله نکاتی است که حزب جمهوری خواه برای زیر سؤال بردن روبرگرد هییلاری در سیاست خارجی به آنها استناد می کند.

البته این هم چالشی نیست که نتوان آن را مدیریت کرد به ویژه در مورد دوم چراکه از قرار تصمیم هییلاری به انتشار مکاتبات خود بار تبلیغاتی مثبتی را برای وی به همراه داشته است.

در مقابل، مشکلی که هییلاری در این انتخابات پیش رو دارد بیشتر از رویکردهای درونی حزب دموکرات ناشی می شود. آیا هییلاری می تواند بر مشکلات مدیریتی و راهبردی کمپین خود غلبه کند تا مبادا مشکلات سال ۲۰۰۸ مجدداً تکرار شود؟ آیا هییلاری که حالا یک زن سالخورده است می تواند حمایت مخاطبین جوانی را که اوباما دلشان را با خوش مشربری برد، جلب کند؟ آیا هییلاری می تواند از حصار گذشته رها شود و آینده را برای مردم آمریکا ترسیم کند؟

است و تمرکز هییلاری کلینتون به عنوان مهمترین نامزد دموکرات این دوره بر روی نابرابری درآمد و سامان دادن به وضعیت قشر متوسط جامعه است.

پیام های اقتصادی وی به ویژه بر روی قشر مؤثر متمرکز خواهد بود و شامل افزایش حداقل حقوق، حق عابله مندی و پوشش مخارج درمانی، آموزش پیش دبستانی و هزینه نگهداری از کودکان است.

به نظر نمی آید که هییلاری در انتخابات مقدماتی - که بین اعضای حزب دموکرات برای تعیین نامزد نهایی صورت می گیرد - مشکلی داشته باشد اما در انتخابات نهایی وی باید بر روی جذب حمایت آراء جوانان و سیاه پوستان که در دو انتخابات پیشین عمدتاً به «باراک اوباما» رای دادند تمرکز کند.

علاوه بر این، وی باید به دنبال جلب حمایت زنان سفید پوست طبقه کارگر و همبسطور زنان تحصیل کرده ساکن در حومه شهرهای بزرگ هم باشد. هییلاری به احتمال زیاد با جلب آراء مردان سفید پوست طبقه کارگر مشکل خواهد داشت چرا که آنها به تدریج از حزب دموکرات فاصله گرفته اند هر چند تعدادی از آنها به دلیل علاقه به «بیل کلینتون» ممکن است به هییلاری به عنوان همسر وی رای دهند.

جلب حمایت جامعه هیسپانیک یا لاتین تبار هم از اهمیت ویژه ای برای هییلاری برخوردار است. آنها در انتخابات مقدماتی سال ۲۰۰۸ به طور چشمگیری هییلاری را به باراک اوباما ترجیح دادند اما فی الحال با توجه به تعلیق لایحه تسهیل مهاجرت و حق شهروندی، هییلاری باید برای راضی کردن آنها در ایالت های کلیدی مثل کلورادو و فلوریدا زحمت بیشتری بکشد.

ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا پیام داخلی همه نامزدهای دموکرات در انتخابات سال ۲۰۱۶ مبارزه با نابرابری درآمد و سامان دادن به وضعیت قشر متوسط جامعه آمریکا است. اما در بعد خارجی، نکته ای که هییلاری را در این برهه از زمان تا حد زیادی متمایز از کاندیداهای هر دو حزب می کند روحیه تهاجمی منحصر به فردی است که وی دارد- روحیه ای که هییلاری را از قالب سنتی مدارا که از ویژگی های حزب دموکرات است جدا کرده و جاذبه ای جمهوری خواهانه به وی می دهد. از این رو انتظار می رود که هییلاری در زمینه سیاست خارجی که اصلی ترین حوزه مانور جمهوری خواهان است دست کمی از آنها نداشته باشد.

حزب دموکرات تاکنون چهار نامزد اصلی را معرفی کرده است که عبارتند از: «برنی سندرز» سناتور سوسیال دموکرات ایالت ورمونت، «مارتین اومالی» فرماندار سابق ایالت مریلند که از چهره ای کارزماتیک برای جذب جوانان برخوردار است، «لینکلن چافی» فرماندار پیشین ایالت رود آیلند و جمهوریخواه سابق که از مخالفین سرسخت جنگ عراق بود و در نهایت هییلاری کلینتون که سوابق شناخته شده ای دارد و می توان گفت از هم اکنون با اختلافی حدوداً ۶۰ درصدی از سایر هم حزبی های خود پیش است و انتظار نمی رود که حتی اگر «جو بایدن» معاون رئیس جمهور هم پا به میدان رقابت بگذارد تغییری در این رقم حاصل شود.

پیام مشترک حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، تلاش برای بهبود شرایط قشر متوسط جامعه، مبارزه با نابرابری دستمزد، افزایش سقف حقوق، ترغیب گرایش به اتحادیه های کارگری و مبارزه با بدهی ناشی از وام های دانشجویی



بنیانگذار مکتب سازه‌انگاری روابط بین‌الملل:

## آمریکا سیاست خارجی کلان ندارد/هراس و اشنگتن از قدرت یابی چین

گفتگو: جواد حیران نیا و پیمان یزدانی



پروفسور «نیکلاس اونف» معتقد است که بر اساس تصویر و ذهنیتی که آمریکا نسبت به چین دارد، ایالات متحده از قدرت یابی یکن‌نگران است و هراس دارد. دولت آمریکا در ابتدای سال جاری میلادی بازبینی جدید راهبرد دفاعی خود برای قرن ۲۱ را اعلام کرد که بخشهایی از آن در رسانه‌ها اعلام شد. یکی از مهم‌ترین نکات مطرح شده در راهبرد مذکور تأکید بر انتقال تمرکز آمریکا از خاورمیانه و خلیج فارس به شرق آسیا و با هدف مهار توان رو به رشد چین در حوزه نظامی و اقتصادی بود.

جوزف نای از نظریه پردازان روابط بین‌الملل و واضع نظریه قدرت نرم معتقد است که چرخش به آسیا از نوع چرخش به آسیا (pivot to Asia) نیست بلکه این چرخش به معنای موازنه‌سازی مجدد (Re-balancing) است. یعنی آمریکا در آسیا برای مقابله با چین به موازنه‌سازی مجدد رو خواهد آورد و در آسیا به دنبال شرکایی خواهد بود تا بتوان چین را مهار کند.

اساساً وقتی از قدرت یابی چین در آسیا صحبت می‌شود معنای ضمنی آن این است که این قدرت یابی اقتصادی به قدرت یابی نظامی تعبیر می‌شود. در همین رابطه گفتگویی با پروفسور «نیکلاس اونف» بنیانگذار مکتب سازه‌انگاری (جامعه‌شناسی تاریخی) در روابط بین‌الملل انجام شده است که در ادامه از نظر می‌گذرد.

|| بر اساس نظریه سازه‌انگاران، ظهور و قدرت یابی چین بستگی به تصور و ذهنیت آمریکا از این کشور دارد. در حال حاضر بر اساس تصورات موجود، آیا به نظر شما ظهور چین تهدیدی برای آمریکا است؟

تصویر و ذهنیات شاید لغت درستی در اینجا نباشد. مردم در بستر فرهنگی عمل می‌کنند که تأثیر چشمگیری در آنچه که آنها انجام می‌دهند دارد و این مسئله درباره رهبران دولتی و عامه مردم آنها نیز کاربرد دارد. دهه‌ها است که چین و آمریکا رفتارهای ابهام‌آمیزی در قبال هم داشته‌اند. این به معنای این است که این دو کشور تصویر شفاف و مثبتی از یکدیگر نساخته‌اند.

بعضی وقت‌ها فضای فرهنگی بین آنها خصمانه بوده است (که بسیاری از طرفداران سازه‌انگاری این موضوع را در قالب اصطلاحات «هنجار» و «هویت» مورد بررسی قرار داده‌اند). تغییرات در آن فضا به احتمال زیاد در روابط سستی که میان دو کشور وجود دارد معنا پیدا می‌کند که این مبنای خوبی در قالب ظهور چین برای آمریکا یعنی ترس از قدرت یابی) معنا یافته است.

در بسترهای فرهنگی و تجاری رفتار رهبران دولت‌ها می‌تواند نگرانی‌مبتنی بر آگاهی باشد. اینکه رهبران کنونی و آینده دو کشور بخواهند چنین کاری را نکنند موضوعی است که باید منتظر ماند و دید.

|| برخی معتقد هستند که ظهور چین آمریکا را وادار کرده است تا به دنبال شرکا و متحدان جدیدی در آسیا از قبیل هند باشد. آیا ظهور چین اینقدر برای آمریکا جدی است که سعی کند صف‌آرایی‌های جدیدی در منطقه ایجاد کند؟

اگر یک چارچوب مفید برای سیاست خارجی آمریکا وجود داشته باشد، ممکن است افزایش نگرانی‌ها در خصوص هژمونی منطقه‌ای باشد. از نگاه من، این چارچوب از زمان پایان جنگ سرد در جریان بوده است اما سرعت ناظران در تشخیص آن کم بوده است.

قطعا دولت آمریکا نگران هژمونی‌های منطقه‌ای هم در شرق آسیا و هم در خاورمیانه است و از نظر تئوریک می‌توانیم بگوییم که دولت آمریکا در چنین مناطقی یک سیاست مهار انتزاعی (نه عملی) دارد. با اینحال گزینه متحدها هم با توجه به شرایط می‌تواند متغییر باشد.

|| با در نظر گرفتن عصر وابستگی متقابل پیچیده (complex interdependency) و روابط اقتصادی و تجاری و مالی بین آمریکا و چین، آیا اساساً صف‌بندی‌های جدید می‌تواند به نفع این دو کشور باشد؟ هیچ کشوری دارای منافع متحدالشکل و عمومیت یافته نیست. این ساده‌سازی ناظران است. هر کشوری سیاست‌های متنوع خود را که کارایی چند منظوره داشته باشد دارا است.

یک سوال گشوده است و جواب مشخصی ندارد. قطعا یک ناظر که در آمریکا است همواره تحت تأثیر اعلامیه‌های مستمر دولت آمریکا و رسانه‌های این کشور درباره خاورمیانه است. به طور کلی در خصوص سیاست خارجی آمریکا در زمان کنونی باید گفت که این سیاستها موردی هستند و در خصوص موضوعات خاص ما با سیاست‌گذاریهایی مواجه هستیم و نه اینکه یک سیاست کلان موجود باشد و سیاستهای خرد از رهگذر آن قابل فهم باشند.

در جهان پیچیده کنونی که در آن تحولات متفاوتی که نیازمند پاسخ دولت هستند وجود دارد این تصمیمات موردی موجب شده است تا شک کنیم که دولت آمریکا دارای سیاست کلان معناداری است.

«نیکلاس اونف» بنیانگذار نظریه اجتماعی روابط بین‌الملل (سازه‌انگاری) در روابط بین‌الملل و استاد بازنشسته دانشگاه فلوریدای آمریکاست. او در دانشگاههای مطرحی چون پرینستون، امریکن و کلمبیا تدریس کرده است. «اونف» مفهوم سازه‌انگاری را از علوم اجتماعی وارد این حوزه مطالعاتی کرد و توسط افرادی چون الکساندر ونت، کاترینتین و سایرین بسط و توسعه داده شد. از وی آثار و کتابهای بی‌شماری در حوزه روابط بین‌الملل به چاپ رسیده است. کتاب-جهانی که ما می‌سازیم- از جمله آثار وی است که حوزه نظریه پردازی روابط بین‌الملل را دچار تغییر و تحولی جدی کرد.

سازه‌انگاری نظریه‌ای اجتماعی به شمار می‌رود. سازه‌انگاری یک روش‌شناختی قدیمی است که دست کم به آثار قرن هجدهم گیامبیتستا ویکو بر می‌گردد. این نظریه در حوزه روابط بین‌الملل نیز مباحث جدی را وارد کرده است.

**مردم در بستر فرهنگی عمل می‌کنند که تأثیر چشمگیری در آنچه که آنها انجام می‌دهند دارد و این مسئله درباره رهبران دولتی و عامه مردم آنها نیز کاربرد دارد. دهه‌ها است که چین و آمریکا رفتارهای ابهام‌آمیزی در قبال هم داشته‌اند. این به معنای این است که این دو کشور تصویر شفاف و مثبتی از یکدیگر نساخته‌اند**

|| آمریکا تمرکز سیاست خارجی خود را از خاورمیانه به منطقه آسیا و اقیانوسیه منتقل کرده است. آیا می‌توان این مسئله را به عنوان تغییر در قطب‌بندی بین‌المللی در آینده نزدیک دید؟ به عبارتی دیگر آیا ظهور چین و قدرت یابی این کشور موجب شده است تا آمریکا برای مهار این کشور تلاش کند؟ اینکه دولت آمریکا تمرکز خود را از خاورمیانه به آسیا منتقل کرده است